



فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار

سال هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۴۰۲

این نشریه حاصل فعالیت مشترک انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران و دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی است.

صاحب امتیاز:

انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران

مدیرمسئول:

دکتر سیدشمس‌الدین حسینی

سر دبیر:

دکتر محمدرضا فرزین

مدیر داخلی:

دکتر یاور دشت‌بانی

مدیر اجرایی:

حسین احمدی

ویراستار علمی و ادبی:

دکتر مهدی ریاضی و حسین احمدی

مترجم انگلیسی:

سید آبتین عنایت

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

این نشریه برابر پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۲۵۲۴ صادره از سوی معاونت مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارای مجوز نشر می باشد.

اعضای هیئت تحریریه

| | |
|----------------------------|-------------------------------------|
| دکتر سیدمحمد رضا سیدنورانی | استاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره) |
| دکتر مهدی غضنفری | استاد دانشگاه علم و صنعت ایران |
| دکتر علی امامی میبدی | استاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره) |
| دکتر محمدحسین کریم | استاد دانشگاه خوارزمی |
| دکتر سیدشمس‌الدین حسینی | دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره) |
| دکتر محمدرضا فرزین | دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره) |
| دکتر فتح‌الله تاری | دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره) |

همکاران علمی این شماره (داوران مقالات)

دکتر علی امامی میبدی، دکتر سیدمحمد رضا سیدنورانی، دکتر فتح‌اله تاری،
دکتر مینو کیانی راد، دکتر ابوالقاسم گل خندان، دکتر رضا قضاتی، دکتر اسماعیل حافظی،
دکتر احمد نوروزی، آقای هادی حق پرست.

راهنمای نگارش و ارسال مقالات

به اطلاع پژوهشگران گرامی می‌رساند مقاله‌های ارسالی به این فصلنامه باید از طریق سایت فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار به نشانی: <https://eghtesad.sndu.ac.ir> و با رعایت نکات زیر و آیین‌نامه پیشگیری از تقلب علمی تدوین گردد.

۱. اصول صفحه آرایی و نگارش مقاله

- مقاله در نرم‌افزار Word نسخه ۲۰۱۰ یا بالاتر سازماندهی شود.
- سایز صفحات به طول ۲۴/۵ و عرض ۱۷/۵ سانتی متر به همراه حاشیه ۳ سانتی متر از بالا و ۲/۵ سانتی متر از پایین و راست و چپ باشد و با کناره‌های ردیف شده (Justify) نوشته شود.
- برای تمام متون فارسی از قلم B Mitra و برای تمام متون انگلیسی (به جز فرمول‌های ریاضی) از قلم Time New Roman در مقاله استفاده شود. راهنمای نوع، اندازه و حالت قلم را از بخش راهنمایی نویسندگان سایت فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار بارگیری نمایید.
- مقاله حداقل در ۱۶ و حداکثر در ۲۶ صفحه با فاصله خطوط یک تایپ شود.
- در صفحات نباید از قاب یا حاشیه استفاده شود.
- فقط بین متن قبلی و تیتراژ یا زیر تیتراژ جدید فاصله وجود داشته باشد و جهت ایجاد فاصله از Add Space استفاده گردد.
- شیوه ارجاع درون متنی و منبع نویسی باید به شیوه APA باشد. راهنمای استفاده از روش استاندارد در منبع نویسی را از بخش راهنمایی نویسندگان سایت فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار بارگیری کنید.
- در داخل متن کلیه منابع باید به زبان فارسی نوشته شوند (حتی منابع انگلیسی). همچنین مطمئن شوید که منابع اشاره شده در متن در فهرست منابع و مأخذ نوشته شده باشند و برعکس.
- جداول، نمودارها، اشکال و روابط ریاضی هر یک باید به طور جداگانه و به ترتیب از ابتدا تا انتها شماره‌گذاری شوند.
- عناوین جداول در بالای آنها و عناوین نمودارها و اشکال در پایین آنها به صورت وسط چین نوشته شود. همچنین منبع دهی اشکال و نمودارها، پایین و وسط چین و منبع دهی جداول، پایین و راست چین نوشته شود.
- قبل از نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، دونقطه، علامت سؤال، علامت تعجب و ... نیازی به فاصله (space) نیست؛ اما بعد از این علائم باید یک فاصله گذاشته شود.

- هنگام استفاده از پرانتز قبل از باز شدن پرانتز و بعد از بسته شدن پرانتز از فاصله استفاده کنید، کلمه داخل پرانتز بدون فاصله به پرانتز می‌چسبد.
- برای نوشتن کلمات مرکب یا بعضی افعال و واژگان مشابه از نیم-فاصله استفاده شود. برای ایجاد نیم-فاصله در نرم-افزار Word می‌توانید از (2 + Shift + CTRL) یا (Shift + Space) یا (CTRL + -) استفاده کنید (بسته به نوع ویندوز یکی از موارد عمل می‌کند).
- به جای استفاده از علامت (%) در متن از کلمه درصد استفاده کنید. مانند: ۵ درصد.
- از به کار بردن (ه‌ی) و همزه (ۀ) در متن مقاله خودداری کنید.
- مقاله‌ها به لحاظ نگارش زبان فارسی روان و بی‌غلط نوشته شوند و توسط نویسندگان ویراستاری ادبی و علمی شوند.

۲. ساختار کلی تدوین مقاله

صفحه اول:

عنوان: عنوان مقاله باید دقیق، و تا حد امکان کوتاه و جالب باشد تا خواننده را به خواندن مقاله علاقه‌مند کند. همچنین ایده اصلی مقاله را نشان داده، و به طور خلاصه متغیرها، مسأله و رابطه بین آن‌ها را بیان نماید. تعداد کلمه‌های به کار رفته در عنوان بهتر است بین ۱۰ تا ۱۵ کلمه باشد.

چکیده مقاله به زبان فارسی: حداکثر ۲۵۰ کلمه باشد و در آن به هدف (در این قسمت اهمیت موضوع مطالعه و هدف اصلی آن آورده می‌شود و به اصطلاح لزوم انجام آن تحقیق به اختصار بیان می‌شود)، روش (در این قسمت روش انجام مطالعه به اختصار بیان می‌شود)، یافته‌ها (در این بخش یافته‌های اصلی مطالعه (معمولاً با ذکر معنی‌داری آماری) بیان می‌شوند) و نتیجه‌گیری (تفسیر و نتیجه‌گیری نهایی در مورد یافته‌های مطالعه در این بخش جای می‌گیرد) پرداخته شود.

واژگان کلیدی: اصطلاحات این بخش باید دقیقاً از متن چکیده استخراج شده باشند و به مفاهیم موضوعی اصلی اشاره کنند. تعداد کلیدواژه‌ها بهتر است بین ۳ تا ۵ اصطلاح باشد.

صفحه دوم:

عنوان و چکیده مقاله به زبان انگلیسی حداکثر ۲۵۰ کلمه و کلیدواژه‌ها بین ۳ تا ۵ اصطلاح باشد و همچنین برای ترجمه عنوان و چکیده مقاله به انگلیسی به ترجمه Google Translate اکتفا نکنید و واژگان تخصصی را به درستی ترجمه کنید.

صفحه سوم تا انتهای مقاله:

بدنه اصلی مقاله به صورت شماره گذاری شده و به ترتیب زیر باشد.

۱. مقدمه: در مقدمه به بیان مسأله، اهمیت موضوع و اهداف یا سوالهای پژوهش پرداخته شود. همه موارد بدون تیتیر در ادامه یکدیگر به صورت منسجم ارایه می شوند و به طور کلی در مقدمه باید بیان شود این پژوهش چیست و چرا انجام می شود.
۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش: در این بخش باید به زیربخش‌های اصلی ذیل اشاره شود.
 - ۱-۲. مبانی نظری پژوهش (ارائه نظریه‌ها، دیدگاه‌ها و رویکردهای موجود در مورد مسئله به همراه ارایه تعاریف ضروری و مرتبط به گونه‌ای که پشتیبانی کننده فرضیه‌ها و مدل مفهومی پژوهش باشد).
 - ۲-۲. پیشینه پژوهش (پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی در مورد مسئله).
 ۳. روش شناسی پژوهش: مدل، روش پژوهش، ابزار و روش گردآوری داده‌ها، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری، روایی و پایایی ابزار.
 ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش: در صورت وجود، ابتدا مشخصات جمعیت شناختی نمونه مورد بررسی و سپس نتایج تحلیل‌های آماری مدل و فرضیه‌های پژوهش گزارش شود.
 ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها: در این بخش یافته‌های اصلی پژوهش، مقابله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط و پیشنهادها، ارایه می شوند.
- منابع و مأخذ: منابع پایان متنی در دو بخش منابع فارسی و منابع لاتین و بدون شماره‌گذاری و به ترتیب حروف الفبا تنظیم گردد.

۳. نکات مهم

- نوع مقالاتی که برای چاپ ارسال می‌گردند باید محصول مطالعات و تحقیقات نویسندگان بوده و متضمن دست‌آوردهای علمی جدید باشد.
- مقاله‌های ارسالی نباید در مجله‌ها و یا کنفرانس‌های داخلی و خارجی چاپ و یا به صورت هم‌زمان ارسال شده باشند. بدیهی است عواقب عدم رعایت این موضوع متوجه نویسندگان خواهد بود.
- پس از ارسال مقاله امکان حذف، اضافه و یا تغییر ترتیب اسامی نویسندگان امکان پذیر نیست.
- لطفاً آیین‌نامه پیشگیری از سرقت و تقلب علمی را از اینجا بارگیری و به طور دقیق مطالعه فرمایید.
- در صورت عدم رعایت موارد ذکر شده در بخش راهنمای نویسندگان، مقاله پذیرفته نخواهد شد.
- مسئولیت آرا و نظریات ارائه شده در مقاله‌ها به عهده نویسندگان است و چاپ آن‌ها به معنی تأیید مطالب نیست.
- فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقاله‌های دریافتی آزاد است.

۴. فایل های مورد نیاز جهت ارسال مقاله

- در قسمت اضافه کردن فایل‌ها، باید فایل مشخصات نویسندگان، فایل اصل مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)، فایل نامه به سردبیر (تعهدنامه)، فایل تألیف و افشای تعارض منافع و فایل کپی‌رایت را انتخاب کرده و فایل‌های مربوطه را ارسال نمایید. (جهت رعایت معیارها و حفظ وحدت رویه، از بخش راهنمایی نویسندگان سایت فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار به نشانی: <https://eghtesad.sndu.ac.ir/journal/authors.note> فایل‌های مربوطه را بارگیری نمایید و اطلاعات را دقیقاً بر اساس آن تنظیم کنید).

- نویسندگان محترم گزارش PDF مشابَهت‌یابی را مستقیماً از سایت سمیم نور به نشانی: <https://www.samimnoor.ir/view/fa/default> دریافت و ارسال نمایند.

راه‌های ارتباط با نشریه

نشانی: تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی، بین خیابان شهید بهشتی و خیابان شهید مطهری، پلاک ۱۸۲، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران.

صندوق پستی: ۶۳۱۵-۱۵۷۸۵

تلفن: ۸۸۷۲۸۹۴۷

دورنگار: ۸۸۷۲۸۹۵۱

پست الکترونیکی فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار: defense_economics@sndu.ac.ir
پایگاه اینترنتی فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار: <http://eghtesad.journals.sndu.ac.ir/>

مقالات مندرج در فصلنامه لزوماً دیدگاه نشریه نبوده و نظر نویسنده یا نویسندگان می‌باشد.
نشریه در رد یا قبول و نیز ویرایش مقاله‌ها آزاد است

فهرست مطالب

آزمون تجربی رابطه غیرخطی بین مخارج نظامی و بیکاری ۹
ابوالقاسم گل‌خندان

نقش عوامل سیاسی در تعیین بودجه دفاعی با توجه به نقش تعاملی عوامل اقتصادی و
سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر در ج.ا. ایران ۲۹
مهدی ریاضی، اصغر صالح اصفهانی و حمیدرضا تابش

الگوی راهبردی دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی ۵۳
داوود نصرآبادی و سید مهدی موسویان

ظهور هند به عنوان قدرت بزرگ نوظهور در ایندو _ پاسیفیک و پیامدهای آن بر نظم جهانی
آمریکا ۸۳
محمد کرپوری و فخرالدین محمدی

بررسی اثرات تحریم‌های نفتی، مالی و بازرگانی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران با استفاده از
الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری ۱۱۷
داوود منظور و مجتبی سید حسین‌زاده یزدی

بررسی اثر انتشار رمز پول بانک مرکزی بر اقتصاد کلان ایران ۱۵۱
حمیدرضا افشار و امیرحسین آقای میبیدی

آزمون تجربی رابطه غیرخطی بین مخارج نظامی و بیکاری

ابوالقاسم گل خندان^۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

چکیده

ادبیات تجربی پیرامون رابطه مخارج نظامی و بیکاری، یافته‌های ناهمگن و متفاوتی را ارائه می‌دهد. گروهی از مطالعات نشان می‌دهند که مخارج نظامی می‌تواند به کاهش بیکاری کمک کند و در مقابل گروهی دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که مخارج نظامی، بیکاری را تشدید می‌کند. تحقیقات گروهی نیز نشان می‌دهد که هیچ ارتباطی بین مخارج نظامی و بیکاری وجود ندارد. بر این اساس، لی (۲۰۲۱) با به‌کارگیری یک مدل نظری شامل اثر سمت عرضه، اثر سمت تقاضا و اثر امنیتی ناشی از مخارج نظامی در قالب یک مدل درون‌زای تصادفی نشان می‌دهد که رابطه بین بار نظامی و بیکاری (اشتغال) غیرخطی است و به شکل U (معکوس) است. در این راستا هدف اصلی مقاله حاضر، آزمون تجربی این فرضیه در ۱۷۱ کشور جهان طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۲۰ می‌باشد. به این منظور با استفاده از ادبیات نظری و به‌کارگیری روش پانل آستانه‌ای، تأثیر بار نظامی بر نرخ بیکاری مدل‌سازی شده است.

نتایج نشان می‌دهد که تأثیر بار نظامی بر بیکاری، غیرخطی و به‌صورت رابطه U شکل می‌باشد. مقدار حد آستانه مخارج نظامی نیز حدود ۱/۶۱ درصد از GDP برآورد شده است. به‌عبارتی، تا قبل از حد آستانه، بار نظامی تأثیری منفی و معنی‌دار بر نرخ بیکاری داشته است؛ اما پس از عبور از این حد آستانه، بار نظامی تأثیری مثبت و معنی‌دار بر نرخ بیکاری دارد که تأییدکننده فرضیه لی (۲۰۲۱) می‌باشد.

واژگان کلیدی: بار نظامی، بیکاری، رابطه غیرخطی، حد آستانه.

^۱ دکترای اقتصاد بخش عمومی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. نویسنده مسئول.

۱. مقدمه

علی‌رغم آن‌که بخش عمده‌ای از ادبیات مطروحه در زمینه آثار مخارج نظامی بر متغیرهای کلان اقتصادی معطوف به رشد اقتصادی است، رابطه بین مخارج نظامی و اشتغال نیز طی دهه‌های اخیر به‌طور قابل‌توجهی مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا دیدگاه سنتی کینزی نشان می‌دهد که مخارج نظامی، تقاضای کل را تحریک می‌کند و به نوبه خود اشتغال را افزایش می‌دهد؛ زیرا نیروی کار قابل‌توجهی توسط بخش‌های مرتبط با دفاع جذب و استخدام می‌شوند. در مقابل، برخی از اقتصاددانان استدلال می‌کنند که مخارج نظامی سبب ازدحام و برون‌رانی سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود و چون این هزینه‌ها از نظر تحریک رشد اقتصادی، عقیم و ناکارآمد هستند؛ در نهایت منجر به کاهش اشتغال می‌شوند. علاوه بر این، پژوهشگرانی نظیر: پولین و گرت-پلتیر^۱ (۲۰۱۱) و گرت-پلتیر و پارتاساراتی^۲ (۲۰۱۲) اثرات اشتغال‌زای مخارج نظامی را در قیاس با مخارج عمومی جایگزین مخارج نظامی بررسی کردند و دریافتند که مخارج نظامی در مقایسه با مخارج جایگزین (به عنوان مثال، مخارج بهداشتی و آموزشی)، منبع ضعیفی برای ایجاد شغل است. در نهایت، مطالعاتی نظیر: دان و اسمیت^۳ (۱۹۹۰) و پین و راس^۴ (۱۹۹۲) نشان می‌دهند که هیچ ارتباطی بین مخارج نظامی و اشتغال وجود ندارد. بر این اساس می‌توان گفت که ادبیات تجربی در مورد مخارج نظامی و اشتغال، یافته‌های متفاوتی را ارائه می‌دهند.

در این راستا، لی^۵ (۲۰۲۱) در مقاله خود اقدام به ساخت یک مدل نظری برای بررسی مجدد یافته‌های تجربی در زمینه مخارج نظامی و بیکاری کرد. وی بیان می‌کند از آنجایی که اشتغال ارتباط نزدیکی با سطح تولید دارد و مخارج نظامی نیز بر سطح تولید تأثیر می‌گذارد، بنابراین مخارج نظامی نیز ممکن است بر اشتغال تأثیر بگذارند. لی (۲۰۲۱) برای توجیه این استدلال بر روی سه اثر سمت عرضه، سمت تقاضا و اثر امنیتی ناشی از مخارج نظامی، تأکید می‌کند. اثر جانبی عرضه به این معنی است که بخش نظامی انواع زیرساخت‌های عمومی (مانند سدها، شبکه‌های ارتباطی، جاده‌ها، فرودگاه‌ها، بزرگراه‌ها و دیگر شبکه‌های حمل‌ونقل) را فراهم می‌کند و در نتیجه به تولید خصوصی کمک می‌کند. در مقابل، اثر سمت تقاضا نشان می‌دهد که افزایش مخارج نظامی از طریق ضریب فزاینده (تکثیر) سطح تولید را افزایش می‌دهد. در نهایت، اثر امنیتی ناشی از مخارج نظامی با تسهیل ورود سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی جدید، ممکن است سطح تولید را افزایش دهد.

در نهایت، لی (۲۰۲۱) با به‌کارگیری یک مدل درون‌زای تصادفی نشان می‌دهد که رابطه بین بار نظامی و بیکاری (اشتغال) غیرخطی است و به شکل U (معکوس) است. در این راستا پژوهش حاضر می‌کوشد تا با استفاده از اطلاعات آماری ۱۷۱ کشور جهان طی سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۱ به آزمون تجربی این فرضیه بپردازد.

¹ Pollin & Garrett-Peltier

² Garrett-Peltier & Parthasarathi

³ Dunne & Smith

⁴ Payne & Ross

⁵ Lee

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲. مبانی نظری پژوهش

رابطه بین مخارج (هزینه‌های) نظامی (دفاعی) و بیکاری از زوایای گوناگونی قابل بررسی و بحث است. مخارج نظامی می‌تواند از طریق کانال «اثرات بهبود بهره‌وری»^۱، سطح بیکاری را تحت تأثیر قرار دهد. افزایش مخارج نظامی و توسعه این بخش می‌تواند با سرریز تکنولوژی از بخش نظامی به بخش غیرنظامی (خصوصی)، تأمین امنیت برای دارایی‌ها و ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی مانند حمل‌ونقل، بنادر، احداث پل و جاده‌ها (یا همان اثر بخشه‌سازی)^۲ که برای غیرنظامیان نیز مفید است، بهره‌وری نیروی کار را بهبود بخشد. با بهبود و ارتقاء بهره‌وری نیروی کار نیز تقاضا برای نیروی کار افزایش و نرخ بیکاری کاهش می‌یابد (ژانگ و همکاران^۳، ۲۰۱۵: ۶۱۰-۶۱۱).

در مقابل، تأمین مالی مخارج نظامی ممکن است که از طریق درآمدهای مالیاتی باشد. بنابراین بار مالیاتی ناشی از مخارج نظامی ممکن است، تقاضای نیروی کار توسط کارفرمایان و عرضه نیروی کار توسط کارگران را کاهش و در نتیجه بیکاری را افزایش دهد. از طرف دیگر، نرخ‌های بالاتر مالیاتی منجر به کاهش سوددهی سرمایه‌گذاری‌های خصوصی نیز می‌شود. بنابراین هر دو اثر دریافت مالیات برای تأمین مخارج نظامی می‌تواند منجر به افزایش بیکاری شوند که به آن «اثرات اعوجاج مالیات»^۴ می‌گویند. علاوه بر این، ممکن است در زمینه رابطه مخارج نظامی و بیکاری «اثرات تخصیص مجدد»^۵ نیز وجود داشته باشد. به‌عنوان مثال، انقباض و کوچک‌شدن بخش نظامی ممکن است حرکت نیروی کار را از بخش نظامی به بخش خصوصی القاء و تحریک کند. این تخصیص مجدد به‌آسانی امکان‌پذیر نیست و در نتیجه می‌تواند باعث ایجاد بیکاری اصطکاکی شود (فطرس و گل‌خندان، ۱۳۹۶).

همچنین با توجه به «اثر برون‌رانی»^۶، کمبود منابع و محدودیت بودجه در کشورهای درحال توسعه، افزایش مخارج نظامی، دولت‌های این کشورها را برای هزینه در بخش‌های سرمایه‌ای و زیربنایی و همچنین انواع مخارج سرمایه‌گذاری که موجب تحریک اشتغال می‌شود، با محدودیت مواجه خواهد کرد (دان و واتسون^۷، ۲۰۰۵). بر اساس توضیحات ذکر شده می‌توان گفت که با در نظر گرفتن اثرات مثبت و منفی، پیش‌بینی روشنی در مورد چگونگی اثرپذیری بیکاری نسبت به تغییرات هزینه‌های نظامی وجود ندارد (ژانگ و همکاران، ۲۰۱۵: ۶۱۱) و ممکن است که از ترکیب آثار مثبت و منفی مخارج نظامی بر بیکاری یک رابطه غیرخطی بین این دو به‌وجود آید.

¹ Productivity-Improving Effect

² Spin-Off

³ Zhong *et al.*

⁴ Tax Distortion Effects

⁵ Reallocation Effects

⁶ Crowding out Effect

⁷ Dunne & Watson

لی (۲۰۲۱) در مقاله خود با ارائه یک مدل نظری شامل سه اثر، اثر سمت عرضه، اثر سمت تقاضا و اثر امنیتی منتج شده از مخارج نظامی در قالب یک مدل درون‌زای تصادفی، اثر بار نظامی را بر اشتغال فرموله و بهینه‌سازی کرده است. در این مقاله لی (۲۰۲۱) نشان داده است که اگر میزان بار نظامی (یا همان سهم مخارج نظامی از GDP) از کشش مخارج نظامی در تابع تولید (که نشان می‌دهد یک درصد تغییر در مخارج نظامی با فرض ثبات سایر متغیرها، تولید را چند درصد تغییر می‌دهد) کمتر باشد، افزایش بار نظامی منجر به ارتقاء سطح اشتغال خواهد شد. در مقابل، زمانی که میزان بار نظامی از کشش مخارج نظامی در تابع تولید بیشتر باشد، افزایش بار نظامی باعث کاهش اشتغال می‌شود. از این رو، سطح بهینه‌ای از بار نظامی وجود دارد که اشتغال را به بیشترین مقدار خود می‌رساند.

در مدل ارائه شده توسط لی (۲۰۲۱)، دو کشور فرضی وجود دارد: کشور میزبان و کشور خارجی که در حالت روبروایی نظامی قرار دارند. هزینه‌های نظامی کشور میزبان، امنیت ملی را تأمین می‌کند و در نتیجه مطلوبیت آن را افزایش می‌دهد. مخارج نظامی کشور خارجی نیز به‌عنوان یک تهدید خارجی در نظر گرفته می‌شود و بنابراین باعث کاهش سطح مطلوبیت کشور میزبان می‌شود. فرض کنید عامل نماینده کشور میزبان دارای واحد زمانی است که می‌تواند به اوقات فراغت (I) و یا کار ($0 < I < 1$) اختصاص یابد. بنابراین رجحان کشور میزبان را می‌توان وابسته به مصرف آن (C)، اوقات فراغت (I)، مخارج نظامی داخلی (M) و هزینه نظامی خارجی (m^*) تعریف و به نوبه خود تابع مطلوبیت کشور میزبان را به‌صورت زیر مشخص کرد:

$$U(C, I, M, m^*) = \frac{1}{1 - \theta} (CI^\theta)^{1 - \theta} M^\lambda (m^*)^{-\lambda} \quad (1)$$

همچنین، فرض می‌شود که هزینه‌های نظامی خارجی از روند هندسی حرکت براونی به شرح زیر پیروی می‌کند:

$$dm^* = \xi m^* dt + m^* dv \quad (2)$$

که در رابطه فوق ξ نشان‌دهنده نرخ مورد انتظار آبی تغییر در هزینه‌های نظامی خارجی است. همچنین، عبارت تصادفی dv نشان‌دهنده شوک‌های مخارج نظامی خارجی است که یک متغیر تصادفی مستقل برخوردار از توزیع نرمال با میانگین صفر و واریانس $\sigma^2 v dt$ می‌باشد. جریان تولید، dY ، طی یک بازه زمانی معین (dt) از دو بخش تشکیل می‌شود:

نخست، بخش قطعی شامل میانگین نرخ تولید در هر واحد زمانی (Z) و دوم، بخش تصادفی که نشان‌دهنده اعضای تصادفی گوناگونی است که بر میزان تولید اثرگذار می‌باشند (kdu). بر این اساس جریان تولید به صورت زیر بیان می‌شود:

$$dY = Zdt + kdu \equiv a[(1 - I)\bar{k}]^\gamma M^a k^{1-a-\gamma} dt + kdu, \quad a, \gamma > 0 \text{ and } 0 < a + \gamma < 1 \quad (3)$$

بر اساس رابطه فوق، تولید، Z ، با استفاده از بهره‌وری نیروی کار، $(1 - I)\bar{k}$ ، مخارج نظامی، M و موجودی سرمایه شرکت نماینده، k ایجاد می‌شود. a یک پارامتر مثبت است که سطح فناوری را منعکس می‌کند و

کاهش هزینه‌های نظامی در تابع تولید است. متغیر \bar{k} میانگین موجودی سرمایه کل اقتصاد است و بنابراین $(1-l)\bar{k}$ ، کارایی فردی را اندازه‌گیری می‌کند. عبارت تصادفی du در رابطه بالا نشان‌دهنده شوک‌های جریان تولید می‌باشد و یک متغیر تصادفی مستقل با توزیع نرمال استاندارد با میانگین صفر و واریانس $\sigma^2_u dt$ است. بنابراین، فرض می‌کنیم که کوواریانس اجزاء تصادفی du و dv برابر با σ^2_{uv} است (لی، ۲۰۲۱: ۳). همچنین، فرض می‌شود که جریان هزینه‌های نظامی، dG ، به شرح رابطه زیر است:

$$dG = Mdt \quad (۴)$$

که در رابطه فوق، M مخارج نظامی در بازه‌ی زمانی dt را نشان می‌دهد. پارامتر h را می‌توان به‌عنوان شاخصی از بار دفاعی در نظر گرفت. افزایش h منجر به افزایش هزینه‌های نظامی در اقتصاد می‌شود. از این رو، داریم:

$$M = hZ, 0 < h < 1 \quad (۵)$$

معادله محدودیت بودجه برای کشور میزبان را می‌توان به‌صورت زیر نوشت:

$$dk = dY - dC - dG \quad (۶)$$

که در رابطه فوق، C معرف مصرف است که بر اساس رابطه $dC = Cdt$ شکل می‌گیرد. با جای‌گذاری در رابطه فوق، داریم:

$$\frac{dk}{k} = \left[(1-h)\Omega(l, h) - \frac{C}{k} \right] dt + du_k \quad \Omega(l, h) \equiv [ah^\alpha(1-l)^\gamma]^{\frac{1}{1-\alpha}} = \frac{Z}{k} \quad (۷)$$

بعد از تعیین تابع هدف و محدودیت‌های موجود و یک‌سری مفروضات دیگر^۱، لی (۲۰۲۱) با استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی پویای تصادفی، تأثیر بار دفاعی (h) بر سطح اشتغال را به صورت رابطه زیر به دست آورده است:

$$\frac{\partial(1-l)}{\partial h} = -\frac{\Delta_2}{\Delta_1} = -\frac{(a-h)\Omega(l, h)}{(1-a)h\Delta_1} \left[\frac{1-\theta}{\theta} + \frac{\gamma l}{\eta(1-a)(1-l)} \right] \begin{matrix} > \\ < \end{matrix} 0, \text{ if } h \begin{matrix} < \\ > \end{matrix} a \quad (۸)$$

که در رابطه فوق:

$$\Delta_1 = (1-h) \left[\frac{1}{\eta} - \frac{1-\theta}{\theta} \right] \Omega_1(l, h) + \eta^{-1} l \Omega_{11}(l, h) < 0 \quad (۹)$$

$$\Delta_2 = \frac{(a-h)\Omega(l, h)}{h(1-a)} \left[\frac{1-\theta}{\theta} + \frac{\gamma l}{\eta(1-a)(1-l)} \right] \quad (۱۰)$$

معادله رابطه (۸) استدلال می‌کند که اگر $h < a$ ارتباط مثبتی بین بار نظامی و اشتغال و اگر $h > a$ ارتباط منفی بین بار نظامی و اشتغال وجود دارد. در واقع، رابطه بین بار دفاعی و اشتغال، غیرخطی است. لی (۲۰۲۱: ۵) شهود اقتصادی این استدلال را بر اساس رابطه‌های ذکر شده در بالا به این صورت بیان می‌کند که افزایش بار نظامی سرمایه‌گذاری خصوصی را از طریق سه کانال تحت تأثیر قرار می‌دهد. اولین مورد، اثر

^۱ علاقه‌مندان به‌منظور اطلاع از جزئیات فرموله‌سازی و روابط موجود به مقاله لی (۲۰۲۱) مراجعه کنند که به‌دلیل صرفه‌جویی از ارائه آن خودداری شده است.

ازدحام (برون‌رانی یا جانشینی جبری) است که به موجب آن افزایش بار نظامی، هزینه‌های دولت را برای زیرساخت‌های اصلی کاهش می‌دهد و این اثر منجر به کاهش سطح سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود. دومین کانال، اثر بخشه سازی است که به موجب آن افزایش بار نظامی اثرات خارجی مثبتی برای تولید خصوصی دارد و در نتیجه سطح سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش می‌دهد. کانال سوم نیز، «اثر بسیج منابع»^۱ نام دارد که به موجب آن افزایش بار نظامی بر رفتار مصرف‌خصوصی حاکم خواهد بود. افزایش بار نظامی منجر به افزایش سطح مطلوبیت می‌شود و مصرف‌کننده نماینده تمایل دارد مصرف فعلی خود را کاهش دهد تا در آینده مطلوبیت بالاتری به دست آورد. از این رو، اثر بسیج منابع نشان می‌دهد که افزایش بار نظامی منجر به افزایش سرمایه‌گذاری فعلی می‌شود. اثر خالص (نهایی) افزایش بار نظامی بر سطح سرمایه‌گذاری خصوصی به بزرگی نسبی این سه کانال بستگی دارد. بدیهی است که افزایش بار نظامی در صورتی که باعث تحریک (کاهش) سرمایه‌گذاری خصوصی شود، سطح تولید را افزایش می‌دهد (کاهش می‌دهد). بنابراین، اگر افزایش بار دفاعی نظامی به افزایش (کاهش) در سطح تولید منجر شود، رابطه بین بار دفاعی و اشتغال مثبت (منفی) است.

علاوه بر این، شهود اقتصادی معادله (۸) را می‌توان به صورت زیر نیز بیان کرد. بار نظامی (h) از یک سمت از طریق اثر برون‌رانی سرمایه‌گذاری خصوصی، ناکارآمد است و از این رو منجر به کاهش اشتغال می‌شود. در مقابل، پارامتر a را می‌توان به‌عنوان اثر سمت عرضه منتج‌شده از مخارج نظامی در نظر گرفت. اثر مثبت طرف عرضه ممکن است به وجود سرریزهای فناوری مربوط باشد. اساساً، سرریزهای فناوری از پایگاه صنعتی دفاعی^۲ (DIB) می‌آیند و سپس این واقعیت که پارامتر a مثبت است به وجود DIB مربوط می‌شود. از این رو، a بزرگ‌تر، منجر به اثر جانبی عرضه بزرگ‌تر می‌شود و سطح تولید را افزایش می‌دهد. افزایش در سطح تولید نیز در نهایت منجر به افزایش اشتغال می‌شود. بنابراین، اگر $h < a$ باشد، تأثیر بار نظامی بر سطح اشتغال مثبت است. در مقابل، زمانی که $h > a$ باشد، اثرات بار نظامی بر اشتغال منفی است (لی، ۲۰۲۱: ۵). با مشتق گرفتن مجدد از رابطه (۸)، به‌منظور بررسی نوع بهینگی (شرایط ثانویه) می‌توان رابطه زیر استخراج کرد:

$$\frac{\partial^2(1-l)}{\partial h^2} = - \frac{[(h-a)^2 + a(1-a)](1-l) \left[\frac{1-\theta}{\theta} + \frac{\gamma l}{\eta(1-a)(1-l)} \right]}{h^2(1-h^2)\gamma \left[\left(\frac{1}{\eta} - \frac{1-\theta}{\theta} \right) + \frac{l(1-a-\gamma)}{\eta(1-a)(1-l)} \right]} \quad (11)$$

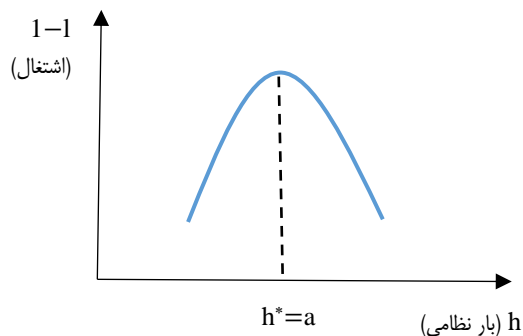
$$< 0$$

از نظر ریاضی، معادله (۱۱) نشان می‌دهد که مقدار بهینه (بحرانی) به‌دست‌آمده در رابطه (۸) از نوع ماکزیمم (بیشینه) است و رابطه بین بار نظامی (h) و اشتغال (1-l)، به شکل U معکوس است. از معادله (۸) و (۱۱)، مقدار بحرانی h که اشتغال را به حداکثر می‌رساند، برابر است با $h^* = \alpha$ که نشان می‌دهد برای دستیابی به سطح حداکثری اشتغال، باید بار نظامی بهینه با کشش تولید نسبت به مخارج نظامی داخلی برابر

¹ Resource Mobilization Effect

² Defense Industrial Base

باشد. اگر بار نظامی بیشتر از مقدار بار نظامی بهینه باشد، اشتغال با کاهش بار نظامی افزایش می‌یابد. در مقابل، اگر بار نظامی کمتر از مقدار بار نظامی بهینه باشد، اشتغال با افزایش بار نظامی افزایش می‌یابد. شکل شماره (۱) رابطه U معکوس بین بار نظامی و اشتغال را نشان می‌دهد. بدیهی است که بر این اساس رابطه بین بار نظامی و بیکاری به شکل U است.



شکل شماره (۱) رابطه بین بار نظامی و اشتغال
 مأخذ: لی (۲۰۲۱: ۶)

۲-۲. پیشینه پژوهش

اولین مطالعه در زمینه رابطه بیکاری و مخارج نظامی، به مطالعه اسمیت^۱ (۱۹۷۷) بر می‌گردد. وی با به‌کارگیری داده‌های آماری ۸ کشور مختلف به یک رابطه مثبت بین هزینه‌های نظامی و نرخ بیکاری دست یافت. بعد از این مطالعه، مطالعات تجربی گسترده‌ای سعی کردند تا رابطه بین این دو متغیر را مدل‌سازی کنند. مطالعات انجام شده در این زمینه حول دو موضوع اساسی بوده است. نخست شنا سایی نوع و شدت اثرگذاری مخارج نظامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت و دوم بررسی رابطه علیت بین این دو متغیر. در جدول شماره (۱) خلاصه‌ای از اهم مطالعات تجربی خارجی و داخلی در زمینه موضوع تحقیق ارائه شده است. بر اساس نتایج این جدول می‌توان گفت که نتایج تجربی به‌دست‌آمده در زمینه مخارج نظامی و بیکاری، ناهمگن و متفاوت بوده است. دلیل این موضوع را می‌توان در عوامل مختلفی از قبیل، نمونه و بازه زمانی مورد بررسی، نوع مدل‌سازی و روش برآورد و استفاده از شاخص‌های گوناگون برای متغیرها بیان کرد. همان‌طور که از بررسی پیشینه پژوهش می‌توان متوجه شد، تاکنون در هیچ مطالعه داخلی و خارجی به‌صورت تجربی به بررسی تأثیر غیرخطی هزینه‌های نظامی بر بیکاری و شنا سایی نوع شکل آن پرداخته نشده است. مطالعه حاضر می‌کوشد تا برای نخستین بار تأثیر غیرخطی (U شکل) بار نظامی بر نرخ بیکاری را مدل‌سازی و در بوته آزمون تجربی قرار دهد.

¹ Smith

جدول شماره (۱) خلاصه‌ای از اهم مطالعات تجربی خارجی و داخلی انجام شده در زمینه موضوع تحقیق

| نتیجه | روش برآورد مدل | مکان و دوره زمانی تحقیق | محقق (محققین) و سال تحقیق |
|--|---|--|---|
| مطالعات خارجی | | | |
| هیچ‌گونه رابطه علیتی بین هزینه‌های نظامی و بیکاری وجود ندارد. | علیت گرنجری در داده‌ی پانل | ۱۱ کشور OECD (۱۹۸۷-۱۹۴۷) | دان و اسمیت ^۱ (۱۹۹۰) |
| هزینه‌های دفاعی علیت گرنجری بیکاری در آمریکا است. | آزمون علیت گرنجری مبتنی بر مدل VAR | کشور آمریکا (۱۹۸۷-۱۹۷۳) | آبل ^۲ (۱۹۹۰) |
| کاهش هزینه‌های نظامی به نصف مقدار خود طی سال‌های ۱۹۹۲-۲۰۰۰، ممکن است منجر به کاهش معناداری در نرخ بیکاری و افزایش تولید شود. | شبیه‌سازی یک مدل اقتصاد کلان چندبخشی | کشور بریتانیا (۱۹۹۲-۲۰۰۰) | بارکر و همکاران ^۳ (۱۹۹۱) |
| مخارج دفاعی تأثیر مثبت و معناداری بر اشتغال داشته است. | مدل‌های برنامه ریزی ورودی- خروجی | کشور اندونزی (۱۹۸۰-۱۹۷۸) | وینگ ^۴ (۱۹۹۱) |
| هیچ رابطه علیتی بین هزینه‌های دفاعی و نرخ بیکاری وجود ندارد. | آزمون علیت گرنجری مبتنی بر مدل VAR | کشور آمریکا (۱۹۹۸-۱۹۶۰) | پین و راس ^۵ (۱۹۹۲) |
| رابطه علی بین هزینه‌های نظامی و غیرنظامی با بیکاری یکسان نیست. | آزمون علیت گرنجری مبتنی بر مدل VAR | ۱۸ کشور OECD (۱۹۸۸-۱۹۶۲) | پاتول ^۶ (۱۹۹۶) |
| سرانه قراردادهای تدارکاتی نظامی حقیقی دارای اثر مثبت بر رشد اشتغال می‌باشد. | OLS | ۵۰ ایالت کشور آمریکا (۱۹۹۴-۱۹۶۳) | هوکر و کنت ^۷ (۱۹۹۷) |
| هزینه‌های دفاعی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر منفی بر اشتغال داشته است. | ARDL | کشور ترکیه (۱۹۹۸-۱۹۵۰) | ییلدریم و سزگین ^۸ (۲۰۰۳) |

¹ Dunne & Smith

² Abell

³ Barker *et al.*

⁴ Wing

⁵ Payne & Ross

⁶ Paul

⁷ Hooker & Knetter

⁸ Yildirim & Sezgin

| نتیجه | روش برآورد مدل | مکان و دوره زمانی تحقیق | محقق (محققین) و سال تحقیق |
|--|--------------------------------------|--|--|
| مخارج نظامی تأثیر معناداری بر اشتغال نداشته است. | ARDL | ۹ کشور OECD (۲۰۰۲-۱۹۶۰) | دان و واتسون (۲۰۰۵) |
| تأثیر هزینه‌های دفاعی بر اشتغال بر بیکاری در کوتاه‌مدت و بلندمدت به ترتیب منفی و مثبت است. | ARDL | کشور تایوان (۲۰۰۲-۱۹۶۶) | هوانگ و کائو ^۱ (۲۰۰۵) |
| رابطه علیت از مخارج نظامی به بیکاری تنها برای کشورهای با درآمد متوسط و کم و کشورهای غیر OECD. تأیید و این رابطه در جهت عکس برای کل کشورهای نمونه رد می‌شود. | علیت گرنجری در داده‌ی پانل | ۴۶ کشور جهان (۲۰۰۴-۱۹۸۸) | تانگ و همکاران ^۲ (۲۰۰۹) |
| مخارج دفاعی و غیردفاعی، تأثیر منفی بر نرخ بیکاری دارند؛ اما از نظر جبری اثرگذاری مخارج غیردفاعی بزرگ‌تر است. | ARDL | کشور فرانسه (۲۰۰۸-۱۹۷۵) | مالیزارد ^۳ (۲۰۱۴) |
| نتایج جهت علیت بین کشورهای مختلف تا حدودی متفاوت است. در کشورهای کانادا، ژاپن و ایالات متحده رابطه علیت یک‌طرفه از سمت مخارج نظامی به بیکاری، در کشورهای فرانسه و آلمان رابطه علیت یک‌طرفه از سمت بیکاری به مخارج نظامی و در کشورهای ایتالیا و بریتانیا علیت دوطرفه بین بیکاری و مخارج نظامی تأیید می‌شود. | علیت گرنجری پانلی مبتنی بر بوت استرپ | کشورهای G7 (۲۰۱۲-۱۹۸۸) | ژانگ و همکاران (۲۰۱۵) |
| مخارج نظامی اثر مثبت بر بیکاری داشته است؛ اما تأثیر مخارج غیرنظامی بر بیکاری، منفی می‌باشد. | ARDL | کشور چین (۲۰۱۳-۱۹۹۱) | کیونگ و جانهوآ ^۴ (۲۰۱۵) |
| شواهد اندکی برای برقراری رابطه علیت از سمت هزینه‌های نظامی به بیکاری وجود دارد و این علیت برای کشورهایی که سهم قابل توجه‌تری از بودجه خود را به امور نظامی اختصاص می‌دهند، موضوعیت بیشتری دارد. | علیت گرنجری پانلی مبتنی بر بوت استرپ | کشورهای عضو اتحادیه اروپا (EU15) (۲۰۱۲-۱۹۹۱) | سانسو-ناوارو و ورا-کابلو ^۵ (۲۰۱۵) |
| هزینه‌های نظامی اثر منفی و معناداری بر نرخ بیکاری داشته است. | DOLS | کشورهای منتخب آسیای جنوبی (شامل: هند، نپال، پاکستان و سری لانکا) (۱۹۹۰-۲۰۱۳) | ازم و همکاران ^۶ (۲۰۱۶) |

¹ Huang & Kao

² Tang et al.

³ Malizard

⁴ Qiong & Junhua

⁵ Navarro & Cabello

⁶ Azam et al.

| نتیجه | روش برآورد مدل | مکان و دوره زمانی تحقیق | محقق (محققین) و سال تحقیق |
|--|---|---------------------------------------|--|
| تأثیر مخارج دفاعی بر بیکاری در کشورهای پرتغال و یونان، منفی، در کشور اسپانیا مثبت و در کشور ایتالیا بی‌معناست. به علاوه، تأثیر هزینه‌های غیردفاعی بر بیکاری ضعیف‌تر از هزینه‌های دفاعی است. | ARDL | کشورهای اروپای جنوبی (۱۹۶۰-۲۰۱۵) | میکائیل و استلیئوس ^۱ (۲۰۱۷) |
| جهت علیت بین بیکاری و مخارج نظامی به معیار اندازه‌گیری مخارج نظامی در مدل بستگی دارد. به علاوه، هزینه‌های نظامی تنها در کوتاه‌مدت، بیکاری را کاهش می‌دهد و در بلندمدت، بیکاری را تشدید می‌کند. | ARDL و علیت گرنجری تودا-یاماموتو ^۲ | کشور نیجریه (۱۹۸۴-۲۰۱۹) | رایفو و همکاران ^۳ (۲۰۲۲) |
| نتایج برآوردگر ARDL نشان می‌دهد که هزینه‌های نظامی، بیکاری را در بلندمدت کاهش می‌دهد؛ اما در کوتاه‌مدت بدون در نظر گرفتن شکست ساختاری، آن را تشدید می‌کند. بر اساس نتایج برآوردگر NARDL نیز، یک تغییر مثبت در هزینه‌های نظامی، بیکاری را افزایش می‌دهد؛ در حالی که یک تغییر منفی در هزینه‌های نظامی، بیکاری را به‌ویژه در بلندمدت کاهش می‌دهد. | ARDL و NARDL | کشور آفریقای جنوبی (۱۹۹۴-۲۰۱۹) | رایفو و آفولابی ^۴ (۲۰۲۳) |
| افزایش هزینه‌های نظامی به‌طور قابل‌توجهی بیکاری را در کوتاه‌مدت کاهش می‌دهد؛ با این حال، هیچ رابطه بلندمدت معناداری یافت نمی‌شود. | ARDL | کشور بنگلادش (۱۹۹۰-۲۰۱۸) | حنیف و همکاران ^۵ (۲۰۲۳) |
| مطالعات داخلی | | | |
| اثر کوتاه‌مدت و بلندمدت بار نظامی بر بیکاری، مثبت و این اثرگذاری برای بار غیرنظامی، منفی است. | PMG | کشورهای منتخب درحال توسعه (۱۹۹۵-۲۰۱۴) | فطرس و گل‌خندان (۱۳۹۶) |
| مخارج دفاعی در بلندمدت بر نرخ بیکاری اثر مثبت داشته است و یک رابطه علیت یک‌طرفه از مخارج دفاعی به نرخ بیکاری وجود دارد. | یوهانسن و علیت گرنجری تودا و یاماموتو | کشور بنگلادش (۱۳۷۵-۱۳۹۶) | گل‌خندان (۱۳۹۷) |

علائم اختصاری جدول: VAR: خودرگرسیون برداری، OLS: حداقل مربعات معمولی، ARDL: خودرگرسیون باوقه‌های توزیعی، DOLS: حداقل مربعات معمولی پویا، NARDL: ARDL غیرخطی، PMG: میانگین گروهی تلفیقی.

منبع: یافته‌های پژوهش

¹ Michael & Stelios

² Raifu et al.

³ Toda-Yamamoto

⁴ Raifu & Afolabi

⁵ Hanif et al.

۳. روش‌شناسی پژوهش

به منظور بررسی اثر غیرخطی بار نظامی بر نرخ بیکاری و به عبارتی دیگر، آزمون فرضیه لی (۲۰۲۱) (وجود رابطه U شکل بین بار نظامی و بیکاری) با الهام از مطالعات تجربی مالیزارد (۲۰۱۴)، کیونگ و جانهاوا (۲۰۱۵) و میکائیل و استلیئوس (۲۰۱۷) در زمینه رابطه مخارج نظامی و بیکاری، فرم تبعی مدل این پژوهش به شکل زیر تصریح شده است:

$$u_{it} = f(m_{it}, nm_{it}, g_{it}) + \epsilon_{it} \quad (۱۲)$$

که در رابطه فوق متغیرها به صورت زیر تعریف شده‌اند:

u : نرخ بیکاری (بر حسب درصد)؛

m : سهم مخارج نظامی دولت از GDP یا همان شاخص بار نظامی (بر حسب درصد)؛

nm : سهم مخارج غیرنظامی دولت از GDP یا همان شاخص بار غیرنظامی (بر حسب درصد)؛

g : نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۱۵ (بر حسب درصد)؛

ϵ : جزء خطای تصادفی.

همچنین، i به مقاطع (کشورهای مورد مطالعه، شامل ۱۷۱ کشور جهان) و t به بازه زمانی پژوهش (۲۰۰۰-۲۰۲۰) اشاره دارد. اطلاعات مربوط به داده‌های آماری متغیرهای بار نظامی و غیرنظامی از مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم^۱ (SIPRI) و سایر متغیرها از وب‌سایت شاخص‌های توسعه جهانی^۲ (WDI) متعلق به بانک جهانی جمع‌آوری شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش تمام کشورهای جهان می‌باشد که بر اساس شرط وجود اطلاعات و داده‌های آماری برای کلیه متغیرها طی بازه زمانی پژوهش، در نهایت ۱۷۱ کشور (شامل ایران) برای بررسی تجربی انتخاب شده‌اند.

در جدول شماره (۲) برخی از مهم‌ترین شاخص‌های آماری متغیرهای اصلی تحقیق ارائه شده است. بر اساس نتایج این جدول، میانگین نرخ بیکاری در کشورهای مورد مطالعه حدود ۷/۸۳۶ درصد بوده است که بیشترین مقدار آن با عدد ۳۷/۳۲۰ درصد متعلق به کشور مقدونیه شمالی و کمترین مقدار آن با عدد ۰/۱۰۱ درصد متعلق به کشور قطر بوده است. میانگین سهم مخارج نظامی دولت از GDP (یا همان بار نظامی) نیز حدود ۱/۹۹۷ درصد می‌باشد که بیشترین مقدار آن به کشور عربستان با چیزی در حدود ۱۳/۳۳۳ و کمترین مقدار آن متعلق به کشور هائیتی با عدد ۰/۰۶۱ درصد می‌باشد. همچنین بر اساس شاخص آماری انحراف معیار، میزان پراکندگی داده‌های متغیرهای اصلی تحقیق در سطح نسبتاً پایینی است. شاخص نرمالیتی و سطح احتمال آن نیز گویای آن است که هر دو متغیر اصلی این تحقیق یعنی نرخ بیکاری و بار نظامی از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند.

¹ Stockholm International Peace Research Institute

² World Development Indicators

جدول شماره (۲) شاخص‌های آماری متغیرهای اصلی تحقیق

| شاخص آماری | | | | | متغیر |
|-------------------|--------------|--------|---------|---------|------------|
| نرمالیتی (احتمال) | انحراف معیار | مینیمم | ماکزیمم | میانگین | |
| ۱۱۶/۷۹۳ (۰/۰۰۰) | ۵/۴۶۲ | ۰/۱۰۱ | ۳۷/۳۲۰ | ۷/۸۳۶ | نرخ بیکاری |
| ۴۶۷/۵۳۶ (۰/۰۰۰) | ۱/۴۴۵ | ۰/۰۶۱ | ۱۳/۳۳۳ | ۱/۹۹۷ | بار نظامی |

منبع: یافته‌های پژوهش

از آنجایی که فرضیه اصلی این پژوهش آزمون اثر غیرخطی بار نظامی بر نرخ بیکاری است، بنابراین فرم تبعی مدل این پژوهش در رابطه (۱۲)، به صورت یک مدل استاندارد پانل آستانه‌ای و به شکل رابطه زیر تصریح خواهد شد:

$$u_{it} = \beta_0 + \beta_1 nm_{it} + \beta_2 g_{it} + A(m_{it} \leq \vartheta) * \beta_3 m_{it} + A(m_{it} > \vartheta) * (\beta_4 + \beta_5 m_{it}) + \epsilon_{it} \quad (13)$$

$$\text{Where: } \begin{cases} A(m_{it} \leq \vartheta) = 1 & \text{if } m_{it} \leq \vartheta \\ A(m_{it} > \vartheta) = 1 & \text{if } m_{it} > \vartheta \end{cases}$$

در معادله فوق m_{it} متغیر آستانه‌ای مدل و ϑ ارزش (مقدار) حد آستانه‌ای درصد سهم مخارج نظامی از GDP است که لازم است مقدار آن به صورت تجربی برآورد شود. به این منظور، ارزش حد آستانه به پیروی از روش هانسن^۱ (۱۹۹۹) و با برآورد رابطه (۱۳) به‌ازای مقادیر مختلف آستانه m_{it} و حداقل نمودن مجموع مجذور خطاها به دست می‌آید. به عبارت دیگر، آن سطح از متغیر آستانه که متضمن کمترین میزان مجموع مجذور خطا است، آستانه بهینه است؛ که برای بررسی معناداری آن از روش بازنمونه‌گیری آهانسن (۱۹۹۹، ۲۰۰۰) استفاده می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

اولین گام پیش از برآورد مدل در داده‌های پانل (ترکیبی)، انجام آزمون مانایی (ریشه واحد) است. خلاصه نتایج آزمون مانایی ایم، پسران و شین^۳ (IPS) در جدول شماره (۳) گزارش شده است. بر اساس نتایج این جدول و سطوح احتمال فرضیه صفر که نشان‌دهنده نامانایی متغیر مورد بررسی می‌باشد، نتیجه می‌گیریم که کلیه متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در سطح، مانا می‌باشند. بنابراین نیازی به بررسی مانایی تفاضل متغیرها و انجام آزمون‌های هم‌انباشتگی نیست. بر این اساس بدون نگرانی از بروز رگرسیون کاذب می‌توان مدل را برآورد کرد.

¹ Hansen

² Bootstrapping

³ Im, Pesaran & Shin

جدول شماره (۳) نتایج آزمون مانایی پانلی IPS

| متغیر | آماره در سطح | سطح احتمال | درجه مانایی |
|-------|--------------|------------|-------------|
| u | -۱۴/۵۸۸*** | ۰/۰۰۰ | I(0) |
| m | -۶/۶۹۱** | ۰/۰۰۰ | I(0) |
| nm | -۵/۸۷۶*** | ۰/۰۰۰ | I(0) |
| g | -۹/۱۱۵*** | ۰/۰۰۰ | I(0) |

توجه: علائم *** و ** به ترتیب نشان‌دهنده معناداری در سطوح احتمال ۱ و ۵ درصد می‌باشند.

منبع: یافته‌های پژوهش

به‌منظور گزینش بین دو روش داده‌های پانل^۱ (ترکیبی) و تلفیقی^۲ (پولینگ) در برآورد مدل، از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون نشان‌دهنده آن است که هر یک از مقاطع عرض از مبدأهای یکسانی دارند (لزوم استفاده از داده‌های تلفیقی) و فرضیه مقابل اشاره به ناهمسانی عرض از مبدأهای هر یک از مقاطع دارد (لزوم استفاده از داده‌های پانل). نتایج آزمون F لیمر در قسمت «الف» جدول شماره (۴) نشان داده شده است. با توجه به سطح احتمال آزمون F لیمر، فرضیه صفر مبنی بر قابلیت برآورد داده‌ها به شیوه تلفیقی پذیرفته نمی‌شود و لازم است که مدل به‌روش داده‌های پانل (ترکیبی) برآورد شوند. روش پانل با استفاده از دو مدل اثرات ثابت^۳ (FE) و اثرات تصادفی^۴ (RE) و انتخاب نهایی بین این دو روش به‌وسیله آزمون هاسمن انجام می‌شود. فرضیه صفر این آزمون به استفاده از مدل اثرات تصادفی دلالت دارد. سطح احتمال آزمون هاسمن در قسمت «ب» جدول شماره (۴) نشان‌دهنده مناسب بودن مدل اثرات ثابت جهت برآورد مدل تحقیق است.

جدول شماره (۴) نتایج آزمون‌های F لیمر و هاسمن برای مدل تحقیق

| نام آزمون | مقدار آماره | سطح احتمال | نتیجه |
|-------------------|-------------|------------|--------------------------|
| الف. آزمون F لیمر | ***۱۵/۲۸۴ | ۰/۰۰۰ | استفاده از داده‌های پانل |
| ب. آزمون هاسمن | ***۴۱/۷۹۸ | ۰/۰۰۰ | استفاده از برآوردگر FE |

توجه: علامت *** نشان‌دهنده معناداری در سطح احتمال ۱ درصد و اعداد داخل پرانتز بیان‌گر سطح احتمال فرضیه صفر می‌باشند.

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۵) نتایج برآورد مدل پانل آستانه‌ای با اثرات ثابت را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این جدول کلیه ضرایب برآوردی در سطح اطمینان ۹۵ درصد از معناداری لازم برخوردارند (به‌جز ضریب متغیر سهم مخارج غیرنظامی از GDP). همچنین، مقدار ضریب تعیین مدل، حاکی از قدرت بالای توضیح‌دهندگی آن

¹ Panel Data

² Pooling Data

³ Fixed Effect

⁴ Random Effect

می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که حدود ۸۹ درصد تغییرات نرخ بیکاری (متغیر مستقل مدل) توسط متغیرهای توضیحی مدل، توضیح داده شده است. با توجه به آزمون‌های فرض کلاسیک ارائه‌شده در جدول شماره (۶) نیز، باقیمانده‌های مدل برآوردشده از توزیع نرمال برخوردارند و مدل برآوردشده فاقد مشکلات ناهمسانی واریانس، خودهمبستگی و خطای تصریح (فرم تبعی نامناسب) است. بر این اساس نتایج تجربی به‌دست‌آمده از قابلیت تحلیل و تفسیر لازم برخوردارند.

جدول شماره (۵) نتایج برآورد مدل پانل آستانه‌ای با اثرات ثابت

| متغیر | نماد | ضریب برآوردی | ارزش احتمال |
|--|-----------------------------|--------------|-------------|
| حد آستانه سهم مخارج نظامی از GDP (بار نظامی) | θ | ۰/۱۶۱۱*** | ۰/۰۰۰ |
| عرض از مبدأ در رژیم بار نظامی پایین | $C (m \leq \theta = 1.611)$ | ۰/۱۸۸*** | ۰/۰۰۰ |
| عرض از مبدأ در رژیم بار نظامی بالا | $C (m > \theta = 1.611)$ | ۰/۳۱۵*** | ۰/۰۰۰ |
| سهم مخارج نظامی از GDP در رژیم بار نظامی پایین | $m (m \leq \theta = 1.611)$ | -۰/۰۶۱۶*** | ۰/۰۰۰ |
| سهم مخارج نظامی از GDP در رژیم بار نظامی بالا | $m (m > \theta = 1.611)$ | ۰/۱۶۹۲*** | ۰/۰۰۰ |
| سهم مخارج غیرنظامی از GDP | nm | -۰/۳۶۵ | ۰/۲۹۹ |
| نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه | g | -۰/۰۱۱** | ۰/۰۱۴ |
| ضریب تعیین | R^2 | | ۰/۸۸۹ |

توجه: علائم *** و ** به ترتیب نشان‌دهنده معناداری در سطوح احتمال ۱ و ۵ درصد می‌باشند.

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۶) نتایج حاصل از آزمون‌های فرض کلاسیک مدل برآوردشده

| نام آزمون | آماره آزمون | مقدار آماره | ارزش احتمال | نتیجه |
|----------------|-------------|-------------|-------------|--|
| نرمالیتی | چارک-برا | ۰/۸۹۹ | ۰/۶۳۹ | تأیید فرضیه صفر مبنی بر توزیع نرمال باقیمانده‌ها |
| واریانس همسانی | بروش-پاگان | ۲/۶۵۱ | ۰/۱۲۶ | تأیید فرضیه صفر مبنی بر همسانی واریانس |
| همبستگی سریالی | بروش-گادفری | ۰/۲۲۵ | ۰/۶۴۱ | تأیید فرضیه صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی |
| فرم تبعی | رمزی | ۰/۳۴۲ | ۰/۷۱۵ | تأیید فرضیه صفر مبنی بر تصریح صحیح مدل |

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج تجربی ارائه‌شده در جدول شماره (۵):

حد آستانه‌ای سهم مخارج نظامی از GDP (بار نظامی) ۱/۶۱۱ درصد به دست‌آمده است. نتایج آزمون خطی بودن هانسن با روش بازنمونه‌گیری نیز معنی‌داری حد آستانه را تأیید می‌کند. مفهوم این حد آستانه آن است که در رژیم بار نظامی پایین، یعنی تا زمانی که سهم مخارج نظامی از GDP کمتر از ۱/۶۱۱ درصد باشد، افزایش بار نظامی، تأثیر منفی و معناداری بر بیکاری داشته است. اما در رژیم بار نظامی بالا، یعنی زمانی که سهم مخارج نظامی از GDP بیشتر از ۱/۶۱۱ درصد باشد، افزایش بار نظامی، منجر به افزایش بیکاری می‌شود. بر این اساس می‌توان یک رابطه به شکل U بین بار نظامی و بیکاری در کشورهای جهان در نظر گرفت. این

نتایج تأییدکننده فرضیه لیانگ (۲۰۲۱) مبنی بر وجود رابطه غیرخطی و U شکل بین بار نظامی و بیکاری است. همچنین، در مدل برآوردی، عرض از مبدأ در دو رژیم متفاوت از هم بوده است که نشان از تغییر رژیم بار نظامی دارد. در این راستا، نتایج مطالعات تجربی وینگ (۱۹۹۱)، هوانگ و کائو (۲۰۰۵)، مالیزارد (۲۰۱۴) و ازم و همکاران (۲۰۱۶)، تأثیر بلندمدت مخارج نظامی بر بیکاری را منفی و نتایج مطالعات تجربی کیونگ و جانپوا (۲۰۱۵)، میکائیل و استیلیئوس (۲۰۱۷) و گل خندان (۱۳۹۷)، تأثیر بلندمدت مخارج نظامی بر بیکاری را مثبت ارزیابی کرده‌اند. نتایج مطالعه حاضر ترکیبی از نتایج این دو گروه از مطالعات تجربی است. البته گروهی از مطالعات تجربی نظیر دان و اسمیت (۱۹۹۰)، دان و واتسون (۲۰۰۵) و حنیف و همکاران (۲۰۲۳) رابطه معناداری بین مخارج نظامی و بیکاری نیافته‌اند.

تأثیر بلندمدت سهم مخارج غیرنظامی از GDP (nm) بر نرخ بیکاری در کشورهای مورد مطالعه، منفی است؛ اما از معناداری آماری لازم برخوردار نیست. در مورد تأثیر مخارج غیرنظامی بر بیکاری دو دیدگاه کلی وجود دارد. بر اساس دیدگاه نخست انتظار بر آن است که افزایش اندازه دولت (بالاخص در کشورهای توسعه‌یافته)، ازدحام در بخش خصوصی و بالاخص سرمایه‌گذاری خصوصی را کاهش دهد. در نتیجه، رشد بهره‌وری و رقابت بین‌المللی کاهش و نرخ بیکاری افزایش یابد. این دیدگاه در ادبیات اقتصادی به منحنی آبرامز معروف است. در مقابل، دیدگاه دیگری وجود دارد که ادعا می‌کند چون در بسیاری از کشورها (بالاخص کشورهای درحال توسعه)، بخش قابل توجهی از استخدام نیروی انسانی در اختیار دولت می‌باشد. در واقع دولت در واکنش به نرخ بیکاری بالا، با استخدام بیشتر نیروی کار باعث افزایش مخارج غیرنظامی خود می‌شود. در عین حال می‌توان گفت به دلیل ضعیف بودن زیرساخت‌ها در کشورهای درحال توسعه، مخارج بیشتر دولت‌ها در این کشورها باعث تقویت شرایط کارآفرینی و اشتغال می‌شود. در واقع هر دو پدیده ذکرشده در کشورهای درحال توسعه، بسته به شرایط اتفاق می‌افتد و باعث به‌وجود آمدن رابطه منفی مخارج دولت بر نرخ بیکاری می‌شود (انصاری سامانی و خیل کردی، ۱۳۹۵). با توجه به این دیدگاه‌های متضاد و این موضوع که کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق، ناهمگن و دربرگیرنده هر دو گروه از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته می‌باشد، اثر بی‌معنای مخارج غیرنظامی بر بیکاری قابل توجیه است. در این راستا نتایج مطالعات تجربی مالیزارد (۲۰۱۴)، کیونگ و جانپوا (۲۰۱۵)، گل خندان (۱۳۹۷) و فطرس و گل خندان (۱۳۹۶) حاکی از تأثیر منفی و معنادار مخارج غیرنظامی بر نرخ بیکاری می‌باشد.

تأثیر بلندمدت نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (g) بر بیکاری، منفی و معنادار است. به‌گونه‌ای که با افزایش ۱ درصدی در نرخ رشد اقتصادی، نرخ بیکاری حدود ۱/۰۱۱ درصد کاهش خواهد یافت که این نتیجه به‌دست‌آمده بیانگر صدق قانون اوکان (به‌معنای تأثیر منفی رشد بر بیکاری) است. بدیهی است هرچه میزان تولید یک کشور بالاتر رود، نیاز استخدام نیروی کار، بیشتر شده و سطح اشتغال در آن کشور به اشتغال کامل نزدیک‌تر شده و بیکاری کاهش می‌یابد. نتیجه به‌دست‌آمده مبنی بر تأثیر منفی رشد اقتصادی بر نرخ بیکاری هم‌سو با نتایج مطالعات تجربی گسترده‌ای در این زمینه نظیر مالیزارد (۲۰۱۴)، کیونگ و جانپوا (۲۰۱۵)، ازم و همکاران (۲۰۱۶)، میکائیل و استیلیئوس (۲۰۱۷)، رایفو و آفولابی (۲۰۲۳)، گل خندان (۱۳۹۷) و فطرس و همکاران (۱۳۹۶) می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پیرامون دیدگاه‌های متضاد و نتایج تجربی ناهمگن در زمینه تأثیر مخارج نظامی بر بیکاری و همچنین پیرو مطالعه نظری لی (۲۰۲۱)، این مقاله به بررسی رابطه بار نظامی و نرخ بیکاری در ۱۷۱ کشور جهان طی دوره زمانی ۲۰۲۰-۲۰۰۰ و با تأکید بر فرضیه اثرگذاری غیرخطی پرداخته است. به این منظور از متغیرهای مخارج غیرنظامی و رشد اقتصادی به‌عنوان متغیر کنترل و جهت برآورد مدل تحقیق از روش پانل آستانه‌ای با اثرات ثابت استفاده شد.

نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که تأثیر بار نظامی بر بیکاری، غیرخطی و به‌صورت رابطه U شکل می‌باشد که تأییدکننده فرضیه لی (۲۰۲۱) در این زمینه است. مقدار حد آستانه بار نظامی نیز حدود ۱/۶۱۱ درصد از GDP برآورد شده است. بر این اساس می‌توان گفت تا قبل از حد آستانه، سهم مخارج نظامی از GDP تأثیری منفی و معنی‌دار بر نرخ بیکاری داشته است؛ اما پس از عبور از این حد آستانه، سهم رانت نفت از GDP تأثیری مثبت و معنی‌دار بر نرخ بیکاری در کشورهای مورد مطالعه دارد. این نتایج نشان می‌دهد که افزایش سهم مخارج نظامی از GDP تا یک سطح مشخص می‌تواند با تحریک تولید کل، اشتغال را افزایش دهد. در واقع، توسعه نظامی در مراحل اولیه ممکن است بهره‌وری نیروی کار را از شیوه‌های گوناگون مانند سرریز تکنولوژی از بخش نظامی به بخش غیرنظامی (خصوصی)، تأمین امنیت برای دارایی‌ها و ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی مانند حمل‌ونقل، بنادر، احداث پل و جاده‌ها (اثر بخشه‌سازی)، ارتقاء و تقاضا برای نیروی کار را افزایش دهد. اما از یک حد آستانه به بعد با توجه به اثر برون‌رانی، افزایش در مخارج نظامی به‌دلیل کمبود منابع و محدودیت بودجه، دولت را برای هزینه در بخش‌های سرمایه‌ای و زیربنایی و همچنین انواع مخارج سرمایه‌گذاری که موجب تحریک اشتغال می‌شود (مانند آموزش و بهداشت)، با محدودیت مواجه خواهد کرد و باعث کاهش اشتغال خواهد شد. بر اساس سایر نتایج، رشد اقتصادی، اثر منفی و معنادار بر بیکاری داشته که بیان‌گر برقراری قانون اوکان است. در مقابل، سهم مخارج نظامی از GDP اثر معناداری بر بیکاری در کشورهای مورد مطالعه نداشته است.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده مهم‌ترین توصیه سیاستی این تحقیق آن است که سیاست‌گذاران کشورهای مختلف، سطح بهینه هزینه‌های دفاعی را از بعد اقتصادی شناسایی کنند و از صرف هزینه‌های گسترده در این بخش اجتناب کنند. کشورهایی که سطح بار نظامی آن‌ها بالاست (بالاخص کشورهای واردکننده عمده تسلیحات و فاقد صنایع نظامی پیشرفته) بایستی به‌منظور افزایش اشتغال، مخارج و منابع را از این بخش به سایر بخش‌های محرک رشد اقتصادی انتقال دهند. همچنین کشورهایی که هنوز به سطح آستانه نرسیدند هزینه‌های نظامی خرج‌شده را صرف گسترش صنایع نظامی پیشرفته کنند و با نگرش جدید در روش‌های جاری تأمین نیروی انسانی و تدارکات نظامی و بومی‌سازی، زمینه ارتقای کارایی در این بخش و بهبود وضعیت اشتغال را فراهم کنند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- انصاری-سامانی، حبیب و خیل کردی، رباب (۱۳۹۵). تأثیر اندازه دولت بر بیکاری: بررسی منحنی آبرامز در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، فصلنامه *مدلسازی اقتصادسنجی*، دوره ۲، شماره ۱، ص ۱۱۳-۱۳۴.
- فطرس، محمدحسن و گل خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۶). تأثیر مخارج نظامی بر بیکاری در کشورهای منتخب در حال توسعه با استفاده از رهیافت میانگین گروهی تلفیقی، *تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران*، دوره ۵، شماره ۳، ص ۵۱-۶۹.
- گل خندان ابوالقاسم (۱۳۹۷). آزمون منحنی آبرامز در بخش دفاعی اقتصاد ایران، *مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)*، دوره ۱۸، شماره ۵ و ۶، ص ۸۳-۱۰۴.

منابع لاتین

- Abell, J.D. (1990). Defense spending and unemployment rates: an empirical analysis disaggregated by race. *Cambridge Journal of Economics*, 14(4), 405-419.
- Azam, M., Khan, F., Zaman, K. & Rasli, A.M (2016). Military expenditures and unemployment nexus for selected South Asian Countries. *Social Indicators Research*, 127(3), 1103-1117..
- Barker, T., Dunne, P. & Smith, R. (1991). Measuring the peace dividend in the United Kingdom. *Journal of Peace Research*, 28(4), 345-358.
- Chester, E. (1978). Military spending and capitalist stability. *Cambridge Journal of Economics*, 2(3), 293-298.
- Dunne, J.P. & Smith, R.P. (1990.) Military expenditure and unemployment in the OECD. *Defence Economics*, 1, 57-73.
- Dunne, P. & Watson, D. (2005). Manufacturing labor demand, technological progress and military expenditure. *Frontiers in Finance and Economics*, 2(1), 18-30.
- Garrett-Peltier, H. & Parthasarathi, P. (2012). Military spending and jobs in massachusetts. May. Political Economy Research Institute (PERI), University of Massachusetts.
- Hooker, M.A. & Knetter, M.M. (1997). The effects of military spending on economic activity: Evidence from state procurement spending. *Journal of Money, Credit, and Banking*, 400-421.
- Huang, J.T. & Kao, A.P. (2005). Does defense spending matter to employment in Taiwan? *Defense and Peace Economics*, 16(2), 101-115.

- Hanif, A., Uddin, M.S, Bakirtas, T. & Kader, S.A. (2023). Military expenditure and unemployment nexus in Bangladesh. *Revista Finanzas y Política Económica*, 16(2), 101-115.
- Hansen, B.E. (1999). Threshold effects in non-dynamic panels: Estimation, testing, and inference. *Journal of Econometrics*, 93(2), 345-368.
- Hansen, B.E. (2000). Sample splitting and threshold estimation. *Econometrica*, 68(3), 575-603.
- Lee, C.T. (2021). Military spending and employment. *Defence and Peace Economics*, 15(1), 157-184.
- Malizard, J. (2014). Defense spending and unemployment in France. *Defense and Peace Economics*, 25(6), 635-642.
- Michael, C. & Stelios, R. (2017). Defense spending and unemployment: Evidence from southern European countries. *Peace Economics, Peace Science and Public Policy*, 23(1).
- Paul, S. (1996). Defense spending and unemployment rates: an empirical analysis for the OECD. *Journal of Economic Studies*, 23(2), 44-54.
- Payne, J.E. & Ross, K. (1992). Defense spending and the macroeconomy. *Defence Economics*, 3(2), 161-168.
- Pollin, R. & Garrett-Peltier, H. (2011). The U.S. employment effects of military and domestic spending priorities: 2011 update. December. Department of Economics and Political Economy Research Institute (PERI), University of Massachusetts.
- Qiong, L. & Junhua, H. (2015). Military expenditure and unemployment in China. *Procedia Economics and Finance*, 30, 498-504.
- Raifu, I.A., Obijole, E.O. & Nnadozie, O.O. (2022). The role of institutional quality in military spending and unemployment nexus in Nigeria. *Journal Peace Economics, Peace Science and Public Policy*.
- Raifu, I.A & Afolabi, J.A. (2023). Military expenditure and unemployment in South Africa: Evidence from linear and nonlinear ARDL with and without structural break. *Economic Alternatives*, University of National and World Economy, Sofia, Bulgaria, issue 2, pages 321-343, June.
- Sanso-Navarro, M.S. & Vera-Cabello, M.V. (2015). The causal relationship between military spending and unemployment in the EU15. (January 15, 2015). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2550136> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2550136>
- Smith, R.P. (1977). Military expenditure and capitalism. *Cambridge Journal of Economics*, 1(1), 61-76.

- Tang, J.H., Lai, C.C. & Lin, E.S. (2009). Military expenditure and unemployment rates: Granger causality tests using global panel data. *Defense and Peace Economics*, 20(4), 253-267.
- Wing, M.M. (1991). Defense spending and employment in Indonesia. *Defense and Peace Economics*, 3(1), 83-92.
- Yildirim, J. & Sezgin, S. (2003). Military expenditure and employment in Turkey. *Defense and Peace Economics*, 14(2), 129-139.
- Zhong, M., Chang, T., Tang, D.P. & Wolde-Rufael, Y. (2015). The causal nexus between military spending and unemployment in the G7: a bootstrap panel causality test. *Defense and Peace Economics*, 26(6), 609-622.

نقش عوامل سیاسی در تعیین بودجه دفاعی با توجه به نقش تعاملی عوامل اقتصادی و سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر در ج.ا.ایران

مهدی ریاضی^۱

اصغر صالح اصفهانی^۲

حمیدرضا تابش^{۳*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی با توجه به نقش تعاملی عوامل اقتصادی و سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر در ج.ا.ایران می‌باشد. این پژوهش در زمره پژوهش‌های ترکیبی و از نوع اکتشافی بوده که در دو مرحله کیفی و کمی اجرا می‌گردد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه مدیران و کارشناسان فعال در حوزه اقتصادی و دفاعی می‌باشد. ابتدا نمونه تحقیق از نوع روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از نوع گزینشی انتخاب شد و در این بخش حدود ۱۷ نفر از خبرگان شرکت کردند. در مرحله دوم روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و در دسترس استفاده شد که در حدود ۳۸۵ نفر به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته و در کل ۳۲۰ پرسشنامه گردآوری شد.

نتایج نشان داد که عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر در سطح خطای کمتر از ۱ درصد معنادار می‌باشد و شدت تأثیر عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر برابر با ۰/۳۳۳ است. همچنین عوامل اقتصادی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر در سطح خطای کمتر از ۱ درصد معنادار می‌باشد و شدت تأثیر عوامل اقتصادی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر برابر با ۰/۵۳۸ است. درنهایت، عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی با نقش تعاملی عوامل اقتصادی در ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر در سطح خطای کمتر از ۱ درصد معنادار نمی‌باشد، بنابراین این رابطه تعاملی مورد تأیید نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: عوامل سیاسی، بودجه دفاعی، عوامل اقتصادی، سیاست‌های اتخاذی دولت، نقش تعاملی.

^۱ دکترای مدیریت تولید و عملیات، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی(ره)، تهران، ایران.
(kolahdoz93@gmail.com)

^۲ دانشیار گروه مدیریت راهبردی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
(saleh.a110@gmail.com)

^۳ کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی(ره)، تهران، ایران. نویسنده مسئول.
(hamdrezatabesh123@gmail.com)

۱. مقدمه

حضور نیروهای مسلح حرفه‌ای، مؤثر و کارا در یک کشور که قادر به حفظ آن کشور و مردمان آن در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی است، نیازمند مدیریت مالی محکم و استوار در زمینه دفاع است. نیروهای مسلح جهت نیل به اهداف خود به منابع مالی پایدار نیاز دارند و بدون تردید بودجه یکی از مهم‌ترین عوامل مورد توجه در این زمینه است که چنانچه به‌درستی پیش‌بینی و تخصیص یابد باعث پیشرفت و موفقیت سازمان‌های دفاعی و امنیتی خواهد شد (دشتبانی و ابراهیمی، ۱۳۹۸). بودجه‌بندی، ابزاری کارآمد برای مدیریت صحیح منابع محدود به شمار می‌آید. بنابراین، آگاهی مدیران و تصمیم‌گیرندگان از شیوه‌های نوین بودجه‌بندی و عوامل مؤثر بر بودجه ضمن اینکه به استفاده عقلایی از منابع و تخصیص بهینه آن منجر می‌شود، بستر مناسبی برای رشد بهره‌وری در سازمان فراهم می‌سازد و علاوه بر ارتقاء کارایی و اثربخشی، از اسراف و هدر رفتن منابع کمیاب عمومی جلوگیری نموده و توزیع عادلانه و مطلوب منابع ملی در تمامی بخش‌ها را به دنبال خواهد داشت (لطفی جلال‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین، حفظ توان نظامی نیروهای مسلح و ارتقای کارآمدی آن یک امر ضروری در نظامی اسلامی است که مستلزم تخصیص منابع و امکانات لازم و مدیریت مناسب بر این منابع است که بودجه نقش مهمی در این راستا ایفا می‌کند. طی سال‌های اخیر فشارهای فزاینده‌ای در زمینه نظارت مالی بر سازمان‌های دولتی در تمام کشورهای جهان به چشم می‌خورد. این فشارها ناشی از محدودیت منابع، افزایش حساسیت‌های جامعه و گرایش سیاستمداران در جلب رضایت مردم به‌منظور ارائه عملکرد مثبت در جهت کسب مقبولیت، مشروعیت و پاسخگویی در راستای بهبود مدیریت بر منابع مالی بوده است (حسن‌آبادی و نجار صراف، ۱۳۸۷).

بودجه دفاعی را نباید تنها از دید اثرات اقتصادی آن ارزیابی کرد بلکه به پیامدهای سیاسی نیز باید توجه داشته درحالی‌که با اطمینان می‌توان گفت که سطح مخارج دفاعی به عوامل اقتصادی بستگی دارد اما مشاهده صرف فرایند بودجه‌ای از دید اقتصادی، سبب نادیده گرفتن محدودیت‌هایی می‌شود که مسائل داخلی بر تصمیم‌گیرندگان دفاعی وضع می‌کند. از این‌رو، عوامل سیاسی، مجموعه دیگری از متغیرهایی است که برای توضیح عوامل تعیین‌کننده بودجه دفاعی استفاده می‌شود (بالا^۱، ۲۰۰۰).

متغیرهای سیاسی از قبیل ساختار دولت دموکراسی (دو/چندحزبی، سلطنتی و دیکتاتوری نظامی) یا ایدئولوژی حکمرانی نخبگان (سوسیالیست، محافظه‌کار، لیبرال، کمونیست و غیره) نیز احتمالاً از عوامل مهم تعیین‌کننده بودجه دفاعی است. در واقع، برخی از پژوهش‌های نظری بر اهمیت شناسایی ویژگی‌های خاص هر دموکراسی تأکید کرده‌اند. پیش‌بینی پرسون و همکاران^۲ (۲۰۰۰) حاکی از این است که در دموکراسی‌های ریاست جمهوری با سیستم انتخاب جمعی، کالاهای عمومی کم‌تر ارائه می‌شوند از این‌رو، چنین فرض می‌شود که بین دموکراسی‌های ریاست جمهوری و مخارج نظامی، رابطه منفی وجود دارد. با این حال، توجه شود که مخارج

¹ Balla

² Persson et al

نظامی نمی‌تواند یک کالای عمومی برای مردم باشد اما برای طبقه حاکم یک کالای خصوصی است (بیزلی و پرسون^۱، ۲۰۱۰).

عوامل اقتصادی و سیاسی متفاوتی می‌توانند بر تقاضای هزینه دفاعی تأثیرگذار باشند. در کشورهای دارای درآمد نفتی، یکی از عوامل اقتصادی مؤثر بر هزینه دفاعی می‌تواند اندازه درآمدهای نفتی باشد که به‌عنوان منبع مالی برای هزینه نظامی در این کشورها به شمار می‌رود. همچنین، نوع رژیم حاکم بر یک کشور می‌تواند از عوامل اصلی تعیین‌کننده مخارج دفاعی در آن کشور قلمداد شود. موجی از پژوهش‌ها به‌منظور توضیح بودجه نظامی بر سه متغیر تمرکز کرده‌اند: متغیرهای اقتصادی - اجتماعی، استراتژیک و سیاسی (دان و پرلو-فریمن، ۲۰۰۳؛ دان و همکاران، ۲۰۰۸؛ گادیا و همکاران^۲، ۲۰۰۴؛ یلدریم و سزجین^۳، ۲۰۰۵؛ نیکولاس^۴، ۲۰۰۸). شیخ و همکاران (۲۰۱۷)؛ دادلی و همکاران^۵ (۲۰۱۸)؛ گراسیا و همکاران (۲۰۱۸) بیان کردند که اثر جهانی هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی را بررسی و تحلیل نمودند. دسلی و گولکوستیکا (۲۰۲۰) بیان کردند که اثر جهانی هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصادی بخاطر جنگ سرد منفی می‌باشد. روش شناسی‌های به کار رفته در این پژوهش‌ها متفاوت است. از این‌رو، برای مثال، دان و پرلو-فریمن^۶ (۲۰۰۳) از تحلیل داده ترکیبی ایستا و پویا، دان و پرلو-فریمن (۲۰۰۳) از داده‌های بین‌کشورها، دان و همکاران (۲۰۰۸) از رگرسیون داده‌های ترکیبی و کالبر و هوفلر^۷ (۲۰۰۷) از تحلیل رگرسیون داده‌های تلفیقی استفاده می‌کنند.

هر چند نتایج این پژوهش‌ها تا حد زیادی مشابه است اما تعدادی از اختلافات ارزش بیان کردن را دارد. با توجه به این‌که در تمامی کشورها و همچنین ج.ا. ایران، مخارج دفاعی نیروهای مسلح عمدتاً از محل بودجه مصوب آن‌ها تأمین می‌شود، بررسی عوامل مؤثر بر بودجه دفاعی به‌منظور شناخت دقیق عوامل تعیین‌کننده آن و تبیین این موضوع که چرا چنین حجم قابل‌ملاحظه‌ای از منابع محدود ملی به بخش دفاع اختصاص داده می‌شود، ضروری است. با بررسی مطالعات انجام شده، مشخص می‌شود یکی از خلأهای تحقیقاتی موجود در زمینه هزینه نظامی و بودجه دفاعی در ایران، استفاده از متغیرهای کلان اقتصادی هم‌زمان با متغیرهای سیاسی و بررسی تأثیر آن‌ها بر میزان بودجه دفاعی با استفاده از روش‌های تحلیل کاربردی است. بروز بحران‌های پولی و مالی و نوسانات اقتصادی پیش‌بینی‌نشده، تغییرات سیاسی و بروز تحولات استراتژیک مانند جنگ و مناقشات منطقه‌ای عواملی هستند که می‌توانند بر عملکرد بودجه‌ای کشور در بخش نظامی تأثیرگذار باشند. در این راستا با تمرکز بر سیاست‌های دولت مستقر و همچنین موانعی که بر سر اقتصاد کشور اعم از تحریم‌های ناجوانمردانه، وجود بیماری کرونا و لایحه‌های پول‌شویی که وجود دارد تصمیم بر آن گرفته شد که هدف اصلی پژوهش

¹ Besley & Persson

² Gadea et al.

³ Yildirim and Sezgin

⁴ Nikolaidou

⁵ Dudle et al

⁶ Dunne & Perlo-Freeman

⁷ Collier and Hoeflner

تعیین نقش عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی با نقش تعاملی عوامل اقتصادی در ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر تعریف گردد که در راستای آن سوالات زیر مطرح گردید:

- تأثیر عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر چگونه است؟
- تأثیر عوامل اقتصادی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر چگونه است؟
- تأثیر عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی با نقش تعاملی عوامل اقتصادی در ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر چگونه است؟

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲. مبانی نظری پژوهش

در تحقیقات گذشته که بررسی شده‌اند، به بررسی تأثیر هزینه‌های نظامی و بودجه دفاعی بر رشد اقتصادی و بدهی‌های خارجی کشورها پرداخته شده است. همچنین در برخی تحقیقات، عوامل تعیین‌کننده مخارج دفاعی و تأثیر آن‌ها بر قدرت دفاعی بررسی شده است. اما در تحقیق حاضر، به بررسی نقش عوامل سیاسی و تعامل آن با عوامل اقتصادی بر بودجه دفاعی در ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر پرداخته شده است. به عبارت دیگر، تحقیق حاضر به بررسی تعامل بین عوامل سیاسی و اقتصادی در تعیین بودجه دفاعی در ج.ا.ایران، با تمرکز بر سیاست‌های دولت مستقر می‌پردازد. در نتیجه، تحقیق حاضر تفاوتی با تحقیقات گذشته دارد و به مسائل متفاوتی می‌پردازد. تفاوت اصلی تحقیق حاضر با تحقیقات گذشته در بررسی نقش عوامل سیاسی و تعامل آن با عوامل اقتصادی در تعیین بودجه دفاعی در ج.ا.ایران با تمرکز بر سیاست‌های دولت مستقر است؛ در حالی که تحقیقات گذشته بیشتر به بررسی تأثیر هزینه‌های نظامی و بودجه دفاعی بر رشد اقتصادی و بدهی‌های خارجی کشورها پرداخته‌اند. همچنین در تحقیقات گذشته، برخی عوامل تعیین‌کننده مخارج دفاعی و تأثیر آن‌ها بر قدرت دفاعی بررسی شده است، در حالی که در تحقیق حاضر به بررسی تعامل بین عوامل سیاسی و اقتصادی در تعیین بودجه دفاعی و نقش سیاست‌های دولت مستقر در این تعامل پرداخته شده است. اما در برخی موارد، موضوعاتی که در تحقیقات گذشته مورد بررسی قرار گرفته‌اند، با موضوعات مورد بررسی در تحقیق حاضر شباهت داشته باشند. به عنوان مثال، در برخی تحقیقات گذشته نیز به بررسی تأثیر سیاست‌های دولتی بر بودجه دفاعی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی پرداخته شده است. بنابراین، تحقیق حاضر با تحقیقات گذشته در برخی جنبه‌ها تفاوت می‌کند و در برخی دیگر شباهت دارد، اما تمرکز و محوریت آن در بررسی تعامل عوامل سیاسی و اقتصادی در تعیین بودجه دفاعی در ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های دولت مستقر است که در تحقیقات گذشته به این اندازه مورد توجه قرار نگرفته بود. همچنین، روش‌های آماری و تحلیلی مورد استفاده و متغیرهای مورد بررسی نیز ممکن است در تحقیقات گذشته با تحقیق حاضر متفاوت باشد.

۲-۱-۱. عوامل تعیین کننده مخارج نظامی

درک عوامل تعیین کننده مخارج نظامی، به‌ویژه به دلیل نقشی که مخارج نظامی در شرایط پس از تضاد ایفا می‌کند، ضروری است. مخارج نظامی باید به‌عنوان یک عامل بازدارنده بر روی طرف‌های درگیر جنگ بررسی شود و از این‌رو، مخارج مزبور یک کالای عمومی منطقه‌ای است (آلبلیت و همکاران، ۲۰۱۲). نظریه‌ها و رویکردهای رقیب متعددی برای توضیح محرک‌های مخارج دفاعی وجود دارد. با این حال، اکثر تحلیل‌گران به یکی از چهار رویکرد کلی زیر تکیه کرده‌اند: ۱- رویکرد رقابت تسلیحاتی، ۲- رویکرد تفاضلی، ۳- رویکرد انتخاب عمومی و ۴- رویکرد اقتصادی - سیاسی. با این حال، اغلب پژوهش‌های تجربی، روی رویکردهای رقابت تسلیحاتی و رویکرد اقتصادی - سیاسی متمرکز شده‌اند. هزینه نظامی بر رشد اقتصاد یک کشور از دو جهت تأثیر می‌گذارد: اثر سمت تقاضا و اثر سمت عرضه (رحمان و صدیقی، ۲۰۱۹). تأثیر سمت تقاضا نشان می‌دهد که هزینه نظامی تقاضای تجمعی را افزایش می‌دهد که نرخ اشتغال و روند اقتصاد را تحریک می‌کند. درحالی‌که از دیدگاه سمت عرضه، هزینه نظامی اثرات پیچیده‌ای بر اقتصاد خواهد داشت. بخصوص از یک طرف و براساس نظریه هزینه فرصت، اگر هزینه نظامی در یک سهم بزرگ بودجه دولت باشد، سپس بخاطر منابع محدود باعث از میان بردن سرمایه و سرمایه‌گذاری از فعالیت‌های اقتصاد غیرنظامی می‌شود. بعلاوه یک افزایش در این هزینه‌ها باعث انحراف اعتبار داخلی از تولید غیرنظامی می‌شود و هزینه‌ی این اعتبارها را برای بخش خصوصی بالا می‌برد. در نتیجه، رشد اقتصادی ممکن است بدتر شود (بی‌نوت، ۱۹۷۸). از طرفی دیگر، اثر سمت عرضه بهبود زیرسازي و اثرات مصرف مرتبط را نشان می‌دهد که از میان آن‌ها هزینه نظامی ممکن است به طور غیرمستقیم به توسعه اقتصاد و ابداعات تکنولوژیکی توسط زیرسازي‌های عمومی کمک کند، مثل جاده‌ها، پل‌ها، خطوط راه‌آهن، فرودگاه‌ها، کانال‌ها و سدها و غیره. این پروژه‌ها به خصوص در کشورهای کمتر توسعه یافته و مناطق دورافتاده که دولت‌های غیرنظامی منابع کمتر و انگیزه کمتری برای سرمایه‌گذاری دارند، مفید است. اگرچه کالاهای نظامی تولید شده با هزینه‌های دفاع بطور اصلی بی‌حاصل هستند که دلالت بر این دارد که هزینه‌های دفاع باعث القای تقاضای بیشتر از عرضه و تورم می‌شود (کروگمن، ۲۰۰۵).

با توجه به اینکه بودجه دفاعی از هزینه‌هایی است که در رده‌های بودجه بااهمیت است، و از طرفی عوامل سیاسی در تعیین میزان این بودجه نقش دارد همچنین برای مشخص کردن این بودجه نیازمند اقتصادی پویا می‌باشیم. لذا عوامل سیاسی مانند سیاست‌های دفاعی، تغییرات سیاسی و روابط بین‌المللی می‌توانند تأثیر زیادی بر تخصیص منابع به بودجه دفاعی داشته باشند همچنین عوامل اقتصادی نیز از جمله رشد اقتصادی، تورم و نرخ بیکاری می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر بودجه دفاعی تأثیر بگذارند که در ادامه به تشریح این دو عامل اساسی پرداخته می‌شود.

عوامل سیاسی: به عواملی اشاره دارند که مرتبط با فرآیندها و رویدادهای سیاسی در یک جامعه یا کشور هستند. این عوامل می‌توانند شامل مجموعه‌ای از قوانین، سیاست‌ها، مؤسسات، ارتباطات سیاسی، نهادها و عوامل دیگری باشند که در فرایندهای سیاسی تأثیرگذارند. عوامل سیاسی می‌توانند به نوعی قدرت، تصمیم‌گیری‌ها، روابط بین‌المللی، سیاست‌های داخلی و خارجی، نظام سیاسی و ساختارهای حکومتی، حقوق و

قوانین، نهادها و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی و دیگر عوامل مرتبط با مسائل سیاسی را شامل شوند. در تحقیقات مرتبط با بودجه دفاعی و تعامل آن با عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی ممکن است شامل سیاست‌های دفاعی، استراتژی‌های نظامی، تصمیمات سیاسی درباره بودجه و سرمایه‌گذاری در نیروهای نظامی، نهادهای نظامی و سیاسی مرتبط و دیگر عواملی باشند که به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم بر بودجه دفاعی و روند تعامل آن با عوامل اقتصادی تأثیر می‌گذارند. عوامل سیاسی در مطالعه و تحلیل مسائل سیاسی و اقتصادی به عواملی اشاره دارند که تأثیر قابل توجهی در سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های سیاسی دارند. این عوامل می‌توانند به شکلی متنوع و گسترده ظاهر شوند و از تصمیم‌گیری‌های سیاسی، قوانین و مقررات نهادها و سازمان‌ها، ساختارهای حکومتی، روابط بین‌المللی، توانمندی‌های نظامی و امنیتی، نهادهای اقتصادی و تجاری، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و دیگر عواملی که در روند سیاسی و اقتصادی جامعه تأثیرگذار هستند، تشکیل شوند در مورد تحقیق خاص در مورد تعیین نقش عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی با تأکید بر تعامل آن با عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

(الف) سیاست‌های دفاعی: تصمیمات سیاسی مربوط به تعیین سیاست‌های دفاعی کشور، شامل سطوح و اولویت‌های بودجه دفاعی، سیاست‌های تسلیحاتی، استراتژی‌های نظامی و سیاست‌های امنیتی.

(ب) نهادهای نظامی: ساختارها و نهادهایی که مرتبط با نیروهای نظامی و دفاع کشور هستند، شامل نیروهای مسلح، وزارت دفاع، نهادهای اجرایی و سازمان‌های نظامی.

(ج) تصمیمات سیاسی درباره بودجه: تخصیص منابع مالی به بودجه دفاعی، تعیین سطح و ساختار بودجه، تصمیمات درباره رشد بودجه و سرمایه‌گذاری در نیروهای نظامی.

(د) سیاست‌های خارجی: روابط بین‌المللی و سیاست‌های خارجی کشور، اعم از تعامل با کشورهای همسایه و سایر کشورها، قراردادهای و تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به امنیت و دفاع، و تأثیر آنها بر بودجه دفاعی

(ه) قوانین و مقررات: قوانین و مقررات سیاسی و حقوقی که تأثیری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی دارند، مانند قوانین مربوط به تعیین و تخصیص بودجه.

(و) نظام سیاسی: ساختار و نظام سیاسی کشور، شامل نوع حکومت، نهادها و نظام حاکمیت، نهادهای مربوط به تصمیم‌گیری‌های سیاسی و نقش آنها در تعیین سیاست‌ها و بودجه.

در کل، عوامل سیاسی در تحلیل نقش و تأثیر بودجه دفاعی و تعامل آن با عوامل اقتصادی، شامل تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌ها، نهادها و ساختارهای مرتبط با فرآیندهای سیاسی و سیاست‌گذاری مرتبط با دفاع و امنیت کشور هستند. این عوامل به طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیری بر بودجه دفاعی و تعامل آن با عوامل اقتصادی می‌گذارند.

عوامل اقتصادی: در اقتصاد کلان متغیرهای گوناگونی وجود دارند که تعدادی از آنها از اهمیت زیادی برخوردارند. همچون درآمد (محصول) ملی، سطح عمومی قیمت‌ها، سطح عمومی اشتغال و بیکاری، نرخ بهره، تراز پرداخت‌ها و نرخ ارز و مانند این‌ها خواهد پرداخت. درآمد ملی، محصول ملی و تولید ملی به‌طور عام، کل

تولیدات یک کشور را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر حسابهای ملی برآورد منظمی از محصول ناخالص ملی را ارائه می‌کنند که موجب سنجش عملکرد اقتصاد کشور در تولید کالاها و خدمات می‌شوند.

۲-۲. پیشینه پژوهش

در جدول شماره (۱)، خلاصه تحقیقات صورت پذیرفته ارائه شده است.

جدول شماره (۱) خلاصه تحقیقات انجام شده

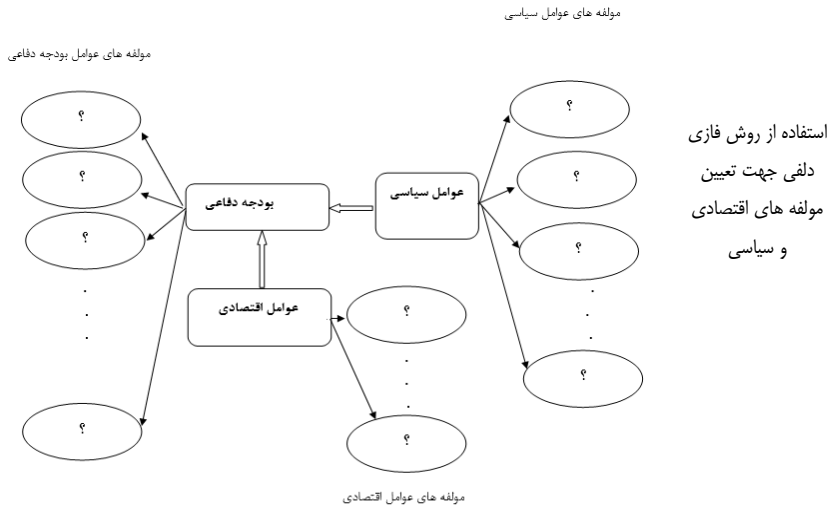
| نویسنده | سال | عنوان | نتایج |
|--------------------|------|--|---|
| دسلی و گکولکوستیکا | ۲۰۲۰ | هزینه‌های نظامی و رشد اقتصادی: بررسی داده‌های پانل | روی هم رفته، اثر جهانی هزینه‌های نظامی بر رشد اقتصاد و در طول دوره‌ی ۲۰۱۷-۱۹۶۰ بنظر بخاطر جنگ سرد منفی می‌آید و مخصوصا برای کشورهای ناتو آشکار است. اگرچه در سطح کشور-مشخص، بعضی اقتصادها بطور مداوم از هزینه نظامی که در دوره‌های مختلف، متفاوت است یا بهره می‌برند و یا رنج می‌کشند |
| سو و همکاران | ۲۰۱۸ | علل پویا بین هزینه‌های دفاع و رشد اقتصادی در چین: شواهد حاصل از آزمون علیت | وجود یک رابطه دو طرفه مثبت علیتی بین GDP و هزینه‌های نظامی در مقالاتشان را نشان دادند که اتکالی متقابل را بین متغیرها و چین پیشنهاد می‌کند. |
| گراسیا و همکاران | ۲۰۱۸ | اثرات تخصیص بودجه دفاع اسپانیا و آژانس‌های مستقل آن | نتایج نشان دادند که فعالیت در بخش نظامی و فعالیت در آژانس‌ها، ۱/۲ درصد از GDP کشور و ۱/۷ درصد از کل اشتغال در سال ۲۰۲۰ را تولید کردند. |
| دادی و همکاران | ۲۰۱۸ | آیا هزینه‌های نظامی رشد را تحریک می‌کند؟ یک تحقیق تجربی در ایتالیا | نتایج نشان دادند که یک بار نظامی وجود دارد که بر GDP تأثیر می‌گذارد که بازدهی و بشردوستی ماموریت‌های "حافظ صلح" را ارتقا می‌دهد که باعث ناامنی از تهدیدهای خارجی و تضمین سرمایه‌گذاری‌ها و شغل‌ها می‌شود. |
| شیخ و همکاران | ۲۰۱۷ | هزینه‌های نظامی، نابرابری و رشد اقتصادی: شواهدی از پاکستان | رابطه‌ی مثبت بین هزینه‌های نظامی و GDP را بکارگیری روش GMM دست یافت. ثابت شد که نابرابری بطور منفی با GDP در ارتباط است. |
| وانگ | ۲۰۱۲ | بررسی عوامل مختلف تعیین‌کننده هزینه نظامی در کشورهای جنوب شرقی آسیا | نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شش عامل تعیین‌کننده مخارج نظامی در کشورهای جنوب شرقی آسیا تولید ناخالص داخلی، بار بدهی خارجی، نشت امنیت، تهدید چین، جمعیت و سطح دموکراسی هستند، به طوری که تولید ناخالص داخلی و تهدید چین، تأثیر مثبت و نشت |

| نویسنده | سال | عنوان | نتایج |
|--------------------------|------|---|---|
| | | | امنیت، بار بدهی خارجی، جمعیت و سطح دموکراسی، تأثیر منفی روی هزینه نظامی دارند. |
| محمدیان منصور و گل خندان | ۱۳۹۹ | شناسایی عوامل اصلی تعیین کننده بودجه دفاعی در ایران به کمک رهیافت بیزی | نتایج به دست آمده نشان می دهد که تعیین کننده های اصلی بودجه دفاعی در ایران به ترتیب عبارتند از: متوسط بار دفاعی کشورهای جهان، متوسط بار دفاعی کشورهای خاورمیانه، سهم درآمدهای نفت و گاز از تولید ناخالص داخلی، جنگ تحمیلی، وقفه بار دفاعی و بار دفاعی رژیم صهیونیستی. بر اساس این نتایج می توان گفت که بیش تر متغیرهای تعیین کننده سهم بودجه دفاعی در ایران، راهبردی بوده اند و متغیرهای اقتصادی نقش چندانی در تعیین بودجه دفاعی ندارند. |
| مرادخانی و همکاران | ۱۳۹۸ | عوامل تعیین کننده مخارج دفاعی در ایران | نتایج نشان می دهد که متغیرهای درآمد نفت و هزینه غیرنظامی دولت، تأثیر مثبت و معنی دار و متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی، تأثیر منفی روی هزینه نظامی دارند. سطح دموکراسی در کوتاه مدت، تأثیر مثبت و در بلندمدت، تأثیر منفی بر هزینه نظامی دارد و نرخ ارز واقعی در کوتاه مدت، تأثیر منفی و در بلندمدت، تأثیر مثبت روی هزینه نظامی دارد. همچنین، مناقشات منطقه ای به عنوان متغیر مجازی، تأثیر مثبت و معنی داری روی هزینه نظامی دارد. در کل، می توان نتیجه گرفت که عوامل مؤثر بر هزینه نظامی در ایران فقط اقتصادی نیستند و برای بررسی میزان هزینه نظامی، باید شرایط سیاسی و استراتژیکی و حتی شرایط جغرافیایی نیز در نظر گرفته شوند. |
| دشتبانی و ابراهیمی | ۱۳۹۸ | شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر بودجه دفاعی با رویکرد اقتصاد سیاسی دفاع | شواهد موجود حاکی از این است که رشد اقتصادی کشورها، سیستم های سیاسی و عوامل استراتژیک شامل تهدیدهای داخلی و خارجی و مخارج نظامی کشورهای همسایه از جمله عوامل اثرگذار بر بودجه دفاعی است. |
| گل خندان | ۱۳۹۵ | برآورد تابع تقاضای مخارج دفاعی در ایران | نتایج برآورد مدل نشان می دهد که در بین متغیرهای اقتصادی، رشد اقتصادی، مخارج غیردفاعی (به عنوان هزینه فرصت مخارج دفاعی) و تراز تجاری اثر منفی بر بار دفاعی ایران داشته اند. جمعیت به عنوان یک متغیر اجتماعی، در سطح معناداری پایین تری نسبت به سایر متغیرها، اثر مثبت بر بار دفاعی ایران داشته است که نشان |

| نویسنده | سال | عنوان | نتایج |
|--------------------------|------|---|---|
| | | | می‌دهد دفاع یک کالای عمومی می‌باشد. در بین متغیرهای راهبردی، متغیرهای مجازی جنگ تحمیلی و اثرات احتمالی هجوم بیگانگان به کشور، مطابق انتظار تأثیر مثبت بر بار دفاعی ایران داشته‌اند. متوسط بار دفاعی کشورهای خاورمیانه نیز بر بار دفاعی ایران اثر مثبت داشته است که حاکی از وجود یک رقابت تسلیحاتی بین ایران و این کشورها می‌باشد. همچنین، متغیر مجازی تفکیک نظام جمهوری اسلامی از نظام شاهنشاهی، اثر منفی بر بار دفاعی کشور ایران داشته است. بر اساس این نتایج می‌توان گفت که عوامل اصلی مخارج دفاعی در ایران، راهبردی هستند. |
| محمدیان منصور و گل خندان | ۱۳۹۴ | اثر هزینه های نظامی بر بدهی های خارجی ایران | نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ۱ درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه و نسبت هزینه‌های غیرنظامی به تولید ناخالص داخلی در بلندمدت با فرض ثبات سایر متغیرها، به ترتیب نسبت بدهی های خارجی به تولید ناخالص داخلی را بین ۱/۲ تا ۱/۹ درصد کاهش و ۱/۳ تا ۱/۳۳ درصد افزایش می‌دهد. |
| فرزانگان | ۲۰۱۲ | بررسی و تحلیل اثرات شوکهای هزینه دفاعی بر رشد اقتصادی در کشور ایران و با استفاده از روش آزمون پاسخ ضربه و تجزیه واریانس | نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در طول دهه گذشته بودجه دفاعی ایران بالاتر از متوسط جهانی، و هدف از افزایش تحریم‌های بین المللی، کاهش قابلیت ها و ظرفیت های دفاعی دولت ایران بوده، و همچنین، نتایج علیت گرانجر حاکی از وجود علیتی یک طرفه از سمت رشد مخارج دفاعی به رشد اقتصادی است. |
| اسماعیل نیا و همکاران | ۲۰۱۲ | بررسی تأثیر شوک درآمدهای نفتی بر مخارج دولتی در کشور ایران | نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مخارج نظامی و تأمین اجتماعی دولت، پاسخ مثبت و آماری مهمی به شوک درآمدهای نفتی دارند. همچنین، نتایج تحقیق حساسیت بالای تلاش های نظامی ایران را به شوک های نفتی غیرمنتظره نشان می‌دهد. |

منبع: نگارندگان پژوهش

پس از نهایی شدن مدل مفهومی اولیه این بخش با نگاهی بر نقد و تفسیر پیشینه‌های پژوهشی نگارش می‌گردد. همچنین در این قسمت ابعاد و مولفه های پیشنهادی بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهشی استخراج گردید و بعد از اتمام تجزیه و تحلیل ابعاد و مولفه های پژوهش، شاخص های مدل تهیه می‌شوند.



شکل شماره (۱) مدل مفهومی تحقیق

منبع: نگارندگان پژوهش

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش به صورت ترکیبی از روش های کیفی و کمی است. در مرحله اول با بررسی ادبیات نظری پژوهش مدل پیشنهادی طراحی گردید و مؤلفه های هر یک از ابعاد تحقیق تبیین شد، که به منظور انجام مرحله اول از روش تحلیل دلفی فازی استفاده می گردد. همچنین در مرحله دوم تحقیق از روش پیمایشی استفاده شد، پرسشنامه های در راستای مؤلفه های تحقیق به صورت محقق ساخته طراحی گردید. پرسشنامه خبرگان (۳۵ گویه ای) و پرسشنامه به کار گرفته شده در بخش دوم تحقیق (۳۱ گویه ای)، با استفاده از طیف ۵ گزینه ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه مدیران و کارشناسان فعال در حوزه اقتصادی و دفاعی می باشد. انتخاب نمونه تحقیق در پژوهش های کیفی از نوع روش نمونه گیری غیر تصادفی از نوع گزینشی (روش نمونه گیری هدفمند و معیار اشباع نظری و از تکنیک نمونه افراد کلیدی (خبرگان)) می باشد. لازم به توضیح است که توزیع پرسشنامه خبرگان تا زمانی ادامه می یابد که دیگر مؤلفه یا بحث جدیدی مطرح نگردد و به عبارتی به اشباع نظری رسیده باشیم. در این بخش حدود ۱۷ نفر از خبرگان شرکت کردند. جامعه آماری بخش کمی این تحقیق شامل کلیه مدیران و کارشناسان فعال در حوزه اقتصادی و دفاعی می باشد. همچنین روش نمونه گیری خوشه ای و در دسترس استفاده شد و حجم نمونه از طریق جدول مورگان تعیین گردید که در حدود ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته می شود، اما در حدود ۴۰۰ پرسشنامه توزیع گردید که در کل ۳۲۰ پرسشنامه گردآوری شد. در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار اکسل (نسخه ۲۰۱۹) و اسمارت پی ال اس نسخه ۲ استفاده شده است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۴-۱. نتایج روش دلفی فازی

پس از تعیین شاخص‌ها، به منظور تعیین وزن پارامترهای مختلف، فرم‌های نظرسنجی شامل کلیه پارامترها تهیه شده و برای تکمیل در اختیار خبرگان قرار گرفته شد که نتایج آن به صورت ذیل تهیه شده است:

جدول شماره (۲) وزن فازی شاخص‌های عوامل بودجه دفاعی

| شاخص | وزن فازی شاخص‌ها | | | وزن غیرفازی شاخص‌ها |
|---|------------------|----------|----------|---------------------|
| ۱. وسعت و شکل سرزمین | ۰/۰۴۰۷۷۱ | ۰/۰۸۸۹۵۶ | ۰/۲۲۳۶۷ | ۰/۰۹۳۲۶۳ |
| ۲. افزایش مخارج نظامی کشورهای منطقه | ۰/۰۳۸۵۳۵ | ۰/۰۹۷۲۲۷ | ۰/۳۱۹۰۳۶ | ۰/۰۹۳۶۲۴ |
| ۳. ظهور فرقه‌های مذهبی متعدد | ۰/۰۳۸۵۳۵ | ۰/۰۹۱۶۴۷ | ۰/۳۱۹۰۳۶ | ۰/۰۹۱۷۹۸ |
| ۴. موقعیت جغرافیایی منطقه خاورمیانه | ۰/۰۳۸۲۶۳ | ۰/۰۸۹۴۰۲ | ۰/۱۹۱۸۱۶ | ۰/۰۸۶۸۹۷ |
| ۵. تهدیدات زیست محیطی | ۰/۰۰۶۹۰۶ | ۰/۰۲۱۷۶۵ | ۰/۱۰۷۰۹۱ | ۰/۰۲۵۲۴۹ |
| ۶. اختلافات مرزی با کشورهای همسایه | ۰/۰۳۸۵۳۵ | ۰/۰۹۱۶۴۷ | ۰/۳۰۵۷۰۳ | ۰/۰۸۹۸۹۶ |
| ۷. گسترش تروریسم در منطقه خاورمیانه | ۰/۰۳۹۰۸۶ | ۰/۰۸۸۹۷۸ | ۰/۱۹۳۱۸۱ | ۰/۰۸۷۵۸۴ |
| ۸. تهدیدات مرزی اشرار و مخالفان | ۰/۰۳۸۵۳۵ | ۰/۰۸۸۰۹۱ | ۰/۱۹۱۸۱۶ | ۰/۰۸۶۶۷۵ |
| ۹. موقعیت اقتصادی منطقه خاورمیانه | ۰/۰۳۶۹۵۵ | ۰/۰۸۲۲۰۸ | ۰/۱۹۳۱۸۱ | ۰/۰۸۳۷۲۴ |
| ۱۰. فراوانی پایگاه‌های نظامی قدرت‌های خارجی | ۰/۰۳۶۶۹۴ | ۰/۰۹۰۷۳۳ | ۰/۲۲۳۶۷ | ۰/۰۹۰۶۴۱ |
| ۱۱. تهدیدات فناورانه | ۰/۰۳۶۶۹۴ | ۰/۰۸۴۶۷۳ | ۰/۱۹۰۴۶ | ۰/۰۸۳۹۵۵ |
| ۱۲. محیط امنیتی و سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای | ۰/۰۳۵۹۳۴ | ۰/۰۸۴۶۷۳ | ۰/۱۹۱۸۱۶ | ۰/۰۸۳۵۶۹ |

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده مشاهده می‌شود شاخص «افزایش مخارج نظامی کشورهای منطقه» با وزن ۰/۰۹۳۶۲۴ بیشترین وزن را داشته است. در رتبه دوم شاخص «وسعت و شکل سرزمین» به وزن ۰/۰۹۳۲۶۳ بوده‌اند. میانگین شاخص‌ها برابر با ۰/۰۸۳۰۷ می‌باشد و مشاهده می‌شود شاخص «تهدیدات زیست محیطی» پایین‌تر از حد میانگین می‌باشند و باید در ادامه روند تحقیق حذف شوند.

جدول شماره (۳) وزن فازی شاخص‌های عوامل سیاسی

| شاخص | وزن فازی شاخص‌ها | | | وزن غیرفازی شاخص‌ها |
|------------------------------------|------------------|----------|----------|---------------------|
| ۱. انتخابات و آرای عمومی | ۰/۰۴۲۹۵۷ | ۰/۰۸۵۷۰۸ | ۰/۱۷۶۵۳۲ | ۰/۰۸۶۶۲۱ |
| ۲. استقلال سیاسی | ۰/۰۴۰۰۷۱ | ۰/۰۸۸۷۲۲ | ۰/۱۷۷۷۸۹ | ۰/۰۸۵۸۲ |
| ۳. اتحادهای منطقه‌ای | ۰/۰۴۴۱۹۳ | ۰/۰۸۸۷۲۲ | ۰/۱۹۷۴۰۸ | ۰/۰۹۱۸۱۶ |
| ۴. تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی | ۰/۰۴۹۱۰۴ | ۰/۰۹۱۸۴۲ | ۰/۱۸۲۸۴۳ | ۰/۰۹۳۷۷۳ |

| شاخص | وزن فازی شاخص ها | | | وزن غیرفازی شاخص ها |
|------------------------------|------------------|----------|----------|---------------------|
| | | | | |
| ۵. تقسیمات قومی و قبیله ای | ۰/۰۰۹۲۹۴ | ۰/۰۴۰۲۶۷ | ۰/۱۰۲۱۱۶ | ۰/۰۳۳۶۸۴ |
| ۶. اعتماد عمومی | ۰/۰۴۲۹۵۷ | ۰/۰۸۴۴۵ | ۰/۱۷۶۵۳۲ | ۰/۰۸۶۱۹۶ |
| ۷. حقوق سیاسی یکسان | ۰/۰۳۸۴۱۴ | ۰/۰۸۶۵۴۹ | ۰/۱۷۸۹۹۳ | ۰/۰۸۴۱۱۳ |
| ۸. کنترل جناح چپ بر دولت | ۰/۰۴۰۹۰۴ | ۰/۰۸۲۷۹۶ | ۰/۱۹۷۴۰۸ | ۰/۰۸۷۴۴۱ |
| ۹. گفتگوهای سیاسی | ۰/۰۴۲۰۶۷ | ۰/۰۸۷۸۳۷ | ۰/۱۹۴۶۲۷ | ۰/۰۸۹۵۹۳ |
| ۱۰. وحدت مذهبی و تعاون عمومی | ۰/۰۴۲۹۷۲ | ۰/۰۸۸۷۲۲ | ۰/۱۸۱۵۵ | ۰/۰۸۸۴۵۸ |
| ۱۱. تعهدات بین المللی | ۰/۰۳۹۲۲۷ | ۰/۰۸۷۸۳۷ | ۰/۱۸۰۲۶۷ | ۰/۰۸۵۳۲۲ |
| ۱۲. خشونت داخلی | ۰/۰۳۸۴۱۴ | ۰/۰۸۶۵۴۹ | ۰/۱۷۸۹۹۳ | ۰/۰۸۴۱۱۳ |

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده مشاهده می شود شاخص «تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی» با وزن ۰/۰۹۳۷۷ بیشترین وزن را داشته است. در رتبه دوم شاخص «اتحادهای منطقه ای» به وزن ۰/۰۹۱۸۲ بوده اند. میانگین شاخص ها برابر با ۰/۰۸۳۰۸ می باشد و مشاهده می شود شاخص «تقسیمات قومی و قبیله ای» پایین تر از حد میانگین می باشند و باید در ادامه روند تحقیق حذف شوند.

جدول شماره (۴) وزن فازی شاخص های عوامل اقتصادی

| شاخص | وزن فازی شاخص ها | | | وزن غیرفازی شاخص ها |
|---|------------------|----------|-------------|---------------------|
| | | | | |
| ۱. رشد اقتصادی | ۰/۰۳۶۱۴۵ | ۰/۰۹۵۵۱۷ | ۰/۲۳۲۰۲۱۸۲۴ | ۰/۰۹۲۸۷۳ |
| ۲. تولید ناخالص ملی - اندازه بودجه دولت | ۰/۰۳۸۴۱۳ | ۰/۰۹۸۳۸۶ | ۰/۲۴۶۵۸۱۰۹۲ | ۰/۰۹۷۶۷۷ |
| ۳. نرخ تورم | ۰/۰۳۹۶۰۸ | ۰/۰۹۵۰۴ | ۰/۲۴۲۸۸۰۷۶۹ | ۰/۰۹۷۰۵۷ |
| ۴. قیمت نفت و مواد خام | ۰/۰۴۳۰۸۳ | ۰/۰۹۸۸۸۱ | ۰/۲۲۶۷۷۵۷۹ | ۰/۰۹۸۸۵۷ |
| ۵. بدهی های خارجی | ۰/۰۳۹۶۰۸ | ۰/۰۹۴۰۹۱ | ۰/۲۵۰۳۳۷۷۹ | ۰/۰۹۷۷۱۳ |
| ۶. کسری بودجه دولت | ۰/۰۳۹۶۰۸ | ۰/۱۰۲۳۶۳ | ۰/۲۴۲۸۸۰۷۶۹ | ۰/۰۹۹۴۸۹ |
| ۷. توسعه اقتصادی | ۰/۰۳۷۸۳۷ | ۰/۰۹۳۶۴۳ | ۰/۲۱۴۹۶۴۵۷۲ | ۰/۰۹۱۳۲۴ |
| ۸. وابستگی بالا به اقتصاد بین الملل | ۰/۰۳۷۵۴۵ | ۰/۰۹۸۳۸۶ | ۰/۲۳۷۳۸۹۲۱۴ | ۰/۰۹۵۷۱۶ |
| ۹. تراز تجاری | ۰/۰۴۱۱۵۷ | ۰/۱۰۱۳۶۷ | ۰/۲۲۶۷۷۵۷۹ | ۰/۰۹۸۱۷ |
| ۱۰. سرمایه گذاری خارجی | ۰/۰۳۵۸۶۶ | ۰/۰۹۳۱۷۵ | ۰/۲۵۴۲۴۷۹۲۸ | ۰/۰۹۴۷۱۴ |
| ۱۱. رشد درآمد واقعی | ۰/۰۰۷۵۶۷ | ۰/۰۲۹۱۵ | ۰/۱۴۷۶۰۸۱۷۸ | ۰/۰۳۱۹۳۱ |

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده مشاهده می‌شود شاخص «کسری بودجه دولت» با وزن $0/099489$ بیشترین وزن را داشته است. در رتبه دوم شاخص «قیمت نفت و مواد خام» به وزن $0/098857$ بوده اند. میانگین شاخص‌ها برابر با $0/0905$ می‌باشد و مشاهده می‌شود شاخص «رشد درآمد واقعی» پایین تر از حد میانگین می‌باشند و باید در ادامه روند تحقیق حذف شوند.

۴-۲. اعتبارسنجی مدل مستخرج از فاز کیفی

برای اعتبارسنجی مدل مستخرج از فاز کیفی از مدل معادلات ساختاری استفاده شد. برای اجرای مدل معادلات ساختاری روش‌های متنوعی وجود دارند که یکی از جدیدترین رویکردها در مدل معادلات ساختاری روش حداقل مربعات جزئی است.

برای آزمون، از مدلیابی معادلات ساختاری، طبق رویکرد دو مرحله‌ای اندرسون و گرینگ (۱۹۸۸) و با استفاده از نرم افزار Smart-PLS نسخه ۲ استفاده گردید؛ در رویکرد مزبور، نخست با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، روایی مدل‌های اندازه‌گیری بررسی و سپس از طریق تحلیل مسیر، داده‌ها به معادلات ساختاری برازش می‌گردد. در ابتدا، به سبب نقض نرمال بودن چندمتغیره در مدل‌های اندازه‌گیری، خودگردان سازی اجرا می‌شود؛ خودگردان سازی روشی مبتنی بر باز نمونه‌گیری با جایگذاری از نمونه مورد مطالعه می‌باشد که در صورت نقض مفروض نرمال بودن چندمتغیره قابل انجام است (اندرسون و گرینگ، ۱۹۸۸). در ادامه به بررسی نرمال بودن متغیرها می‌پردازیم، جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها از روش آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S) استفاده گردید که نتایج حاصل از آن‌ها که با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ محاسبه و در جدول زیر گزارش گردیده است. اگر آماره آزمون بزرگتر مساوی $0/05$ بدست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال بود.

جدول شماره (۵) آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S)

| متغیرهای پژوهش | حداقل | حداکثر | میانگین | انحراف معیار | کولموگروف-Z اسمیرنوف | P-value |
|-------------------|-------|--------|---------|--------------|-------------------------|---------|
| عوامل بودجه دفاعی | ۱/۷۳ | ۴/۹۱ | ۳/۶۸ | ۰/۵۵ | ۰/۰۶۸ | ۰/۰۰۱ |
| عوامل سیاسی | ۰/۲ | ۴/۸۲ | ۳/۷۴ | ۰/۴۷ | ۰/۰۷۵ | ۰/۰۰۱ |
| عوامل اقتصادی | ۱/۹ | ۴/۶ | ۳/۵۸ | ۰/۵ | ۰/۰۵۴ | ۰/۰۲۵ |

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول فوق به میزان دامنه تغییرات نمرات متغیرها، میانگین و انحراف معیار آن‌ها اشاره شده است. همانطور که مشاهده می‌شود بیشترین میزان میانگین برای متغیر عوامل سیاسی با میزان میانگین $3/74$ و کمترین میزان میانگین برای متغیر عوامل اقتصادی با میانگین $3/58$ بوده است. با توجه به نتایج جدول بالا، به این دلیل که مقادیر سطح معناداری تمامی متغیرهای مدل به غیر از متغیر گزاره ارزش مشتری شرکت پایین تر از مقدار خطای $0/05$ است، در نتیجه متغیرهای ذکر شده دارای توزیع نرمال نیستند. فقط ابعاد عوامل اجتماعی و عوامل فردی با توجه به سطح معناداری که بالاتر از $0/05$ می‌باشد، نرمال بوده ولی با توجه به اینکه تمامی متغیرها

نرمال نمی باشند، لذا برای آزمون مدل از نرم افزار معادلات ساختاری Smart-PLS استفاده می‌شود. در ادامه نیز معناداری مدل اندازه‌گیری، روایی و پایایی آن بررسی شده است.

۴-۳-۱. آزمون مدل اندازه‌گیری

برای آزمون مدل اندازه‌گیری در این پژوهش از آلفای کرونباخ و پایایی مرکب جهت بررسی پایایی مدل اندازه‌گیری استفاده شده است و از آزمون روایی همگرا و روایی واگرا جهت بررسی آزمون روایی مدل اندازه‌گیری استفاده شده است که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

۴-۳-۱-۱. آلفای کرونباخ

مطابق جدول شماره (۶) با توجه به اینکه آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش برخی مقادیر بالاتر از ۰/۷ می‌باشد که نشان دهنده وضعیت قابل قبول متغیر می‌باشد، بنابراین می‌توان بیان کرد آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش تأیید می‌شود.

۴-۳-۱-۲. پایایی مرکب^۱ (دلونین-گلدشتاین)

همانگونه که در جدول شماره (۶) مشاهده می‌گردد پایایی مرکب متغیرهای پژوهش بالاتر از ۰/۷ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت کلیه متغیرهای پژوهش از وضعیت مناسب و قابل قبولی از نظر پایایی مرکب برخوردار هستند.

۴-۳-۱-۳. روایی همگرا

این شاخص که به اندازه‌گیری میزان تبیین متغیرهای پنهان پژوهش توسط متغیرهای مشاهده پذیر آن (مؤلفه‌ها/سؤالات) می‌پردازد توسط شاخص AVE (متوسط واریانس استخراج شده) مورد سنجش قرار می‌گیرد و حداقل مقدار قابل قبول برای روایی همگرا ۰/۵ می‌باشد. با توجه به اینکه مقادیر AVE در جدول شماره (۶) بالاتر از ۰/۵ می‌باشد که نشان دهنده وضعیت قابل قبول متغیرهای می‌باشد، بنابراین می‌توان بیان کرد روایی همگرا متغیرهای پژوهش در حد قابل قبول می‌باشد.

جدول شماره (۶) آزمون روایی مدل اندازه‌گیری

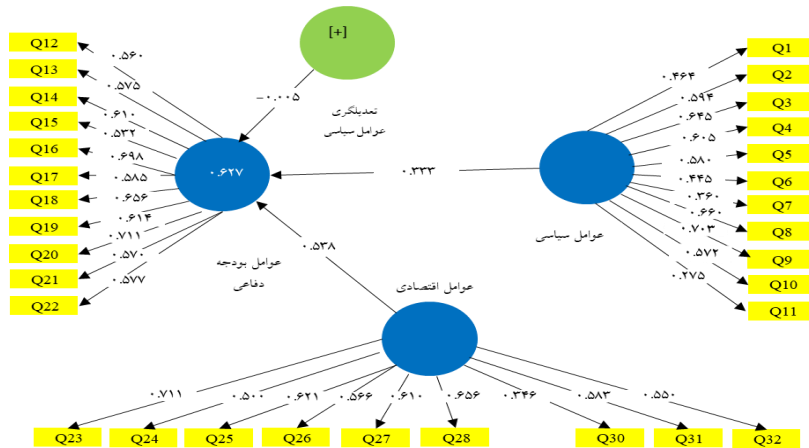
| ابعاد | آلفای کرونباخ | پایایی مرکب (دلونین-گلدشتاین) | روایی همگرا |
|-------------------|---------------|-------------------------------|-------------|
| عوامل بودجه دفاعی | ۰/۸۳ | ۰/۸۶۶ | ۰/۵۷۳ |
| عوامل سیاسی | ۰/۷۵۸ | ۰/۸۲ | ۰/۵۰۴ |
| عوامل اقتصادی | ۰/۷۴۹ | ۰/۸۱۶ | ۰/۵۳۶ |

منبع: یافته‌های پژوهش

^۱ Composite Reliability

۴-۲-۲. آزمون مدل ساختاری

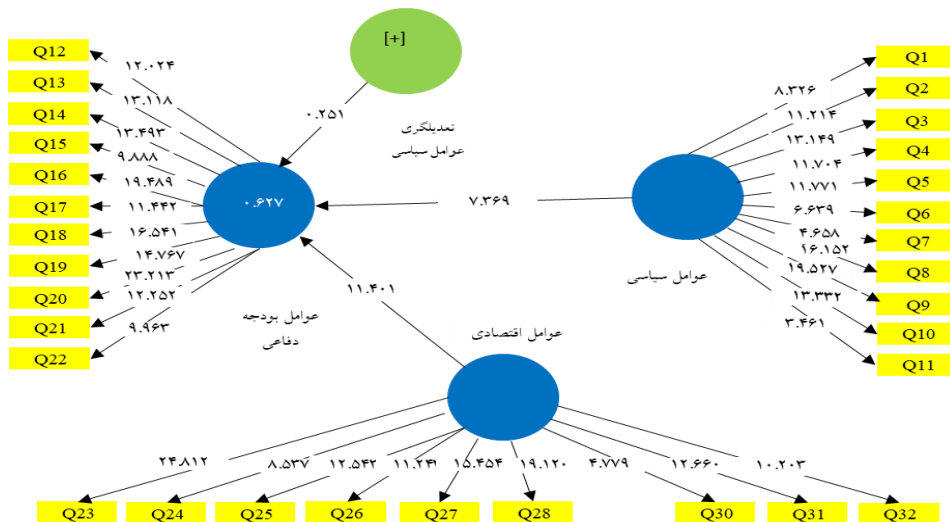
بررسی روابط بین مولفه‌ها و شاخص‌های آن در شکل شماره (۲) و (۳) به ترتیب برای حالت‌های تخمین استاندارد و معنی‌داری روابط نشان داده شده است.



شکل شماره (۲) روابط بین مولفه‌ها و شاخص‌ها

منبع: یافته‌های پژوهش

مقادیر بالای ۱/۹۶ نشان از صحت رابطه‌ی بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد است که مقادیر آن در شکل شماره (۳) نشان داده شده است.



شکل شماره (۳) مقادیر T روابط بین متغیرها در مدل نهایی

منبع: یافته‌های پژوهش

درجدول زیر عوامل بودجه دفاعی به همراه شدت تأثیر شاخص های آن ارائه شده است:

جدول شماره (۷) شدت تأثیر شاخص های عوامل بودجه دفاعی بر آن

| مقادیر شدت تأثیر | مولفه (شاخص) | شماره سوال |
|------------------|--|------------|
| ۰/۵۶۰ | وسعت و شکل سرزمین | ۱۲ |
| ۰/۵۷۵ | افزایش مخارج نظامی کشورهای منطقه خاورمیانه | ۱۳ |
| ۰/۶۱۰ | ظهور فرقه‌های مذهبی متعدد | ۱۴ |
| ۰/۵۳۲ | موقعیت جغرافیایی منطقه خاورمیانه | ۱۵ |
| ۰/۶۹۸ | اختلافات مرزی با کشورهای همسایه | ۱۶ |
| ۰/۵۸۵ | گسترش تروریسم در منطقه خاورمیانه | ۱۷ |
| ۰/۶۵۶ | تهدیدات مرزی اشرار و مخالفان | ۱۸ |
| ۰/۶۱۴ | موقعیت اقتصادی منطقه خاورمیانه | ۱۹ |
| ۰/۷۱۱ | فراوانی پایگاه‌های نظامی قدرت‌های خارجی | ۲۰ |
| ۰/۵۷۰ | تهدیدات فناورانه | ۲۱ |
| ۰/۵۷۷ | محیط امنیتی و سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای | ۲۲ |

منبع: یافته‌های پژوهش

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مولفه فراوانی پایگاه‌های نظامی قدرت‌های خارجی، اختلافات مرزی با کشورهای همسایه، تهدیدات مرزی اشرار و مخالفان و موقعیت اقتصادی منطقه خاورمیانه به ترتیب با مقدار شدت تأثیر ۰/۷۱۱، ۰/۶۹۸، ۰/۶۵۶ و ۰/۶۱۴ بیشترین تأثیر را بر بودجه دفاعی داشته‌اند.

درجدول زیر مولفه عوامل سیاسی به همراه شدت تأثیر شاخص های آن ارائه شده است:

جدول شماره (۸) شدت تأثیر شاخص های عوامل سیاسی بر آن

| مقادیر شدت تأثیر | مولفه (شاخص) | شماره سوال |
|------------------|---|------------|
| ۰/۴۶۴ | انتخابات و آرای عمومی (مردمی) | ۱ |
| ۰/۵۹۴ | استقلال سیاسی | ۲ |
| ۰/۶۴۵ | اتحادهای منطقه‌ای | ۳ |
| ۰/۶۰۵ | تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی (مدنی) | ۴ |
| ۰/۵۸۰ | اعتماد عمومی به دولت و نظام | ۵ |
| ۰/۴۴۵ | حقوق سیاسی یکسان | ۶ |
| ۰/۳۶۰ | کنترل جناح چپ بر دولت | ۷ |
| ۰/۶۶۰ | گفتگوهای سیاسی و توافقات بین حزب‌ها و جریان‌های سیاسی | ۸ |
| ۰/۷۰۳ | وحدت مذهبی و تعاون عمومی | ۹ |
| ۰/۵۷۲ | تعهدات بین‌المللی کشورها در حوزه دفاعی | ۱۰ |
| ۰/۳۷۵ | خشونت داخلی و عدم ثبات اجتماعی | ۱۱ |

منبع: یافته‌های پژوهش

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، شاخص های وحدت مذهبی و تعاون عمومی، گفتگوهای سیاسی، اتحادهای منطقه‌ای و تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی (مدنی) به ترتیب با مقدار شدت تأثیر ۰/۶۶۰، ۰/۶۴۵ و ۰/۶۰۵ بیشترین تأثیر را بر مولفه عوامل سیاسی داشته‌اند.

در جدول زیر مولفه عوامل اقتصادی به همراه شدت تأثیر شاخص های آن ارائه شده است:

جدول شماره (۹) شدت تأثیر شاخص های عوامل اقتصادی بر آن

| شماره سوال | مولفه (شاخص) | مقادیر شدت تأثیر |
|------------|-------------------------------------|------------------|
| ۲۳ | رشد اقتصادی | ۰/۷۱۱ |
| ۲۴ | اندازه بودجه دولت- تولید ناخالص ملی | ۰/۵۰۰ |
| ۲۵ | نرخ تورم | ۰/۶۲۱ |
| ۲۶ | قیمت نفت و مواد خام | ۰/۵۶۶ |
| ۲۷ | بدهی‌های خارجی | ۰/۶۱۰ |
| ۲۸ | کسری بودجه دولت | ۰/۶۵۶ |
| ۳۰ | وابستگی بالا به اقتصاد بین‌الملل | ۰/۳۴۶ |
| ۳۱ | تراز تجاری | ۰/۵۸۳ |
| ۳۲ | سرمایه‌گذاری خارجی | ۰/۵۵۰ |

منبع: یافته های پژوهش

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، شاخص های رشد اقتصادی، کسری بودجه دولت، نرخ تورم و بدهی‌های خارجی به ترتیب با مقدار شدت تأثیر ۰/۷۱۱، ۰/۶۵۶، ۰/۶۲۱ و ۰/۶۱۰ بیشترین تأثیر را بر عوامل اقتصادی داشته‌اند.

برای هر اثر در مدل مسیری می‌توان اندازه تأثیر را با استفاده از (f^2) کوهن^۱ (۱۹۸۸) ارزیابی کرد. مقادیر اندازه تأثیر برای هر یک از مسیرهای مدل پژوهش در جدول شماره (۱۰) گزارش گردیده است.

جدول شماره (۱۰) اندازه تأثیر مسیرهای مدل

| نتیجه | سطح معنی دار | مقدار T | اندازه تأثیر | سوالات |
|-------|--------------|---------|--------------|---|
| تأیید | ۰/۰۰۱ | ۷/۳۶۹ | ۰/۳۳۳ | تأثیر عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر چگونه است؟ |
| تأیید | ۰/۰۰۱ | ۱۱/۴ | ۰/۵۳۸ | تأثیر عوامل اقتصادی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر چگونه است؟ |
| رد | ۰/۸۰۲ | ۰/۲۵۱ | -۰/۰۰۵ | تأثیر عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی با نقش تعاملی عوامل اقتصادی در ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر چگونه است؟ |

منبع: یافته های پژوهش

¹ Cohen

۴-۲-۲. معیار R2

این معیار برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد. میزان ضریب متغیر عوامل بودجه دفاعی برابر با ۰/۶۲۷ می‌باشد که نشان دهنده برازش مناسب بخش ساختاری مدل می‌باشد.

۴-۲-۳. ارزیابی برازش کلی مدل

۴-۳-۱. معیار GOF

این معیار هر دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری را مد نظر قرار می‌دهد و به‌عنوان معیاری برای پیش‌بینی عملکرد کلی مدل به کار می‌رود. این شاخص طبق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

$$GoF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

به‌طوری‌که Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی^۱ هر سازه (مرتب اول) می‌باشد که مطابق جدول ۷، به دست آمده است. وتزلس و همکاران^۲ (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند. از آنجایی که مقدار GOF برای مدل حاضر برابر ۰/۵۸۱ محاسبه گردید، نشان از برازش کلی بسیار قوی مدل کلی تحقیق دارد.

جدول شماره (۸۱۱) مقادیر اشتراکی و ضرایب تعیین

| وضعیت ابعاد | Communality | R Square | ابعاد |
|-------------|-------------|----------|-------------------|
| قابل قبول | ۰/۵۷۳ | ۰/۶۲۷ | عوامل بودجه دفاعی |
| قابل قبول | ۰/۵۰۴ | --- | عوامل سیاسی |
| قابل قبول | ۰/۵۳۶ | --- | عوامل اقتصادی |

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. نتیجه‌گیری

قدرت عامل اصلی بقای کشورها و دولت‌ها بوده و کشورهایی که اقدام به تقویت و توسعه مؤلفه‌های مؤثر بر قدرت خود کنند قادر خواهند بود حیات بقاء و پیشرفت خود را در فضای آنارشیک بین الملل تأمین و تضمین نمایند، که در این میان مؤلفه‌های اقتصادی بااهمیت و تأکیدی که بر نقش و تأثیر آن‌ها بر تقویت بعد نظامی قدرت ملی و به تبع آن تأمین امنیت ملی و منافع ملی وجود دارد، می‌بایست مورد توجه قرار گرفته و عوامل

1 Communality

2 Wetzels et al

اقتصادی کلیدی به دست آمده از نتایج تحقیق در تدوین راهبردهای نظامی و دفاعی کشور لحاظ و مورد توجه قرار گیرند. همچنین بر اساس چارچوب نظری تحقیق از آنجا که نظریه بازدارندگی در زمان نظام دوقطبی و رقابت میان قدرت های وقت توانسته به عنوان تجربه ای موفق از بروز جنگ و رویارویی مستقیم دو ابرقدرت جلوگیری کند و دارای سابقه تاریخی مثبت در تنظیم روابط راهبردی میان قدرت ها باشد و پس از پایان جنگ سرد و برخلاف تصور هنوز جایگاه خود را در عرصه مناسبات بین الملل حفظ کرده و شکل منطقه‌ای به خود گرفته است از سویی تنوع تهدیدات امنیتی پیرامون ایران و رقابت های تسلیحاتی گسترده در میان کشورهای منطقه همچنین لزوم دفاع از کیان اسلامی بنا بر دستورات و آیات صریح قرآنی ضرورت کاربست نظریه بازدارندگی را در دکتین دفاعی کشور اجتناب ناپذیر می‌کند. از آنجا که بازدارندگی ارتباط و پیوند مستقیمی با عنصر قدرت داشته و نقطه ی تمرکز آن در حوزه ی قدرت نظامی است و همچنین بر اساس آموزه های قرآن و اسلام که لزوم داشتن آمادگی دفاعی در برابر دشمنان را گوشزد و مورد تأکید قرار داده است لزوم تقویت بنیه و توان نظامی کشور به منظور ایجاد بازدارندگی دفاعی و تأمین منافع و امنیت ملی کشور از ضروریات می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر در سطح خطای کمتر از ۱ درصد معنادار می‌باشد و شدت تأثیر عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر برابر با $0/333$ است. در بین عوامل سیاسی مولفه های وحدت مذهبی و تعاون عمومی، گفتگوهای سیاسی، اتحادهای منطقه‌ای و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی (مدنی) به ترتیب با مقدار شدت تأثیر $0/703$ ، $0/660$ ، $0/645$ و $0/605$ بیشترین تأثیر را بر بودجه دفاعی داشته‌اند. لذا توجه به این مولفه ها و عوامل موثر بر آنها بسیار ضروری می‌باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود که سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان بودجه دفاعی به تقویت و ترویج وحدت مذهبی و تعاون در جامعه توجه کنند. برای این منظور، می‌توان اقداماتی نظیر تشویق به همکاری و تعاون بین نیروهای نظامی و نهادهای مرتبط، ترویج فرهنگ همبستگی و وحدت در جامعه، ایجاد مکانیسم‌های همکاری بین المللی و تقویت روابط بین‌المللی در زمینه دفاع و امنیت را در نظر گرفت.

نتایج نشان داد که عوامل اقتصادی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر در سطح خطای کمتر از ۱ درصد معنادار می‌باشد و شدت تأثیر عوامل اقتصادی بر بودجه دفاعی ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر برابر با $0/528$ است. در بین عوامل اقتصادی مولفه‌های رشد اقتصادی، کسری بودجه دولت، نرخ تورم و بدهی‌های خارجی به ترتیب با مقدار شدت تأثیر $0/711$ ، $0/656$ ، $0/621$ و $0/610$ بیشترین تأثیر را بر بودجه دفاعی داشته‌اند.

شدت تأثیر شاخص «رشد اقتصادی» بر بودجه دفاعی معادل $0/711$ است. با توجه به شدت تأثیر مثبت این مولفه، می‌توان نتیجه گرفت که رشد اقتصادی برای تأمین منابع مالی و اقتصادی برای سیستم دفاعی بسیار حائز اهمیت است. رشد اقتصادی منجر به افزایش تولید و درآمدهای کشور می‌شود که به نوبه خود می‌تواند بودجه دفاعی را افزایش دهد. این امر می‌تواند امکان تحقق نیازهای نظامی و توسعه نیروهای مسلح را فراهم کند. بنابراین، برای سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان بودجه دفاعی، رشد اقتصادی باید در اولویت قرار بگیرد. این شامل اصلاح و تقویت بخش‌های مختلف اقتصادی کشور، افزایش تولید، سرمایه‌گذاری در بخش‌های

استراتژیک و توسعه صادرات است. همچنین، باید سیاست‌های مالی و مالیاتی مناسبی برای تأمین منابع مالی در نظر گرفته شود.

با توجه به شدت تأثیر مثبت و معنادار کسری بودجه دولت بر بودجه دفاعی کشور (با عدد شدت تأثیر ۰/۶۵۶)، نتایج و تحلیل‌های زیر را می‌توان ارائه داد:

۱. وابستگی مالی بین بودجه دولت و بودجه دفاعی: این تحلیل نشان می‌دهد که کسری بودجه دولت، به طور معناداری تأثیری مثبت بر بودجه دفاعی کشور دارد. در شرایطی که بودجه دولت کمبود داشته باشد، دولت به دلایلی مانند تهدیدات امنیتی، نیازهای دفاعی و حفظ امنیت ملی، بودجه دفاعی را به‌عنوان اولویت مهمی در نظر می‌گیرد و تلاش می‌کند منابع مالی لازم را در این زمینه فراهم کند.

۲. تأثیر استراتژیک کسری بودجه دولت: ممکن است این نتیجه نشان دهد که دولت در برنامه‌ریزی بودجه خود، به‌منظور تأمین منابع مالی برای دفاع ملی، از سیاست کسری بودجه استفاده می‌کند. این به این معنا است که دولت در برخورد با کمبود منابع مالی، تمایل دارد اولویت را بر روی بودجه دفاعی قرار دهد و منابع را از بخش‌های دیگر به این بخش منتقل کند.

۳. نیازهای امنیتی و دفاعی: این تحلیل نشان می‌دهد که در شرایطی که دولت با کمبود منابع مالی روبرو است، اولویت اصلی برای تأمین منابع به‌منظور تأمین نیازهای امنیتی و دفاعی قرار می‌گیرد. این ممکن است به این معنا باشد که در صورت کاهش بودجه دولت و کسری در آن، نیازهای امنیتی و دفاعی کشور به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در برنامه‌ریزی مالی مدنظر دولت است.

همچنین نتایج نشان داد که عوامل سیاسی بر بودجه دفاعی با نقش تعاملی عوامل اقتصادی در ج.ا.ایران با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت مستقر در سطح خطای کمتر از ۱ درصد معنادار نمی‌باشد بنابراین این رابطه تعاملی مورد تأیید نمی‌باشد. از دیدگاه دیگر، عدم وجود رابطه تعاملی بین عوامل سیاسی و اقتصادی در تأثیر بر بودجه دفاعی می‌تواند نشان دهنده عدم وابستگی و وابستگی ضعیف بین این دو عامل در حوزه بودجه دفاعی باشد. به عبارتی، تأثیر عوامل اقتصادی مستقل از عوامل سیاسی می‌باشد. از جهتی دیگر، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در مدل مورد بررسی، عوامل سیاسی و اقتصادی به صورت مجزا بر بودجه دفاعی تأثیر می‌گذارند و تعاملی بین آن‌ها وجود ندارد. در این صورت، تأثیر عوامل سیاسی و اقتصادی به صورت جداگانه بر بودجه دفاعی تحلیل می‌شود و بررسی تأثیر هر کدام از این عوامل به صورت جداگانه برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به بودجه دفاعی مورد نیاز است.

۲-۵. پیشنهادها

بر اساس نتایج پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- اتخاذ رویکرد مسالمت آمیز در محیط امنیتی پیرامون کشور و کاهش تنش‌ها و درگیری‌های نظامی و اجتناب از به کارگیری قدرت نظامی در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای پیرامونی.

- ژئواکونومیک کردن رقابت های منطقه‌ای به جای تهدیدات نظامی و تلاش در جهت منطقه گرایی بر اساس سازوکارهای اقتصادی و تجاری به جای مسائل امنیتی و نظامی.
- تقویت بخش خصوصی و کاهش نقش و تصدی گری دولتی و شبه دولتی در فعالیتهای اقتصادی.
- فراهم کردن زمینه های مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد بین الملل و کاهش وابستگی صنایع به بخش دولتی.
- همکاری با سازمان ها و سیاست گذاران مرتبط با بودجه دفاعی.
- بهره گیری از ظرفیتهای اقتصادی موجود در بخش دفاع و نیروهای مسلح.
- ایجاد دیپلماسی اقتصادی - امنیتی با کشورهای همسایه و همسو.
- بهره‌گیری از نفوذ امنیتی - نظامی ج.ا.ایران در کشورهای محور مقاومت در حوزه اقتصادی.
- راهبردی اقتصادی به خارج، همچنین تدوین دیپلماسی اقتصادی کارآمد در سطح منطقه و بین الملل و ایجاد تعامل سازنده و هوشمندانه با اقتصاد جهانی به منظور جذب سرمایه و اعتبارات بین المللی در زیرساخت های اساسی و صنایع داخلی کشور.
- ایجاد فضای گفتمان سیاسی سالم (سیاستمداران باید فضایی را برای بحث و گفتگو درباره مسائل سیاسی و بودجه دفاعی ایجاد کنند. این فضا باید منعکس کننده تنوع نظرات و آراء مختلف باشد و افراد را تشویق کند تا نظرات خود را بیان کنند و به تبادل نظر بپردازند).
- شفافیت در فرآیند بودجه‌بندی دفاعی (ارائه اطلاعات شفاف و جامع درباره بودجه دفاعی و استفاده از مکانیزم‌هایی مانند حسابرسی مستقل برای اطمینان از صحت و سلامت فرآیند بودجه‌بندی، به افزایش اعتماد عمومی و تشویق به مشارکت در گفتگوهای سیاسی کمک خواهد کرد).
- تشویق به توسعه ساختارهای مدنی (ساختارهای مدنی، به‌عنوان نهادهای نمایندگی مردم، می‌توانند نیازها و اولویتهای ملی در حوزه دفاعی را به دولت انتقال دهند. سیاستمداران باید اقداماتی را برای تشویق و توسعه این ساختارها انجام دهند تا نظرات و نیازهای شهروندان در تصمیم‌گیری‌های بودجه دفاعی مؤثر باشند).

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- دشتبانی، یاور و ابراهیمی، مهرداد (۱۳۹۸). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر بودجه دفاعی: رویکرد اقتصاد سیاسی دفاع، فصلنامه اقتصاد و دفاع، دوره ۴، شماره ۱۱، ص ۹-۴۱.
- حسن آبادی، محمدحسن و نجار صراف، علیرضا (۱۳۸۷). مدل جامع نظام بودجه ریزی عملیاتی (چاپ سوم) تهران: انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- لطفی جلال آبادی، مصطفی؛ غلامی کرین، محمود؛ امیری، حسن و موسوی، سیدعلی (۱۳۹۵). تبیین الزامات بودجه ریزی سازمان‌های دفاعی آینده با استفاده از روش دلفی، فصلنامه آینده پژوهی دفاعی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۸۹-۱۰۷.
- نجفی، سجاد؛ یزدان پناه، کیومرث؛ پیشگاهی فرد، زهرا و بدیعی، مرجان (۱۳۹۹). تبیین عوامل کلیدی اثرگذار بر قدرت دفاعی ج.ا.ایران در افق زمانی ۱۴۱۰، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، دوره ۱۸، شماره ۷۲، ص ۱-۳۸.
- محمدیان منصور، صاحبه و گل خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۹). شناسایی عوامل اصلی تعیین‌کننده بودجه دفاعی در ایران به کمک رهیافت بی‌زی، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، دوره ۸، شماره ۳۲، ص ۱۶۱-۱۸۹.
- گل خندان، ابوالقاسم (۱۳۹۵). برآورد تابع تقاضای مخارج دفاعی در ایران، علوم و فنون نظامی، دوره ۱۲، شماره ۳۶، ص ۲۹-۵۵.

منابع لاتین

- Balla, A., (2000). *Factors influencing defense expenditures-a Hungarian perspective*, Monterey, California, Naval Postgraduate School.
- Daddi, P., D'Agostino, G., & Pieroni, L. (2018). *Does military spending stimulate growth? An empirical investigation in Italy*. *Def. Peace Econ*, 29(2), 440-458 .
- Desli, E., & Gkoulgkoutsika, A. (2020). *Military spending and economic growth: A panel data investigation*. *Econ. Chang. Restruct.*, 1-26.
- Dunne, P., & Perlo-Freeman, S. (2003). The demand for military spending in developing countries, *International Review of Applied Economics*, 17(1),98-120.
- Dunne, J. P., Nikoalaidou, E., & Vougas, D. (2001). Defence spending and economic growth: A causal analysis for Greece and Turkey. *Defence and Peace Economics*, 12(1), 5-26.
- Farzanegan, M. R. (2012). Military spending and economic growth: the case of Iran. *Defence and Peace Economics*, 25(3), 247-269 .
- García, J.R.; Murillo, J.; Suriñach, J.; & Vayá, E. (2018), Economic impact of

- the ministry of defence's budget: Methodological design and results for the Spanish economy. *Def. Peace Econ*, 29(1), 459-473 .
- Güloğlu, B. (2001). *Istikrar programundan istikrarsızlığa (kasım 2000 ve şubat 2001 krizleri)*. Crisis Special addition 1, Yeni Türkiye Dergisi.
 - Ismaeilnia, A., Pazoki, A., Pazoki, M. & Karimi, M. (2012). Explaining and analyzing the effects of oil shocks on government spending behavior in Iran. *Economics Quarterly*, 6 (20).23-41.
 - Mohammadian, S., & Golkhandan, A. (2015). The effect of military expenses on Iran's foreign debt. *Economics Quarterly*, 9(32). 66-89.
 - Nicholson, W. (Ed.). (1997). *Intermediate microeconomics and its applications (Seventh ed.)*. The Dryden Press.
 - Rahman, T.; & Siddiqui, D.A. (2019)., *The Effect of Military Spending on Economic Growth in the Presence of Arms Trade, A Global Analysis*. Available online: <https://ssrn.com/abstract=3401331> (accessed on 20 June 2020).
 - Sheikh, M.R.; Akhtar, M.H.; Abbas, A.; & Mushtaq, M.I. (2017). Military Spending, Inequality and Economic Growth: Evidence from Pakistan. *Econ. Soc. Rev*, 55 (3), 491-509.
 - Su, C.; Xu, Y.; Chang, H.L.; Lobont, O.-R.; & Liu, Z. (2018). Dynamic Causalities between Defense Expenditure and Economic Growth in China: Evidence from Rolling Granger Causality Test. *Def. Peace Econ*, 18(2), 1-18 .
 - Wang, Y. (2012). Determinants of Southeast Asian military spending in the post-cold war era: a dynamic panel analysis. *Defence and Peace Economics*, 24(1), 73-87.

الگوی راهبردی دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی

داوود نصرآبادی^۱

سید مهدی موسویان^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

چکیده

با وقوع انقلاب اسلامی و تعارض در نوع جهان بینی و ایدئولوژی آن با نوع تبلیغی در غرب، اقتصاد ایران علاوه بر چالش‌ها و مخاطره‌های متعارف، در فضایی موسوم به جنگ اقتصادی قرار گرفته است. در چنین فضایی نیاز به ارائه راهبردهایی تحت عنوان دفاع غیرعامل اقتصادی متناسب با ظرفیت‌های کشور است. در این تحقیق با تأکید بر روی تحریم در حوزه جنگ اقتصادی، اقتصاد مقاومتی به عنوان یک سند بالادستی و چارچوب و استاندارد برای تدوین معیارهای دفاع غیرعامل اقتصادی متناسب با شرایط اقتصاد ایران در نظر گرفته شده است. پس از مصاحبه با نخبگان و صاحب نظران در حوزه اقتصاد مقاومتی و دفاع غیرعامل اقتصادی، مؤلفه‌ها و معیارهای الگوی دفاع غیرعامل اقتصادی در قالب جدول SWOT و به صورت نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در حوزه‌های بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم فعالیت شناسایی شده و راهبردهای متناسب معرفی شده است. در نهایت نیز با استفاده از روش ANP راهبردهای الگوی مدنظر در قالب روش SWOT-ANP رتبه‌بندی شده است.

بر اساس نتایج، تعداد ۱۵ نقطه قوت، ۲۶ نقطه ضعف، ۹ نقطه فرصت و ۱۰ نقطه تهدید شناسایی شده است. در بعد معیارهای اصلی، معیار ضعف با وزن ۰/۳۱۶ رتبه اول، معیار قوت با وزن ۰/۲۹۸ رتبه دوم، معیار فرصت با وزن ۰/۲۳۷ رتبه سوم و معیار تهدید با وزن ۰/۱۴۹ رتبه چهارم را دارد. همچنین در بین چهار نوع راهبرد شناسایی شده، راهبرد WO با وزن ۰/۴ رتبه اول، راهبرد WT با وزن ۰/۲۳ رتبه دوم، راهبرد SO با وزن ۰/۲۰۹ رتبه سوم و راهبرد ST با وزن ۰/۱۵۷ رتبه چهارم را دارد.

واژگان کلیدی: دفاع غیرعامل اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، راهبرد، الگوی SWOT-ANP.

^۱ دکترای علوم اقتصادی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق، تهران، ایران. (86economist@gmail.com)

^۲ دکترای علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، آذربایجان شرقی، ایران. نویسنده مسئول.

(me.mousavian@gmail.com)

۱. مقدمه

جوامع بشری همواره با مخاطرات مختلفی روبرو بوده‌اند از حوادث طبیعی گرفته تا تنش‌های نظامی. با گسترش جوامع و افزایش ارتباطات اقتصادی بین آن‌ها، به تدریج استفاده از روش‌هایی که اقتصاد کشورهای دشمن را تضعیف کند نیز به شیوه‌های اعمال فشار بر آن‌ها افزوده شد. با وجود اختلاف‌نظرهای اساسی که اقتصاددانان کلاسیکی و نئوکلاسیکی در رابطه با ابعاد علم اقتصاد دارند، هر دو مکتب بر وضعیت ابزاری یا استراتژیک علم اقتصاد اذعان دارند (مک‌کینلی^۱، ۲۰۰۷). در واقع، امنیت ملی یک کشور نه تنها به وسیله حملات نظامی، بلکه به واسطه جنگ‌افزارهای اقتصادی نیز می‌تواند مورد تهدید قرار گیرد. استفاده از جنگ‌افزارهای اقتصادی می‌تواند در قالب راهبردی‌های مختلف انجام شود. راهبردهایی همچون فقیرسازی، قطع رابطه، تحریم، محدود سازی، خسونت سیاسی، سلطه و نابسامان جلوه نمودن اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشورهای مخالف (طغیانی و همکاران، ۱۳۹۵). شیوه‌های این نوع جنگ‌ها که به جنگ اقتصادی نیز معروف شده‌اند با پیشرفته شدن جوامع در دوران معاصر تغییر یافته‌اند اما در مقابل، روش‌های نیز به منظور دفاع در برابر این حمله‌های اقتصادی اتخاذ شده‌اند تا این حملات را بی‌اثر یا حتی‌الامکان کم‌اثر کنند. بسته به نوع جنگ اقتصادی (تعرفه، تحریم و غیره) و قدرت اثرگذاری کشور متخاصم، کشورهای درگیر نیز متناسب با ظرفیت‌های خود راهکارهایی برای مقابله با آن اتخاذ می‌کنند که می‌توان به اصطلاح آن را دفاع غیرعامل اقتصادی نامید. پدافند یا دفاع اقتصادی، به نوعی توسعه معنایی مفهوم دفاع است به نحوی که می‌توان آن را به عنوان مجموعه اقدامات غیرنظامی که سبب افزایش توانایی آشکارسازی، ارتقای سطح مصونیت و بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم تأمین باکیفیت و پایداری نیازهای اساسی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدهای اقتصادی دشمن می‌شود، تعریف کرد (خاندوزی و حسین زاده، ۱۳۹۴).

جمهوری اسلامی ایران بنابر شرایط خاص خود در حوزه اقتصاد با مسائل و مفاهیمی مواجه شده است که تاکنون مشابه و ما به‌زای واقعی نداشته است؛ بنابراین خود نیازمند نوآوری، نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی است (تراب زاده جهرمی و همکاران، ۱۳۹۲). به‌طور کلی در طی چند دهه گذشته و به‌طور خاص به دنبال مناقشات هسته‌ای در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا و متحدانش قرار گرفته است.

با نگاهی به میزان تورم و رشد اقتصادی و به تبع آن، میزان بیکاری در جامعه، می‌توان گفت تحریم‌ها تأثیر بالقوه زیادی بر روی جامعه دارند و هزینه‌های رفاهی سنگینی را تحمیل می‌کنند؛ بنابراین، اتخاذ راهبردهای متناسب در برابر آن‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. با در نظر گرفتن شرایط خاص ایران در بین کشورهای که تاکنون مورد تهاجم اقتصادی قرار گرفته‌اند، اقتصاد ایران نیازمند الگوی دفاع مختص خود متناسب با ظرفیت‌هایی که دارد، می‌باشد.

در خصوص ارتباط بین مؤلفه‌های دفاع غیرعامل اقتصادی با محورهای اقتصاد مقاومتی بایستی در نظر داشت که اقتصاد ایران دارای شرایط خاصی است و نظریه‌های متداول اقتصادی را نمی‌توان بدون توجه به این شرایط

^۱ McKinley

استفاده کرد. نظریه‌های متعارف اقتصادی عموماً مربوط به شرایط وجود اطمینان و یا شرایط عدم اطمینان به معنای وجود ریسک هستند اما کشور ما در شرایط تعارض و یا وجود دشمن قرار دارد. از سویی جنبه‌های فرهنگی و عدالتی به‌عنوان بعد معنوی نیز در این اقتصاد به‌طور ویژه مورد توجه قرار دارد. اقتصاد مقاومتی الگویی است که در چنین شرایطی مطرح شده است. دفاع غیرعامل نیز عموماً در برابر وجود تهدید و در پارادایم نظامی مطرح می‌گردد. دفاع غیرعامل اقتصادی نگرشی در شرایط تهدید اقتصادی است که در این تحقیق تأکید بر روی تحریم در حوزه جنگ اقتصادی می‌باشد؛ بنابراین، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک سند بالادستی را می‌توان چارچوب و استاندارد برای تدوین معیارهای دفاع غیرعامل اقتصادی متناسب با شرایط اقتصاد ایران دانست.

با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ و مطرح شدن اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راه برون‌رفت کشور از مشکلات اقتصادی و اهمیت آن بایستی به دنبال اجرای موفقیت‌آمیز آن و بی‌اثر کردن آینده‌های اقتصادی دشمن بود. مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌گردد، راه‌های خنثی کردن اثرات منفی این آینده‌ها و دستیابی به اهداف اقتصاد مقاومتی است؛ بنابراین در این پژوهش دفاع غیرعامل اقتصادی به‌عنوان جزئی مهم در برنامه‌های راهبردی و سیاست‌های کلان کشور در هماهنگی با اقتصاد مقاومتی مورد توجه واقع شده است. در این تحقیق از طریق مصاحبه با نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و تهیه پرسشنامه، تجزیه و تحلیل روی یافته‌ها صورت گرفته و مقوله‌ها و مؤلفه‌های الگوی دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای تحقق اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی در قالب مدل SWOT تعیین شده است. سپس از فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP¹) جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و طراحی الگو استفاده شده و رتبه‌بندی راهبردها مدنظر قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدیدی در ادبیات اقتصادی ایران است که نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در شهریورماه سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. رهبر معظم انقلاب سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را در قالب بند ۲۴ بند و با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ ابلاغ کردند. "اقتصاد مقاومتی آن‌چنان اقتصادی است که ظرفیت مقابله با نا اطمینانی‌ها و تکانه‌های داخلی و خارجی، اعم از تکانه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و بلایای طبیعی را در خود ایجاد کرده است و می‌تواند تحت وقوع شرایط دشوار، به روند رشد و شکوفایی خود در حد قابل قبولی ادامه داده و به سرعت به‌سوی تعادل پایدار اولیه بازگردد." باتوجه به تعریف فوق، چگونگی تخصیص بهینه منابع محدود جامعه به‌نحوی که در صورت ورود تکانه کمترین آسیب‌رسانی را در پی داشته باشد در کنار چگونگی ترمیم خسارات تحمیل‌شده و بازسازی سریع

¹ Analytic Network Process

ظرفیت‌های تولیدی به‌منظور برگشتن به شرایط تعادل اولیه (پایداری اقتصادی)، در مجموع اقتصاد مقاومتی را تشکیل می‌دهند (نوفرستی، ۱۳۹۵).

جنگ اقتصادی، یکی از عناصر و ابزارهای اصلی جنگ نرم است که وظیفه دفاع غیرعامل در این حوزه، برنامه‌ریزی و اقدام برای مقابله با این شیوه‌های جدید است (فردرو، ۱۳۹۰: ۳۵). این است که جنگ اقتصادی با تحولات مفهومی که به خود گرفته یکی از مواردی است که مسائل و موضوعات فراوانی در دنیای امروز در خود جای داده است (اسفندیاری صفا و دهقان، ۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی صرفاً مربوط به تحریم نیست (سیفلو، ۱۳۹۳)؛ بنابراین، مباحث مربوط به اقتصاد مقاومتی منحصر به تهدیدات اقتصادی نیست و در آن به توانمندسازی اقتصاد نیز توجه شده است درحالی‌که در پدافند غیرعامل اقتصادی، تهدیدات اقتصادی به‌طور عام و جنگ اقتصادی به‌طور خاص مطرح است. در بند ۲۲ ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری در بهمن‌ماه ۱۳۹۲ نیز به نقش دفاع اقتصادی در این حوزه پرداخته شده است: "دولت مکلف است برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

- شناسایی و به‌کارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.
- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.
- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به‌هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

دفاع غیرعامل اقتصادی دارای مؤلفه‌هایی است. پدافند یا دفاع اقتصادی، به‌نوعی توسعه معنایی مفهوم دفاع محسوب می‌شود. از منظر سند پدافند اقتصادی کشور، پدافند اقتصادی را می‌توان به‌عنوان مجموعه اقدامات غیرنظامی در نظر گرفت که موجب افزایش توانایی آشکارسازی و ارتقای سطح مصونیت و بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم تأمین باکیفیت و پایداری نیازهای اساسی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدهای اقتصادی دشمن می‌شود. در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی نیز همانند سایر حوزه‌های دفاع غیرعامل، متناسب با نوع مخاطره و تهدید نوع راهبرد نیز ممکن است متفاوت باشد. در این پژوهش تأکید روی جنگ اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی است؛ بنابراین مؤلفه‌ها و شاخص‌های دفاع غیرعامل اقتصادی نیز متناسب با این نوع مخاطره که بحث مبتلا به اقتصاد ایران است، در نظر گرفته شده‌اند. باتوجه‌به موارد ذکر شده و تعریف پدافند غیرعامل اقتصادی، مؤلفه‌های مهم پدافند غیرعامل اقتصادی در راستای اهداف، محورها و رویکردهای اقتصاد مقاومتی را می‌توان افزایش سطح بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی^۱ و تداوم فعالیت (شامل تداوم فعالیت‌های ضروری و تسهیل مدیریت بحران) دانست. در ادامه به بررسی هر یک از این حوزه‌ها به تفکیک پرداخته شده است:

^۱ vulnerability

۲-۱-۱. بازدارندگی

تعاریف مختلفی از بازدارندگی در منابع مختلف ارائه شده است. به تعبیری بازدارندگی عبارت است از متقاعد کردن حریف به اینکه هزینه‌ها و خطرات ناشی از خط مشی اتخاذی او، نسبت به منافعی که عایدش می‌شود، بیشتر است (بختیاری، ۱۳۹۵). شرایط و فرضیه‌های متعددی در تحقق بازدارندگی مؤثر است. در این بین، فرض وجود حداقل عقلانیت در اندیشه و رفتار رقیب، مفروض اساسی در به‌کارگیری راهبرد بازدارندگی است. اگرچه بازدارندگی یادآور روابط دو ابرقدرت دوره جنگ سرد است، اما بایستی در نظر داشت که بازدارندگی اختصاص به دوره مذکور نداشته و روابط میان بسیاری از کشورها که در عرصه روابط بین‌الملل، منافع متضاد یا متفاوت دارند را در بر می‌گیرد (دانش آشتیانی و رستمی، ۱۳۹۵).

در مدل «انتظارات متضاد» که به‌وسیله دانیل درزنر^۲ (۱۹۹۹) مطرح گردیده است، دو پیش‌بینی در رابطه با الگوی تلاش برای تحریم ارائه شده است: اول، در هیچ تحریمی هزینه ایجاد شده برای کشور اعمال‌کننده نباید بیشتر از هزینه تحمیلی به کشور هدف باشد؛ دوم، انتظارات متناقض باید رابطه‌ای مستقیمی با هزینه‌های کشور اعمال‌کننده داشته باشد و درعین حال با هزینه کشور هدف نیز رابطه‌ای معکوس داشته باشد. شواهد و بررسی‌های آماری نیز هر دوی این گفته‌ها را تأیید کرده‌اند (ولیزاده، ۱۳۹۰).

قدرت ملی عاملی تعیین‌کننده در بازدارندگی است. قدرت ملی عنصری کلیدی در توانایی به‌عنوان شرط لازم برای بازدارندگی مؤثر است. به تعبیری قدرت ملی جمع توانایی‌های بالقوه و بالفعل هر ملت ناشی از منابع سیاسی، جغرافیایی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فناوری آن است. رهبری و اراده ملی از عوامل متحد کننده قدرت ملی هستند. عوامل مختلفی بر قدرت ملی یک کشور مؤثر هستند که می‌توان آن‌ها را ترکیبی از توانایی‌های به‌دست‌آمده از منابع داخلی و فعالیت‌های بین‌المللی به‌حساب آورد. این عوامل شامل عوامل طبیعی، عوامل اجتماعی - روانی، عوامل اقتصادی و نظامی و روابط بین‌الملل است (دری نوگورانی، ۱۳۷۹). سمیعی نسب (۱۳۹۳) متغیرهای اثرگذار در هزینه‌های تحریم را در دو دسته عوامل سیاسی و عوامل اقتصادی تقسیم‌بندی نموده است. عوامل سیاسی شامل: سیاست‌های همراه که توسط کشور یا ائتلاف وضع‌کننده تحریم وضع می‌شود، مانند: مانور مخفی، فعالیت‌های شبه‌نظامی و فعالیت‌های نظامی منظم و آشکار؛ مشارکت جهانی در تحریم؛ عضویت در نهادها و سازمان‌های جهانی؛ ارائه کمک‌های بین‌المللی به کشور تحریم شده به معنای وجود کمک؛ وجود ارتباط بین دو کشور پیش از تحریم و ساختار سیاسی کشور تحریم شده. عوامل اقتصادی شامل: هزینه‌های تحمیلی بر کشور هدف بر اساس قیمت مطلق دلار آمریکا و نیز نسبت به تولید ناخالص داخلی (GDP^۳) و درآمد سرانه؛ ارتباط تجاری بین دو کشور، اندازه‌گیری حجم تجاری و درصد روابط تجاری دو کشور به کل تجارت خارجی کشور تحریم شده؛ اندازه نسبی اقتصاد دو کشور که نسبت GDP کشور وضع‌کننده به تحریم شده است؛ سلامت اقتصادی و ثبات سیاسی کشور تحریم شده؛ کشور بی

1 Conflict expectations

2 Drezner

3 Gross Domestic Product

ثبات یا کشور قوی؛ نوع تحریم وضع شده: تحریم صادرات، تحریم واردات یا تحریم مالی و هزینه خالص تحریم برای کشور وضع کننده.

متناسب با تغییرات گوناگون در عصر کنونی و نیز مطابق با شرایط و اوضاع و احوال داخلی کشور، کشورهای پشتیبان، حضور در پیمان‌های امنیتی و گروهی و... در توان بازدارندگی نقش بسزایی دارند. از طرفی، آگاهی و شناخت لازم از نقاط ضعف و توان ایجاد اختلال در تفکر و برنامه‌های دشمن نقش مهمی دارند (دانش آشتیانی و رستمی، ۱۳۹۵).

علاوه بر مسائل اقتصادی، ملاحظات سیاسی و اجتماعی نیز می‌توانند در بازدارندگی اقتصادی نقش داشته باشند. روابط راهبردی بین‌المللی می‌تواند با وساطت طرف‌های ثالث، اعمال تحریم را با هزینه‌های سیاسی (تنش در روابط با کشورهای ثالث) روبرو سازد. انسجام سیاسی و مقبولیت دولت و حکومت نیز می‌تواند در بازدارندگی نقش ایفا کند چراکه عموماً با بهانه‌هایی بعضاً همچون پشتیبانی از مردم طرف تحریم صورت می‌گیرد و انسجام اجتماعی و مقبولیت دولت هم می‌تواند فلسفه تحریم‌ها را زیر سؤال ببرد و هم اثربخشی آنان را کم‌اثر کند.

۲-۱-۲. کاهش آسیب‌پذیری

کاهش آسیب‌پذیری به نوعی موجب کاهش فرصت‌های اثرگذاری اقدامات دشمن در جنگ اقتصادی همچون تحریم اقتصادی می‌شود. یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند منجر به کاهش آسیب‌پذیری گردد و در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. سیاست تنوع‌بخشی است. هم تنوع ترکیب محصولات و هم طرف‌های تجاری مهم است. تنوع‌بخشی سبب می‌شود تا در صورت تحریم در یک حوزه درآمدی، با کسب درآمد از سایر حوزه‌ها، آسیب کمتری به اقتصاد کشور وارد شود. یک مثال آشنا در این حوزه بحث اقتصاد تک‌محصولی و وابستگی به درآمد نفت است. این وابستگی سبب شده تا با تحریم خرید نفت از ایران، درآمدهای صادراتی کاهش زیادی داشته باشد و آسیب‌هایی را متوجه کشور کند. در مقابل با تنوع بیشتر محصولات صادراتی و کشورهای طرف تجارت می‌توان ریسک تحریم و اثرات آن را کاهش داد. به نحوی که با صادرات به کشورهای بیشتر به‌ویژه کشورهایی که مشارکت راهبردی با کشور دارند و همچنین واردات از مبادی ورودی بیشتر اثرگذاری تحریم و ریسک آسیب‌های تحریم را کاهش داد. خودکفایی در تولید محصولات راهبردی نیز می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری کمک کند چراکه هر چه وابستگی به واردات این محصولات بیشتر باشد در صورت تحریم اقتصاد آسیب بیشتری می‌بیند. انضباط مالی دولت و معیارهایی همچون درآمدهای مالیاتی باثبات، سیستم مالیاتی کارا و منعطف می‌تواند به برنامه‌ریزی بهتر و کنترل کسری بودجه کمک کند چراکه کسری بودجه مستمر دولت می‌تواند زمینه آسیب‌پذیری را بیشتر کند. در حوزه مالی نیز، کارکرد نظام بانکی و همسویی بازار سرمایه و سیاست‌های مالی در مدیریت نقدینگی و در خدمت تولید می‌تواند کمک مؤثری در کاهش آسیب‌پذیری باشد.

۲-۱-۳. تداوم فعالیت

در حوزه تداوم فعالیت، بحث تسهیل مدیریت بحران، تداوم فعالیت و در حد ایدئال آن برگشت به حالت قبل مطرح می‌شود. در این حوزه انعطاف‌پذیری بازار عنصر مهمی است. هرچند کنترل بیشتر دولت بر اقتصاد تأثیر تحریم را ممکن است کاهش دهد. اما معمولاً بازار رقابتی سریع‌تر با شرایط جدید سازگار می‌شود. تداوم فعالیت در اینجا را می‌توان مفهومی نزدیک به تاب‌آوری تعریف نمود. سابقه بحث‌های مربوط به تاب‌آوری بیشتر به علوم مهندسی برمی‌گردد و تنش‌ها با تعبیری همچون تکانه، شوک یا حتی بحران توصیف شده‌اند. در سیستم‌های پیچیده همچون اقتصاد ملی یا اقتصاد جهانی، برخلاف سازه‌ها، تاب‌آوری را نه به صورت بازگشت دقیق به وضعیت پیشین خود، بلکه برعکس، با سازگار شدن به معنای یافتن راه‌های مختلف به منظور اجرای کارکردهای اصلی خود نشان می‌دهند. از منظر یک سیستم، تاب‌آوری را می‌توان «حفظ کارکرد سیستم در هنگامه آشفتگی» تعریف کرد (غیاثوند و همکاران، ۱۳۹۳). توانایی جذب زیان یا بهبود سریع هم می‌تواند عملکردی (ذاتی) باشد و هم اکتسابی (تطبیقی). تاب‌آوری ذاتی اشاره به توانایی معمولی مقابله با بحران‌ها دارد (به‌عنوان مثال: موجودی انبار، توانایی بنگاه‌های فردی که نهاده‌های دیگر را جایگزین کنند و یا توانایی بازارها در تخصیص مجدد منابع در واکنش به علایم قیمتی). تاب‌آوری تطبیقی نیز اشاره به توانایی حفظ وظیفه در شرایط بحرانی از طریق کسب مهارت و تلاش زیاد دارد (به‌عنوان مثال: افزایش دادن امکانات جانشینی نهاده در عملیات تجاری یا تقویت کردن بازار به‌وسیله ارائه دادن اطلاعات با هدف هماهنگ کردن عرضه‌کنندگان و مشتریان)؛ بنابراین تاب‌آوری تطبیقی از یادگیری پس از حادثه تبعیت می‌کند و مرز کارایی تولید را به سمت بالا منتقل می‌کند، هرچند لزوماً نیازی به سرمایه‌گذاری ندارد (غیاثوند و عبدالشاه، ۱۳۹۴).

۲-۲. پیشینه پژوهش

علی‌رغم اهمیت مقوله دفاع غیرعامل اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی، مطالعات کمی به بررسی هم‌زمان دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند و در حوزه دفاع غیرعامل، عمده تمرکز بر روی کلیت دفاع غیرعامل و نه دفاع غیرعامل اقتصادی بوده است. در ادامه تعدادی از این مطالعات که مرتبط با موضوع مورد بررسی می‌باشند به‌طور مختصر بیان شده است و پس از آن جمع‌بندی از این مطالعات و ارتباط این تحقیق با تحقیقات پیشین به‌ویژه مطالعات صورت‌گرفته در ایران ارائه شده است. مارکزی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) تشابهات و تفاوت‌های تاب‌آوری و پایداری را در مدیریت محیط‌زیست مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها برای بررسی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و چارچوب مدیریت فعلی برای افزایش پایداری و انعطاف‌پذیری، ادبیات موضوع را با تمرکز بر استفاده یکپارچه از پایداری و انعطاف‌پذیری در زمینه مدیریت محیط‌زیست بررسی نمودند. آن‌ها سه چارچوب کلی مدیریتی برای سازمان‌دهی تاب‌آوری و پایداری شامل: (۱) تاب‌آوری به‌عنوان بخشی از پایداری (۲) پایداری به‌عنوان بخشی از تاب‌آوری و (۳) تاب‌آوری و پایداری به‌عنوان

^۱ Marchese & et al.

اهدافی جداگانه؛ را شناسایی نمودند. آن‌ها در مطالعه خود بیان می‌کنند که پیاده‌سازی این چارچوب‌ها، اهداف مشترک منفعت بخشی به مردم و محیط‌زیست تحت شرایط عادی و غیرمعمول را دارند.

هودک و همکاران^۱ (۲۰۱۷) ظرفیت تاب‌آوری و آسیب‌پذیری را در ۷۹ ناحیه کشور اسلوواکی به‌عنوان کشوری کوچک و باز مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها برای این منظور، شاخص ظرفیت تاب‌آوری (RCI) را با توجه به آسیب‌پذیری آن‌ها در دوره نخست افزایش بیکاری (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲) و همچنین دوره دوم آسیب‌پذیری از شوک اقتصادی (۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴) بررسی نمودند. نتایج آن‌ها تفاوت مناطق شرقی و غربی در ظرفیت تاب‌آوری را نشان می‌داد. همچنین بخش‌های شهری و صادرات محور با RCI بالا، در معرض آسیب‌پذیری بیشتری در مقایسه با مناطق روستایی بوده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، مناطق کوچک و دور، واکنش کمتر و یا با تأخیر به شوک داشته‌اند.

نینبرگ و هودینات^۳ (۲۰۱۷) تأثیر برنامه امنیت تولیدی اتیوپی را بر تأثیرات بلندمدت خشک‌سالی بر امنیت غذایی خانوار، بررسی نمودند. بر اساس نتایج آن‌ها، شوک‌های خشک‌سالی، تعداد ماه‌هایی را که خانوار برای امنیت غذایی خود در نظر می‌گیرد را کاهش می‌دهد و این تأثیر تا بیش از چهار سال پس از پایان خشک‌سالی ادامه می‌یابد. همچنین، پرداخت‌های برنامه امنیت تولیدی اتیوپی، تأثیر اولیه خشک‌سالی را تا ۵۷ درصد کاهش داده است و تأثیر نامطلوب آن‌ها بر امنیت غذایی را طی دو سال برطرف کرده است. به این ترتیب، این برنامه تاب‌آوری افراد ذی‌نفع خود را در برابر شوک‌های نامطلوب تقویت کرده است.

احمدیار و باقری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان اقتصاد مقاومتی و پدافند غیرعامل، اولویت اهمیت مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی (تولید، توزیع و مصرف) از منظر پدافند غیرعامل بررسی نمودند. نتایج آن‌ها حاکی از آن بود که عامل تولید مهم‌ترین مؤلفه اقتصاد مقاومتی پدافند غیرعامل است. آن‌ها همچنین اهمیت زیر شاخص‌های مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را نیز رتبه‌بندی نمودند که مطابق نتایج آن‌ها، در عامل تولید، سرمایه‌گذاری در تولید، در عامل توزیع، عدالت و در عامل مصرف، فرهنگ‌سازی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در پدافند غیرعامل است.

صادقی شاهدانی و نصرآبادی (۱۳۹۵) ثبات بانکداری اسلامی در برابر بحران مالی را با مطالعه موردی بحران مالی سال ۲۰۰۸ مورد تحقیق قرار دادند. آن‌ها، دارایی‌های مالی بدون پشتوانه واقعی و گسترش آن‌ها توسط نهادهای مالی را از مهم‌ترین عوامل بحران مالی سال ۲۰۰۸ معرفی کردند و ویژگی‌های ذاتی بانکداری اسلامی در جلوگیری از این نوع بحران‌ها را، ارتباط تنگاتنگ با بخش حقیقی اقتصاد، ایجاد شفافیت مالی، وجود نظارت و کنترل، توزیع ریسک، تأثیرپذیری حداقل از شوک‌ها، رعایت استانداردهای وام‌دهی، عدم سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بدون پشتوانه و التزام به برآورد دقیق ریسک فعالیت‌ها برشمردند.

سلیمانی و پیغامی (۱۳۹۵) مؤلفه‌های الگوی مقاومت‌سازی اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و روش داده‌بنیاد بررسی نمودند. آن‌ها در این زمینه هفت مؤلفه اصلی

¹ Hudec & et al.

² Resilience Capacity Index

³ Knippenberg & Hoddinott

شامل: توسعه و پیشرفت اقتصادی، زیرساخت‌های فیزیکی و اطلاعاتی - ارتباطی، مباحث جمعیتی، مسائل و امور فرهنگی / اجتماعی، توسعه و تحول آموزش، علم و فناوری، مباحث اجرایی - تقنینی، منابع طبیعی، زیست‌محیطی و اکولوژیکی را شناسایی نمودند.

امیری طهرانی زاده (۱۳۹۴) به بررسی مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی پرداخته است و بیان می‌کند که نظریه بازار اسلامی و مفاهیم حق معاش و عدالت تولیدی در قلمرو اقتصاد اسلامی می‌تواند مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی را توضیح دهد.

فرتوک زاده و همکاران (۱۳۹۳) نقش صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی را بررسی نمودند. نتایج آن‌ها حاکی از این بود که صنعت دفاعی از طریق سرریزهای فناورانه، ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، کمک به تحریک تقاضای دانش‌بنیان و کمک به نوآوری نهادی برای رفع گلوگاه‌های نهادی مانع پیشرفت کسب‌وکارهای راهبردی در سطح ملی، منجر به ارتقای قابلیت‌های کشور در گذار به اقتصاد مقاومتی خواهد شد.

چهرمی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را استخراج نمودند.

حسینی (۱۳۹۲) در مطالعه خود، ابتدا شرایط اقتصاد جهانی و روند آن را بررسی نموده است و پس از بررسی ابعاد و سازوکارهای اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی در حوزه‌های سیاست مالی، ارزی و پولی اقتصاد ایران، وضعیت بخش‌های واقعی، بازار سرمایه و شاخص‌های تورم و بیکاری را تحلیل کرده است. وی در این مطالعه تحریم را به‌عنوان جنگ اقتصادی دشمن نام برده و اقداماتی همچون تقویت دیپلماسی سیاسی، حقوقی و اقتصادی در مقابل تحریم‌ها، پشتیبانی هدفمند از بنگاه‌های کوچک و متوسط، مقابله با انتظارات تورمی، اقدامات جبرانی برای اқشار آسیب‌پذیر، تداوم اصلاحات ساختاری همچون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و طرح تحول اقتصادی، دنبال نمودن سیاست‌های اقتصادی با هدف کاهش عدم تعادل‌ها و ایجاد ثبات به‌ویژه در حوزه‌های ارزی، مالی دولت، بازار پول و بازار کالاهای اساسی و همچنین افزایش شفافیت و اشراف اطلاعات اقتصادی و حذف رانت را برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی پیشنهاد کرده است.

با بررسی سوابق پژوهش در بخش مطالعات داخلی و خارجی می‌توان گفت که بخش بزرگی از مطالعات به‌عمل‌آمده در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی به موضوعاتی همچون آسیب‌پذیری اقتصادی، تکانه‌های اقتصادی، تاب‌آوری اقتصادی، بی‌ثباتی اقتصادی و دیگر مفاهیم مشابه پرداخته‌اند.

عمده مطالعات خارجی مرتبط با اقتصاد مقاومتی بر روی موضوع «شوک‌های اقتصادی» و چگونگی مقابله با چنین شوک‌هایی متمرکز بوده‌اند. در این مطالعات، اقتصاد مقاومتی از منظر توانایی مقابله یا تعدیل اثرات منفی شوک‌های اقتصادی خارجی بررسی شده است. این جهت‌گیری به‌خصوص در کشورهای کوچکی که به شدت وابسته به صادرات و منابع مالی خارجی هستند، جذاب بوده است. در این رابطه اصطلاح «پارادوکس سنگاپوری»^۱ نیز معروف شده است که به این موضوع اشاره دارد که این کشور با وجود رشد اقتصادی و سرانه ملی بالا، به

^۱ Singapore Paradox

شدت متأثر از مضرات شوک‌های خارجی است و در مقابل تأثیرات اقتصاد جهانی بسیار آسیب‌پذیر نشان داده است. عمده نا اطمینانی که کشورها با آن روبرو بوده‌اند، به دلیل وقوع شوک‌ها و تغییرات ناگهانی در بازارهای جهانی رخ داده است، از این رو در مطالعات صورت گرفته بر کاهش «آسیب‌پذیری» اقتصاد کشورها و قدرت «بازیابی» آن‌ها تأکید شده است؛ اما اگر شرایط وجود تعارض را در مباحث اقتصاد مقاومتی در نظر بگیریم، مسائلی همچون مقابله با تحریم‌های گسترده بین‌المللی و یا محدودیت‌های دائمی پیش می‌آید؛ این تجربه در کشورهای معدودی مانند کره شمالی و ایران (به‌خصوص از سال ۱۳۸۹) مصداق دارد. به‌عنوان مثال: تحریم بانک مرکزی یک کشور یا بلوکه شدن اموال و دارایی‌هایش یا عدم همکاری شرکت‌های بین‌المللی بیمه‌ای. این موضوع الزامات خاص خود را می‌طلبد و نیازمند نوآوری، نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است.

در جمع‌بندی مطالعات صورت گرفته می‌توان جای خالی تحقیقی به‌منظور ارائه الگویی جدید برای دفاع غیرعامل اقتصادی در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی را متذکر شد. این تحقیق به دنبال پرکردن این شکاف می‌باشد.

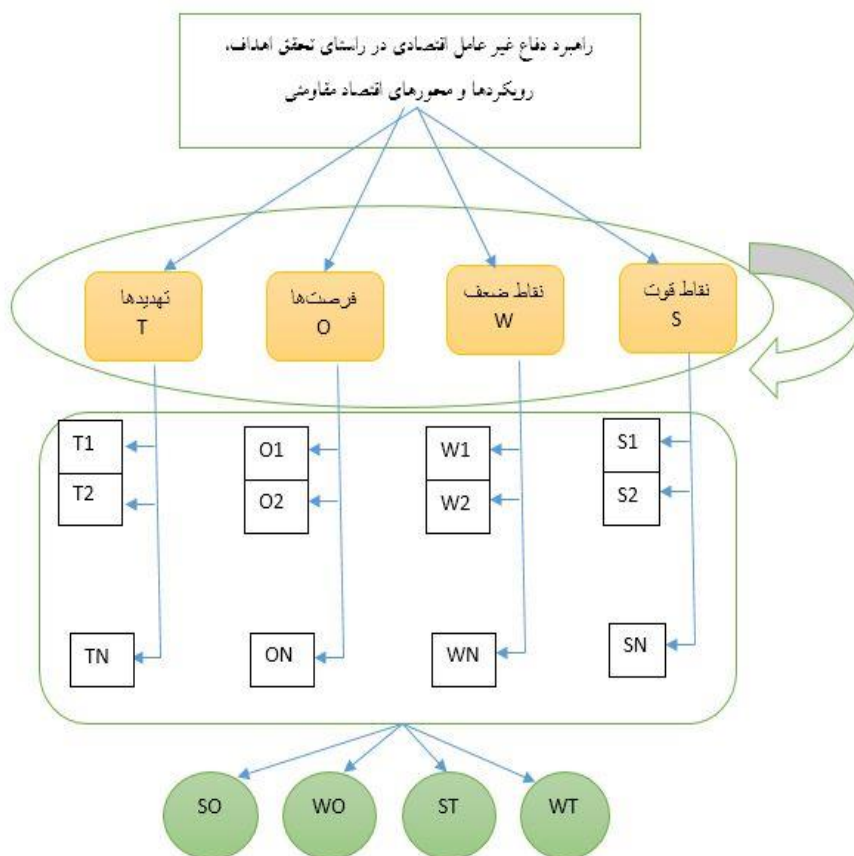
۳. روش‌شناسی پژوهش

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش شامل مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از ابزار پرسشنامه است. جامعه آماری شامل نخبگان و صاحب‌نظران در زمینه دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی است و حجم آن نامشخص است زیرا تعداد صاحب‌نظران این حوزه نامشخص بوده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورتی بود که سعی شد تا با حداکثر افراد در دسترس و موجود مصاحبه انجام گردد و پرسشنامه توسط ایشان تکمیل گردد. همچنین از شاخص نسبت سازگاری حاصل از ماتریس مقایسات زوجی یا CR نیز جهت اعتبارسنجی الگو استفاده شده است.

در این تحقیق پس از مطالعه تجارب تاریخی و معاصر سایر کشورها در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، از طریق مصاحبه با نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و تهیه پرسش‌نامه، تجزیه و تحلیل روی یافته‌ها صورت گرفته است. با مشخص شدن تهدیدات و آینده‌های اقتصاد ایران، مؤلفه‌ها و معیارهای دفاع غیرعامل اقتصادی در قالب نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و راهبردهای آن در راستای تحقق اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی در جهت تکمیل الگو مشخص شده و در نهایت نیز با تدوین و تکمیل پرسش‌نامه و استفاده از روش ANP به تجزیه و تحلیل و رتبه‌بندی راهبردهای الگوی مدنظر پرداخته شده است. در این تحقیق از دو پرسشنامه استفاده شده است. ابزار پرسش‌نامه SWOT به‌عنوان بخش اول کار و تعیین معیارها (نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) به تفکیک حوزه‌های بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم فعالیت در الگوی SWOT-ANP استفاده شده و سپس با انجام مقایسات زوجی از طریق پرسش‌نامه ANP، الگوی SWOT-ANP تکمیل شده است تا راهبرها نیز رتبه‌بندی شوند. بنابراین مراحل تحقیق حاضر را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه نمود:

- (۱) بررسی مؤلفه‌های دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اقتصاد مقاومتی در قالب تشکیل ماتریس SWOT به تفکیک حوزه‌های بازاریابی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم فعالیت (بر مبنای نظر نخبگان) و به‌دست‌آوردن راهبردها؛
- (۲) تکمیل الگوی ANP بر مبنای مرحله یک؛
- (۳) تجزیه و تحلیل نتایج و رتبه‌بندی راهبردهای دفاع غیرعامل اقتصادی در دستیابی به اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی.

شکل زیر فرایند روش ANP به‌منظور رتبه‌بندی راهبردها را ترسیم می‌کند.



شکل شماره (۱) الگوی ANP برای انتخاب راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای تحقق اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی

منبع: نگارندگان پژوهش

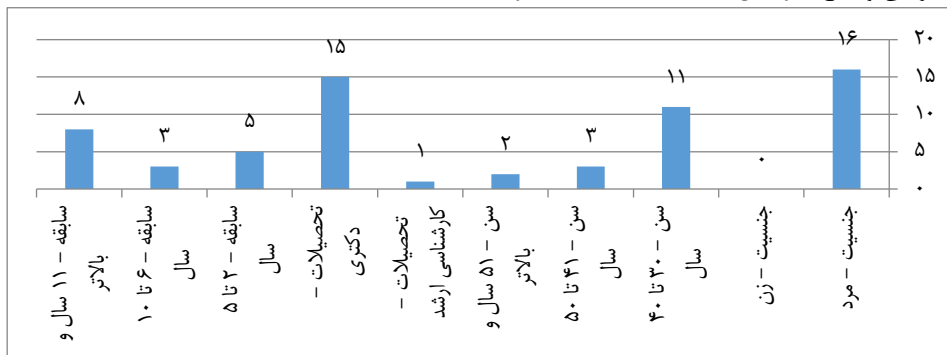
در شکل شماره (۱)، S نقاط قوت، W نقاط ضعف، O فرصت‌ها و T تهدیدات اقتصاد ایران مرتبط با دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی هستند که بر اساس نظر نخبگان

و تکمیل پرسشنامه، تعیین شده است و بر اساس آن‌ها راهبردها استخراج و در نهایت بر اساس الگوی ANP (با تکمیل پرسشنامه مقایسات زوجی) راهبرد بهینه انتخاب می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش ابتدا با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۹ نفر از صاحب‌نظران در زمینه دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی که همگی از اساتید و اعضا هیئت‌علمی دانشگاه‌های کشور بودند، نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در جهت تدوین راهبردهای دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اقتصاد مقاومتی شناسایی شدند سپس در چارچوب پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار داده شد تا بر اساس طیف ۱ تا ۵ لیکرت (۱=اهمیت خیلی کم، ۲=اهمیت کم، ۳=اهمیت متوسط، ۴=اهمیت زیاد، ۵=اهمیت خیلی زیاد) به هر یک از شاخص‌ها امتیاز دهند. سپس میانگین امتیازات هر شاخص محاسبه شد به‌نحوی که چنانچه میانگین امتیاز شاخصی از عدد ۳ کمتر باشد حذف می‌گردد. پرسشنامه مذکور توسط ۱۶ نفر از صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد مقاومتی و دفاع غیرعامل اقتصادی تکمیل گردید که در ادامه نتایج آن ذکر شده است. پس از تعیین معیارهای الگوی SWOT-ANP، با انجام مقایسات زوجی از طریق پرسشنامه، الگوی SWOT-ANP تکمیل شده است تا راهبرها نیز رتبه‌بندی شوند.

روایی پرسشنامه‌ها با استفاده از نظرات اساتید و خبرگان به دست آمد. بدین منظور، ابتدا نمونه اولیه از پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت و پس از جمع‌بندی نظرات، پرسشنامه‌ها اصلاح و مجدداً در اختیار آن‌ها قرار گرفت. پایایی پرسشنامه سوات (SWOT) از طریق آلفای کرونباخ بررسی شد. مطابق نتایج، مقدار ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۳ به دست آمد که حاکی از پایایی آن است. در پرسشنامه الگوی ANP نیز از نرخ ناسازگاری برای بررسی پایایی استفاده می‌شود و در مطالعات باید کمتر از ۰/۱ باشد. در نمودار شماره (۱) آمار جمعیت‌شناختی مربوط به تکمیل‌کنندگان پرسشنامه SWOT که همگی از خبرگان اقتصادی در حوزه اقتصاد مقاومتی و دفاع غیرعامل اقتصادی به تعداد ۱۶ نفر هستند، ارائه شده است.



نمودار شماره (۱) اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان (تعداد)

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره (۱) نتایج ارزیابی عوامل احصا شده بر اساس میانگین امتیاز داده شده توسط صاحب نظران آورده شده است. نتایج نشان از تأیید تمامی شاخص‌های پژوهش با کسب میانگین امتیاز بالاتر از ۳ را دارد. با تأیید مؤلفه‌های دفاع غیرعامل اقتصادی (به تفکیک حوزه‌های بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری و تداوم فعالیت) در راستای اقتصاد مقاومتی، می‌توان جدول SWOT را متشکل از نقاط قوت (S)، نقاط ضعف (W)، نقاط فرصت (O) و نقاط تهدید (T) تشکیل داد، در جدول شماره (۱) عوامل SWOT و کد مربوط به آن‌ها نمایش داده شده است.^۱

جدول شماره (۱) عوامل SWOT

| نقاط قوت (S) | | نقاط ضعف (W) | |
|------------------|---|-------------------|--|
| S _۱ | بازدارندگی | W _۱ | بازدارندگی |
| S _{۱,۱} | موقعیت ژئوپلیتیک محل عبور نفت و شاهراه شرق به غرب | W _{۱,۱} | عدم وجود سیاست‌گذاری راهبردی در تعامل با کشورها |
| S _{۱,۲} | دسترسی به آب‌های آزاد | W _{۱,۲} | عدم تعامل برتر ساز با رقبای منطقه‌ای |
| S _{۱,۳} | همسایگی با ۱۵ کشور | W _{۱,۳} | ارتباط ضعیف با کشورهای صاحب علم و فناوری |
| S _۲ | کاهش آسیب‌پذیری | W _۲ | کاهش آسیب‌پذیری |
| S _{۲,۱} | تنوع در فناوری‌های مورداستفاده | W _{۲,۱} | افزایش بدهی‌های دولت |
| S _{۲,۲} | مناسب بودن اقلیم برای فعالیت اقتصادی در عین تنوع | W _{۲,۲} | افزایش نقدینگی بدون تناسب با تولید |
| S _{۲,۳} | بخش کشاورزی قدرتمند | W _{۲,۳} | تنوع کم در روابط تجاری |
| S _۳ | تداوم فعالیت | W _{۲,۴} | تنوع پایین محصولات صادراتی |
| S _{۳,۱} | نیروی انسانی جوان و متخصص | W _{۲,۵} | وابستگی به دلار در مبادلات بین‌المللی |
| S _{۳,۲} | امنیت عمومی بالا | W _{۲,۶} | وابستگی تولید به واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای از مبادی ورودی محدود (تمرکز مبدأ واردات) |
| S _{۳,۳} | زیرساخت در حوزه آموزش | W _{۲,۷} | وابستگی به نهادهای مالی بین‌المللی نظام سلطه در مبادلات بین‌المللی |
| S _{۳,۴} | زیرساخت در حوزه بهداشت | W _{۲,۸} | بخش غیررسمی گسترده |
| S _{۳,۵} | زیرساخت گسترده در حوزه حمل‌ونقل زمینی | W _{۲,۹} | بالا بودن مطالبات معوق بانکی |
| S _{۳,۶} | زیرساخت در حوزه حمل‌ونقل دریایی | W _{۲,۱۰} | فرار مالیاتی |
| S _{۳,۷} | زیرساخت دسترسی نزدیک و کم‌هزینه به حامل‌های انرژی | W _{۲,۱۱} | اتکای برنامه‌های توسعه به نفت |
| S _{۳,۸} | وجود فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با تخصص‌های مختلف | W _{۲,۱۲} | سرمایه‌گذاری کلان در فعالیت‌های غیرمولد و غیر صادراتی |

^۱ با توجه به محدودیت تعداد صفحات، در این قسمت نتایج به صورت خلاصه شده ارائه شده است. بدهی است نتایج حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط صاحب نظران و تجزیه و تحلیل‌های مرتبط، در صورت لزوم در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد.

| | | | |
|---|-------|---|------|
| اختلال در قیمت‌های نسبی | W۲,۱۳ | وجود فرهنگ جهادی در بین مردم | S۲,۹ |
| وابستگی بودجه و منابع ارزی به درآمد نفتی | W۲,۱۴ | نقاط فرصت (O) | |
| تداوم فعالیت | W۳ | بازدارندگی | O۱ |
| سلطه مالی دولت بر اقتصاد | W۳,۱ | نفوذ منطقه‌ای | O۱,۱ |
| بهره‌وری پایین عوامل تولید | W۳,۲ | تضاد و ناسازگاری اهداف و منافع اقتصادی کشورهای متخاصم با یکدیگر و کشورهای همسایه | O۱,۲ |
| ضعف سیستم‌های تشویقی برای استفاده از نخبگان | W۳,۳ | کاهش آسیب‌پذیری | O۲ |
| اشاعه فرهنگ رانت و تبعیض | W۳,۴ | همسایگی با بازارهای منطقه‌ای کشورهای درحال توسعه با ظرفیت‌های محدود تولیدی در عین داشتن نیازهای متنوع | O۲,۱ |
| کم‌توجهی به تحقیق و توسعه | W۳,۵ | تقاضای مؤثر منطقه‌ای برای گاز طبیعی و ظرفیت بالقوه بخش گاز | O۲,۲ |
| مصرف نا بهینه انرژی | W۳,۶ | تجارت محصولات با محتوای دانش بیشتر | O۲,۳ |
| قوانین تجاری ناکارآمد | W۳,۷ | تجارت خدمات و به‌کارگیری ظرفیت‌های خالی اقتصاد همچون استفاده از فناوری‌های حوزه IT و استارت‌آپ‌های نوآورانه | O۲,۴ |
| کمبود ذخایر راهبردی | W۳,۸ | تداوم فعالیت | O۳ |
| اقتصاد دولتی و ساختار رانتی دولت | W۳,۹ | تولید محصولات جایگزین واردات با اولویت کالاهای ضروری | O۳,۱ |
| نقاط تهدید (T) | | بخش خصوصی و سرمایه‌های ایرانیان در خارج از کشور | O۳,۲ |
| بازدارندگی | T۱ | کاهش وابستگی‌های فناوری در امور مهم | O۳,۳ |
| وجود رقبای منطقه‌ای قوی | T۱,۱ | | |
| سهم اندک در اقتصاد بین‌الملل | T۱,۲ | | |
| کاهش آسیب‌پذیری | T۲ | | |
| نوسان بیش از حد و پیش‌بینی نشده قیمتی نفت، ضمن وابستگی به نفت | T۲,۱ | | |
| کاهش درآمدهای صادراتی | T۲,۲ | | |
| تداوم فعالیت | T۳ | | |
| تحریم‌های حوزه حمل‌ونقل و زیرساخت | T۳,۱ | | |
| تحریم‌های حوزه فناوری در امور راهبردی و سطح بالا | T۳,۲ | | |
| تحریم‌های حوزه انرژی | T۳,۳ | | |
| تحریم‌های حوزه مالی و بانکی | T۳,۴ | | |
| ایجاد بی‌اعتمادی در بازار سرمایه‌گذاری‌های خارجی | T۳,۵ | | |
| افزایش هزینه مبادلات تجاری | T۳,۶ | | |

پس از مشخص شدن عوامل جدول SWOT می‌توان راهبردهای متناسب را بر اساس این عوامل استخراج کرد. در جدول شماره (۲) به طور خلاصه، راهبردهای استخراج شده به همراه کدهای اختصاص داده شده به آن‌ها و ارتباط آن‌ها با عوامل جدول SWOT شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، نقاط فرصت و نقاط تهدید به صورت کدگذاری شده نمایش داده شده است.

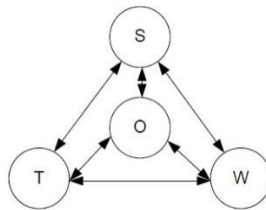
جدول شماره (۲) راهبردهای دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اهداف، محورها و رویکردهای اقتصاد مقاومتی

| نوع راهبرد | کد | راهبرد | کد مرتبط |
|------------|-----------------|---|--|
| SO | SO _۱ | استفاده از دیپلماسی در رفع تهدیدات اقتصادی (فشار و حمایت از سوی طرف‌های تجاری ثالث برای لغو تحریم) | S _{۱,۱} - S _{۱,۲} - S _{۱,۳} - O _{۱,۱} - O _{۱,۲} - O _{۳,۲} |
| | SO _۲ | توسعه اقتصاد روستایی | S _{۲,۲} - S _{۲,۳} - S _{۳,۸} - O _{۲,۱} |
| | SO _۳ | تداوم اصلاحات ساختاری همچون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و طرح تحول | S _{۳,۱} - S _{۳,۲} - S _{۳,۵} - S _{۳,۶} - S _{۳,۷} - O _{۲,۲} |
| | SO _۴ | ظرفیت نوآورانه: شایسته‌سالاری - تحقیق و توسعه - دانش‌بنیان | S _{۲,۱} - S _{۳,۱} - S _{۳,۳} - S _{۳,۸} - O _{۲,۱} - O _{۲,۲} - O _{۲,۴} - O _{۳,۱} - O _{۳,۳} |
| ST | ST _۱ | استفاده از انسجام اجتماعی در جهت تأثیرگذاری بر مجامع بین‌المللی | S _{۲,۹} - T _{۳,۱} - T _{۳,۲} - T _{۳,۳} - T _{۲,۴} |
| | ST _۲ | پیمان‌های پولی دوجانبه | S _{۱,۲} S _{۱,۳} - T _{۳,۴} - T _{۳,۶} |
| | ST _۳ | استفاده از فرهنگ جهادی در جهت حمایت از تولید داخل | S _{۳,۹} - T _{۳,۵} |
| WO | WO _۱ | بهره‌گیری از نفوذ منطقه‌ای در ایجاد حمایت سیاسی و اقتصادی | W _{۱,۱} - W _{۱,۲} - O _{۱,۱} - O _{۱,۲} |
| | WO _۲ | تنوع‌بخشی در تعاملات تجاری و مبادلات مالی | W _{۲,۳} - W _{۲,۴} - W _{۲,۵} - O _{۱,۱} - O _{۱,۲} - O _{۳,۲} |
| | WO _۳ | عدم اتکا برنامه‌های توسعه به نفت و افزایش درآمد مالیاتی با افزایش پایه مالیاتی و مبارزه با فرار مالیاتی | W _{۲,۱۰} - W _{۲,۱۱} - W _{۲,۱۴} - O _{۲,۱} - O _{۲,۳} |
| | WO _۴ | اصلاحات ساختاری در تولید در جهت توجه بیشتر به سرمایه انسانی و تولید محصولات دانش‌بنیان با هدف کاهش وابستگی‌های فناوری | W _{۱,۳} - W _{۳,۳} - W _{۳,۵} - O _{۲,۳} - O _{۳,۳} |
| | WO _۵ | توسعه خوداشتغالی | W _{۳,۱} - W _{۳,۳} - W _{۳,۹} - O _{۲,۱} - O _{۲,۳} - O _{۲,۴} |
| | WO _۶ | افزایش شفافیت و اشراف اطلاعاتی اقتصادی | W _{۲,۸} - W _{۲,۹} - W _{۲,۱۰} - O _{۲,۳} |
| | WO _۷ | توسعه مالی و کاهش سلطه مالی دولت | W _{۲,۱} - W _{۳,۱} - W _{۳,۹} - O _{۲,۳} |
| WT | WT _۱ | تعامل راهبردی با شرکای تجاری و افزایش سهم بازار در اقتصاد جهانی | W _{۱,۱} - W _{۱,۲} - W _{۱,۳} - T _{۱,۱} - T _{۱,۲} |

| کد مرتبط | راهبرد | کد | نوع راهبرد |
|---|---|-----------------|------------|
| W _{۲,۶} - T _{۲,۱} - T _{۲,۲} - T _{۳,۲} - T _{۳,۴} | ایجاد ساختار صنعتی با روابط داده - ستانده و زنجیره ارزش افزوده متکی به داخل | WT _۲ | |
| W _{۳,۸} - T _{۳,۱} - T _{۳,۳} | ایجاد و توسعه ذخایر راهبردی مواد اولیه و کالاهای ضروری و انرژی | WT _۳ | |

منبع: یافته‌های پژوهش

با مشخص شدن راهبردهای دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی، جدول برنامه‌ریزی راهبردی SWOT تکمیل گردید و حالا می‌توان با ترکیب این جدول با الگوی ANP الگوی راهبردی مدنظر را به صورت رتبه‌بندی راهبردهای شناسایی شده، به دست آورد. بدین منظور ابتدا بایستی روابط درونی بین عوامل اصلی مشخص شود. در شکل (۲) روابط درونی بین عوامل اصلی بر اساس نظرات خبرگان و پیشینه پژوهش مشخص شده است. بر اساس شکل (۲) کلیه عوامل بر روی یکدیگر اثر می‌گذارند و در تحلیل ANP بایستی این اثرگذاری را در نظر گرفت.



شکل شماره (۲) روابط درونی بین عوامل SWOT

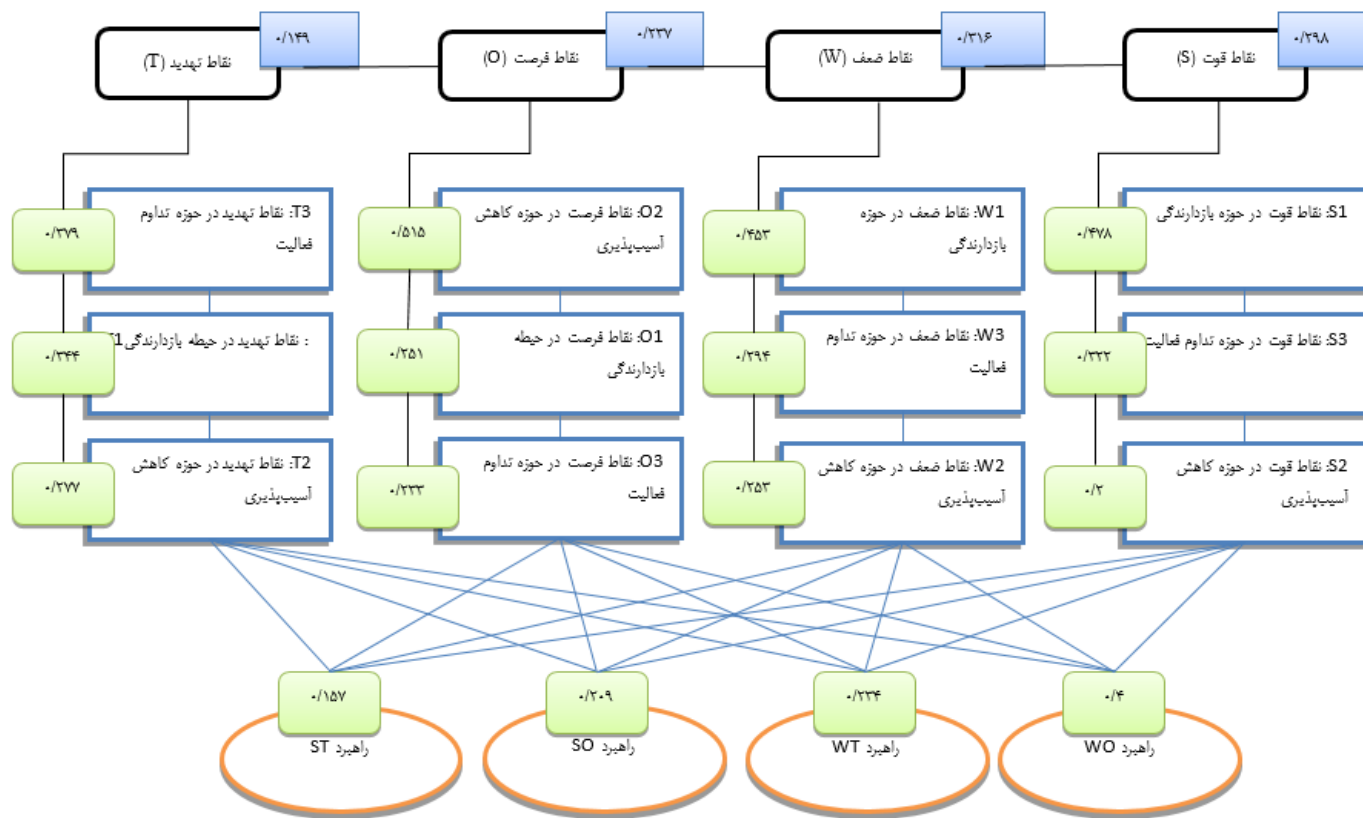
منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله قبل ابتدا عوامل شناسایی و توسط خبرگان تأیید شدند در این گام نیز جهت تعیین اهمیت و وزن آن‌ها از روش تحلیل فرایند شبکه‌ای ANP استفاده شده است. بدین منظور ابتدا ماتریس مقایسات زوجی معیارها و شاخص‌ها ایجاد شد و به صورت پرسشنامه در اختیار خبرگان قرار گرفت. تعداد خبرگان در این قسمت ۱۰ نفر می‌باشد. بعد از تکمیل ماتریس‌های مقایسات زوجی و ادغام توسط روش میانگین هندسی، نرخ ناسازگاری ماتریس مقایسات برای هر کدام محاسبه شده است تا مورد اعتبارسنجی قرار گیرند (در کلیه مقایسات نرخ ناسازگاری کمتر از ۰/۱ به دست آمد).

پس از مشخص شدن عناصر جدول SWOT، راهبردهای متناسب نیز با استفاده از الگوی ANP^۱ و مطابق شکل (۳) رتبه بندی شدند. نتایج نشان داد که در بعد معیارهای اصلی، معیار ضعف با وزن ۰/۳۱۶ رتبه اول، معیار قوت با وزن ۰/۲۹۸ رتبه دوم، معیار فرصت با وزن ۰/۲۳۷ رتبه سوم و معیار تهدید با وزن ۰/۱۴۹ رتبه چهارم را کسب کرده است. این امر اهمیت پوشش نقاط ضعف و بهره‌گیری از نقاط قوت در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی را بیان می‌کند. در واقع در راستای اهداف؛ رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی باید به ظرفیت‌ها و

^۱ تجزیه و تحلیل مقایسات زوجی در الگوی ANP با استفاده از نرم افزار Super Decision انجام شده است.

توانایی‌های داخلی و همچنین رفع نقاط ضعف در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی توجه نمود. بر اساس اوزان نهایی زیر معیارهای نقاط قوت، نقاط قوت بخش بازدارندگی بالاترین وزن را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین نقاط قوت با ظرفیت بازدارنده در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی باید به طور ویژه موردتوجه قرار گیرند. وضعیت جغرافیایی ایران ظرفیت مناسبی را در حوزه بازدارندگی به آن بخشیده است. در واقع، ارتباط با کشورهای زیاد در همسایگی و منطقه و همچنین تسلط بر کریدرهای تجاری مهم همچون تنگه هرمز می‌تواند هزینه‌های دشمن در جنگ اقتصادی را افزایش و تأثیرگذاری آن را کاهش دهد و به‌عنوان اهرمی بازدارنده عمل کند. البته این موضوع چالش‌های تأمین عدالت اقتصادی و امنیتی نیز به همراه دارد؛ بنابراین بایستی ضمن تأمین زیرساخت‌های مناسب برای بهره‌گیری از این نقطه قوت، پراکندگی مناسب در عدالت اقتصادی و امنیت را نیز برقرار نمود تا از تبدیل این نقطه قوت به نقطه ضعف جلوگیری نمود. نقاط ضعف در حوزه تداوم فعالیت بیشترین اهمیت را نشان می‌دهد و پس از آن نقاط ضعف در حوزه بازدارندگی و نقاط ضعف در حوزه کاهش آسیب‌پذیری قرار دارند. بنابراین بایستی با اتخاذ سیاست‌هایی همچون بهبود بهره‌وری و اصلاح رفتارهای مصرفی، رقابت‌پذیری در اقتصاد را بالا برد. همچنین با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی همچون اصل ۴۴ قانون اساسی، اجرای سیاست‌های مردمی کردن اقتصاد و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، افزایش اشتغال را مدنظر قرار داد. بر اساس نتایج، فرصت‌های شناسایی شده در بخش کاهش آسیب‌پذیری بالاترین وزن را دارند و پس از آن فرصت‌ها در حوزه‌های بازدارندگی و تداوم فعالیت قرار دارند به‌گونه‌ای که وزن نقاط فرصت در حوزه کاهش آسیب‌پذیری بیش اندازه وزن فرصت در دو حوزه بازدارندگی و تداوم فعالیت است. این امر بر لزوم توجه ویژه به بهره‌گیری از فرصت‌های پیش رو در حوزه کاهش آسیب‌پذیری دفاع غیرعامل اقتصادی تأکید دارد. این موضوع لزوم فاصله‌گیری از تخصص‌گرایی افراطی و وابستگی به صادرات یک یا چند محصول خاص را بیان می‌کند که خود نیازمند متنوع سازی اقتصاد است. نقاط تهدید در حوزه‌های بازدارندگی و تداوم فعالیت وزن بیشتری نسبت به نقاط تهدید در حوزه کاهش آسیب‌پذیری دارند. بایستی در نظر داشت که در خصوص تحریم‌های حوزه فناوری، نوع و سطح فناوری هم مهم است؛ بنابراین اقداماتی همچون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان بایستی مدنظر قرار گیرد. با مشخص شدن اولویت‌ها، می‌توان الگوی راهبردی را در قالب شکل شماره (۳) ترسیم نمود



شکل شماره (۳) الگوی راهبردی دفاع غیرعامل اقتصادی در راستای تحقق اهداف، رویکردها و محورهای اقتصاد مقاومتی
منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج، در بین ۴ نوع راهبرد پژوهش، راهبرد WO با وزن ۰/۴ رتبه اول، راهبرد WT با وزن ۰/۲۳ رتبه دوم، راهبرد SO با وزن ۰/۲۰۹ رتبه سوم و راهبرد ST با وزن ۰/۱۵۷ رتبه چهارم را کسب کرده است. در جدول شماره (۳) راهبردها به همراه اولویت آن‌ها گزارش شده است.

جدول شماره (۳) اولویت بندی راهبردهای دفاع غیرعوامل اقتصادی در راستای اهداف، محورها و رویکردهای اقتصاد

مقاومتی

| اولویت راهبرد | راهبردها | وزن |
|-----------------|---|-------|
| اولویت اول WO | بهره‌گیری از نفوذ منطقه‌ای در ایجاد حمایت سیاسی و اقتصادی | ۰/۴ |
| | تنوع‌بخشی در تعاملات تجاری و مبادلات مالی | |
| | عدم اتکا بر نامه‌های توسعه به نفت و افزایش درآمد مالیاتی با افزایش پایه مالیاتی و مبارزه با فرار مالیاتی | |
| | اصلاحات ساختاری در تولید در جهت توجه بیشتر به سرمایه انسانی و تولید محصولات دانش‌بنیان با هدف کاهش وابستگی‌های فناوری | |
| | توسعه خوداشتغالی | |
| | افزایش شفافیت و اشراف اطلاعاتی اقتصادی | |
| | توسعه مالی و کاهش سلطه مالی دولت | |
| اولویت دوم WT | تعامل راهبردی با شرکای تجاری و افزایش سهم بازار در اقتصاد جهانی | ۰/۲۳ |
| | ایجاد ساختار صنعتی با روابط داده - ستانده و زنجیره ارزش افزوده متکی به داخل | |
| | ایجاد و توسعه ذخایر راهبردی مواد اولیه و کالاهای ضروری و انرژی | |
| اولویت سوم SO | استفاده از دیپلماسی در رفع تهدیدات اقتصادی (فشار و حمایت از سوی طرف‌های تجاری ثالث برای لغو تحریم) | ۰/۲۰۹ |
| | توسعه اقتصاد روستایی | |
| | تداوم اصلاحات ساختاری همچون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و طرح تحول | |
| | ظرفیت نوآورانه: شایسته‌سالاری - تحقیق و توسعه - دانش‌بنیان | |
| اولویت چهارم ST | استفاده از انسجام اجتماعی در جهت تأثیرگذاری بر مجامع بین‌المللی | ۰/۱۵۷ |
| | پیمان‌های پولی دوجانبه | |
| | استفاده از فرهنگ جهادی در جهت حمایت از تولید داخل | |

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با در نظر گرفتن نتایج پژوهش شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، نقاط فرصت و نقاط تهدید و همچنین راهبردهای احصا شده در رابطه با دفاع غیرعوامل اقتصادی، برای تقویت نقاط قوت و استفاده بهینه از فرصت‌ها و کاهش نقاط ضعف و تهدیدها موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

بر اساس نتایج به دست آمده مشخص گردید که نقاط قوت در حیطه بازدارندگی بیشترین وزن را در بین نقاط قوت به دست آورده‌اند. ایران با داشتن سواحل طولانی در جنوب و شمال، قرارگیری در مرکزیت بیضی جهان و تسلط بر تنگه هرمز از ظرفیت مناسبی در حوزه بازدارندگی اقتصادی برخوردار است چراکه این ظرفیت‌ها

امکان ارتباطات با کشورهای زیادی در همسایگی را ایجاد نموده و می‌تواند هزینه‌های بالقوه جنگ اقتصادی را برای دشمن افزایش دهد. چراکه کنترل روی کشور پهناور و با مرزهای زیاد پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر است. با این وجود بایستی در نظر داشت که اگر عدم توانایی در برقراری امنیت و عدالت اقتصادی در سراسر کشور وجود داشته باشد این مزیت می‌تواند تبدیل به تهدید شود. از طرفی به منظور بهره‌گیری مناسب از موقعیت‌ها بایستی زیرساخت‌های متناسب را نیز ایجاد نمود به‌عنوان نمونه، برای بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک محل عبور نفت و شاهراه شرق به غرب صرف داشتن ظرفیت کافی نیست بلکه باید عملاً خطوط لوله و ... موجود باشند. همچنین با توجه به گستره وسیع جغرافیایی، پراکندگی مناسب در عدالت اقتصادی و امنیت آن نیز مؤثر است. تمرکز در یک فضای در دسترس موجب افزایش آسیب‌پذیری است.

با بررسی نقاط قوت در حیطه کاهش آسیب‌پذیری می‌توان گفت که تنوع در فناوری‌های مورد استفاده به معنای وجود بازار برای فناوری‌های مختلف است و این امر به ایجاد صرفه‌های اقتصادی در تأمین و دستیابی به فناوری‌های مختلف کمک می‌کند. وابستگی به فناوری‌ها خاص و محدود چنانچه همراه با تأمین از خارج کشور باشد به معنای آسیب‌پذیری بیشتر است بنابراین با بازیابی و تشویق به تأمین بومی فناوری‌های مختلف در حوزه‌های گوناگون می‌توان از تنوع فناوری‌های مورد استفاده در جهت کاهش آسیب‌پذیری بهره‌وری بیشتری نمود.

مناسب بودن اقلیم برای فعالیت اقتصادی در عین تنوع می‌تواند شرایط را برای تأمین امنیت غذایی فراهم کند چراکه وابستگی به خارج را در تأمین مواد غذایی به‌عنوان کالای اساسی را تا حد زیادی مرتفع می‌سازد. به‌منظور توسعه کشاورزی و اقتصاد روستایی بایستی عوامل متعددی را مدنظر قرار داد. عواملی همچون تأمین و توسعه مالی در بخش کشاورزی، بازیابی، دسترسی به نهاده‌های با کیفیت، آموزش و تأمین زیرساخت‌های فیزیکی. نظام بانکی، به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی نیازهای مالی بخش کشاورزی کشور بایستی با نظارت صحیح در جهت توزیع اعتبارات بانکی به‌نحوی که منجر به تقویت اساسی تولید شود، گام بردارد. همچنین با انعطاف‌پذیری مناسب، اثربخشی این اعتبارات را افزایش دهد.

پس از نقاط قوت در حیطه بازدارندگی، نقاط قوت کشور در حیطه تداوم فعالیت بیشترین وزن را در الگوی SWOT-ANP به دست آوردند. دسترسی به منابع تولید به‌ویژه سرمایه انسانی متخصص می‌تواند بازگشت به تعادل را پس از بروز جنگ اقتصادی تسریع کند. در ایران نیروی انسانی جوان و تحصیل‌کرده به‌واسطه زیرساخت‌های آموزشی گسترده به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای وجود دارد اما آنچه که باعث افزایش قوت در این ناحیه می‌شود، کیفیت نیروی کار و سطح آموزش است؛ بنابراین بایستی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی سعی در افزایش کیفیت نیروی کار و بهبود آموزش نمود. در واقع صرف وجود فارغ‌التحصیلان کافی نیست باید رشته، کیفیت و تناسب با نیازهای راهبردی ملاحظه شود تا نیروی انسانی به‌ویژه جوانان به‌صورت کارآمد مورد استفاده قرار گیرند به‌نحوی که اقتصاد ظرفیت جذب آنها را داشته باشد اگر این جمعیت فعال به‌گونه مناسب مورد استفاده قرار نگیرند و یا اگر مشکل بیکاری وجود داشته باشد فشار به سیستم بیشتر می‌شود.

در خصوص زیرساخت‌ها نیز توجه به گستردگی و استحکام آنان بایستی موردتوجه باشد. به‌نحوی که دسترسی نزدیک و کم‌هزینه مقدور گردد.

در حوزه تجارت و حمل و نقل، بنا بر تجارب سال‌های گذشته در رابطه با تحریم‌های مرتبط با خدمات کشتیرانی و خدمات بیمه‌ای، به نظر می‌آید تأمین زیرساخت‌ها به‌منظور رفع آسیب‌پذیری‌های این حوزه، ذیل قانون برنامه ششم توسعه، امری منطبق بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باشد. راهکارهای متفاوتی در رابطه با این تحریم‌ها می‌توان ارائه داد که از میان آن‌ها می‌توان به تأمین پوشش‌های بیمه‌ای توسط شرکت‌های بیمه داخلی و یا پوشش‌های بیمه‌ای از بازارهای بیمه کشورهای در حال توسعه مانند: هند، ترکیه و امارات متحده عربی اشاره کرد.

کشور ایران دارای ظرفیت‌های فرهنگی در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که از طریق اقداماتی می‌توان این ظرفیت را افزایش داد برخی از اقدامات در این زمینه شامل موارد زیر است:

گفتمان‌سازی به امر اقتصاد مقاومتی از طریق گسترش قانون‌گرایی، پرهیز از سیاست‌زدگی و نفع‌طلبی فردی و گروهی، اخلاق‌مداری، تعهدمندی و خدمت‌رسانی در جهت کاستن از ضعف مدیریت‌های موجود که می‌تواند سبب کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش بدبینی در مردم شود.

تغییر نگاه به میراث‌فرهنگی و اشتغال به‌ویژه اشتغال زنان از صورت‌هایی حمایت‌گرایانه و هزینه‌ای به‌صورت‌هایی مولد و کارآمد.

در رابطه با نقاط ضعف در حیطه بازرندگی می‌توان بیان داشت که امروزه با وجود روابط گسترده جهانی و درهم‌تنیدگی اقتصاد کشورها با یکدیگر، با در نظر گرفتن مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی و الزامات دفاع غیرعامل اقتصادی، آنچه که در عصر جهانی‌شدن اهمیت ویژه‌ای دارد، اولویت قائل شدن برای تعاملات سازنده و اثربخش اقتصادی و بازرگانی همراه با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و ایدئولوژیک است.

بر اساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در چشم‌انداز بیست‌ساله، ایران کشوری با تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت در نظر گرفته شده است. در همین راستا، در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز بر رویکرد برون‌گرایانه در عین تکیه بر درون‌زایی اقتصاد تأکید شده است.

در شرایط کنونی، اهمیت و نقش قدرت و توانمندی‌های اقتصادی در تعیین جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل، بر کسی پوشیده نیست. از طرفی، در دستیابی به جایگاه مستحکم اقتصادی، حوزه سیاست خارجی می‌تواند نقش ویژه‌ای داشته باشد که بایستی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار بگیرد. در همین راستا، اتخاذ سیاست‌های خارجی تعاملی و توسعه‌گرا در عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه تعامل با کشورهای صاحب علم و فناوری خصوصاً کشورهای بلوک شرق و آسیای شرقی، ضمن مدیریت بهینه منابع و ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی توصیه می‌گردد. این عوامل در روند رشد و توسعه پایدار جمهوری اسلامی ایران می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

سرمایه‌گذاری کلان در فعالیت‌های غیرمولد و غیر صادراتی تولید را نباید به تولید فیزیکی و کالایی محدود کرد. چنانچه فرهنگ و امثال آن هم مستلزم سرمایه‌گذاری کلان باشند، می‌توانند آسیب‌پذیری را کاهش دهند. در مورد نقاط ضعف احصا شده در حیطه کاهش آسیب‌پذیری، وابستگی شدید بودجه جاری و عمرانی کشور به درآمد نفت و گاز و نوسانات تقاضای نفت در جهان ناشی از تحولات در بخش تولید و میزان بهره‌وری انرژی و همچنین تحریم‌های نفتی، نوسانات درآمدهای ارزی کشور ناشی از صادرات نفت را در پی داشته و بازار ارز

را متأثر ساخته است. از طرفی تخلیه مخازن و چالش عدالت بین‌نسلی نیز مطرح است. این امر لزوم توجه به درآمدهای صادراتی پایدار و کم‌ریسک را متذکر می‌شود.

ایران دارای منابع عظیم انرژی است و نفت و درآمدهای ارزی حاصل از صادرات آن، همواره بخش مهمی از صادرات ایران و منابع بودجه دولت بوده است. وابستگی درآمدهای دولت و تراز ارزی کشور به فروش نفت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضعف‌های ساختاری کشور و شاید مهم‌ترین عامل آسیب‌پذیری اقتصاد ایران بوده است. این وابستگی به درآمد نفتی به‌نوعی دولت‌ها را به تصور مبرا دانستن خود از گزارش‌دهی دقیق نحوه هزینه کرد آن واداشته است و سبب گسترش مشکلاتی همچون توزیع رانت و شیوع فساد، بهره‌وری پایین، رواج و گسترش واردات کالاهای مصرفی و به‌نوعی بیماری هلندی و تضعیف تولید داخلی شده است.

در طی چند دهه اخیر، نحوه برخورد با درآمدهای نفتی به‌گونه‌ای بوده که قیمت نفت و میزان صادرات آن، مهم‌ترین عامل در تنظیم بودجه بوده است. این در حالی است که متغیری همچون قیمت نفت، متغیری برون‌زا بوده و خارج از کنترل مؤثر محسوب می‌شود (با کاهش سهم ایران از بازار صادرات نفتی میزان تأثیرگذاری کمتر هم می‌شود). براین اساس سهم عمده درآمدهای نفتی از بودجه و اثر شوک‌های نفتی بر بی‌ثباتی اقتصاد کشور، همواره تهدیدی برای اقتصاد کُشو و محلی برای جنگ اقتصادی و اعمال تحریم علیه کشور بوده است. کشورهایی که وابستگی به صادرات کالاهای محدودی دارند، در معرض بی‌ثباتی قرار دارند چراکه با تغییر قیمت آن کالاها، عموماً دچار شوک‌های اقتصادی می‌شوند. سبب صادراتی ضعیف همچون کالاهای با تقاضای بی‌کشش نوعی تهدید اقتصادی محسوب می‌گردد؛ بنابراین تقویت سبب صادراتی با افزایش حجم و سهم از تجارت جهانی به‌ویژه در صادرات کالاهای با فناوری بالا ضمن افزایش قدرت اقتصادی در نظم نوین اقتصاد جهانی، می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری در این زمینه نیز کمک کند.

تا قبل از جنگ جهانی دوم اغلب نظریه‌های تجارت آزاد با الهام از نظریه‌های تجارت کلاسیک از زمان آدام اسمیت و ریکاردو، مبتنی بر مزیت نسبی، تخصص‌گرایی و تقسیم‌کار بین‌المللی بود اما بعد از جنگ جهانی دوم این مسئله با این استدلال که تخصصی شدن کشورهای پیشرفته، دلالت بر الگوهای تجارتي دارد که بیشتر بر پایه صادرات مواد خام در کشورهای درحال توسعه و تولید کالاهای سرمایه‌ای در کشورهای پیشرفته است، به چالش کشیده شد. می‌توان انتظار داشت تجارت آزاد و تخصصی شدن، کشورهای درحال توسعه را به تولید کالاهای پایه منحصر می‌کند که در بلندمدت آثار زیان‌باری را برای این کشورها خواهد داشت. عموماً کشورهایی که سبب صادراتی آنها متمرکز و یا غیر متنوع است، در معرض نوسانات تجاری شدیدتری قرار دارند و آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

جریان تجارت در میان کشورها تا حد زیادی وابسته به تفاوت دانش فنی میان آن‌ها است. محصولات با فناوری بالا به‌واسطه ایجاد ارزش افزوده بالاتر نسبت به محصولات دیگر، یکی از بخش‌های مهم در صادرات کالا بین کشورها را تشکیل می‌دهند و مقدار صادرات یک کشور را با سطح فناوری محصولات صادراتی آن کشور مرتبط کرده است.

بررسی وضعیت صادرات کشور نشان‌دهنده سهم ناچیز محصولات با فناوری بالا در تجارت خارجی ایران است که عمدتاً ناشی از ضریب پایین نفوذ فناوری در میان بنگاه‌ها و عدم وجود برنامه مشخص در تولید محصولات

با فناوری بالا است. در این راستا، تقویت رابطه صنعت و دانشگاه، افزایش سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه و تأمین مالی اتخاذ فناوری بالا و انتقال فناوری با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توصیه می‌گردد. وابستگی به نهادهای بین‌المللی در کنار مزایایی همچون افزایش سرعت و دقت در معاملات بین‌المللی و کاهش هزینه‌های آنها، در شرایط خاص می‌تواند یکی از مجاری آسیب‌پذیری اقتصاد باشد. تجربه تحریم سوئیت همراه با تحریم بانک‌های ایران و بانک مرکزی نشان‌دهنده آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از ناحیه وابستگی به نهادهای کشورهای متخاصم در معاملات مالی و بانکی بین‌الملل است. کاهش گشایش اعتبارات و نقل و انتقالات مالی با سایر کشورها، افزایش هزینه و زمان معاملات و مرادات مالی و تجاری بین‌المللی، محدود شدن تولیدکنندگان در تأمین نیازهای وارداتی خود، قطع منابع ارزی و کاهش اعتبارات ارزی اعطایی به شرکت‌ها و افزایش ریسک تبادلات مالی شرکت‌ها با طرف تجاری از آسیب‌پذیری‌های این وابستگی است. مسئله‌ای که باید در رابطه با پرتفوی متشکل از ارزهای خارجی در نظر گرفت این است که دولت و بانک مرکزی بایستی روندهای آتی بازارهای مالی و ارزی دنیا را مدنظر قرار دهند و ترکیب ارزهای خارجی را به‌گونه‌ای کنترل کنند که با وقوع شوک‌های بین‌المللی و تغییرات ارزش ارزها نسبت به یکدیگر، منابع و ذخایر ارزی کشور دچار کاهش ارزش ریالی معادل نگردد.

به دلیل فقدان بانک اطلاعاتی مناسب و ضعف سازوکارهای قانونی و عدم اتصال پایگاه‌های اطلاعاتی به یکدیگر، عملاً توان اخذ مالیات واقعی از بسیاری مشاغل در کشور امکان‌پذیر نیست. درحالی‌که بسیاری از کارکنان بخش‌های دولتی و خصوصی که معمولاً قشر ضعیف‌تری در جامعه محسوب می‌شوند مالیات‌های خود از جمله مالیات حقوق را به طور کامل پرداخت می‌کنند. با در نظر گرفتن عدالت اقتصادی، ایجاد سازوکاری برای اخذ مالیات از مشاغل و جلوگیری از فرار مالیاتی آنها امری ضروری به نظر می‌رسد.

از طرفی، استان‌ها و مناطق مختلف از نظر اوضاع اقتصادی، اجتماعی و مزیت‌های تولیدی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. در نتیجه، نرخ‌ها و پایه‌های مالیاتی در استان‌ها و مناطق مختلف متفاوت می‌باشد. وضعیت رفاهی و توزیع در آمد نیز در استان‌ها و مناطق با یکدیگر متفاوت است که این امر می‌تواند ضرورتی برای برقراری مالیات محلی باشد و به اصلاح توزیع در آمد نیز کمک کند.

هرچند واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای می‌تواند ضمن تأمین نیازهای بخش‌های تولیدی، با افزایش رقابت‌پذیری صنایع داخلی، توان انتخاب مصرف‌کنندگان را افزایش دهد، اما وابستگی تولید به واردات کالاهای اساسی و کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای صنعت، در مواردی می‌تواند یکی از مجاری آسیب‌پذیری اقتصاد کشور تلقی گردد. بنابراین ضروری است تا در گام اول، این تجهیزات و کالاها، با یک بررسی فراگیر در همه صنایع احصا و شناسایی گردند و در گام دوم، در صورت امکان بومی‌سازی تولید آنها در دستور کار قرار گیرد و چنانچه این امر امکان‌پذیر نیست، نسبت به تأمین این تجهیزات از کشورهای دیگر، با در نظر گرفتن الزامات اقتصاد مقاومتی اقدام شود.

در میان نقاط ضعف شناسایی شده، نقاط ضعف در حوزه تداوم فعالیت‌های اقتصادی بیشترین وزن را به خود اختصاص دادند که نشان‌دهنده ضرورت توجه به این نقاط و برنامه‌ریزی در جهت رفع مشکلات و ضعف‌های این حوزه است.

ارتباط بهره‌وری انرژی با دفاع غیرعامل اقتصادی و اقتصاد مقاومتی به‌واسطه تأثیر بهره‌وری انرژی بر سطح رقابت‌پذیری در اقتصاد و عواملی همچون مدیریت منابع است. پایین بودن بهره‌وری انرژی به معنای تولید محصول کمتر در ازای مصرف مقدار مشخصی انرژی (و یا مصرف انرژی بیشتر در ازای تولید مقدار مشخصی محصول) است؛ بنابراین چنانچه بهره‌وری انرژی پایین باشد، با افزایش هزینه‌ها رقابت‌پذیری را کاهش می‌دهد.

برخی از دلایل بهره‌وری پایین انرژی در ایران شامل موارد زیر است: وجود تلفات بسیار زیاد در شبکه انتقال و توزیع برق کشور، فرسوده بودن و راندمان بسیار پایین نیروگاه‌های کشور، عدم تکمیل زنجیره تولیدی در اکثر بخش‌های تولیدی صنعت، معدن، صنایع معدنی، پتروشیمی، کشاورزی و ... حمل‌ونقل بسیار نامطلوب و فقدان مدیریت منسجم و متمرکز کلان بخش و سهم غالب حمل‌ونقل جاده‌ای در جابه‌جایی کالا و مسافر، قاچاق بخش قابل توجهی از سوخت کشور (به‌خصوص نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع). وجود تلفات در شبکه گاز طبیعی و مصرف بالای سوخت توسط پالایشگاه‌ها، عدم مدیریت بر مصرف حامل‌های انرژی در بخش کشاورزی به‌خصوص در بهره‌برداری از منابع آب کشاورزی که علاوه بر مصرف بی‌رویه انرژی، مصرف آن را نیز غیربهبوده کرده است، صنایع سنگین انرژی‌بر با تکنولوژی فرسوده یا قدیمی با روش‌های تولید منسوخ و سهم اندک صنایع با فناوری پیشرفته و صنعت گردشگری در تولید ناخالص داخلی کشور و مصرف بالای انرژی در بخش محدودی از مصارف خانگی.

با بررسی دلایل مطرح شده می‌توان نقش پررنگ سیاست‌گذاران در راستای بهبود وضعیت بهره‌وری انرژی در اصلاح رفتارهای مصرفی مشاهده نمود؛ بنابراین نباید تنها مردم را در این موضوع دخیل دانست. چه‌بسا نقش و تأثیر دولت در این زمینه بسیار بیشتر از مردم باشد.

به‌منظور مردمی‌کردن اقتصاد پیشنهاد‌های مختلفی ارائه شده است از جمله حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط. این نگاه‌ها اهمیت زیادی در بحث اشتغال‌زایی طبق دارند. اجرای سیاست‌های مردمی‌کردن اقتصاد در راستای سیاست‌های اصل چهل و چهارم قانون اساسی بایستی مدنظر قرار گیرد. فرصت‌های روبروی کشورها امری همیشگی نیستند و بایستی پیش از آنکه با گذر زمان از دست بروند و یا حتی در برخی موارد به تهدید تبدیل شوند، مغتنم شمرده شوند.

با در نظر گرفتن نقاط فرصت در حوزه بازدارندگی بایستی توجه داشت که جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از جایگاه والای ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک از پتانسیل و ظرفیت بالقوه بالایی در این حوزه برخوردار است. با این وجود، جایگاه کنونی کشور در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل با وضعیت مناسب مطلوب در این زمینه فاصله دارد.

اصولاً سیاست خارجی در ارتباط دوسویه با سیاست داخلی و در تعامل با آن قرار دارد؛ بنابراین به‌منظور تحقق اهداف کلان ملی و به عینیت رسیدن سیاست خارجی در جهت منافع ملی، ضروری است تا در کنار طراحی روابط خارجی کارآمد در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، برقراری تعامل هم‌افزا میان دو سطح ملی و فراملی مدنظر قرار داد تا بتوان منابع، امکانات و فرصت‌های توسعه اقتصادی را در سایه ایجاد تعامل سازنده و مثبت با محیط ساختاری و کلان فراهم نمود.

کشور ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. از سویی کشور فعلی ایران بخشی از کشور پهناور تاریخی ایران است که طی قرون متمادی به‌عنوان قلمرو فرهنگی و تمدن ایران شناخته شده است. از نظر جغرافیایی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران را به‌نوعی می‌توان قلب خاورمیانه نامید. پیشینه فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و هم چنین قابلیت‌های اقتصادی ایران موجب تأثیرگذاری بالقوه هر چه بیشتر کشور در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌های و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، فرصت‌هایی را فراهم نموده تا با تعاملات سازنده، کشورهای متخاصم را تحت فشار قرار داده و هزینه‌های جنگ اقتصادی را برای آنان بالا ببرد.

مطابق نتایج تحقیق، نقاط فرصت در حوزه کاهش آسیب‌پذیری بیشترین وزن را به دست آوردند. می‌توان گفت که کشورها با وابستگی شدید به صادرات یک یا چند محصول خاص دچار عقب‌ماندگی می‌شوند، پدیده‌ای که می‌توان آن را تخصص‌گرایی افراطی نامید؛ بنابراین بایستی متنوع‌سازی اقتصاد مد نظر قرار گیرد. نقاط فرصت شناسایی شده در حوزه تداوم فعالیت لزوم استفاده از فرصت‌های موجود در این حوزه از دفاع غیرعامل اقتصادی را متذکر می‌شوند.

مفاهیم خودکفایی و استقلال نسبت به گذشته دچار تغییراتی شده‌اند. به‌این ترتیب که استقلال به معنای عدم واردات کالا یا نیازمند نبودن به واردات یک کالا در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه اگر یک کشور از بازارهای خرید متنوع بین‌المللی برخوردار باشد، قدرت چانه‌زنی بیشتری در مقابل تولیدکنندگان خواهد داشت و ریسک آسیب وارد شدن به استقلال کشور نیز کاهش می‌یابد. همچنین با تجهیز کشور به زیرساخت‌های ذخیره‌سازی و مصرف کارآمد کالاهای اساسی و راهبردی می‌توان با هزینه کمتری بر بسیاری از مشکلات غلبه کرد. در این راستا نظام برنامه‌ریزی کشور بایستی از ظرفیت‌سازی به سمت افزایش کارایی حرکت کند.

در خصوص سیاست جایگزینی واردات و خودکفایی در تولید کالاهای راهبردی و به‌خصوص کشاورزی بایستی در نظر داشت که هرچند لزوم توجه به مزایای تجارت و همچنین کارایی در بخش‌های مختلف اقتصادی نقش مؤثرتری در متنوع‌سازی اقتصاد نشان داده است، اما این موضوع در شرایط خاصی می‌تواند به یک تهدید در اقتصاد نیز تبدیل شود. زمانی که ذخیره‌سازی‌ها به‌درستی صورت نگیرد بازار دچار بحران می‌شود و اگر این بحران در مورد محصولات باشد که خود نهاده بخش‌های دیگر محسوب می‌شوند این چالش شدیدتر نیز خواهد شد. همچنین اگر شرایط اقتصاد بین‌الملل به‌گونه‌ای تغییر یابد که تأمین این نیازها به‌آسانی میسر نباشد، وضعیت جایگزینی واردات توجیه‌پذیر می‌گردد.

به‌عنوان نمونه، صنایع داخلی بدون رقابت با بازار جهانی، ممکن است به‌جای بهبود در فرایند تولید و فروش سعی در نفوذ خود در دولت و حکومت نمایند تا با برخورداری از حمایت، چنان سود زیادی به دست آورند که دیگر نیازی به کاهش هزینه و کسب رضایت مصرف‌کننده نبینند. این موارد راه را برای گسترش فساد هموار می‌کنند. از سوی دیگر چنانچه با تولید محصولات جایگزین واردات، مواد اولیه و واسطه‌ای از کشورهای متخاصم وارد شوند، در عمل همچنان وابستگی به این کشورها وجود خواهد داشت و تنها نوع واردات از کالاهای نهایی به واسطه‌ای تغییر پیدا کرده است. با توجه به این موارد، تحریم‌های تجاری می‌توانند رفاه کشور

را کاهش دهند. در مقابل بحث فوق باید توجه داشت در شرایطی که تحریم از درون اقتصاد درخواست نشده، بلکه از بیرون بر اقتصاد تحمیل می‌شود، سیاست جایگزینی واردات امری گریزناپذیر است هرچند که این سیاست مشکلاتی را نیز در پی دارد.

سیاست جایگزینی واردات را می‌توان در مدتی مشخص و محدود و به‌خصوص در مورد بخش‌هایی که مستعدتر بوده و امید است که در آینده قدرت رقابت بین‌المللی را کسب خواهند کرد پیاده کرد؛ بنابراین می‌توان عنوان کرد که سیاست جایگزینی واردات هرچند بر اساس دیدگاهی که در گذشته وجود داشته، یک راهبرد بلندمدت به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی بوده است، اما این سیاست باتوجه‌به تجربه جهانی آن، می‌تواند هم برای کوتاه‌مدت و گذر از شرایط بحران و هم برای تقویت بخش‌های اقتصادی مستعدتر و کسب توان تولید در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

به‌منظور توسعه و پشتیبانی نوآوری و فعالیت‌های فناورانه می‌توان سیاست‌هایی را در سه جهت توسعه ظرفیت‌های فناورانه، بهبود محیط کسب‌وکار و ایجاد و تحریک تقاضا برای نوآوری بیان نمود. به‌منظور توسعه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فناوری می‌توان سیاست‌گذاری در زمینه بهبود کیفیت آموزش و ارتقا سرمایه انسانی، گسترش و تسهیل کانال‌های سرریز فناوری و یادگیری فناورانه پیشنهاد نمود. از سویی، با کنترل و مهار نهادهای مشوق رانت و فساد و توسعه مالی فعالیت‌های فناورانه و افزایش رقابت می‌توان به بهبود محیط کسب‌وکار کمک نمود. در نهایت بایستی سیاست‌گذاری در جهت تحریک طرف تقاضا و بازاریابی برای نوآوری را مدنظر قرارداد.

نقاط تهدید در حیطه بازدارندگی از دیگر مواردی است که بایستی در نظر گرفته شود. مردمی نبودن و عدم اتکای کشورهای منطقه به ملت‌هایشان بخصوص کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و در نتیجه فقدان مشروعیت و داشتن ضعف داخلی در میان آن‌ها، ضمن تضعیف زمینه‌های همکاری و همگرایی بین کشورها، سبب حضور کشورهای فرامنطقه‌ای قدرتمند در منطقه شده است تا با جلب همکاری آنان، خلأهای امنیتی و قدرت خود را پر کنند. این حضور، زمینه نفوذ سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بین‌المللی را در میان آن‌ها ایجاد نموده است. فقدان مشروعیت داخلی به بی‌ثباتی سیاسی می‌انجامد و بی‌ثباتی به اختلافات بین کشورها را افزایش می‌دهد که این امر بر زمینه‌های همکاری و رشد و توسعه اقتصادی منطقه تأثیر می‌گذارد. از طرفی حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های آنان در شرایط جنگ اقتصادی و تحریمی کشور ما، رقابت نابرابری را ایجاد می‌نماید از جمله سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بندر گوادر پاکستان در رقابت با بندر چابهار در ایران.

در مورد نقاط تهدید در حوزه کاهش آسیب‌پذیری می‌توان گفت که نوسان بیش از حد و پیش‌بینی نشده قیمتی نفت، تا زمانی که کشور وابسته به درآمدهای نفتی باشد، تهدیدی برای اقتصاد کشور است بنابراین اگر اقتصاد غیرنفتی شود این مؤلفه کم‌اثر می‌گردد.

در میان نقاط تهدید شناسایی شده در حوزه دفاع غیرعامل اقتصادی، نقاط تهدید در حوزه تداوم فعالیت، بالاترین وزن را به خود اختصاص دادند.

در خصوص تحریم‌های حوزه فناوری، نوع و سطح فناوری هم مهم است. تحریم در حوزه فناوری‌های مهم به واسطه تأثیر بر اقتصاد، تهدیدی برای امنیت اقتصادی کشور هست. ایجاد بی‌اعتمادی در سرمایه‌گذاری‌های بعدی از دیگر تهدیداتی است که متوجه اقتصاد است. بایستی توجه نمود اگر با تحریم‌ها به صورت جهادی برخورد شود می‌توان اثرات زیان‌بار آنان را کاهش داد و آن‌ها را به فرصت تبدیل نمود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- احمدیار، فاطمه و باقری، مصطفی (۱۳۹۵). *اقتصاد مقاومتی و پدافند غیرعامل*، کنفرانس پدافند غیرعامل و توسعه پایدار، وزارت کشور.
- اسفندیاری صفا، خسرو و دهقان، حبیب الله (۱۳۹۵). مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، *فصلنامه مدیریت نظامی*، دوره ۱۶، شماره ۱، ص ۸۴-۶۰.
- امیری طهرانی زاده، سید محمدرضا (۱۳۹۴). مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی، *جستارهای اقتصادی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۲۳، ص ۵۱-۳۳.
- بختیاری، ایرج (۱۳۹۵). تاثیر مؤلفه های دفاع اقتصادی کشور بر دفاع همه جانبه با تاکید بر رهنمودها (راهبردها) و اسناد ابلاغی مقام معظم رهبری، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، دوره ۴، شماره ۵۴، ص ۱۲۴-۹۳.
- تراب زاده جهرمی، محمدصادق؛ سجادیه، سید علیرضا و سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، *مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۱۰، شماره ۳۲، ص ۴۶-۳۱.
- حسینی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۲). اقتصاد ایران همراه با تحریم با تأکید بر عملکرد سال ۱۳۹۱، *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ویژه‌نامه کارنامه اقتصادی دولت*، دوره ۱، شماره ۲، ص ۲۰-۵.
- خاندوزی، سید احسان و حسین زاده، سید سعید (۱۳۹۴). راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی (بررسی موردی: قصص پیامبر اکرم (ص)، حضرت یوسف (ع) و حضرت شعیب (ع))، *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره ۸، شماره ۲۹، ص ۱۱۴-۸۹.
- دانش آشتیانی، محمدباقر و رستمی، علی (۱۳۹۵). تحلیلی بر دکترین نظامی- دفاعی مقام معظم فرماندهی کل قوا در محیط ملی و بین المللی، *فصلنامه علوم و فنون نظامی*، دوره ۱۲، شماره ۳۶، ص ۲۷-۵.
- دری نوگورانی، حسین (۱۳۷۹). استراتژی بازدارندگی در سیره علوی، *نشریه آینه پژوهش*، دوره ۱۱ شماره ۶۶، ص ۵۳-۳۸.
- سلیمانی، یاسر و پیغامی، عادل (۱۳۹۵). مؤلفه‌های الگوی مقاوم‌سازی اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری)، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، دوره ۱۹، شماره ۷۱، ص ۲۹-۵.
- سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۳). دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی، *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۱۴۷-۱۱۵.

- سیفلو، سجاد (۱۳۹۳). مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی، معرفت/اقتصادی، دوره ۵، شماره ۲، ص ۱۷۳-۱۵۱.
- صادقی شاهدانی، مهدی و نصرآبادی، داود (۱۳۹۵). ثبات بانکداری اسلامی در برابر بحران مالی (مطالعه موردی: بحران مالی سال ۲۰۰۸)، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۹، شماره ۱۷، ص ۸۵-۱۱۸.
- طغیانی، مهدی (۱۳۹۵). مبانی نظری دفاع/اقتصادی، تهران: انتشارات نیلوفران
- غیاثوند، ابوالفضل و عبدالشاه، فاطمه (۱۳۹۴). شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی، فصلنامه روند، دوره ۲۲، شماره ۷۱، ص ۱۰۶-۷۹.
- غیاثوند، ابوالفضل؛ صداقت پرست، الدار؛ غلامرضا، سمیرا و ثنایی اقدم، محسن (۱۳۹۳). درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب‌آوری ملی)، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۳۵۸۲.
- فروتوک زاده، حمیدرضا؛ دره شیری، محمدرضا و وزیر، جواد (۱۳۹۳). نقش صنعت دفاعی در گذار به اقتصاد مقاومتی، فصلنامه آفاق و امنیت، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۵۴-۳۹
- فردرو، محسن (۱۳۹۰). آشنایی با دفاع غیرعامل از دیدگاه ارزش‌های دینی و دستورالعمل تبلیغی آن، تهران: انتشارات عابد.
- نوفرستی، محمد (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۴، ویژه‌نامه اقتصاد مقاومتی، ص ۱۶۸-۱۵۷.
- ولیزاده، اکبر (۱۳۹۰). رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌المللی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، ص ۳۶۵-۳۴۹.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، khamenei.ir.

منابع لاتین

- Drezner, D. W. (1999). *The sanctions paradox: Economic statecraft and international relations* (No. 65). Cambridge University Press.
- Hudec, O., Reggiani, A., & Šiserová, M. (2017). *Resilience capacity and vulnerability: A joint analysis with reference to Slovak urban districts*. Cities.
- Knippenberg, E., & Hoddinott, J. F. (2017). *Shocks, social protection, and resilience: Evidence from Ethiopia* (No. 109). International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Marchese, D., Reynolds, E., Bates, M. E., Morgan, H., Clark, S. S., & Linkov, I. (2018). Resilience and sustainability: Similarities and differences in environmental management applications. *Science of the total environment*, 613, 1275-1283.

- McKinley, M. (2007). *Economic globalisation as religious war: Tragic convergence* (Vol. 58). Routledge.

ظهور هند به عنوان قدرت بزرگ نوظهور در ایندو _ پاسیفیک و پیامدهای آن بر نظم جهانی آمریکا

محمد کرپوری^۱*

فخرالدین محمدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۲/۱۶

چکیده

جهان از نظر تغییر توزیع جهانی قدرت در نوسان است و پویایی‌های نوظهور نظم جهانی تغییر شکل یافته و عمدتاً توسط دولت‌ها و بازیگران امنیتی هدایت می‌شود. امروزه دولتی که از نظر تولید ناخالص داخلی و قدرت نظامی در منطقه وسیع ایندو_ پاسیفیک اندازه‌گیری می‌شود، هند است. این پژوهش با استفاده از روش گردآوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای و روش تحقیق مبتنی بر رویکرد توصیفی_ تحلیلی به دنبال پاسخ به این سوال مهم است که ظهور هند به عنوان قدرت بزرگ چه پیامدهایی بر نظم جهانی آمریکا دارد؟ فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که قدرت‌های بزرگ جدیدی ممکن است ظهور کنند که تک‌قطبی را تضعیف کرده و به یک سیستم دوقطبی یا چندقطبی منجر شود.

نتایج نشان می‌دهد هند در حال در دست گرفتن سهم قدرت از کشورهای بزرگتر یعنی چین و آمریکا است و باعث می‌شود که آن را تغییر داده و در نهایت به اوج خود برسد. قدرت رو به رشد هند چالشی را برای نظم جهانی تحت رهبری آمریکا ایجاد می‌کند که به ترتیبات جدید، گسترده و مشترک بین‌المللی نیاز دارد اما هند ترجیح می‌دهد که همکاری و مشارکت استراتژیک خود را با آمریکا برای مقابله و رقابت با چین در جهت به دست گرفتن ابتکار رهبری منطقه ادامه دهد، ولی در نهایت باعث تقویت هژمونی آمریکا در منطقه ایندو _ پاسیفیک می‌شود.

واژگان کلیدی: هند، آمریکا، چین، ایندو _ پاسیفیک، نظم جهانی.

^۱ دانشجوی دکترای علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران. نویسنده مسئول.

(mohammad.karampouriy@mail.um.ac.ir)

^۲ کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

(mohammadif725@gmail.com)

۱. مقدمه

منطقه هند-اقیانوس آرام بیش از نیمی از جمعیت جهان، نزدیک به دوسوم اقتصاد جهان و هفت کشور از بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان را در خود جای داده است (چان^۱، ۲۰۲۲). صرف‌نظر از میزان تغییرات، عوامل ساختاری به وضوح نشان می‌دهد که مرکز سیاست، قدرت و نفوذ جهانی در حال انتقال به آسیا است (توماس و همکاران^۲، ۲۰۲۱: ۱۳). در این راستا، هند به عنوان یک قدرت بزرگ در حال ظهور است. هند، نظم نوین جهانی را مکانی میهمان‌نواز برای جاه‌طلبی‌های خود برای تبدیل شدن به یک «قدرت پیشرو» در امور جهانی یافته است این امر به دلیل افزایش روابط ویژه بین دهلی‌نو و واشنگتن است (موکرژی^۳، ۲۰۲۰: ۴۲۰).

تا همین اواخر، هند عمدتاً به عنوان یک کشور در حال توسعه فقیر تلقی می‌شد و در جبهه سیاسی جهانی و به ویژه اقتصاد جهانی از دید کمی برخوردار بود. با این حال، از دهه گذشته به نظر می‌رسد هند در حال نوشتن آینده‌ای جدید و پویا برای خود است (باوا^۴، ۲۰۰۷: ۱). از روزگار پرهیاهوی نهریو، همه رهبران هند بر اساس عظمت تمدن، موقعیت استراتژیک و نگاه متمایز آن به جهان، سرنوشت یا مأموریت خاصی را برای هند در آسیا و جهان اعلام کرده‌اند. آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۹۸ یکی از راه‌های بیان جاه‌طلبی هند برای جدی گرفتن به عنوان یک قدرت بزرگ بود. هند اصلاحات اقتصادی را آغاز کرده است که در نهایت نوید تحقق پتانسیل عظیم اقتصادی خود را می‌دهد. این کشور دارای سومین ارتش بزرگ جهان است و موقعیتی استراتژیک در تقاطع خلیج فارس، آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرقی دارد (کوهن^۵، ۲۰۰۰). قرن بیست و یکم عصر آسیایی است که متعلق به چین و هند است. پایان جنگ سرد و تأثیرات فزاینده جهانی شدن نیز هند را وادار می‌کند موقعیت و نقش خود را در سطح منطقه‌ای و جهانی بازتعریف کند. از زمان آزادسازی اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ که منجر به نرخ رشد ۶ تا ۷ درصد شد، حضور جهانی هند به طور پیوسته قابل مشاهده بوده است. سود سیاسی که به‌عنوان بزرگترین دموکراسی جهان به‌دست آورده است و وضعیت اقتصادی رو به رشد آن بر اساس پیش‌بینی‌ها، باعث می‌شود هند، همراه با چین، به‌عنوان یک محرک اقتصادی کلیدی در آینده ظاهر شود. هند، رهبر شناخته‌شده جنوب، از این نقش فراتر رفته و نقش جهانی بزرگتری ایفا می‌کند، توسعه‌ای که هم توسط ایالات متحده و هم اتحادیه اروپا در مشارکت‌های استراتژیک مربوطه خود با هند تأیید شده است (باوا، ۲۰۰۷: ۲). هند وضعیت قدرت متوسط و طرز فکر قدرت رو به رشد دارد. جهان چندقطبی در حال ظهور فرصت‌ها و همچنین چالش‌هایی را برای سیاست خارجی هند آشکار می‌کند (کوکراجا^۶، ۲۰۲۰: ۸).

هند بودجه دفاعی سالانه بزرگ و رو به رشدی دارد و از نظر اقتصادی انتظار می‌رود طی پنج سال آینده به چهارمین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شود. همچنین انتظار می‌رود که هند در چند سال آینده به سریع‌ترین رشد اقتصادی بزرگ تبدیل شود و آن جایگاه ارزنده را از چین بگیرد؛ بنابراین می‌تواند متناسب با قدرت روبه رشد

¹ chan

² Thomas & at el

³ Mukherjee

⁴ Bava

⁵ Cohen

⁶ Kukreja

خود، نقش مهمی در نظم جهانی ایفا کند؛ بنابراین ظهور هند می‌تواند پیامدهای مهمی برای نظم بین‌المللی که آمریکا سردمدار آن است داشته باشد به این دلیل که ظهور قدرت‌های بزرگ باعث می‌شود تا آنها این توانایی را بدست آورند که نظم را مطابق با ترجیحات خود شکل بدهند؛ بنابراین هند می‌تواند نظم آمریکا را تحت تاثیر قرار دهد. در این تحقیق ضمن نشان‌دادن وضعیت کنونی هند در ایندو پاسیفیک با استفاده از قدرت جامع، وضعیت و چشم‌انداز آینده آن در مقایسه با قدرت‌های بزرگ در نمودار چرخه قدرت مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ سپس پیامدهای ظهور هند بر نظم جهانی آمریکا بررسی می‌شود؛ بنابراین سوال مهم این است ظهور هند به عنوان قدرت بزرگ چه پیامدهایی بر نظم جهانی آمریکا دارد؟

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. مبانی نظری

رویکرد نظری در این مقاله بر اساس نظریه چرخه قدرت و قدرت جامع می‌باشد. قدرت جامع طیفی توانایی کلی یک کشور در تمام قابلیت‌ها در وضعیت موجود ارزیابی می‌شود. شاخص جهانی قدرت به عنوان عبارت عددی تعریف می‌شود که انباشت ظرفیت‌های ملی را که یک دولت برای اعمال قدرت خود در سیستم بین‌المللی دارد، محاسبه می‌کند. شاخص قدرت جهانی از ۱۸ شاخص استفاده می‌کند که در ۳ زیر شاخص سازماندهی شده‌اند که نه تنها قدرت سخت (مربوط به قدرت جهانی یا قابلیت‌های مادی ملی) را تحلیل می‌کنند، بلکه «قدرت روبه رشد» را از لحاظ ثروت و رفاه را نیز در نظر می‌گیرند (شاخص جهانی قدرت^۱، ۲۰۲۳). شاخص جهانی قدرت، قدرت را در معیارهای زیر ارزیابی می‌کند.

جدول شماره (۱) شاخص‌های جهانی قدرت

| شاخص ظرفیت مادی | شاخص ظرفیت‌های نیمه مادی | شاخص ظرفیت‌های غیرمادی |
|---|---|--|
| MCI ^۲ یک شاخص ترکیبی است که به دنبال اندازه‌گیری قدرت نظامی و اقتصادی (قدرت سخت) با در نظر گرفتن شش متغیر اساسی است. | SCI ^۳ یک شاخص ترکیبی است که با در نظر گرفتن شش متغیر اساسی به دنبال آن است که ثروت و رفاه را به عنوان قدرت (قدرت تقویت) معرفی کند. | ICI ^۴ یک شاخص ترکیبی است که قصد دارد با در نظر گرفتن شش متغیر مهم، قدرت فرهنگی و ارتباطی (قدرت نرم) را منعکس کند. |

منبع: شاخص جهانی قدرت، ۲۰۲۳

اما رویکرد جامع‌تر و کامل‌تر نیز به قدرت وجود دارد و موسسه لاوی^۵ قدرت را با معیارهای زیر ارزیابی می‌کند و سپس میزان قدرت کشور موردنظر بر حسب قدرت کوچک، قدرت منطقه‌ای و قدرت بزرگ ارزیابی می‌کند.

¹ worldpowerindex

² Immaterial Capacities Index

³ Semimaterial Capacities Index

⁴ Material Capacities Index

⁵ Lowy Institute

جدول شماره (۲) هشت معیار قدرت جامع

| |
|---|
| قابلیت اقتصادی |
| قدرت اصلی اقتصادی و ویژگی‌های اقتصادی با بیشترین ارتباط ژئوپلیتیکی؛ برحسب تولید ناخالص داخلی در برابری قدرت خرید، اهرم بین‌المللی، پیچیدگی فناوری و اتصال جهانی اندازه‌گیری می‌شود. |
| قابلیت نظامی |
| قدرت نظامی متعارف؛ از نظر هزینه‌های دفاعی، نیروهای مسلح و سازمان، تسلیحات و پلتفرم‌ها، قابلیت‌های مانور و موقعیت نظامی آسیایی اندازه‌گیری می‌شود. |
| تاب‌آوری |
| توانایی جلوگیری از تهدیدهای خارجی واقعی یا بالقوه برای ثبات دولت؛ از نظر ثبات نهادی داخلی، امنیت منابع، امنیت ژئواکونومیک، امنیت ژئوپلیتیک و بازدارندگی هسته‌ای اندازه‌گیری می‌شود. |
| منابع آینده |
| توزیع پیش‌بینی شده منابع و قابلیت‌های آینده که امروزه در درک قدرت نقش دارند. بر اساس برآوردهای اقتصادی، دفاعی و منابع گسترده در سال ۲۰۳۰ و همچنین پیش‌بینی سود سهام جمعیت در سن کار و نیروی کار برای سال ۲۰۵۰ اندازه‌گیری می‌شود. |
| روابط اقتصادی |
| ظرفیت اعمال نفوذ و اهرم فشار از طریق وابستگی‌های متقابل اقتصادی؛ از نظر روابط تجاری، روابط سرمایه‌گذاری و دیپلماسی اقتصادی اندازه‌گیری می‌شود. |
| شبکه‌های دفاعی |
| مشارکت‌های دفاعی که به‌عنوان تقویت‌کننده نیروی توانایی نظامی خودمختار عمل می‌کنند. از طریق ارزیابی اتحادها، دیپلماسی دفاعی منطقه‌ای و انتقال تسلیحات سنجیده می‌شود. |
| نفوذ دیپلماتیک |
| وسعت و جایگاه روابط خارجی یک دولت؛ از نظر شبکه‌های دیپلماتیک، مشارکت در موسسات و اتحادهای چندجانبه و سیاست خارجی کلی و جاه‌طلبی استراتژیک سنجیده می‌شود. |
| نفوذ فرهنگی |
| توانایی شکل دادن به افکار عمومی بین‌المللی از طریق جذابیت فرهنگی و تعامل. برحسب فرافکنی فرهنگی، جریان اطلاعات و تبادل افراد اندازه‌گیری می‌شود |

منبع: موسسه لاوی، ۲۰۲۱: ۴

سیکل قدرت نیز چشم انداز آینده یک قدرت را نشان می دهد و در مورد چشم انداز آینده قدرت مورد نظر، افول و صعود آن را به صورت بلندمدت در چرخه قدرت نمایان می کند. بر همین اساس، نظریه سیکل قدرت اولین بار توسط چارلز دوران^۱ ارائه شد و بعد از آن توسط دیلان کیسان^۲ گسترش یافت. چرخه قدرت عبارتی کوتاه شده برای چرخه قدرت نسبی و نقش سیاست خارجی است. دوران به‌صراحت مفهوم نقش سیاسی بین‌المللی را در نظریه چرخه قدرت خود گنجانیده است، با این استدلال که با قدرت در مسائل کشوری، هم امنیت ملی و هم مفهوم لیبرال یک نظم جهانی مشروع برابر است (لاهنمان^۳، ۲۰۰۳: ۹۸). تئوری چرخه قدرت

¹ Doran

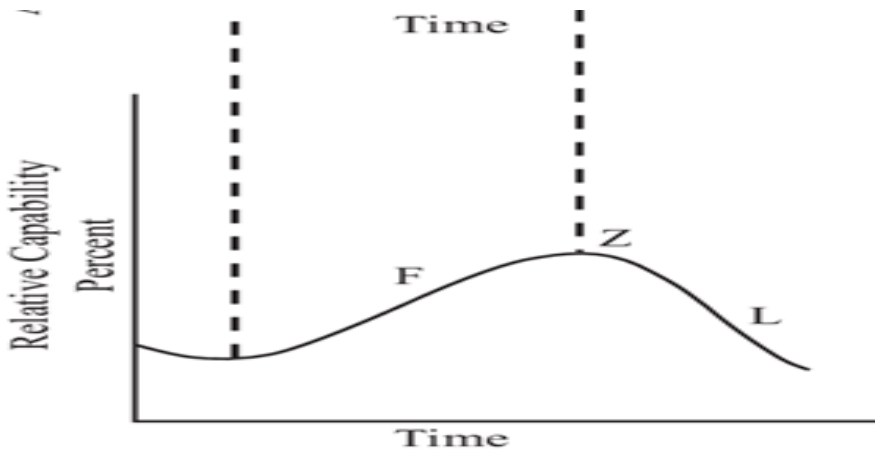
² kissane

³ Lahnemn

«دیدگاه دولت‌محور» منحصربه‌فرد سیاسی بین‌المللی را آشکار و روشن می‌کند. چرخه قدرت، مسیر تعمیم‌یافته تغییر قدرت نسبی یک دولت در دوره‌های زمانی طولانی، ساختار در حال تغییر نظام و ظهور و افول دولت را منعکس می‌کند. یک قدرت بزرگ هر حالت و سیستم را در یک «دینامیک واحد» از تغییر سهم سیستمی در برمی‌گیرد (دوران، ۲۰۰۰: ۳۳۲). نظریه چرخه قدرت کلاسیک روشی برای مقایسه بازیگران حالت در یک سیستم برحسب توان نسبی آنها است که با اشاره به یک‌سری قابلیت‌های مادی تعریف‌شده است (کیسان، ۲۰۰۵: ۱۰۸).

اصول چرخه قدرت توضیح می‌دهد که چگونه تغییرات قدرت مطلق در سیستم باعث افزایش و افول حالت‌ها می‌شود. در درون این «دینامیک واحد» تغییر سهم سیستمی، دولت‌های منفرد از چرخه‌ای از قدرت نسبی عبور می‌کنند که در آن به رشد، بلوغ و سپس افول تبدیل می‌شوند، این چرخه زمینه را برای نقش سیاست خارجی دولت تعیین می‌کند. بر اساس اصول چرخه قدرت، این پویایی واحد «تغییر ساختار سیستم‌ها، روندهای تاریخ و تغییر تعادل نیروهای جهانی» را منعکس خواهد کرد که توسط دولتمردان و مورخان اقتصادی و دیپلماتیک ارزیابی شده‌اند. «مرحله صعود و سقوط در تاریخ» مسیرهای برتری، زوال و روندهای تغییر در چرخه‌های قدرت دولتی را دنبال می‌کند (دوران، ۲۰۰۰: ۳۳۵).

تئوری چرخه قدرت به تحلیلگر اجازه می‌دهد تا داده‌هایی را در مورد آن دسته از قابلیت‌های مادی که در امور بین‌الملل مهم تلقی می‌شوند، یعنی عوامل نظامی و اقتصادی جمع‌آوری کند و پیش‌بینی‌هایی ایجاد کند که منعکس‌کننده توزیع نسبی قدرت در یک سیستم بین‌المللی باشد. با در نظر گرفتن سیستم قدرت بزرگ جهانی و بازیگران تشکیل‌دهنده آن، واضح است که تغییری در حال ظهور است (کیسان، ۲۰۰۵: ۱۲۱). شاخص‌های قدرت باید اندازه و توسعه دولت را بر روی متغیرهای اقتصادی و نظامی متناسب با سیستم و فاصله تاریخی معین منعکس کنند (دوران، ۲۰۰۳: ۱۸). اولین اصل بنیادی چرخه قدرت در سادگی خود ظریف است: سهم سیستمی یک دولت زمانی افزایش می‌یابد که نرخ رشد مطلق آن بیشتر از هنجار سیستمی باشد. علاوه بر این، یک حالت واحد که سریعتر از هنجار سیستمی رشد می‌کند، شتاب تغییر را در چرخه‌های قدرت دولت در سراسر سیستم آغاز می‌کند. طبق دومین اصل بنیادی چرخه قدرت، حتی زمانی که نرخ‌های رشد مطلق حالت‌های متفاوت در سراسر سیستم بدون تغییر باقی می‌مانند، مطابق نمودار شماره (۱) در نقطه (F) رشد توان نسبی یک دولت فقط برای مدتی شتاب می‌گیرد و سپس در نقطه (Z) روند کاهش سرعت را آغاز می‌کند و به دلیل محدودیت‌های سیستم (متناهی بودن سهم سیستمی) که باعث اوج‌گیری و تبدیل به زوال نسبی می‌شود. به‌طور مشابه، در نقطه (L) کاهش شتاب‌دهنده شروع به کاهش سرعت به حداقل سطح خواهد کرد (دوران، ۲۰۰۰: ۳۳۸).



نمودار شماره (۱) نمودار سیکل قدرت

منبع: دوران، ۲۰۰۰: ۳۳۸

مؤلفه‌های نقش و قدرت یک دولت به شدت به سایر دولت‌ها وابسته است، زیرا نقش یا مؤلفه قدرت هر دولت در کل مقدار نقش یا قدرت در سیستم نقش دارد که مجموع آنها نمی‌تواند از ۱۰۰ درصد تجاوز کند. بر این اساس، اقدامات نسبی بیشترین اهمیت را دارند. به عنوان مثال، فرض کنید که آمریکا قدرت اقتصادی و قدرت ساختاری خود را در ۲۰ سال آینده دو برابر کند. برای شناخت اهمیت این تحول در امور بین‌الملل، بررسی تغییرات در وضعیت اقتصادی سایر کشورها ضروری است. اگر همه دولت‌های دیگر قدرت اقتصادی خود را در یک بازه زمانی سه برابر می‌کردند، آمریکا سهم کمتری از کل قدرت اقتصادی را در اختیار خواهد داشت و به دلیل کاهش قدرت نسبی اقتصادی، می‌توانند انتظار داشته باشند که نفوذ کمتری در صحنه جهانی داشته باشد (لاهنمان، ۲۰۰۳: ۱۰۲).

۲-۲. پیشینه پژوهش

توماس و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در مقاله خود با عنوان «هند: قدرت جهانی در حال ظهور»، با استفاده از چین به عنوان معیار، چشم‌اندازها و چالش‌های پیش روی دستیابی هند به قدرت جهانی را ارزیابی می‌کنند و در ارزیابی خود از شاخص‌های جمعیت، تولید ناخالص داخلی، ارزش‌های جهانی، مشارکت زنان و سرمایه‌گذاری مستقیم برای مقایسه دو کشور هند و چین استفاده می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که هند احتمالاً تا سال ۲۰۵۰ با ایالات متحده و چین برابری خواهد کرد و در پایان این قرن به عنوان قدرت برتر جهانی ظاهر خواهد شد.

ونا کوکرجا^۲ (۲۰۲۰) در مقاله خود با عنوان «هند در نظم جهانی چندقطبی نوظهور: پویایی و چالش‌های استراتژیک» استدلال نموده برای مقابله با چین، هند به دنبال مشارکت استراتژیک نزدیک با ایالات متحده

¹ Thomas & at el

² Veena Kukreja

آمریکا، متحدان و شرکای اصلی آن در آسیا-اقیانوسیه با حفظ استقلال استراتژیک خود است و چالش‌ها و فرصت‌های هند را در جهان چندقطبی بیان می‌کند.

کومار^۱ (۲۰۰۳) در مقاله خود با عنوان «تحلیل چرخه قدرت هند، چین و پاکستان در سیاست منطقه‌ای و جهانی» برای ردیابی چرخه‌های قدرت نسبی این کشورها، از یک دوره زمانی ۴۵ ساله (۹۵-۱۹۵۰) استفاده کرده است. قدرت بر روی هشت شاخص اندازه‌گیری می‌شود. جمعیت، مصرف انرژی، مصرف انرژی سرانه، تولید ناخالص ملی، تولید ناخالص ملی سرانه، کل تجارت، بودجه نظامی و هزینه‌های نظامی به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی. کومار در مقاله خود به ترسیم سیکل قدرت هند، چین و پاکستان پرداخته است.

منجیت پارديسي^۲ (۲۰۱۷)، در مقاله خود با عنوان «برتری جهانی آمریکا و ظهور هند» استدلال نموده که حمایت آمریکا از هند در حال رشد با اهداف امنیتی و استراتژیک گسترده‌تر آن همسو است. هند، به نوبه خود، همچنان به دنبال دستیابی به موقعیت برتر منطقه‌ای است، اما از حضور ایالات متحده در منطقه جنوب آسیا-اقیانوس هند استقبال می‌کند.

موکرجی^۳ (۲۰۲۰)، در مقاله خود با عنوان «آشوب به عنوان فرصت: ایالات متحده و نظم جهانی در استراتژی بزرگ هند»، به فرصت‌های هند در نظم جهانی پرداخته است و چالش‌های روابط هند و آمریکا را بررسی نموده است و عصر ریاست جمهوری ترامپ را به‌عنوان بی‌نظمی جهانی می‌داند که هند می‌تواند در آن نقش مهمی ایفا کند.

کالیان آرامان و بکولد^۴ (۲۰۲۱) در کتاب خود با عنوان «سیاست قدرت بزرگ هند: مدیریت ظهور چین»، تغییرات سیاست خارجی و دفاعی هند را در واکنش به قدرت اقتصادی و نظامی رو به رشد چین و افزایش ردپای آن در سراسر اقیانوس هند و اقیانوس آرام بررسی می‌کند و بیشتر تاکید آن بر نقش هند در رقابت بین چین و ایالات متحده است. نویسندگان در این کتاب دورنمای هند را به عنوان قدرت بزرگ تصور نموده‌اند و نتیجه می‌گیرند که هند باید با فرصت‌ها و چالش‌های مربوط به ظهور خود به عنوان یک قدرت بزرگ دست‌وپنجه نرم کند، سیاست خارجی آن بیش از هر چیز با نحوه توزیع قدرت بین چین و ایالات متحده شکل خواهد گرفت با درجه قاطعیت و حضور چین در همسایگی هند و با سطح تعهدی که ایالات متحده به پویایی توسعه یافته هند و اقیانوس آرام قائل است.

بورگس^۵ (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان «تکامل روابط هند و آمریکا و استراتژی بزرگ هند» روابط هند و آمریکا را در عرصه نظامی، اقتصادی و امنیتی بررسی می‌کند و توضیح می‌دهد که روابط هند و آمریکا در چارچوب استقلال استراتژیک، از سال ۲۰۰۰ تا به امروز افزایش یافته و در حوزه‌های کلیدی تقویت شده است و در حال گسترش است. در صورتی که تنش‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی بین هند و چین افزایش یابد هند ممکن

¹ kumar

² Pardesi

³ Mukherjee

⁴ Bekkevold & Kalyanaraman

⁵ Burgess

است به سمت اتحاد رسمی با ایالات متحده حرکت کند و به یک شریک راهبردی برای آمریکا تبدیل خواهد شد.

رامش سینگ^۱ (۲۰۲۰) در کتاب خود با عنوان «اقتصاد هند» به توصیف و تشریح اقتصاد هند و فرآیند تحول آن می‌پردازد و عنوان می‌کند شرایط جدید، هند را وادار کرد تا تحت فرآیند اصلاحات اقتصادی که در سال ۱۹۹۱ آغاز شد به سمت «تجدید ساختار» اقتصادی (نئولیبرال) برود. از نظر وی به طور کلی نیروهای دگرگون‌کننده که خطوط رشد اقتصادی هند را در ۶۵ سال گذشته تغییر داده‌اند توسط سند دولتی در پنج حوزه برجسته شده است:

۱- تغییر جمعیت: جمعیت هند سه برابر شده است (در سال ۲۰۲۲ از چین پیشی گرفت).
 ۲- تغییر اقتصادی: اقتصاد هند دستخوش یک تغییر پارادایم شده است و بیش از صد برابر نسبت به ۱۹۶۵ افزایش یافته است و از نظر تولید ناخالص داخلی جز ۵ کشور مهم جهان محسوب می‌شود تا به عنوان یکی از بزرگترین اقتصادهای جهان ظاهر شود.

۳- تغییر در بخش خصوصی: ماهیت اقتصاد هند و نقش دولت در آن دستخوش یک تغییر پارادایم شده است و بخش خصوصی هند که توسط یک ساختار به طور فزاینده باز و آزاد شده هدایت می‌شود، به یک نیروی پویا و مهم تبدیل شده است. این بخش نه تنها در لبه برش بین‌المللی، بلکه با مقیاس و گستردگی جهانی نیز کار می‌کند.

۴- نیروهای جهانی‌شدن: در دهه‌های اخیر، جهان به‌طور کلی نیز تکامل یافته است و ما امروز در یک «دهکده جهانی» زندگی می‌کنیم که با حمل‌ونقل، ارتباطات و رسانه‌های مدرن و بازارها و موسسات بین‌المللی شبکه‌ای به هم متصل شده است. در این محیط، اقدامات اقتصادی هند به پویایی جهانی کمک می‌کند، درحالی‌که اقتصاد ما نیز تحت تأثیر اتفاقات دور از ما قرار می‌گیرد. چارچوب سیاست‌گذاری همراه با عملکرد دولت‌ها باید واقعیت‌های ادغام مستمر ما با سیستم اقتصاد جهانی را در برگیرد.

۵- نقش ایالت‌ها: ایالت‌های هند از ضمیمه‌های صرف مرکز، به محرک‌های واقعی توسعه ملی تبدیل شده‌اند. بنابراین توسعه ایالت‌ها باید به هدف ملی تبدیل شود، زیرا پیشرفت ملت در پیشرفت ایالت‌ها نهفته است.

۶- پارادایم فناوری: پیشرفت‌های فناوری و دسترسی به اطلاعات، انرژی خلاقانه هند را آزاد کرده است. فناوری مناطق و اکوسیستم‌های متنوع هند را در یک اقتصاد و جامعه ملی به هم پیوسته ادغام کرده است و راه‌های جدیدی برای هماهنگی و همکاری باز می‌کنند. فناوری همچنین نقش مهمی در افزایش شفافیت و همچنین کارایی ایفا می‌کند و دولت را بیشتر پاسخگو می‌کند. هند همچنین از نهادهای نظم بین‌المللی لیبرال بهره‌مند می‌شود و از صندوق بین‌المللی و بانک جهانی وام‌هایی برای توسعه دریافت می‌کند و در نهایت در سازمان تجارت جهانی و سایر نهادهای اقتصادی لیبرال عضو می‌شود. این فرآیند به تدریج باعث شکوفایی و رشد اقتصادی هند در مقیاس کلان منجر می‌شود. به‌طور کلی تفاوت این مقاله با تحقیقات دیگر در این است که سعی شده در این مقاله، وضعیت کنونی هند با رویکرد قدرت جامع تحلیل شود و چشم‌انداز ظهور هند به‌عنوان

¹ Singh

قدرت بزرگ با استفاده از چرخه قدرت توصیف شود. همچنین چارچوب روابط نظامی، اقتصادی، امنیتی آمریکا با هند و مشارکت هند در نهادهای نظم لیبرال آمریکا بررسی می‌شود، سپس پیامدهای ظهور هند به‌عنوان قدرت بزرگ در منطقه ایندو_ پاسیفیک بر نظم جهانی آمریکا مورد نتیجه‌گیری قرار می‌گیرد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

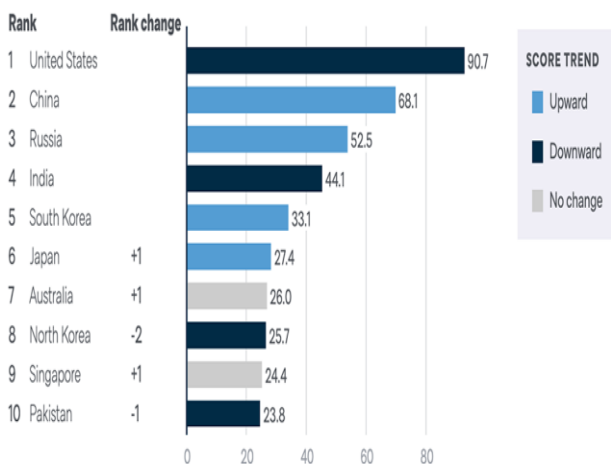
روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر رویکرد توصیفی_ تحلیلی است. هدف محقق در این تحقیقات، توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است. هدف این‌گونه تحقیق، پاسخ‌گویی پرسش‌های مانند «چقدر»، «چه کسی» و «چه اتفاقی دارد می‌افتد» است (طاهری، ۱۳۸۹: ۱۴۲). به‌طور کلی مطالعات توصیفی، به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود می‌پردازد (احمدی و سعید نهایی، ۱۳۸۷: ۳۰)؛ اما در تحقیقات توصیفی_ تحلیلی که روش پژوهش این مقاله است محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلال محکمی دارد، این تکیه‌گاه بر اساس جست‌وجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود نظیر قوانین، نظریه‌ها و درباره آن فراهم می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۷۱). تحقیقات توصیفی و تحلیلی هر دو نقش مهمی دارند. اولی نشان می‌دهد که داده‌ها چگونه به نظر می‌رسند درحالی‌که دومی علت و معلول را بررسی می‌کند. تحقیق توصیفی می‌پرسد «چی؟» چیزی را توصیف می‌کند. در همین حال، تحقیقات تحلیلی می‌پرسد «چرا؟» در اینجا سعی در بررسی این سوال می‌شود که چگونه چیزی به وجود آمده است؛ بنابراین در این پژوهش اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شوند و سپس با روش‌های مختلف استدلال که روش توصیفی- تحلیلی نام دارد مورد تجزیه و تحلیل عقلایی قرار گرفته و نتیجه‌گیری می‌شوند.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۴-۱. ارزیابی کنونی قدرت جامع هند در ایندو_ پاسیفیک

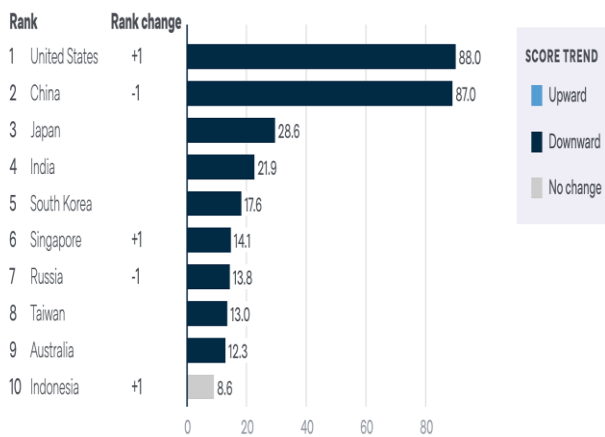
شاخص سالانه قدرت آسیا که توسط موسسه لایو در سال ۲۰۱۸ راه‌اندازی شد. منابع و نفوذ را برای رتبه‌بندی قدرت نسبی دولت‌ها در آسیا اندازه‌گیری می‌کند. این پروژه توزیع قدرت موجود را به شکل امروزی ترسیم می‌کند و تغییرات توازن قدرت را در طول زمان دنبال می‌کند. این شاخص ۲۶ کشور را از نظر ظرفیت آنها برای شکل دادن به محیط خارجی خود رتبه‌بندی می‌کند و دامنه آن تا غرب پاکستان، شمال روسیه و تا اقیانوس آرام مانند استرالیا، نیوزیلند و ایالات متحده می‌رسد. این پروژه قدرت بین‌المللی در آسیا را از طریق ۱۳۱ شاخص در هشت معیار موضوعی ارزیابی می‌کند: قابلیت نظامی و شبکه‌های دفاعی، قابلیت‌ها و روابط اقتصادی، نفوذ دیپلماتیک و فرهنگی و همچنین تاب‌آوری و منابع آینده (موسسه لایو، ۲۰۲۱: ۳). با این حال، قدرت جامع وضعیت موجود و کنونی یک کشور در نظام بین‌المللی ارزیابی می‌کند و تحلیلی در مورد چشم‌انداز آینده قدرت یک کشور صورت نمی‌دهد. در قدرت جامع مقایسه هند با ۲۶ کشور ایندو_ پاسیفیک مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

MILITARY CAPABILITY



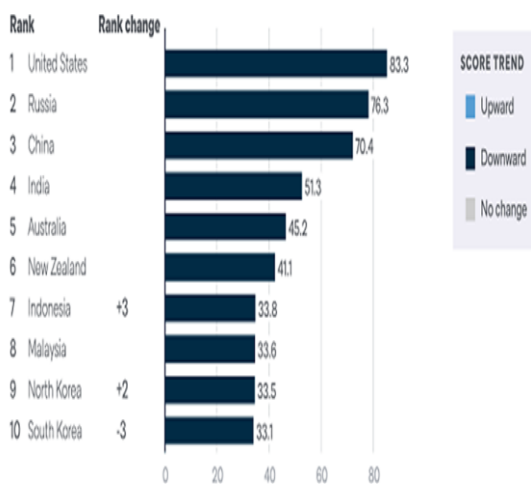
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

ECONOMIC CAPABILITY



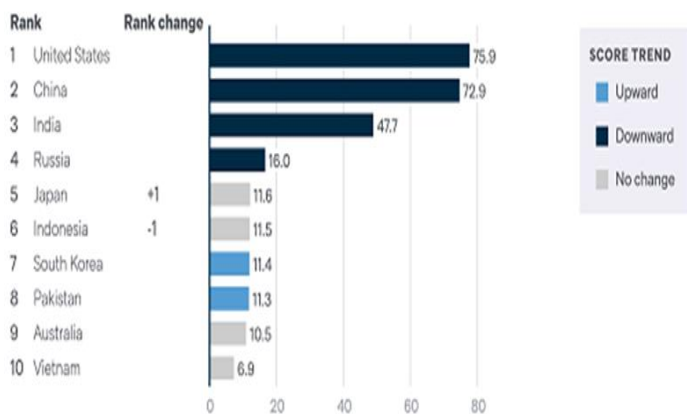
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

RESILIENCE



* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

FUTURE RESOURCES



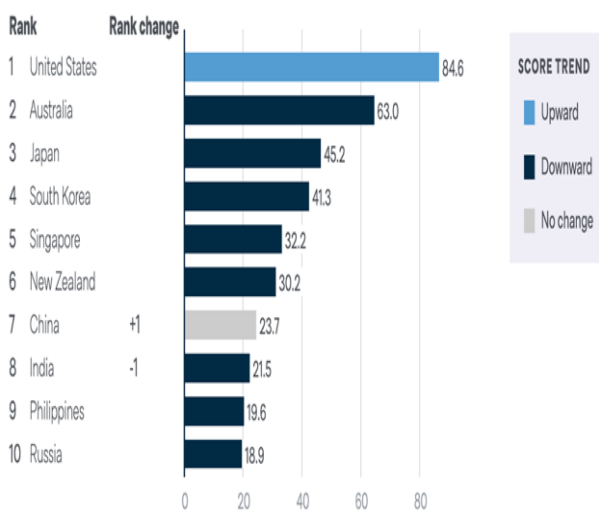
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

نمودار شماره (۲) ارزیابی قابلیت‌های اقتصادی، تاب‌آوری، منابع آینده و قابلیت نظامی هند

منبع: موسسه لایو، ۲۰۲۳: ۲۸

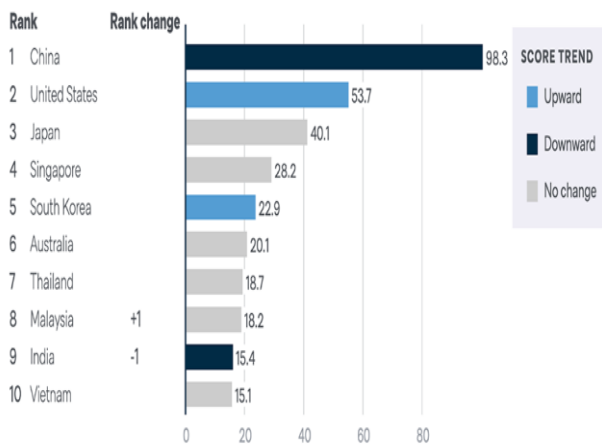
چنانچه از نمودار فوق پیداست، هند در معیارهای تاب‌آوری، قابلیت نظامی و قابلیت اقتصادی در رتبه چهارم در میان ۲۶ کشور منطقه ایندو-پاسیفیک قرار گرفته ولی در منابع آینده در رتبه سوم قرار دارد.

DEFENCE NETWORKS



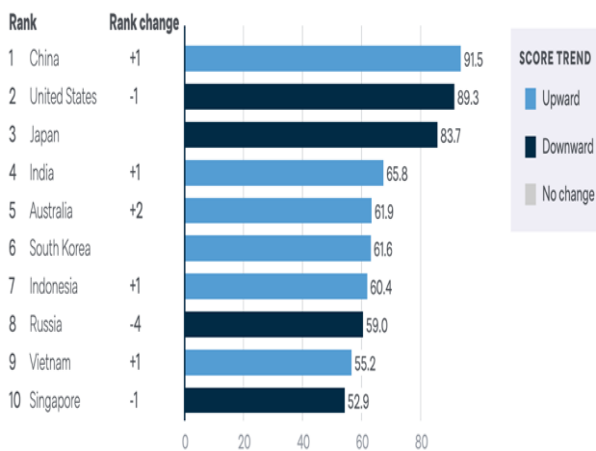
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

ECONOMIC RELATIONSHIPS



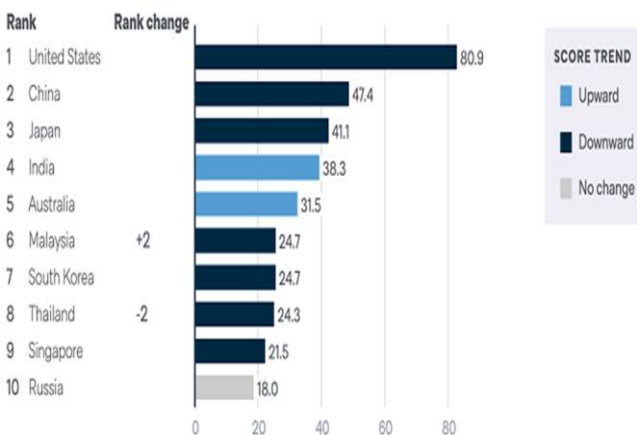
* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

DIPLOMATIC INFLUENCE



* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

CULTURAL INFLUENCE



* Score trends reflect annual changes in measure scores above a minimum threshold (≥ 0.5)

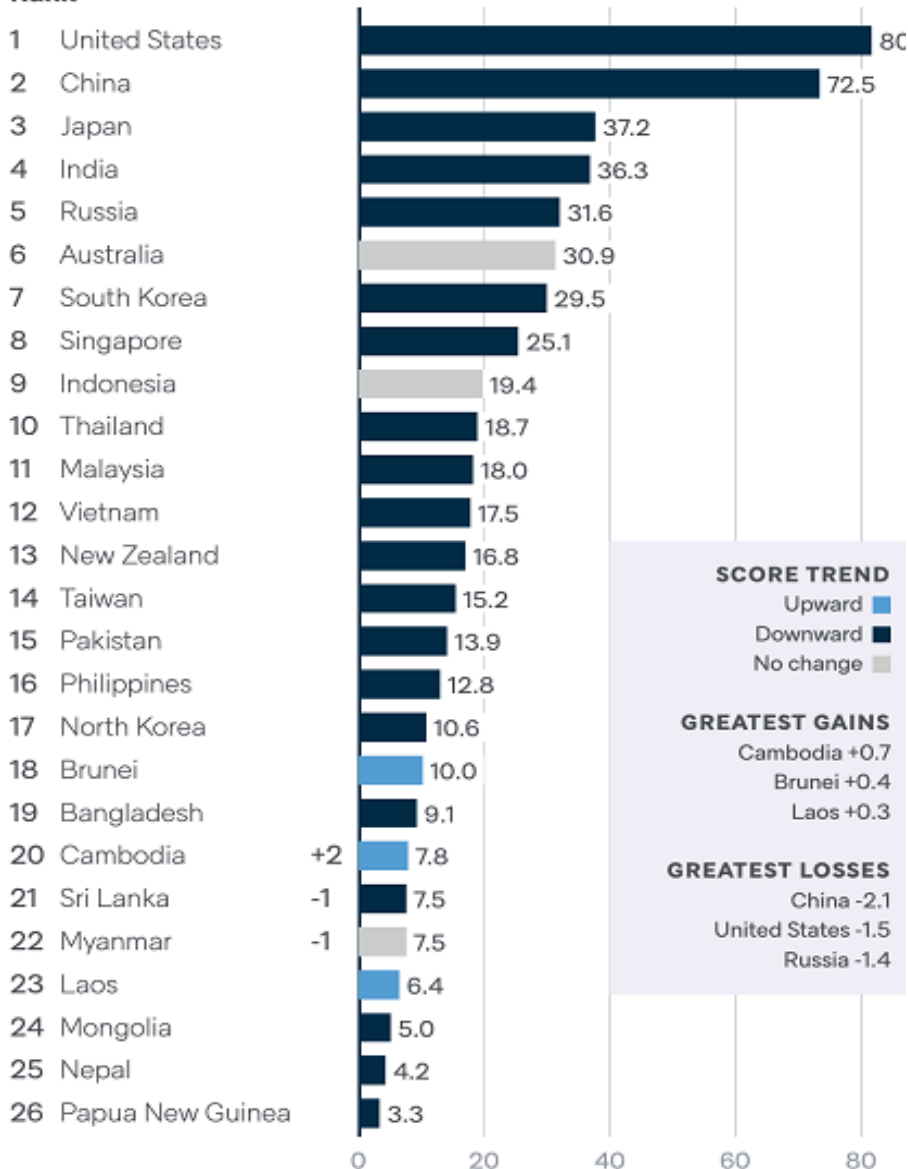
نمودار شماره (۳) اندازه گیری شاخص های شبکه دفاعی، نفوذ دیپلماتیک، روابط اقتصادی، نفوذ فرهنگی هند

منبع: موسسه لای، ۲۰۲۳: ۲۱-۲۸

در این نمودار نیز هند در معیار نفوذ فرهنگی و نفوذ دیپلماتیک در جایگاه چهارم قرار گرفته اما در معیارهای شبکه دفاعی و روابط اقتصادی در جایگاه نامطلوبی قرار گرفته است.

COMPREHENSIVE POWER

Rank



نمودار شماره (۴) قدرت جامع کشورها در آسیا و اقیانوس هند _ آرام (میانگین ۸ معیار)

منبع: موسسه لای، ۲۰۲۳: ۶

جدول شماره (۳) قدرت جامع کشورها در آسیا و اقیانوس هند _ آرام (میانگین ۸ معیار)

COMPREHENSIVE POWER

| Rank | Country/Territory | Score | Trend | |
|-------|-------------------|-------|-------|------------------------------------|
| 1 | United States | 80.7 | ↘ | Superpowers ≥ 70 points |
| 2 | China | 72.5 | ↘ | |
| 3 | Japan | 37.2 | ↘ | |
| 4 | India | 36.3 | ↘ | |
| 5 | Russia | 31.6 | ↘ | |
| 6 | Australia | 30.9 | — | |
| 7 | South Korea | 29.5 | ↘ | Middle powers ≥ 10 points |
| 8 | Singapore | 25.1 | ↘ | |
| 9 | Indonesia | 19.4 | — | |
| 10 | Thailand | 18.7 | ↘ | |
| 11 | Malaysia | 18.0 | ↘ | |
| 12 | Vietnam | 17.5 | ↘ | |
| 13 | New Zealand | 16.8 | ↘ | |
| 14 | Taiwan | 15.2 | ↘ | |
| 15 | Pakistan | 13.9 | ↘ | |
| 16 | Philippines | 12.8 | ↘ | |
| 17 | North Korea | 10.6 | ↘ | Minor powers < 10 points |
| 18 | Brunei* | 10.0 | ↗ | |
| 19 | Bangladesh | 9.1 | ↘ | |
| 20 +2 | Cambodia | 7.8 | ↗ | |
| 21 -1 | Sri Lanka | 7.5 | ↘ | |
| 22 -1 | Myanmar | 7.5 | — | |
| 23 | Laos | 6.4 | ↗ | |
| 24 | Mongolia | 5.0 | ↘ | |
| 25 | Nepal | 4.2 | ↘ | |
| 26 | Papua New Guinea | 3.3 | ↘ | |

GREATEST GAINS
Cambodia +0.7
Brunei +0.4
Laos +0.3

GREATEST LOSSES
China -2.1
United States -1.5
Russia -1.4

*Brunei is classified as a minor power as its unrounded score is 9.98

Trend arrows track annual changes in scores above a minimum absolute change threshold (≥ 0.15)

منبع: موسسه لاوی، ۲۰۲۳: ۷

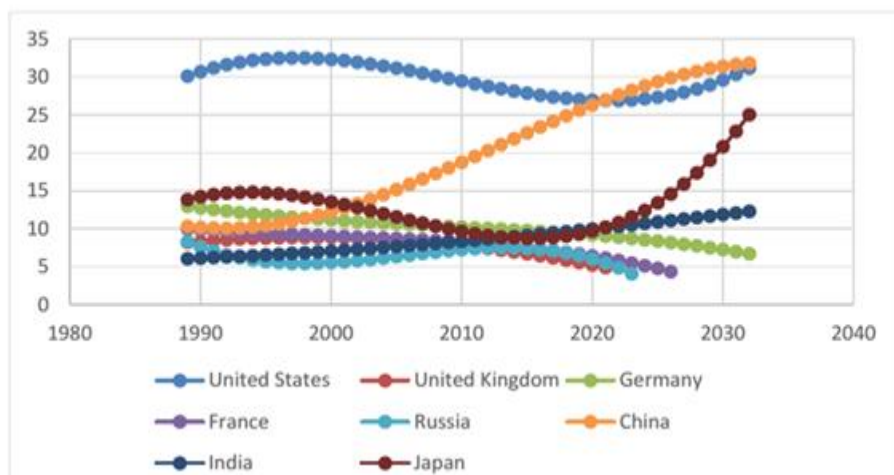
همانطور که مشاهده می شود، هند با کمی اختلاف نسبت به ژاپن در جایگاه چهارم قدرت جامع ایستاده است اما بالاتر از روسیه و استرالیا قرار گرفته است و به همراه ژاپن و روسیه به عنوان قدرت متوسط در منطقه ایندو-پاسیفیک قرار دارد. در این رده بندی چین و آمریکا به عنوان قدرت های بزرگ محسوب می شوند. وزن و نفوذ نسبی هند در سه دهه گذشته در حال افزایش بوده است. با این حال، هند قطعاً به مقام قدرت بزرگ دست نیافته است. اگرچه این کشور تسلیحات هسته ای و موشک های بالستیک میان برد را در اختیار دارد، اما همچنان

فاقد قابلیت حمله جهانی و همچنین قابلیت‌های قدرت فرامنطقه‌ای جدی است. این کشور به طور قاطع بر منطقه خود تسلط ندارد و از نظر توازن اقتصادی یا نظامی، یک قدرت شکل دهنده نیست. هند نه یکی از قدرت‌های بزرگ است و نه قدرت‌های کوچک؛ بنابراین، هند یک قدرت در حال رشد است یک قدرت متوسط در حال حرکت در سلسله مراتب قدرت جهانی. هند را می‌توان با در نظر گرفتن اندازه، مساحت، جمعیت، تولید ناخالص داخلی و نیروهای مسلح در مقابل همسایگانش، یک قدرت منطقه‌ای در جنوب آسیا نامید (کوکرجا، ۲۰۲۰: ۹).

۴-۲. چشم‌انداز ظهور هند به عنوان یک قدرت بزرگ در چرخه قدرت

در چرخه قدرت مقایسه میان هند و قدرت‌های جهانی بررسی می‌شود و چشم‌انداز آینده قدرت هند در این چرخه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بر همین اساس، دوران و پارسونز^۱ تعریف حداقلی از چرخه قدرت را به‌عنوان «دوره زمانی که در طی آن چیزی برقرار می‌شود، به اوج می‌رسد و کاهش می‌یابد» به کار می‌گیرد. توسعه سیاسی قدرت بزرگ در این مفهوم چرخه‌ای آشکار است. با افزایش نسبت قدرت به دیگران، ظرفیت آن برای اعمال رهبری افزایش می‌یابد و با کاهش قدرت، ظرفیت تأثیرگذاری بر سیاست بین‌الملل کاهش می‌یابد. در این تئوری، همه دولت‌ها در معرض چرخه کامل رشد، بلوغ و زوال هستند (دوران و پارسونز، ۱۹۸۰: ۹۴۷). توضیح دیگری برای تضاد بین‌المللی توسط نظریه چرخه قدرت ارائه شده است. منحنی‌های چرخه قدرت با در نظر گرفتن قابلیت‌های مادی دولت‌ها نسبت به رقبای همتای خود، ظهور و سقوط دولت‌ها را در طول زمان ردیابی می‌کنند (کیسان، ۲۰۰۸: ۱۳). تئوری چرخه قدرت می‌تواند در سیستم‌های جهانی، منطقه‌ای و جغرافیایی محلی به کار گرفته شود. شناسایی سیستم اولین قدم مهم با توجه به ارزیابی‌های توان نسبی است که نظریه چرخه قدرت به کار می‌گیرد. تنها زمانی که سیستم، بازیگران و دوره‌هایی که بازیگران در داخل سیستم فعال هستند مشخص شود، می‌توان تحلیل چرخه قدرت را ادامه داد. بر همین اساس، جمشیدی و یزدان‌شناس با استفاده از شاخص، تولید ناخالص داخلی، شاخص جمعیت، شاخص مصرف انرژی، شاخص سرانه مصرف انرژی، شاخص هزینه نظامی، شاخص سرانه هزینه نظامی، شاخص ارزش صادرات، به ترسیم سیکل قدرت آمریکا در مقایسه با قدرت‌های جهانی پرداخته‌اند و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که آمریکا در سیکل قدرت به تدریج در عرصه جهانی با افول نسبی مواجه می‌شود.

^۱ Doran and Parsons



نمودار شماره (۵) سیکل قدرت هند در مقایسه با قدرت‌های بزرگ

منبع: یزدان‌شناس و جمشیدی، ۱۳۹۹: ۷۸

در نمودار شماره (۵) نیز با استفاده از شاخص‌های موردنظر، هند نسبت به کشورهای آلمان، روسیه، فرانسه و بریتانیا دارای روند صعودی تری است. از سویی دیگر، میلر و هایم نیز نگرش جدیدی در چرخه قدرت ایجاد کرده‌اند و به‌جای شاخص‌های سنتی و قدیمی قدرت بر شاخص‌های عصر فناوری و اطلاعات تمرکز کرده‌اند. برای پاسخ به چالش اندازه‌گیری قدرت در عصر فراصنعتی یا اطلاعات، محققان روش‌های جدیدی را برای اندازه‌گیری قدرت جهانی ایجاد کرده‌اند که اقدامات عصر صنعتی را گسترش می‌دهد، یکی از این معیارها، شاخص جهانی قدرت عصر فناوری و اطلاعات (GPI^۱) است که تحت نظارت شورای اطلاعات ملی (NIC^۲) برخلاف شاخص‌های عصر صنعتی مانند شاخص‌های سنتی، توسعه یافته است. شاخص‌های عصر فناوری و اطلاعات در چرخه قدرت مطابق نمودار شماره (۷) شامل؛ تسلیحات هسته‌ای به‌عنوان عاملی در ظرفیت نظامی یک دولت، تجارت به‌عنوان عاملی در ظرفیت اقتصادی یک دولت، هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D^۳) به‌عنوان معیاری برای ظرفیت فناوری تعیین می‌شود، درآمدهای دولت به‌عنوان معیار ظرفیت سیاسی و جمعیت در سن کار (به‌جای کل جمعیت) به‌عنوان معیار ظرفیت کار تعریف شده اند (هایم و میلر^۴، ۲۰۲۰: ۵). هایم و میلر با داده‌های خود در چرخه قدرت نشان داده‌اند آمریکا در توازن قدرت نسبت به رقیبان خود به‌ویژه چین و هند در عرصه جهانی تنزل می‌کند و هند نسبت به دیگر قدرت‌های جهانی در چرخه قدرت دارای روند صعودی تری است.

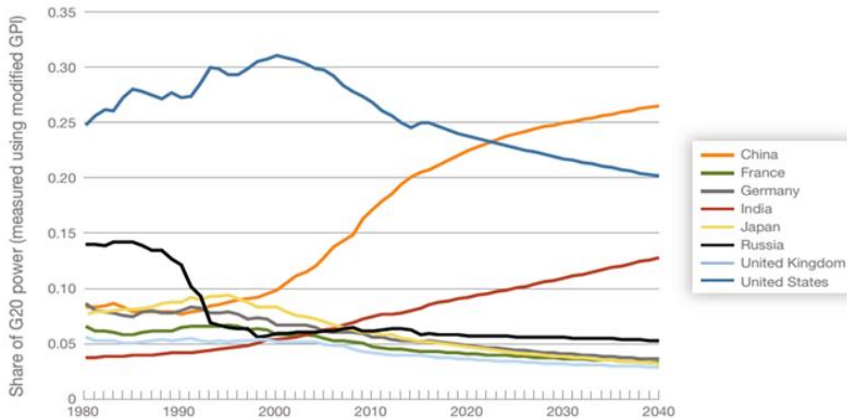
¹ Global Power Index

² National Intelligence Council

³ Research and Development

⁴ Heim & Miller

FIGURE 12
Balance of Power (Measured Using Modified GPI) in Baseline Scenario (1980–2040)



نمودار شماره (۶) شاخص‌های عصر فناوری و اطلاعات در چرخه قدرت

منبع: هایم و میلر، ۲۰۲۰: ۲۱

در چرخه قدرت، یک دولت بزرگ دستاوردهای مطلق را می‌بیند که بسیار بیشتر از سود مطلق یک دولت کوچکتر با رشد سریعتر است؛ اما دولت کوچک در حال افزایش سهم نسبی خود است و دولت بزرگتر را به سمت نزول نسبی می‌کشاند (دوران، ۲۰۰۳: ۲۱). روند چرخه قدرت نیز، در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۳۰، اول، ظهور قدرت‌های آسیایی و دوم، کاهش مداوم قدرت نسبی آمریکا را نشان می‌دهد (کیسان، ۲۰۰۵: ۱۱۶). یک نظم ایدئولوژیک نیز می‌تواند از این نظر به پایان برسد. قدرت‌های بزرگ جدیدی ممکن است ظهور کنند که تک‌قطبی را تضعیف کرده و به یک سیستم دوقطبی یا چندقطبی منجر شود. در آن صورت نظم ایدئولوژیک جای خود را به نظم‌های محدود و واقع‌گرای بین‌المللی خواهد داد (مرشایمر^۱، ۲۰۱۹: ۱۸).

توسعه سیاسی قدرت بزرگ در این مفهوم چرخه قدرت آشکار است. با به دست آوردن قدرت نسبت به دیگران، ظرفیت آن برای اعمال رهبری افزایش می‌یابد. با عقب افتادن، ظرفیت تأثیرگذاری بر سیاست بین‌الملل کاهش می‌یابد (دوران و پارسونز، ۱۹۸۰: ۹۴۷). امروزه این دولت کوچکتر که از نظر تولید ناخالص داخلی و نظامی اندازه‌گیری می‌شود، هند است. هند در حال دست گرفتن سهم قدرت، از کشور بزرگتر در حال رشد، یعنی چین است و باعث می‌شود که آن را تغییر داده و در نهایت به اوج خود برسد. هند احتمالاً تا پایان قرن دارای جمعیتی حتی بیشتر از چین خواهد بود و بنابراین، نیروی کار و بازار بیشتری خواهد داشت. هند به‌طور فزاینده‌ای سهم قدرت را از چین رو به رشد حذف خواهد کرد و باعث می‌شود چین از اولین نقطه عطف عبور کند که در آن افزایش شتابان طولانی مدت آن به‌طور ناگهانی به یک افزایش آهسته‌تر تغییر می‌کند (دوران، ۲۰۱۲: ۸۰). کشورهایمانند چین و هند در چرخه قدرت خود سریع‌تر رشد می‌کنند و تأثیر بین‌المللی گسترده‌تری بر سیاست جهانی نسبت به روسیه دارند (دوران، ۲۰۱۵: ۹۹). هزینه نظامی هند با ۸۱/۴ میلیارد دلار، چهارمین هزینه

^۱ Mearsheimer

نظامی در جهان است که ۶ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۱ بود (سیپری^۱، ۲۰۲۳: ۲). همزمان با رشد اقتصادی هند و با توجه با تحریم‌های جهانی علیه اقتصاد روسیه، انتظار می‌رود هند در سال‌های آینده جایگاه سوم هزینه‌های دفاعی جهان را بدست آورد.

جدول شماره (۴) کشورهای دارای بیشترین هزینه‌های نظامی

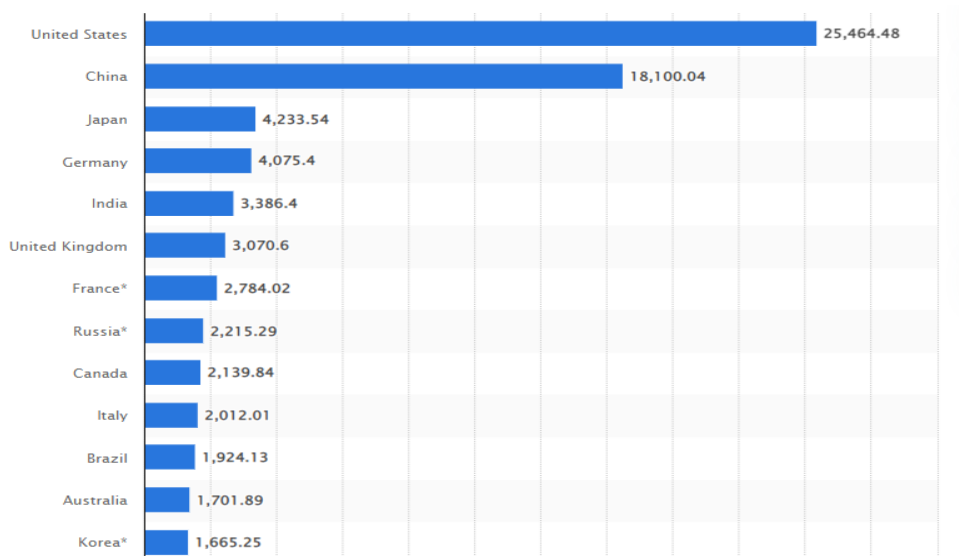
| Rank | | | Spending (\$ b.), | Change (%) | | Spending as a share of GDP (%) ^b | | World share (%), |
|------------------------|------|-------------------|-------------------|------------|---------|---|-------|------------------|
| | 2022 | 2021 ^a | | 2022 | 2013-22 | 2022 | 2013 | |
| 1 | 1 | United States | 877 | 0.7 | 2.7 | 3.5 | 4.0 | 39 |
| 2 | 2 | China | [292] | 4.2 | 63 | [1.6] | [1.7] | [1.3] |
| 3 | 5 | Russia | [86.4] | 9.2 | 15 | [4.1] | [3.9] | [3.9] |
| 4 | 3 | India | 81.4 | 6.0 | 47 | 2.4 | 2.5 | 3.6 |
| 5 | 8 | Saudi Arabia | [75.0] | 16 | -2.7 | [7.4] | [9.0] | [3.3] |
| Subtotal top 5 | | | 1 412 | .. | .. | .. | .. | 63 |
| 6 | 4 | United Kingdom | 68.5 | 3.7 | 9.7 | 2.2 | 2.3 | 3.1 |
| 7 | 7 | Germany | 55.8 | 2.3 | 33 | 1.4 | 1.2 | 2.5 |
| 8 | 6 | France | 53.6 | 0.6 | 15 | 1.9 | 1.8 | 2.4 |
| 9 | 10 | South Korea | 46.4 | -2.5 | 37 | 2.7 | 2.1 | 2.1 |
| 10 | 9 | Japan | 46.0 | 5.9 | 18 | 1.1 | 0.9 | 2.1 |
| Subtotal top 10 | | | 1 682 | .. | .. | .. | .. | 75 |
| 11 | 36 | Ukraine | 44.0 | 640 | 1 661 | [34] | 1.6 | 2.0 |
| 12 | 11 | Italy | 33.5 | -4.5 | 24 | 1.7 | 1.4 | 1.5 |
| 13 | 12 | Australia | 32.3 | 0.3 | 47 | 1.9 | 1.6 | 1.4 |
| 14 | 13 | Canada | 26.9 | 3.0 | 49 | 1.2 | 1.0 | 1.2 |
| 15 | 14 | Israel | 23.4 | -4.2 | 26 | 4.5 | 5.5 | 1.0 |

منبع: سیپری، ۲۰۲۳: ۲

چین و هند تا سال ۲۰۳۰، برتری اقتصادی جهانی خود را دوباره به دست خواهند آورد. هر دو کشور دارای نیروی انسانی عظیم، پایگاه‌های علمی، صنعتی و فناوری و همچنین نیروهای مسلح بزرگ هستند. آن‌ها هر دو قدرت هسته‌ای هستند و برنامه‌های فضایی نوپایی دارند. از لحاظ تاریخی، چین و هند توانایی و اراده خود را برای عمل به عنوان هژمون و تسلط بر محیط امنیتی مناطق خود نشان داده‌اند (رایان^۲، ۲۰۱۱: ۳).

¹ Sipri

² Rayan

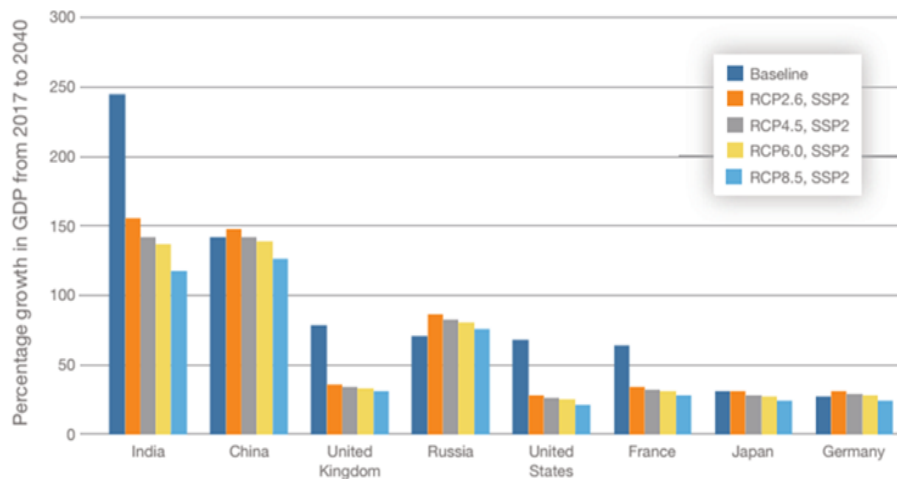


نمودار شماره (۷) کشورها دارای بیشترین تولید ناخالص داخلی، ۲۰۲۲ (بیلیارد دلار آمریکا)

منبع: استاتینستا^۱، ۲۰۲۳

مطابق نمودار شماره (۷) اقتصاد هند در سال ۲۰۲۲ پنجمین اقتصاد بزرگ جهان بود (تولید ناخالص داخلی). پیش بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۳ رشد ۶/۱ درصدی داشته باشد (سرویس تحقیقات کنگره، ۲۰۲۳: ۱).

FIGURE 21
GDP Growth from 2017 to 2040



نمودار شماره (۸) تولید ناخالص داخلی هند تا سال ۲۰۴۰

منبع: هایم و میلر، ۲۰۲۰: ۲۱

¹Statista

همان‌طور که نمودار شماره (۸) نشان داده، تولید ناخالص داخلی هند تا سال ۲۰۴۰ بیشتر از آمریکا و چین خواهد بود و آمریکا حتی پایین‌تر از بریتانیا و روسیه قرار می‌گیرد. به‌طور کلی چشم‌انداز چرخه قدرت نشان می‌دهد که هند در سال‌های آینده به عنوان یک قدرت بزرگ مطرح می‌شود و به تدریج آمریکا در عرصه بین‌المللی افول می‌کند و صعود هند به جایگاه قدرت بزرگ در بلندمدت اتفاق می‌افتد.

۳-۴. ظهور هند و چالش‌های پیش رو در رابطه با آمریکا

همان‌طور که نمودار چرخه قدرت و قدرت جامع نشان می‌دهد، هند به‌طور پیوسته در حال کسب قدرت است و در حال تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در تمام آسیا است. در حالی که چین از نظر قدرت جمعیتی و در نهایت قدرت اقتصادی کاهش جزئی را آغاز کرده است، هند همچنان از نظر جمعیتی و اقتصادی در حال افزایش است (دیویس و اسلوبودچیکوف، ۲۰۲۲). نفوذ هند در جهان در سال‌های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است. دولت دهلی اکنون آرزوهای بزرگی برای تبدیل شدن به یک بازیگر جهانی دارد. دلیل اصلی اهمیت بیشتر آن، رشد اقتصادی خارق‌العاده آن است که با برخی نوسانات، از اواخر دهه ۲۰۰۰ به طور متوسط سالانه بیش از ۷ درصد بوده است. هند با رشد ۸/۷ درصدی در سال ۲۰۲۱ به پنجمین قدرت اقتصادی بزرگ جهان پس از آمریکا، چین، ژاپن و آلمان تبدیل شده است (ولف، ۲۰۲۳: ۱). در مورد هند باید سیاست خارجی آن در ارتباط با آمریکا، محیط منطقه‌ای و جهانی بررسی شود تا جهت‌گیری آن در مورد نظم جهانی آمریکا مشخص شود.

۳-۴-۱. سیاست خارجی مبتنی بر استقلال استراتژیک و چندجانبه‌گرایی

در دوران پس از جنگ سرد، سیاست خارجی هند از سیاست عدم تعهد (سیاست بی‌طرفی با بلوک‌های ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی) به سیاست چند تعهدی (هند تقریباً با تمام قدرت‌های بزرگ روابط دوستانه دارد و در حال توسعه است) حرکت کرده است. چند صفت‌بندی جهان ماهیت اصلی سیاست خارجی هند و سیاست اقتصادی هند امروز است. این فرصتی را برای هند فراهم می‌کند تا به یک میانجی جهانی تبدیل شود و به توسعه چارچوبی در زمینه مسائل جهانی کمک کند. هند به طور منحصربه‌فردی در سیاست جهانی قرار دارد تا نقش رهبری را در چارچوب یک نظم جهانی چندجانبه جدید به عهده بگیرد. تعهد دیرینه هند به چندجانبه‌گرایی می‌تواند در درخواست اصلاحات سیستم سازمان ملل متحد منعکس شود (دریشتی، ۲۰۲۰: ۲-۴).

هند صرفاً از گرفتن جانب غرب به عنوان یک امر مسلم خودداری می‌کند. در عوض، دولت دهلی اتحادیه‌های متعددی را در ذهن دارد مفهومی که کاملاً با سنت عدم تعهد هند مطابقت دارد. این کشور نمی‌خواهد به طور کامل به اردوگاه ایالات متحده بپیوندد، اگرچه هند در کنار ایالات متحده، استرالیا و ژاپن عضو گفتگوی چهارجانبه امنیتی^۳ (کوآد) است، اما در رأی‌گیری‌های سازمان ملل متحد که جنگ تجاوزکارانه روسیه را محکوم کرد،

¹ Davis and Slobodchikoff

² Wulf

³ QUAD

تسلیم فشار آمریکا و اروپا نشد، اما در عوض از رأی دادن بر ضد روسیه خودداری کرد و رای ممتنع داد. روابط اقتصادی خوب هند با روسیه نه پنهانی و نه پشیمانانه حفظ می‌شود. این کشور چندین دهه است که فناوری تسلیحاتی را از روسیه وارد می‌کند و همچنان به همکاری مسکو متکی است. در جریان جنگ اوکراین، هند واردات نفت خود از روسیه را باقیمت‌های پایین خریداری می‌کرد افزایش داد. مفهوم ائتلاف‌های متعدد حفظ ارتباطات خوب با واشنگتن و بروکسل و همچنین مسکو به دهلی اجازه می‌دهد تا به عنوان یک میانجی عمل کند (ولف، ۲۰۲۳: ۲).

در منطقه آسیا و اقیانوسیه است که هند می‌تواند تفاوت چشمگیری در تعادل قاره ایجاد کند. گرچه هند احتمالاً تا سال ۲۰۵۰ به یک قطب واقعی تبدیل خواهد شد، اما اساساً یک قدرت متعادل‌کننده و به عنوان یک دولت در حال چرخش باقی خواهد ماند تا یک قدرت بزرگ که بتواند در برابر رقیب بزرگی مانند چین ایستادگی کند یا سیستم بین‌المللی را به نفع خود در مواجهه با مخالفت‌های احتمالی تعریف کند (تلیس^۱، ۲۰۱۶: ۵). بر همین اساس، یکی چالش‌های مهم سیاست خارجی هند، ایجاد توازن در روابط متخاصم قدرت‌های بزرگ است. خودمختاری استراتژیک هند مانع از پیوستن دهلی‌نو به هر اتحاد نظامی یا مشارکت استراتژیک که با کشور یا گروهی از کشورها خصمانه است، می‌شود. به طور سنتی، غرب هند را نزدیک‌تر به اتحاد جماهیر شوروی/ روسیه می‌دانست. این ادراکات با مشارکت فعال هند در انجمن شانگهای^۲، بریکس^۳ و سه جانبه^۴ برجسته می‌شود. معضلات امنیتی که به‌ویژه از تهدیدهای ترکیبی پاکستان و چین ناشی می‌شوند، این امر را بر هند واجب می‌سازد تا به تعادل خارجی در اقیانوس هند و اقیانوس آرام متوسل شود تا چین مدعی را متعادل کند. مشارکت هند در چهارجانبه^۵، امضای قراردادهای اساسی با ایالات متحده، ژاپن، فرانسه، بریتانیا و اندونزی را باید از این منظر دید (شارما^۶، ۲۰۲۲). خودمختاری استراتژیک هند، سیاست اول همسایگی و برنامه واکسن مایتری این کشور را قادر ساخته تا دایره دوستان خود را گسترش دهد و به عنوان یک قدرت معتبر ظاهر شود (چینیوی^۷، ۲۰۲۲: ۱۵). بنابراین؛ سیاست خارجی هند بر چندجانبه‌گرایی، متعادل‌سازی قدرت‌های بزرگ در ایندو-پاسیفیک و چندقطبی بودن تاکید دارد. بنابراین به اتحادهای نظامی رسمی در منطقه نمی‌پیوندد و بر استقلال استراتژیک تاکید دارد؛ اما در سال‌های اخیر افزایش روابط هند و آمریکا به معنی پیوستن به جانب غرب و آمریکا نیست بلکه؛ هند نیز روابط اقتصادی و نظامی خود را با مسکو حفظ کرده است و افزایش روابط با آمریکا را برای متعادل‌سازی چین در ایندو-پاسیفیک لازم می‌داند.

¹ Telis

² Shanghai Cooperation Organization

³ BRICS

^۴ سه جانبه روسیه، هند و چین (RAC) یک گروه استراتژیک است که برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۹۰ تحت رهبری یوگنی پریماکوف، یک سیاستمدار روسی به عنوان "موازنه‌ای برای اتحاد غرب" شکل گرفت و در حال حاضر نیز ادامه دارد.

^۵ Quad (شامل کشورهای آمریکا، هند، استرالیا و ژاپن است که در آن به گفتگوی امنیتی می‌پردازند)

⁶ Sharma

⁷ Chinoy

۴-۳-۲. روند روابط هند و آمریکا

از زمان استقلال هند، روابط با ایالات متحده، بی‌اعتمادی و بیگانگی دوران جنگ سرد در مورد برنامه هسته‌ای هند را از بین برده است. روابط در سال‌های اخیر گرم شده و همکاری‌ها در طیف وسیعی از زمینه‌های اقتصادی و سیاسی تقویت شده است (سی اف آر^۱، ۲۰۲۳). ایالات متحده از اوایل دهه ۲۰۰۰ از هند به‌عنوان یک شریک استراتژیک استقبال کرده است و از استراتژی بزرگ هند برای توسعه قابلیت‌های قدرت سخت و درعین حال پرداختن به تهدیدات منطقه‌ای و در نهایت دستیابی به موقعیت قدرت بزرگ حمایت می‌کند. در مقابل، هند از هدف اساسی واشنگتن برای تامین امنیت منطقه هند - اقیانوس آرام حمایت کرده است. اگرچه چالش‌های مهمی در مدیریت روابط ایالات متحده و هند باقی مانده است، ریاست جمهوری ترامپ به طور متعادل به نفع استراتژی بزرگ هند بوده است (موکرژی، ۲۰۲۰: ۴۲۰). ابتکار مودی^۲ برای تعمیق مشارکت با واشنگتن بسیار مهم است. این امر مستلزم این است که ایالات متحده مهم‌ترین کلیدهای موفقیت بلندمدت هند را خارج از سیاست‌های داخلی خود در دست دارد: به عنوان میزبانی برای نیروی کار ماهر هند؛ به عنوان منبع سرمایه، فناوری و تخصص و به عنوان نقطه اتکای حمایت استراتژیک از جاه‌طلبی‌های جهانی هند (تلیس، ۲۰۱۶: ۹). در سال ۲۰۰۵، ایالات متحده و هند چارچوب جدید روابط دفاعی ایالات متحده و هند را امضا می‌کنند که اولویت‌ها را برای همکاری دفاعی در امنیت دریایی، کمک‌های بشردوستانه/امدادرسانی در بلایا و مبارزه با تروریسم تعیین می‌کند. در ماه اکتبر، ۲۰۰۵، دو کشور بزرگترین رزمایش دریایی تا به امروز را انجام دادند و پس از آن رزمایش‌های بزرگ هوایی و زمینی برگزار کردند. در جریان دیدار نهایی نخست‌وزیر مودی و پرزیدنت اوباما در کاخ سفید در سال ۲۰۱۶، ایالات متحده، هند را به یک شریک دفاعی اصلی تبدیل می‌کند، وضعیتی که هیچ کشور دیگری ندارد. گسترش قرارداد دفاعی ده‌ساله که در سال ۲۰۱۵ تمدید شد، این نامگذاری که در آگوست ۲۰۱۸ به قانون تبدیل شد، به این معنی است که هند از برخی از مزایای متحد بودن در پیمان ایالات متحده، مانند دسترسی به فناوری دفاعی برخوردار خواهد بود، دو ماه بعد، ایالات متحده و هند پس از نزدیک به یک دهه مذاکره، توافقنامه همکاری نظامی عمیق‌تر را امضا کردند (سی اف آر، ۲۰۲۳).

در دولت ترامپ، روابط دوجانبه به سرعت شتاب گرفت دو کشور تمرینات مشترکی را انجام دادند، سه توافقنامه دفاعی را امضا کردند، گفتگوی استراتژیک ۲+۲ را آغاز کردند و هند به طیف گسترده‌تری از فناوری‌های آمریکایی دسترسی پیدا کرد (میلر^۳، ۲۰۲۲). مشارکت استراتژیک ایالات متحده و هند بر اساس ارزش‌های مشترک از جمله تعهد به دموکراسی و حمایت از سیستم بین‌المللی مبتنی بر قوانین استوار است. ایالات متحده و هند منافع مشترکی در ارتقای امنیت جهانی، ثبات و شکوفایی اقتصادی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری و اتصال روابط دارند. بایدن و نخست‌وزیر مودی دو دیدار دوجانبه حضوری برگزار کرده‌اند که طی آن آنها تعهد خود را به نظم بین‌المللی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر قوانین که حافظ حاکمیت و تمامیت ارضی، حمایت از ارزش‌های دموکراتیک و ترویج صلح و رفاه برای همه است، مجدداً تأیید کردند. پرزیدنت بایدن و نخست‌وزیر مودی

¹ Council on Foreign Relations(CFR)

² Narendra Damodardas Modi

³ Miller

همچنین در تعاملات متعدد سازوکار چهار رهبر با ژاپن و استرالیا شرکت کرده‌اند. ایالات‌متحده از ظهور هند به عنوان یک قدرت جهانی پیشرو و یک شریک حیاتی در تلاش برای حفاظت از هند و اقیانوس آرام به عنوان منطقه‌ای با صلح، ثبات و رفاه رو به رشد حمایت می‌کند. در سال ۲۰۲۱، تجارت دوجانبه ایالات‌متحده و هند در کالاها و خدمات به رکورد ۱۵۷ میلیارد دلار رسید. ایالات‌متحده بزرگترین شریک تجاری هند و مهم‌ترین بازار صادراتی هند است. بسیاری از شرکت‌های آمریکایی هند را به عنوان یک بازار مهم می‌بینند و فعالیت‌های خود را در آنجا گسترش داده‌اند. به همین ترتیب، شرکت‌های هندی به دنبال افزایش حضور خود در بازارهای ایالات‌متحده هستند و در پایان سال ۲۰۲۰، سرمایه‌گذاری هند در ایالات‌متحده بالغ بر ۱۲/۷ میلیارد دلار بود که بیش از ۷۰۰۰۰ شغل آمریکایی را پشتیبانی می‌کرد. نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ دانشجوی هندی در ایالات‌متحده سالانه ۷/۷ میلیارد دلار به اقتصاد ایالات‌متحده کمک می‌کنند (وزارت امور خارجه آمریکا، ۲۰۲۲).

آمریکا پنج دلیل کلیدی برای ترویج ظهور استراتژیک هند دارد. اولاً، ظهور هند در منطقه جنوب آسیا/اقیانوس هند از موقعیت آمریکا در موازنه قدرت جهانی نمی‌کاهد، به خصوص که هند تلاش نمی‌کند دسترسی ایالات‌متحده را به این منطقه قطع کند. ثانیاً، چنین استراتژی به ایالات‌متحده اجازه می‌دهد تا هند رو به رشدی را در نظم بین‌المللی ایجادشده و رهبری شده توسط ایالات‌متحده با بخشیدن سهم هند در آن ادغام کند، یعنی رهبری منطقه‌ای که هند برای چندین دهه آرزوی آن را داشته است. سوم، ارائه این موقعیت به هند به ایالات‌متحده این امکان را می‌دهد که منابع خود را به‌جای تلاش برای منحرف کردن منابع به منطقه جنوب آسیا/اقیانوس هند، بر حفظ تعادل مطلوب قدرت در شرق آسیا، منطقه‌ای که آمریکا دو متحد مهم دارد، متمرکز کند. چهارم، با دادن سهمی به هند در نظم جهانی آمریکا، ایالات‌متحده قادر خواهد بود حتی در غیاب اتحاد رسمی بین کشورها، انتخاب‌های هند را شکل دهد. پنجم و درنهایت، خوشبختی نوظهور ایالات‌متحده و هند باعث ایجاد عدم اطمینان در چین خواهد شد، به‌خصوص که هند به‌عنوان سومین کشور بزرگ اقتصاد جهانی در دهه آینده پس از چین و ایالات‌متحده ظاهر می‌شود (پارديسي^۲، ۲۰۱۷: ۵). با این حال، موقعیت هند بسیار پیچید است زیرا؛ باید خطوط رقابت بالقوه مخرب چین و ایالات‌متحده را مدیریت کند، دقیقاً به همان روشی که مجبور بود در رقابت اصلی بین ایالات‌متحده و روسیه حرکت کند. اگرچه روابط نظامی، سیاسی و اقتصادی هند با آمریکا افزایش‌یافته ولی دهلی‌نو تمایلی برای تبدیل شدن به یک متحد رسمی غرب و آمریکا نشان نمی‌دهد، ولی در سال‌های اخیر ترجیح می‌دهد همکاری خود را با آمریکا در جهت مقابله با نفوذ فزاینده چین افزایش دهد.

۴-۳-۳. افزایش همکاری با آمریکا در جهت مقابله با نفوذ فزاینده چین

ایالات‌متحده در سال ۲۰۲۱-۲۰۲۲ از چین به عنوان بزرگترین شریک تجاری هند پیشی گرفت. از این رو مشاهده می‌شود که تلاش برای به حاشیه راندن چین ادامه دارد (یاکوب^۳، ۲۰۲۲). همکاری عمیق بین هند و

¹ U.S Department of state

² Pardesi

³ Jacob

ایالات متحده یک پویایی قدرت قوی در منطقه هند و اقیانوس آرام ایجاد کرد تا چین را کنترل کند (رانجان^۱، ۲۰۲۲). هند، تحت دولت نخست‌وزیر نارندرا مودی، محکم در اردوگاه ایالات متحده حضور داشته و در احیای چهارگانه و امضای سه توافقنامه دفاعی اساسی با ایالات متحده شرکت کرده است. این اقدامات نشان می‌دهد که هند به شدت با تمرکز ایالات متحده بر مهار چین موافق است (رادهاکریشنان^۲، ۲۰۲۲). چین می‌خواهد نظم جهانی موجود و نهادهایش مانند سازمان ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت، سازمان تجارت جهانی و مواردی از این قبیل را به‌گونه‌ای تغییر دهد که با اهداف خود مطابقت داشته باشد. بانک زیرساخت و سرمایه‌گذاری آسیایی (AIIB) و بانک توسعه جدید در این راستا قابل ارزیابی است (چینوی، ۲۰۲۲: ۱۰).

افزایش نفوذ چین در سراسر جهان، از جمله در همسایگی هند، پیامد اجتناب‌ناپذیر قدرت فزاینده این کشور در اقتصاد و سیاست جهانی است. استراتژی «یک کمربند و یک جاده» اما اکنون به طور فزاینده‌ای بحث‌برانگیز شده و هدف آن گسترش دامنه جهانی چین است. چین در سال‌های اخیر قاطعانه عمل کرده و جزایری را در دریای چین جنوبی می‌سازد و یک معماری بین‌المللی ایجاد می‌کند که جایگزینی بالقوه برای مؤسسات برتون وودز ارائه می‌کند. چین به وضوح به عنوان یک چالش بلندمدت جدید ظاهر شده بود و شبکه متراکم منافع ایالات متحده در آسیا را تهدید می‌کرد. در سال‌های اخیر، نگرانی فزاینده‌ای در این کشور در مورد تلاش‌های چین برای ایجاد روابط نزدیک‌تر سیاسی و اقتصادی با همسایگان هند با هدف محاصره هند وجود داشته است. برای مقابله با چین، هند به دنبال مشارکت استراتژیک نزدیک با ایالات متحده آمریکا و متحدان و شرکای اصلی آن در آسیا-اقیانوسیه با حفظ استقلال استراتژیک خود است (کوکرجا، ۲۰۲۰: ۱۳)؛ بنابراین، چین یکی دیگر از چالش‌های مهم برای ایالات متحده نیز عامل مهمی در روابط دوجانبه با هند است و رایزنی‌ها با وزارت خارجه آمریکا در آسیای شرقی نقاط مشترک زیادی را در مورد چین نشان داد. روابط آمریکا و چین شاید در پایین‌ترین سطح خود در دو دهه اخیر قرار داشته باشد. در همین حال، درگیری‌های مرزی دسامبر ۲۰۲۲ بین چین و هند و بی‌توجهی پکن در مورد نگرانی‌های دهلی‌نو، به این معنی است که روابط چین و هند همچنان با بی‌اعتمادی با نشانه‌های کمی حل‌وفصل است. در نتیجه، ایالات متحده و هند منافع مشترکی دارند تا ظرفیت بازدارندگی خود را در قبال پکن در مرز و در اقیانوس هند تقویت کند. ایالات متحده می‌داند که هند می‌خواهد از نزدیک شدن به رقابت استراتژیک ایالات متحده و چین جلوگیری کند، اما همچنان نگران تایوان و درس‌هایی است که معتقد است چین از جنگ اوکراین می‌گیرد (میلر، ۲۰۲۳).

رویکرد چهارگانه هند، نحوه درک آن از اتحادها را نشان می‌دهد. در گذشته، هند تا حدودی نسبت به چهارجانبه بی‌علاقه بود. این کشور به عنوان همسایه چین می‌خواست از هرگونه درگیری اجتناب کند. با این حال، درگیری چین با هند در تابستان ۲۰۲۰ این رویکرد را تغییر داد. تمایل محدود به چهارجانبه در سال‌های قبل به این امید که چین را آرام کند، کارساز نبود؛ بنابراین تصمیم گرفت که به جای مباحثات با پکن، بهتر است با سایر کشورهای همفکر برای دفع تهدید چین همکاری کند (یاکوب، ۲۰۲۲). هند، ایالات متحده، ژاپن و استرالیا به طور مجازی در اجلاس ۱۲ مارس ۲۰۲۱ ملاقات کردند و در مورد توسعه، همکاری در هند و اقیانوس آرام،

¹ Ranjan

² Radhakrishnan

واکسن‌ها، فناوری، تغییرات آب و هوایی و مدیریت زنجیره تامین بحث کردند. رهبران چهارگانه همچنین بیانیه مشترکی را منتشر کردند که به «روح چهارگانه» معروف شد. بدون اشاره به چین، این سند به همکاری‌های چهارجانبه علیه فعالیت‌های چین در منطقه هند و اقیانوس آرام اشاره می‌کند. پیوستن به گروه چهارجانبه هم مزایا و هم معایبی برای هند دارد. هند از طریق چهارجانبه می‌تواند حضور رو به رشد چین را در منطقه هند و اقیانوس آرام متعادل کند، از جمله ابتکار «یک کمربند و یک جاده» که منجر به ایجاد تأسیسات بندری در کشورهای همسایه هند شده است و حس محاصره را در دهلی‌نو ایجاد می‌کند. با استفاده از چهارجانبه، هند می‌تواند از جایگاه قدرت متوسط خود بالاتر برود و نفوذ خود را فراتر از اقیانوس هند و اقیانوس آرام نشان دهد (پانت^۱، ۲۰۲۲). به همین منظور هند با ابتکار «یک کمربند و یک جاده چین» مخالفت می‌کند.

اگرچه، حضور چین در اقیانوس هند نگرانی‌های امنیتی در دهلی را افزایش داده است. با این حال، همزمان، دولت‌های هند و چین در زمینه‌هایی مانند طرح بریکس، سازمان همکاری شانگهای و گروه ۲۰ همکاری می‌کنند (ولف، ۲۰۲۳: ۴). به‌طور کلی، بسیاری روابط نزدیکتر آمریکا با هند را جزء کلیدی «حفاظت از هژمونی آمریکا» از طریق دورنگه داشتن چین از اقیانوس هند، جلوگیری از اشغال نیروهای متعارف آن، حمایت از تلاش‌های متعادل‌سازی آمریکا در آسیای جنوب شرقی، حمایت از هژمونی آمریکا و نظم اقتصادی_سیاسی گسترده‌تر به رهبری آمریکا در آسیا می‌دانند (استانلند^۲، ۲۰۱۸). بنابراین هدف هند از افزایش روابط با آمریکا، متعادل کردن نفوذ چین در ایندو_پاسیفیک است. هند این روابط را با رعایت اصول استقلال استراتژیک خود افزایش می‌دهد.

۴-۴. هند و نظم جهانی آمریکا

همانطور که چرخه قدرت نشان داده تسلط آمریکا شروع به کاهش کرده است و رقابت قدرت‌های بزرگ در حال افزایش است که به‌وضوح با ظهور چین و همچنین در بلوک‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و کشورهایمانند هند و برزیل، مشهود است (تانجا و زکریا^۳، ۲۰۲۳). اگر قدرت آمریکا افول کند نظم جهانی نیز تضعیف می‌شود. با ظهور هند به عنوان قدرت بزرگ نقش آن در نظم جهانی افزایش می‌یابد.

دهلی‌نو افول ایالات متحده را در رهبری نظم بین‌الملل پدیده‌ای که منشأ آن بر ترامپ مقدم است می‌بیند و آن را به‌عنوان فرصتی برای ایفای نقش پیشرو جهانی می‌داند. با این حال، تمایل هند به سمت خودمختاری استراتژیک ممکن است این روند را پیچیده کند. هند مرتباً نظم بین‌المللی تحت رهبری غرب را به‌عنوان انحصاری و غیردموکراتیک مورد انتقاد قرار داده است، به ویژه که در شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC)، مؤسسات برتون وودز، بانک توسعه آسیایی و سایر نهادها آشکار می‌شود. در عین حال، هند از سال ۱۹۴۵، به‌طور قابل توجهی از نظم جهانی تحت رهبری ایالات متحده سود برده است. هند از طیف گسترده‌ای از مؤسسات و برنامه‌های سازمان ملل بهره‌مند شده است و همچنین از سال ۱۹۴۵ تاکنون هفت بار به‌عنوان عضو

¹ pant

² STANILAND

³ Taneja and Zakaria

غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل انتخاب شده است. بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۲۰۱۹، هند بزرگ‌ترین دریافت‌کننده وام، کمک‌های بلاعوض و اعتبار بوده است که در مجموع به ارزش ۱۱۴ میلیارد دلار آمریکا (۱۰/۳ درصد از کل هزینه‌های بانک جهانی) است. بر همین اساس، دولت مودی تصمیم گرفته است تا تلاشی برای نفوذ جهانی بیشتر با پیش‌فرض تلاش بیشتر برای حفظ نظم بین‌المللی انجام دهد (موکرژی، ۲۰۲۰: ۴۲۰-۴۳۳). با این حال، نگاه هند به نظم جهانی کنونی را می‌توان در سه کلمه خلاصه کرد: نابرابر، تبعیض‌آمیز و غیرنماینده. هند همچنین نهادهای جهانی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل را عمیقاً فاقد نمایندگی می‌داند (زیرا در آن عضو نیست). به‌طور کلی، هند ترجیح می‌دهد موسسات جهانی قدرتمند (مانند سازمان ملل) وجود داشته باشد. با این حال، در مورد سازمان‌های منطقه‌ای که به ماموریت‌های جهانی (مانند ناتو) می‌پردازند و به طور فزاینده‌ای نسبت به سازمان‌هایی که نماینده نیستند (مانند شورای امنیت سازمان ملل که هند به دنبال عضویت بود اما هرگز پیدا نشد) خوشبین نیست (یاکوب، ۲۰۲۲). دهلی‌نو مدت‌ها برای اصلاح نهادهای بین‌المللی (مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و شورای امنیت سازمان ملل متحد) بحث کرده است، زیرا آنها بیشتر با توزیع قدرت پس از جنگ جهانی دوم مطابقت دارند تا با وضعیت امروز جهان. در دوران ریاست G20، دولت هند بیش از هر چیز در تلاش است تا «صدای ناشنیده» جنوب جهانی را به گوش مردم برساند در مصاحبه‌ای با نیویورک تایمز، وزیر امور خارجه هند، سوبره‌مانیام جایشانکار^۱، با اطمینان خاطر نشان کرد که همچنان نظم جهانی را بیش از حد تحت سلطه غرب (تبعیض‌آمیز) می‌داند. او اروپایی‌ها را متهم می‌کند که امور خود را در اولویت قرار می‌دهند و در نتیجه مسائل جهانی را از دست می‌دهند (ولف، ۲۰۲۳: ۲-۱).

دهلی‌نو معتقد است که جهان به سمت یک سیستم بین‌المللی چندقطبی در حال حرکت است که کنایه خود را از چند همسویی توضیح می‌دهد، اصطلاحی که توسط شاشی ثارور^۲، وزیر امور خارجه سابق این کشور ابداع شده است. باور اساسی این است که رقابت بلوکی می‌تواند برای منافع آن مضر باشد و به عنوان کشوری با نیازهای اقتصادی و سایر نیازها، به همه کمک‌هایی که می‌تواند از قدرتهای بزرگ مختلف دریافت کند، نیاز دارد. دهلی‌نو آرزوی جهانی چندقطبی را دارد؛ زیرا به قول وزیر خارجه سابق شرینگلا^۳ فکر می‌کند که جهان چندقطبی بر اساس حقوق بین‌الملل، بر اساس احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها، حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق مذاکرات صلح‌آمیز و دسترسی آزاد برای همه به اشتراکات جهانی خواهد بود (یاکوب، ۲۰۲۲). با این حال، هند و ایالات متحده در سازمان‌های چندجانبه از جمله سازمان ملل متحد، G-20، مجمع منطقه‌ای انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی همکاری نزدیک دارند. ایالات متحده از پیوستن هند به شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۲۱ برای یک دوره دو ساله استقبال کرد و از شورای امنیت سازمان ملل متحد که هند را به عنوان یک عضو دائمی در برمی‌گیرد، حمایت می‌کند. هند شریک گفتگوی آسه آن، شریک سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و ناظر سازمان کشورهای آمریکایی است. به همراه استرالیا و ژاپن، ایالات متحده و هند به عنوان گروه

¹ Subrahmanyam Jaishankar

² Shashi Tharoor

³ Harsh Vardhan Shringla

چهارگانه برای ترویج هند و اقیانوس آرام آزاد و باز و ارائه مزایای ملموس برای منطقه گرد هم می‌آیند. هند همچنین یکی از دوازده کشوری است که با ایالات‌متحده در چارچوب اقتصادی هند و اقیانوس آرام برای شکوفایی (IPEF) شریک می‌شود تا اقتصاد دو کشور را به هم متصل، انعطاف‌پذیرتر و روابط را منصفانه‌تر کند. همچنین، هند یکی از اعضای انجمن حاشیه اقیانوس هند (IORA) است که ایالات‌متحده شریک گفتگو در آن است (وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۲۲).

حداقل پنج رکن کلیدی در مشارکت ایالات‌متحده و هند وجود دارد: ۱- دفاع و امنیت ۲- اقتصادی ۳- همکاری جهانی ۴- روابط مردم با مردم و ۵- ارزش‌های مشترک. این امر مجموعه گسترده و متنوعی از حوزه‌های انتخابی را برای روابط ایجاد کرده است، از جمله در بخش‌های مختلف دموکراسی. همچنین حمایت فراجزی از روابط ایالات‌متحده و هند در هر دو کشور را تضمین کرده است و همه اینها این رابطه را انعطاف‌پذیرتر و پایدارتر کرده است. ستون همکاری جهانی شامل همکاری هند و ایالات‌متحده در سازمان‌ها و گروه‌های چندجانبه و در مورد مسائل جهانی مانند تغییرات آب‌وهوا و بهداشت عمومی است. این نیز از عنصر دموکراسی بهره برده است. ایالات‌متحده هند را قدرتی متفاوت از چین تلقی می‌کند، زیرا هند را یک کشور دموکراسی می‌داند و در نتیجه از آن در سازمان‌هایی مانند گروه تأمین‌کنندگان هسته‌ای و اخیراً شورای امنیت سازمان ملل حمایت می‌کند و دهلی تا حدودی بر این اساس ادعای نقش بزرگتر در صحنه جهانی را مطرح کرده است. علاوه بر این، مودی در سخنرانی سال ۲۰۱۶ خود در کنگره ایالات‌متحده، عنوان کرده بود که دو کشور دموکراسی با یکدیگر همکاری کرده‌اند و می‌توانند این کار را بر اساس اصول «همکاری نه سلطه» انجام دهند. اتصال نه انزوا؛ احترام به اشتراکات جهانی؛ مکانیسم‌های فراگیر و نه انحصاری؛ و بالاتر از هر چیز پایبندی به قوانین و هنجارهای بین‌المللی. ویجی گوخاله^۱ وزیر خارجه سابق هند تابستان گذشته ۲۰۲۰ خاطرنشان کرد: «جهان به تعادل نیاز دارد در حال حاضر، هیچ کشوری به جز ایالات‌متحده ابزاری برای تضمین آن ندارد» (مادان^۲، ۲۰۲۱). هند، به نوبه خود، همچنان به دنبال دستیابی به موقعیت برتر منطقه‌ای است، اما از حضور ایالات‌متحده در منطقه جنوب آسیا/اقیانوس هند استقبال می‌کند. برای مثال، دو کشور توافقنامه‌ای امضا کرده‌اند که به تأسیسات نظامی یکدیگر دسترسی دارند و تمرین‌های نظامی دوجانبه زیادی را انجام می‌دهند. یک هند در حال ظهور در تلاش نیست تا نفوذ ایالات‌متحده را از منطقه جنوب آسیا/اقیانوس هند حذف کند، بلکه صرفاً به دنبال برتری (نه انحصار هژمونی) در منطقه خود است. به نظر می‌رسد این هدف برای ایالات‌متحده قابل قبول است (پاردسی، ۲۰۱۷: ۲-۱).

به‌طور کلی، قدرت رو به رشد چین، هند و سایر کشورهای غیر غربی چالشی را برای نظم قدیمی تحت رهبری آمریکا ایجاد می‌کند که به ترتیبات جدید، گسترده و مشترک بین‌المللی نیاز دارد (ایکنبری^۳، ۲۰۰۵: ۱۳۶). از این رو، نظم جهانی آمریکا چشم‌اندازی بسیار بزرگ‌تر از حفظ برتری جهانی آمریکا دارد، زیرا شامل یک سیستم بازرگانی باز، ارتقای دموکراسی، عدم اشاعه سلاح کشتار جمعی و دیگر اهداف مهم است. بین هند و

¹ Vijay Keshav Gokhale

² Madan

³ Ikenberry

ایالات متحده در بسیاری از این مسائل اختلافات قابل توجهی وجود دارد. برای مثال، هند تمایلی به ترویج دموکراسی (با وجود اینکه بزرگ‌ترین دموکراسی جهان است) از طریق ابزارهای نظامی نیست و در برابر انجام این کار فراتر از همسایگی خود حتی از طریق ابزارهای غیرنظامی مقاومت می‌کند. با این وجود، ایالات متحده قادر است این اهداف دیگر را تا حد زیادی به دلیل برتری جهانی خود ارتقا دهد و ظهور هند این ستون اساسی را به چالش نمی‌کشد، حتی اگر اختلاف نظر در مورد این موضوعات ثانویه می‌تواند بر روابط کلی دو ملت تأثیر منفی بگذارد (پاردسی، ۲۰۱۷: ۷). هرچند هند از نظم جهانی آمریکا انتقادهایی دارد ولی هند از مزایای این نظم برای اقتصاد خود نفع برده است و به نظر می‌رسد به‌عنوان یک دموکراسی مهم، وجود آمریکا را در رأس این نظم لازم می‌داند که می‌تواند با همکاری و مذاکرات کلیدی با آمریکا از این نظم بهره‌مند شود، ولی همچنان نسبت به این نظم دیدگاه انتقادی دارد.

۵. نتیجه‌گیری

هند می‌تواند از جایگاه قدرت متوسط خود بالاتر برود و نفوذ خود را فراتر از اقیانوس هند و اقیانوس آرام نشان دهد. این کشور ذهنیت روبه رشد و مساعدی دارد که می‌تواند به‌عنوان یک دموکراسی از ظرفیت عظیم تجارت بین‌المللی و نهادهای اقتصادی نظم جهانی آمریکا استفاده کند. نمودار قدرت جامع وضعیت کنونی هند را به عنوان قدرت متوسط منطقه‌ای روبه بالا نشان می‌دهد و در منطقه ایندو_پاسیفیک در میان ۲۶ کشور بعد از آمریکا، چین و ژاپن در رده چهارم می‌باشد در حالی که از روسیه، استرالیا و کره جنوبی بالاتر است. نمودار چرخه قدرت نیز نشان‌دهنده ظهور هند به عنوان یک قدرت بزرگ است و می‌تواند نقش مهمی در نظم جهانی ایفا کند اما در مورد نظم جهانی با آمریکا به‌طور کامل همسو نیست و اختلاف نظر قابل توجهی دارند. بر اساس یک استدلال منطقی می‌توان گفت با افول چرخه قدرت برتر، نظم ارائه‌شده توسط قدرت برتر نیز جذابیت خود را از دست می‌دهد و به تدریج روند افول را طی می‌کند. بر همین اساس، منحنی چرخه قدرت و تضعیف نظم نوین جهانی حاکی از آن است که نظام بین‌المللی به سمت پویایی چندقطبی حرکت می‌کند. با نزول آمریکا در سیکل قدرت، قدرت‌های جهانی مانند هند و چین در چرخه قدرت صعود می‌کنند و می‌توانند نظم را مطابق ترجیحات خود برقرار کنند. از سویی دیگر ایالات متحده و هند نه تنها شرکای با منافع استراتژیک و اقتصادی مشترک هستند بلکه دموکراسی، نقاط قوت ناشی از تنوع، حقوق بشر، برابری، حاکمیت قانون و حل مسالمت‌آمیز اختلافات و تأکید بر این ارزش‌ها هسته اصلی روابط ایالات متحده و هند هستند. به نظر می‌رسد هند نگران اقدامات چینی‌ها در تضعیف نظم جهانی است. در واقع هندی‌ها نظم جهانی آمریکا در ایندو_پاسیفیک و سایر نقاط جهان را برای صلح و امنیت جهانی لازم می‌دانند اما نسبت به یکجانبه‌گرایی آمریکا و کاربرد ابزار نظامی در اشاعه و حفظ این نظم اختلاف نظر دارند. هندی‌ها نسبت به عدم حضور خود در میان پنج عضو اصلی شورای امنیت انتقاد می‌کنند؛ زیرا خود را به‌عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی مهم ایندو_پاسیفیک و جهان می‌دانند و در آینده به‌عنوان قدرت بزرگ ظاهر می‌شود بنابراین، متناسب با نقش خود باید در شورای امنیت دارای کرسی دائم باشد. اما سنت خودمختاری استراتژیک هند در سیاست خارجی مبتنی بر عدم همسویی با کشورهای غربی و آمریکا در تحریم روسیه می‌تواند چالش مهمی میان روابط آمریکا و هند باشد؛ زیرا حمله روسیه به اوکراین

باعث تضعیف نظم جهانی شد و روابط اقتصادی و نظامی هند با روسیه می‌تواند یکی از چالش‌های مهم در ارتباط با نظم جهانی باشد. با توجه به اینکه آمریکا به تدریج در روند بین‌المللی افول می‌کند بنابراین؛ به مشارکت هند در نظم جهانی و همکاری‌های امنیتی در ایندو_پاسیفیک نیازمند است، از طرفی هند نیز موافق حضور ایالات متحده در مجموعه امنیتی ایندو_پاسیفیک است و موجب تقویت هژمونی آمریکا در این منطقه می‌شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- جمشیدی، محمد و یزدانشناس، زکیه (۱۳۹۹). نظریه چرخه قدرت و تحولات قدرت ایالات متحده: بستری برای تحلیل رفتار سیاست خارجی، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۶، شماره ۵۹، ص ۸۲-۵۲.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۹). روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران: انتشارات قومس.
- علی احمدی، علیرضا و سعید نهائی، وحید (۱۳۸۷). توصیفی جامع از روش‌های تحقیق، تهران: انتشارات تولید دانش.

منابع لاتین

- Bekkevold., J. & Kalyanaraman., S. (2021). India's Great Power Politics: *Managing China's Rise*. London and New York: published by Routledge
- BAVA, U. S (2007 March). *New Powers for Global Change? India's Role in the Emerging World Order*. Friedrich-Ebert-Stiftung. FES Briefing Paper 4. Retrieved from: <https://library.fes.de/pdf-files/iez/global/04372.pdf>.
- Burgess, Stephen. F (2019). The Evolution of India-US Relations and India's Grand Strategy. *Revista UNISCI / UNISCI Journal*, 49, 79-110.
- Chan., E. S (2022). *Among the Sea Powers: Australia's Maritime Strategy in the Indo-Pacific*. Australian Institute of International Affairs. Retrieved from: <https://www.internationalaffairs.org.au/australianoutlook/among-the-sea-powers-australias-maritime-strategy-in-the-indo-pacific/>.
- Cohen., S. P (2000). *India Rising*. Brookings Institution. Retrieved from: <https://www.brookings.edu/articles/india-rising/>.
- Council on Foreign Relations (CFR) (2023). *U.S.-India Relations 1947-2022*. Retrieved from: <https://www.cfr.org/timeline/us-india-relations>
- Chinoy., S.R (2022). *Emerging World Order: An Indian Perspective*. Parliament Library and Refrence. Retrieved from: <https://parliamentlibraryindia.nic.in/lcwing/Emerging%20world%20order.pdf>.
- Congressional Research Service (CRS) (2023). *U.S.-India Trade Relations*. Retrieved from: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF10384>.
- Doran., Charles F. (2000). *Confronting the Principles of the Power Cycle: Changing Systems Structure, Expectations, and Way*. in Handbook of War Studies II, edited by Manus I. Midlarsky, 2000(pp.333-368). United States of America: published by the University of Michigan press.

- Doran., C. F (2003). Economics, Philosophy of History, and the “Single Dynamic” of Power Cycle Theory: Expectations, Competition, and Statecraft. *International Political Science Review*,24(1), 13–49.
- Doran., C. F & Parsons., W. (1980). War and the Cycle of Relative Power. *The American Political Science Review*. 74(4), 947-965.
- Doran., C. F. (2015). Imperatives of European Security at Russia’s Critical Point on its Power Cycle. *Stosunki Międzynarodowe – International Relations*, 51(2), 93-105.
- Doran., C. F. (2012). Power Cycle Theory and the Ascendance of China: Peaceful or Stormy. *SAIS Review*, 32(1), 73-87.
- Davis., G. D. & Slobodchikoff., M. O (2022). *Great-Power Competition and the Russian Invasion of Ukraine*. Air Univecity. Retrieved from: <https://www.airuniversity.af.edu/JIPA/Display/Article/3111129/great-power-competition-and-the-russian-invasion-of-ukraine/>.
- Drishti. (2020). *India’s Role in Multilateral World Order*. Retrieved from:<https://www.drishtias.com/pdf/1588937818-india-s-role-in-multilateral-world-order.pdf>.
- Heim., J. L. & Miller., B. M. (2020). *Measuring Power: Power Cycles, and the Risk of Great-Power War in the 21st Century*. RAND Corporation. Retrieved from: https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR2989.html.
- Ikenberry., G. J. (2005). Power and liberal order: America’s postwar world order in transition. *International Relations of the Asia-Pacific*. 5(1), 133–152.
- Jacob., H. (2022). *A New Delhi View on the World Order*. Institut Montaigne. Retrieved from: <https://www.institutmontaigne.org/en/analysis/new-delhi-view-world-order>.
- Kissane., Dylan. (2008) *Forecasting the Storm: Power Cycle Theory and Conflict in the Major Power System*. EUR POLIS. Issue 3. Edited and published by the: Centre for Political Analysis Department of Political Science Babes-Bolyai University
- Kissane., D. (2005).2015 and the Rise of China, Power Cycle Analysis and the Implications for Australia. *Security Challenges*, 1(1), 105-121.
- Kukreja., V. (2020). India in the Emergent Multipolar World Order: Dynamics and Strategic Challenges. *Indian Council of World Affairs (ICWA)*, 76(1), 8–23.
- Kumar., s. (2003). Power Cycle Analysis of India, China, and Pakistan in Regional and Global Politics. *International Political Science Review*,24 (1), 113–122.

- Lahneman., W. J. (2003). Changing Power Cycles and Foreign Policy Role-power Realignment: Asia, Europe, and North America. *International Political Science Review*, 24(1), 97–111.
- Lowy Institute Asia Power (2021). *Asia Power Index: Key Findings 2021*. Sydney: Published by Lowy Institute. Retrieved from: <https://power.lowyinstitute.org/downloads/lowy-institute-2021-asia-power-index-key-findings-report.pdf>.
- Lowy Institute Asia Power (2023). *Asia Power Index: Key Findings 2021*. Sydney: Published by Lowy Institute, Retrieved from: <file:///C:/Users/z36/Desktop/%D9%87%D9%86%D8%AF/lowy-institute-2023-asia-power-index-key-findings-report.pdf>.
- Mukherjee., R. (2020). Chaos as opportunity: The United States and world order in India’s grand strategy. *Contemporary politics*, 26(4),420-438.
- Mearsheimer., John. J. (2019). Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal. *International Order International Security*, 43(4), 7–50.
- Miller, M. C (2023). *Sort Out Granular Issues to Bolster U.S.-India Ties*. *Council on Foreign Relations*. Retrieved from: <https://www.cfr.org/article/sort-out-granular-issues-bolster-us-india-ties>
- Miller., M. C. (2022). *India’s Geopolitical Challenges in 2022*. *Council on Foreign Relations*. Retrieved from: <https://www.cfr.org/article/indias-geopolitical-challenges-2022>
- Madan., T. (2021). *Democracy and the US-India relationship*. *Brookings*. Retrieved from: <https://www.brookings.edu/articles/democracy-and-the-us-india-relationship/>
- Pant., H. V. (2022). *India and the Quad: Chinese belligerence and Indian resilience*.ORF. Retrieved from: <https://www.orfonline.org/research/india-and-the-quad/>
- Pardesi., M. S. (2017). American Global Primacy and the Rise of India. *East-West Center*, 129, 1-8.
- Ranjan., om. (2022). *India emerging as ‘influencing power’ in new world order*. WION. Retrieved from: <https://www.wionews.com/india-reset-in-new-global-geo-model-501445>
- Radhakrishnan., P. (2022). *India has a key role to play in a possible new world order*. *Canadian Dimension*. Retrieved from: <https://canadiandimension.com/articles/view/india-has-a-key-role-to-play-in-a-possible-new-world-order>
- Ryan, M. (2012). *India – China in 2030: A Net Assessment of the Competition Between Two Rising Powers*. *Australian Defence college*. Retrieved from:

December:<https://espas.secure.europarl.europa.eu/orbis/sites/default/files/generated/document/en/India%20-%20China.pdf>

- SIPRI (2023). *Trends IN World Military Expenditure*. Retrieved from: https://www.sipri.org/sites/default/files/2023-04/2304_fs_milex_2022.pdf.
- Statista (2023). *The 20 countries with the largest gross domestic product (GDP) in 2022*. Retrieved from: <https://www.statista.com/statistics/268173/countries-with-the-largest-gross-domestic-product-gdp/>.
- Sharma., B. K. (2022). *India's Foreign Policy in Evolving Geopolitical Scenario*. Valdaiclub. Retrieved from: <https://valdaiclub.com/a/highlights/india-s-foreign-policy-in-evolving-geopolitical/>.
- Staniland., P. (2018). *America has high Expectations for India: Can New Dehli Deliver?*. Warontherocks. Retrieved from: <https://warontherocks.com/2018/02/america-has-high-expectations-for-india-can-new-delhi-deliver/>
- Singh., R. (2020). *India Economy*. India :Published by McGraw Hill Education Private Limited.
- Taneja., H. & Zakaria., F. (2023). *Geopolitics Are Changing. Venture Capital Must, Too*. Harvard Business Review. Retrieved from: <https://hbr.org/2023/02/geopolitics-are-changing-venture-capital-must-too>
- Tellis., A. J. (2016). *India as a Leading Power*. Carnegie Endowment for International Peace. Retrieved from: https://carnegieendowment.org/files/CP_268_Tellis_India_final1.pdf
- Thomas., J. Kugler., J. & Tammen., R. (2021). India: The Emerging Global Power. *American Journal of Management*, 21(5),1-17.
- Thomas., J. Kugler., J. & Ronald.,T. (2021). India: The Emerging Global Power. *American Journal of Management*, 21(5),1-17.
- U.S Departement of state (2022). *U.S.-INDIA Relations*. Retrieved from: <https://www.state.gov/u-s-relations-with-india/>
- worldpowerindex)2023). *THE POWER OF NATIONS*. Retrieved from: <https://www.worldpowerindex.com/>.
- Wulf., H. (2023). *2023 could be India's year. FRIDISH EBERT STIFTNG*. Retrieved from: file:///C:/Users/z36/Desktop/%D9%87%D9%86%D8%AF/2023_could_be_Indias_year.pdf.

بررسی اثرات تحریم‌های نفتی، مالی و بازرگانی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران با استفاده از الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری

داوود منظور^۱

مجتبی سید حسین زاده یزدی^۲*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۳/۲۶

چکیده

در این پژوهش جهت بررسی آثار تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد کلان کشور از چهار شاخص «شوگ درآمد نفتی»، «شوگ واردات مواد اولیه»، «شوگ نرخ ارز»، و «شوگ خالص ورود سرمایه» استفاده شده است. همچنین آثار تحریم‌های اقتصادی بر متغیرهای اقتصاد کلان کشور شامل «تولید ناخالص داخلی»، «شاخص قیمت مصرف‌کننده»، «درآمدهای مالیاتی»، «سرمایه‌گذاری»، و «مصرف» در قالب مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور پس از «تحلیل آماری» و «بررسی مانایی» متغیرها و نیز «تعیین وقفه بهینه»، ضرایب تخمین، برآورد و توابع عکس‌العمل آنی (IRF) استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد در کوتاه‌مدت: ۱. شوک‌های حاصل از نرخ ارز (۲۶٪-) و واردات مواد اولیه (۳/۵٪-) به ترتیب بیشترین اثرات منفی را بر متغیرهای اقتصاد کلان داشته‌اند. ۲. متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده (۱۷٪) و سرمایه‌گذاری (۵٪-)، تولید ناخالص داخلی (۲٪-) و درآمدهای مالیاتی (۱٪-) نیز به ترتیب بیشترین تأثیرپذیری منفی را از تحریم‌های اقتصادی داشته‌اند. و در بلندمدت: ۱. شوک‌های حاصل از واردات مواد اولیه (۳۰٪-) و نرخ ارز (۱۸٪-) به ترتیب بیشترین اثرات منفی را روی متغیرهای اقتصاد کلان داشته‌اند. ۲. متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده (۱۹٪) و مصرف (۱۴٪-) نیز به ترتیب بیشترین تأثیرپذیری منفی را از شوک‌های حاصل از تحریم داشته‌اند.

واژگان کلیدی: تحریم‌های اقتصادی، متغیرهای اقتصاد کلان، مدل خودرگرسیون برداری ساختاری.

^۱ دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. (manzoordavood@gmail.com)

^۲ دکترای علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. نویسنده مسئول.

(14mojtaba@gmail.com)

۱. مقدمه

نگاهی به تحریم‌های اعمال شده علیه ایران نشان می‌دهد زوایای مختلف اقتصاد از نظر مصرف، درآمد، تولید، واردات کالاها و خدمات و ... هدف تحریم‌هاست و این متغیرها را تحت تأثیر قرار داده‌اند به طوری که باعث افزایش تورم، کاهش تولید ملی، کاهش سطح اشتغال و در نهایت کاهش رفاه عمومی شده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت تحریم‌های اقتصادی از سه کانال عمده بر اقتصاد ایران اثرگذار هستند:

الف) کانال صادرات: صادرات در هر کشور از مهمترین منابع عرضه ارز به شمار می‌رود. اگر صادرات کالاها و خدمات مشمول تحریم شود آنگاه تأمین منابع ارزی که خود از الزامات واردات است با مشکل روبه‌رو می‌شود. هرچقدر تنوع‌پذیری صادراتی در کشور هدف، پایین‌تر باشد اثرات تحریم شدیدتر خواهد بود. از این رو تحریم صادرات نفتی در ایران که بخش عمده‌ای از صادرات کشور را تشکیل می‌دهد اثرات سنگینی را بر اقتصاد خواهد داشت.

ب) کانال واردات: وابستگی بالای تولیدات به واردات انواع مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از جمله کانال‌هایی است که اقتصاد یک کشور با اعمال تحریم‌ها در معرض تهدیدات بالقوه قرار می‌گیرد. حتی اگر تحریم‌ها باعث قطع کامل واردات نشوند با افزایش هزینه‌های واردات، بهای تمام‌شده تولید داخل را افزایش می‌دهد که از یک طرف باعث افزایش سطح قیمت‌های داخلی شده و از طرف دیگر قدرت رقابت‌پذیری کالاهای تولیدی در بازارهای بین‌المللی را کاهش خواهد داد. بنابراین اعمال تحریم بر واردات از یک سو می‌تواند به کاهش مقدار واردات بیانجامد و از سوی دیگر افزایش هزینه‌های واردات را به ازای هر حجم مشخص از آن به همراه داشته باشد. کاهش مقدار واردات، باعث کاهش درآمدهای دولت از محل تعرفه‌ها خواهد شد. اما افزایش هزینه‌ها اثرات به مراتب سنگین‌تری را برای اقتصاد داخل به دنبال دارد.

ج) کانال ورود و خروج سرمایه: توسعه و تداوم تولید در داخل در بخش‌های مختلف نیازمند انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری است. چنانچه سرمایه که از مهمترین اجزاء رشد هر کشور محسوب می‌شود مورد تحریم قرار گیرد می‌تواند جریان رشد اقتصادی کشور را کند و یا حتی منفی سازد.

با توجه به اینکه تحریم‌ها آثار منفی مهمی بر عملکرد اقتصاد ملی داشته است؛ لذا ارزیابی جنبه‌های مختلف این آثار بر اقتصاد کشور مستلزم مطالعات مختلف است. از طرف دیگر، اکثر تحقیقات انجام شده در این حوزه، تنها به یک بخش اقتصادی توجه داشته‌اند و اثرات تحریم‌ها را به صورت جامع و همزمان مورد مطالعه قرار نداده‌اند. ضمن اینکه در اکثر این مطالعات از یک متغیر دامی یا مجازی جهت در نظر گرفتن اثرات تحریم استفاده شده است که این امر نمی‌تواند به خوبی نشان‌دهنده ابعاد مختلف آثار تحریم‌های اقتصادی باشد. بنابراین چالش اساسی در موضوع مقابله با تحریم‌ها این است که بدانیم اولاً هر یک از انواع تحریم‌ها به چه میزان بر اقتصاد کشور اثرگذار هستند، ثانیاً کدامیک از متغیرهای کلان اقتصادی بیشترین اثرپذیری را از سمت تحریم‌ها دارند. دانستن این دو مسئله می‌تواند به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کمک کند تا در شرایط تحریم اقتصادی بهترین و مناسبترین تصمیم را در مقابله با تحریم‌ها اتخاذ نمایند.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

قبل از جنگ جهانی اول، کشورهایی که از قدرت نظامی و اقتصادی بالایی برخوردار بودند، تنها ابزار در دسترس برای اعمال سیاست‌های مورد نظر خود را در کشورهای هدف توسل به اهرم جنگ می‌دانستند. اما از سال ۱۹۱۴ میلادی، در طول جنگ جهانی اول و به صورت گسترده‌تر از سال ۱۹۹۰ میلادی (بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی)، قدرت‌های نظامی جهت پیشبرد اهداف خود در کشورهای هدف، ابزار تحریم‌های اقتصادی و سیاسی را جایگزین اهرم جنگ کردند. در حقیقت می‌توان گفت که بعد از دهه ۱۹۹۰، الگوی تحریم‌ها دچار تغییر شده است، به صورتی که از تحریم‌های اقتصادی به عنوان سیاست برتر یا جایگزینی برای اهرم جنگ با هزینه کمتر یاد می‌شود.

۲-۱-۱. تعاریف و مفاهیم تحریم

تحریم‌های اقتصادی، کاهش، متوقف ساختن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی، تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی دولت کشور تحریم‌کننده است. منظور از روابط متعارف در این تعریف، روابط در وضعیت بدون اعمال تحریم است. در حقیقت تحریم‌ها، سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه‌ای غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفتگو فراتر برده و وارد عمل می‌کند (ایلر^۱، ۲۰۰۷: ۴). هافباور، اسکات و الیوت نیز، تحریم‌های اقتصادی را به معنای متوقف کردن عمدی یا تهدید به توقف روابط معمول تجاری یا مالی می‌دانند. طبق تعریف هالستی، در تحریم‌های تجاری ورود کالاها یا خاص به کشور هدف یا همه محصولات صادراتی کشور تحریم‌شونده ممنوع می‌شود (طارم سری و مستقیمی، ۱۳۷۳).

آنچه که اثرپذیری اقتصادی تحریم‌ها را تعیین می‌کند «اهداف تحریم»، «شرکت‌های تجاری کشور تحریم‌شونده»، «هزینه‌های اجرایی تحریم»، «رابطه تجاری تحریم‌شونده و تحریم‌کننده پیش از تحریم»، «همراه کردن سایر کشورها از سوی تحریم‌کننده»، و در نهایت «فهرست کالاها یا مشمول تحریم» است. در ارتباط با موفقیت تحریم اقتصادی در دستیابی به اهداف خود شرایط زیر مطرح شده است: ۱. هزینه تحریم برای اقتصاد کشور هدف بیش از ۲ درصد تولید ناخالص ملی باشد. ۲. نسبت تولید ناخالص کشور تحریم‌کننده حداقل ده برابر کشور تحریم شده باشد. ۳. امکان تسلط بر بیش از ۲۵ درصد کل تجارت کشور هدف وجود داشته باشد. ۴. تحریم‌ها به سرعت و با همکاری سایر کشورهایی اعمال شود که شریک تجاری کشور هدف به شمار می‌روند. ۵. هزینه تحمیل تحریم‌ها برای کشور تحمیل‌کننده پایین باشد (گرشاسبی و یوسفی دیندارلو، ۱۳۹۵: ۱۳۳).

البته شواهد تجربی در مورد اثرات تحریم‌های اقتصادی متفاوت است. به عنوان مثال، محدودیت‌های تجاری می‌تواند هزینه‌ها را برای کشور هدف افزایش دهد، اما ممکن است به اقتصاد تحریم‌کننده نیز آسیب برساند.

^۱ Eylar

کشورهایی که روابط اقتصادی قوی دارند به طور خاص از طریق کاهش چشم‌اندازهای رشد ضربه می‌خورند (کولودیلین^۱، ۲۰۱۹، ص ۴۳).

۲-۱-۲. شیوه‌های اعمال تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی، به دو نوع تجاری و مالی تقسیم می‌شود (صادقی و طیبی، ۱۳۹۶، ص ۶۴۳): تحریم‌های تجاری معمولاً گزینشی است و یک یا چند کالا را در بر می‌گیرد، اما تحریم‌های مالی شامل قطع کمک‌های رسمی و دولتی است و در شدیدترین مرحله، به مسدود کردن دارایی‌های دولت هدف منجر می‌شود. در نتیجه، این تحریم‌ها روند مناسبات مالی را متوقف و از انجام گرفتن فعالیت‌های تجاری دولت هدف، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم جلوگیری به عمل می‌آورد. به این ترتیب، تحریم‌های مالی، به ویژه در موارد تأمین مالی طرح‌های بنیادی توسعه، شرایط دشوارتر و هزینه‌های بیشتری را بر کشور هدف تحمیل می‌کند (هافباور^۲ و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۱۸۲-۱۸۱). به بیانی دیگر، تحریم‌های اقتصادی را می‌توان در سه گروه طبقه بندی کرد:

الف) تحریم واردات: در این نوع تحریم، واردات یک یا چند کالا از کشور هدف تحریم، توسط کشورهای تحریم‌کننده محدود و ممنوع شده و از این طریق تقاضا برای تولیدات کشور هدف محدود می‌شود. چنین اقداماتی به منظور محدود کردن توان کشور هدف در به دست آوردن دریافتی‌های ارزی و در نهایت قابلیت آنها جهت تأمین کالاهای مورد نیاز اعمال می‌شود. یکی از نقاط ضعف این نوع از تحریم‌ها آن است که کشور هدف می‌تواند با یافتن بازارهای جایگزین برای محصولات خود یا فروش آنها به کشوری ثالث، اثرات تحریم‌ها را خنثی کند.

ب) تحریم صادرات: در این نوع تحریم، صادرات کالاهایی خاص به کشور هدف، از سوی کشورهای تحریم‌کننده محدود و ممنوع می‌شود. تحریم مذکور از معمول‌ترین نوع تحریم‌ها به حساب می‌آید.

ج) تحریم مالی: در این نوع تحریم‌ها، وام‌دهی و سرمایه‌گذاری در کشور هدف ممنوع می‌شود. این نوع تحریم‌ها می‌تواند به محدود کردن پرداخت‌های بین‌المللی کشور هدف و کاهش قدرت فرار و گریز از اثرات تحریم‌های اعمال شده منجر شود (کاروسو^۳، ۲۰۰۳).

تحریم‌های تجاری از نوع تحریم واردات از کشور هدف، ثروت کشور هدف را از طریق کاهش دریافتی‌های صادراتی کاهش می‌دهد. تحریم واردات از کشور هدف، به معنای محدود کردن صادرات کالاهای خاصی (مانند نفت از ایران، عراق و سوریه)، یا تمامی کالاهای وارداتی از کشور هدف (مانند کوبا) است، با این منظور که توانایی کشور هدف جهت تأمین مالی سیاست‌های مورد نظرش کاهش یابد (ایلر، ۲۰۰۷: ۱۴-۱۳). به بیانی دیگر، تحریم‌های تجاری به طور عمده شامل ممنوعیت و یا ایجاد محدودیت در صادرات و واردات کشور هدف می‌شود. این نوع از تحریم‌ها ممکن است به صورت سیاست‌های تبعیض‌آمیز تعرفه‌ای، تعلیق یا لغو موافقت نامه‌های تجاری، لغو کمک‌های فنی و تکنولوژیک به کشور هدف باشد. به طور کلی تحریم‌های تجاری از نظر

1 Kholodilin and Netsunajev

2 Ufbauer

3 Caruso

شیوه اعمال به دو روش «بایکوت» و «توقیف» صورت می‌گیرد. در روش «بایکوت»، کشور هدف از صادرات یک یا چند کالا به کشورهای دیگر محروم می‌شود. طبیعی است که در این روش، کالاهای مهم صادراتی یک کشور مورد توجه تحریم‌کنندگان قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در این شیوه واردات کالاهایی از کشور هدف ممنوع می‌شود که اقتصاد آن کشور اتکای زیادی به فروش آن کالا داشته باشد، بنابراین این نوع تحریم به کاهش درآمدهای ارزی کشور هدف منجر می‌شود. این نوع تحریم در صورتی کارساز خواهد بود که کشور هدف قادر نباشد به بازارهای دیگر برای فروش کالاهای خود دسترسی داشته باشد. در روش «توقیف»، برخلاف روش بایکوت، از صادرات برخی از کالاها به کشور هدف خودداری می‌شود. با استفاده از این نوع تحریم می‌توان به برخی از صنایع خاص کشور هدف که نیازمند واردات مواد اولیه اساسی برای ادامه تولید هستند آسیب وارد کرد. در صورتی که کشور هدف قادر به دستیابی کالاهای مذکور نباشد و این کالاها برای آنها دارای اهمیت بالایی باشند، این نوع تحریم نیز مؤثر واقع می‌شود.

از سوی دیگر، کشورهای تحریم‌کننده می‌توانند محدودیت‌های مضاعفی را بر پرداخت‌های بین‌المللی کشور هدف به منظور اعمال فشار بیشتر، نظیر مسدود کردن دارایی‌های خارجی آن انجام دهند (یاوری، ۱۳۸۹: ۱۴). نکته مورد تأکید طرفداران تحریم اقتصاد ایران که در آمریکا و تا حدودی غرب نیز دارای اجماع است، این واقعیت است که وابستگی بیش از حد به دریافتی‌های ارزی نفت، نقطه ضعف اقتصاد ایران می‌باشد. براساس مطالعاتی که در کنگره آمریکا انجام گرفته، نیمی از درآمدهای ایران از محل صادرات نفت شکل می‌گیرد، به همین دلیل آنها تمام تلاش خود را به منظور محدودسازی صادرات نفت ایران صورت داده‌اند (زهرانی، ۱۳۸۷: ۲۰). گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس ایران نیز حکایت از آن دارد که سهم درآمدهای نفتی در منابع درآمدی بودجه سال ۱۳۹۱، حدود پنجاه درصد بوده است (پيله‌فروش، ۱۳۹۱: ۴۹). تحریم‌های مالی و تجاری اعمال شده بر اقتصاد ایران نیز به صورت ویژه، شامل شبکه بانکی، محدودیت در نقل و انتقالات مالی، محدودیت در تجارت طلا و سایر فلزات گران بها با بانک‌ها و نهادهای دولتی، مسدود کردن دارایی‌های دولت ایران در خارج از کشور و محدودیت در فروش نفت شده است.

تجارت بین‌الملل و مالی بین‌الملل از طریق موازنه تراز پرداخت‌ها با یکدیگر مرتبط می‌شوند. تحریم‌های تجاری به طور غیرمستقیم بر بازارهای مالی کشور هدف تأثیر گذارند، تحریم‌های مالی نیز به صورت غیرمستقیم بر بازارهای کالایی کشور هدف تأثیر می‌گذارند. زمانی که کشور تحریم‌کننده، کشور هدف را از منابع مالی خویش محروم کند، در حقیقت عرضه وجوه را کاهش داده و منجر به افزایش هزینه‌های تأمین مالی برای کشور هدف شده است. نوع دیگری از تحریم مالی نیز اقدام به کاهش یا قطع درآمد حاصل از دارایی‌های کشور هدف، که در وضعیت حاضر در کشورهای تحریم‌کننده هستند، می‌نماید، که به بلوکه کردن دارایی‌ها معروف است. اگر کشور هدف از بازارهای مالی کشورهای تحریم‌کننده استفاده می‌کند، این نوع تحریم‌ها می‌توانند کاملاً مؤثر باشند (ایلر، ۲۰۰۷: ۲۰). بازارهای مالی به دلیل ریسک‌پذیرتر بودن عوامل مالی از قبیل: بانکداران، سفته‌بازان و سرمایه‌گذاران، برخلاف بازارهای تجاری منجر به تسریع و تشدید نتایج تحریم‌ها می‌شوند. در اقتصادهای بازاری مدرن، تجارت و دیگر فعالیت‌های اقتصادی وابستگی زیادی به دسترسی داشتن به منابع مالی دارد، بنابراین وضع محدودیت‌های شدید مالی، منجر به اختلال در جریان تجاری می‌شود (هافباور و همکاران، ۲۰۰۷:

۴۴-۴۷). بانک‌های خارج از کشور تحریم‌شده، ممکن است به دلیل تحریم‌های مالی، کشور هدف را به عنوان یک مشتری مخاطره‌آمیز در نظر بگیرند و در نتیجه از اعطای اعتبارات به این کشور طفره برونند و یا نرخ‌های بهره بالاتری را طلب کنند. این افزایش ریسک، زمانی اثر بیشتری خواهد داشت که کشور هدف، جایگزین‌های کمی برای تأمین مالی خویش داشته باشد. از سوی دیگر، جریان سرمایه از طریق تغییرات نرخ ارز و تغییرات شرایط اقتصادی در کشور هدف، بر جریان تجارت تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، تهدید کشور هدف توسط کشور تحریم‌کننده، بر روابط تجاری سایر کشورها با کشور هدف نیز تأثیر منفی می‌گذارد (ایلر، ۲۰۰۷: ۲۲-۲۱). تحریم‌های مالی می‌تواند بازار ارز را تحت تأثیر قرار دهد. ایجاد یک بحران ارزی، در جایی که ارزش ارز کشور هدف در مخاطره قرار دارد، ممکن است در اثر تحریم‌های مالی هدف‌گیری شده با شدت انجام بپذیرد، به‌ویژه اگر اقتصاد کشور هدف در معرض فروپاشی اقتصادی قرار داشته باشد. همچنین ممکن است حجم گسترده‌ای از سیاست بازی‌ها، به موازات سقوط مارپیچی و فزاینده نرخ ارز توسط کشور هدف انجام شود. جنبه‌های سیاستی مدیریت تولید و عرضه ارز به حدی قوی و گسترده است که باید به صورت خاص مواظب نتایج سیاستی آن بود، زیرا گاهی این نتایج به شکست آشکار و فاجعه‌بار ارزهای ملی در مقیاس جهانی نسبت داده می‌شوند (استیل و لیتان^۱، ۲۰۰۶: ۹۹-۱۱۳). تحریم‌های وضع‌شده علائمی بین‌المللی ارسال می‌کنند که درجه اعتبار کشور هدف و شرایط بالقوه ارزی این کشور را نشان می‌دهد. به موازات سقوط ارزش پول کشور هدف، کشور تحریم‌شونده دارای انگیزه بین‌المللی برای صادرات بیشتر کالا می‌شود، در نتیجه تقاضا برای پول این کشور جهت خرید کالاهای آن افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، قیمت کالاهای خارجی در کشور هدف بالا می‌رود و در نتیجه تقاضا برای کالاهای خارجی در کشور هدف کاهش پیدا می‌کند، که به دنبال آن تقاضا برای ارز خارجی از سوی کشور هدف پایین می‌آید. به این ترتیب، نتایج مذکور از اثرات اولیه وضع تحریم‌ها بر کاهش ارزش پول کشور هدف می‌کاهد و از کاهش بیشتر ارزش آن جلوگیری کرده و حتی ممکن است مقداری از کاهش اولیه را جبران کند (طغیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۵).

تحریم‌های مالی از نظر شدت تحریم‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: تحریم‌های مالی اولیه (مستقیم) و تحریم‌های مالی ثانویه (غیرمستقیم). در تحریم اولیه، اشخاص حقیقی و حقوقی به اشکال مختلف زیر مورد تحریم و ممنوعیت قرار می‌گیرند: انسداد وجوه یا ممنوعیت معامله با وجوه یا منابع اقتصادی موجود متعلق به اشخاص و نهادهای مشمول تحریم و نیز وجوه و منابع اقتصادی تحت تملک یا واپایش چنین اشخاصی. این نوع تحریم با اعلام تعداد زیادی از اشخاص حقیقی و حقوقی، نگرانی در کشور تحت تحریم را به شکل فزاینده و گسترده‌ای افزایش می‌دهد. ضمن اینکه هزینه‌های کشور تحت تحریم را نیز بالا می‌برد. ممنوعیت فراهم ساختن وجوه یا منابع اقتصادی جدید برای اشخاص مشمول تحریم یا به نفع آنها به شکل مستقیم یا غیرمستقیم. این نوع تحریم دسترسی به منابع مالی جدید را کاهش داده و موجبات کاهش جریان سرمایه به یک کشور را فراهم می‌کند. ممنوعیت ارائه خدمات بیمه‌ای برای اشخاص مشمول تحریم یا اشخاصی که به نمایندگی و از طرف

^۱ Steil and Litan

آنها عمل می‌کنند. این نوع تحریم افزون بر موارد فوق موجبات کاهش اعتبار کشور، نهادها و حتی اشخاص را فراهم می‌کند.

در تحریم‌های مالی ثانویه (غیرمستقیم) یک کشور به عنوان رهبر تحریم‌کنندگان، با ابزارها و شیوه‌های مختلف مانند جریمه، کاهش روابط اقتصادی با سایر کشورها، دستکاری در قیمت نفت، طلا و یا حتی راه‌اندازی جنگ ارزی موجبات تحریم‌های شدیدتر علیه کشور هدف را فراهم می‌آورد و دامنه تحریم را از یک کشور به تمام کشورها حتی کشورهای ضعیف‌تر از کشور هدف وسعت می‌دهد. نکته مهم این است که در این نوع تحریم‌ها، سایر کشورها با اطاعت از کشور رهبر نه تنها بر کشور تحت تحریم فشار می‌آورند، بلکه خودشان را از مرادوات مالی و تجاری با کشور تحت تحریم محروم می‌کنند و به عبارتی کشور هدف قدرت اقتصادی اول را نیز برای خودش حفظ خواهد کرد.

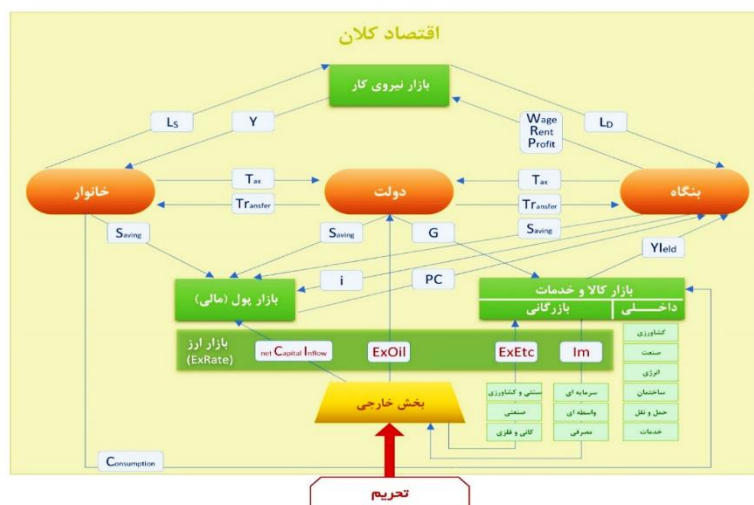
۲-۱-۳. کانال‌های اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد ج.ا. ایران

نگاهی به تحریم‌های اعمال شده علیه ایران نشان می‌دهد زوایای مختلف اقتصاد از نظر مصرف، درآمد، تولید، واردات کالاها و خدمات و ... هدف تحریم‌هاست و این متغیرها را تحت تأثیر قرار داده‌اند به‌طوری‌که باعث افزایش تورم، کاهش تولید ملی، کاهش سطح اشتغال و در نهایت کاهش رفاه عمومی شده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت تحریم‌های اقتصادی از سه کانال عمده بر اقتصاد ایران اثرگذار هستند:

الف) کانال صادرات (که در شکل شماره (۱) با نماد ExOil (صادرات نفتی) مشخص شده است و نماد تحریم نفتی می‌باشد): صادرات در هر کشور از مهمترین منابع عرضه ارز به شمار می‌رود. اگر صادرات کالاها و خدمات مشمول تحریم شود آنگاه تأمین منابع ارزی که خود از الزامات واردات است با مشکل روبه‌رو می‌شود. هرچقدر تنوع‌پذیری صادراتی در کشور هدف پایین‌تر باشد اثرات تحریم شدیدتر خواهد بود. از این رو تحریم صادرات نفتی در ایران که بخش عمده‌ای از صادرات کشور را تشکیل می‌دهد اثرات سنگینی را بر اقتصاد خواهد داشت.

ب) کانال واردات (که در شکل شماره (۱) با نماد Im نشان داده شده است و نماد تحریم بازرگانی می‌باشد): وابستگی بالای تولیدات به واردات انواع مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از جمله کانال‌هایی است که اقتصاد یک کشور با اعمال تحریم‌ها در معرض تهدیدات بالقوه قرار می‌گیرد. حتی اگر تحریم‌ها باعث قطع کامل واردات نشوند با افزایش هزینه‌های واردات، بهای تمام‌شده تولید داخل را افزایش می‌دهد که از یک طرف باعث افزایش سطح قیمت‌های داخلی شده و از طرف دیگر قدرت رقابت‌پذیری کالاهای تولیدی در بازارهای بین‌المللی را کاهش خواهد داد. بنابراین اعمال تحریم بر واردات از یک‌سو می‌تواند به کاهش مقدار واردات بیانجامد و از سوی دیگر افزایش هزینه‌های واردات را به ازای هر حجم مشخص از آن به همراه داشته باشد. کاهش مقدار واردات، باعث کاهش درآمدهای دولت از محل تعرفه‌ها خواهد شد. اما افزایش هزینه‌ها اثرات به مراتب سنگین‌تری را برای اقتصاد داخل به دنبال دارد.

ج) کانال ورود و خروج سرمایه (که در شکل شماره (۱) با نماد $net\ Capital\ Inflow$ نمایش داده شده است و نماد تحریم مالی می‌باشد): توسعه و تداوم تولید در داخل در بخش‌های مختلف نیازمند انباشت سرمایه و سرمایه‌گذاری است. چنانچه سرمایه که از مهمترین اجزاء رشد هر کشور محسوب می‌شود مورد تحریم قرار گیرد می‌تواند جریان رشد اقتصادی کشور را کند و یا حتی منفی سازد.



شکل شماره (۱) مدل مفهومی اثر تحریم بر اقتصاد کلان

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۲. پیشینه پژوهش

در خصوص موضوع تحریم و اثرات آن بر اقتصاد ایران، ۲۷ عنوان مقاله شناسایی شده است که گزارش آنها در ادامه ارائه شده است. پس از ارائه گزارش، نقاط افتراق و اشتراک مقالات و نیز وجه نوآوری و تمایز پژوهش حاضر بیان می‌شود.

- عباسی، مریم؛ موسوی، سیدنعمت‌اله و امینی‌فرد، عباس (۱۳۹۹)، با استفاده از چهار شاخص تحریم شامل صادرات نفتی، صادرات غیرنفتی، واردات و نرخ ارز، اثرات همزمان شوک‌های تحریم‌های اقتصادی بر بخش‌های مولد اقتصاد ایران را در بازه زمانی ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۶ و در قالب مدل $SVAR$ مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که اولاً از بین شاخص‌های تحریم، شوک نرخ ارز بیشترین اثر منفی را بر اقتصاد ایران داشته است؛ ثانیاً در بین بخش‌های اقتصادی، بیشترین اثر منفی روی بخش صنعت و معدن بوده است.
- کمالی‌دهکردی، پروانه (۱۳۹۹)، با در نظر گرفتن نرخ ارز، نوسانات قیمت نفت و یک متغیر دامی برای تحریم، به تحلیل اثر شوک ارزی، تحریم‌های اقتصادی و قیمت نفت بر بازار مسکن پرداخته است. نتایج

- حاصل از این تحقیق که در قالب مدل خودرگرسیون برداری ساختاری و برای بازه زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۷ انجام شده است نشان می‌دهد که شوک نرخ ارز بیشترین اثر منفی را بر بازار مسکن ایران داشته است.
۳. عزتی، مرتضی؛ حیدری، حسن؛ و مریدی، پروین (۱۳۹۹)، با استفاده از سیستم معادلات همزمان 3SLS به بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و اشتغال بخش صنعت ایران در بازه زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ پرداخته‌اند. ایشان در این مقاله با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی یک شاخص برای تحریم ساخته‌اند و در نهایت نتیجه گرفته‌اند که تحریم‌های اقتصادی از کانال کاهش تولید صنعتی، سطح اشتغال در بخش صنعت را هم کم کرده است.
۴. رجایی، حسینعلی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل SVAR (روش بلانچارد - کوا)، در دوره زمانی ۱۳۵۴ تا ۱۳۹۶ به بررسی تاثیر تکانه‌های موقت و دائم نرخ ارز بر شکاف تولید در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که اولاً تکانه موقت نرخ ارز اثر منفی بر شکاف تولید دارد؛ ثانیاً تکانه دائم نیز با اینکه ابتدا اثر مثبت اندک دارد اما در بلندمدت اثر منفی زیاد بر شکاف تولید دارد.
۵. فهیمی‌فرد، سیدمحمد (۱۳۹۹)، آثار ناشی از تحریم‌های اقتصادی را بر شاخص‌های زیست محیطی ایران در قالب رهیافت مدل خودرگرسیون برداری ساختاری و با استفاده از چهار شاخص تحریم شامل صادرات نفتی، صادرات غیرنفتی، واردات، و نرخ ارز در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶ مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد شوک نرخ ارز بیشترین اثر منفی را بر شاخص‌های زیست محیطی داشته است. ضمن اینکه در بین شاخص‌های زیست محیطی، شاخص سلامت محیط زیست نیز بیشترین اثرپذیری را از تحریم داشته است.
۶. احمدی، سیدوحید؛ عباسی، ابراهیم و محسنی، رضا (۱۳۹۹)، در مطالعه خود به بررسی اثر شوک درآمد‌های نفتی بر توان‌پذیری قیمت مسکن شهری در ایران در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵ پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق که در قالب مدل SVAR انجام شده است نشان می‌دهد که هرچند تأثیر شوک درآمد نفتی بر توان‌پذیری قیمت مسکن در کوتاه‌مدت اندک است اما ظرف ۹ فصل، شوک مذکور ۶ درصد از نوسانات توان‌پذیری را توضیح داده و اثر آن نهایتاً پس از ۱۰ فصل از بین می‌رود.
۷. حیدری، حسن؛ و رشیدی، مهسا (۱۳۹۸)، در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۶ تأثیر تغییرات نرخ ارز بر شاخص قیمت تولیدکننده در بخش‌های عمده اقتصاد ایران را با مدل SVAR برآورد کرده و نشان داده است که تغییرات نرخ ارز بیشترین اثر منفی را بر بخش صنعت و کمترین اثر منفی را بر بخش کشاورزی داشته است.
۸. برخوردار، سجاد؛ و جلیلی بوالحسنی، حسین (۱۳۹۷)، جهت نشان دادن عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز در ایران با تأکید بر نقش تحریم‌های اقتصادی، ابتدا با استفاده از روش SLS، عوامل مؤثر بر نرخ ارز را شناسایی کرده‌اند، سپس با استفاده از مدل ARDL، روابط بلندمدت را تخمین زده‌اند و در نهایت با استفاده از مکانیزم تصحیح خطای برداری ECM، روابط کوتاه مدت را برآورد کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ ارز اسمی با رشد مخارج دولت، درآمد‌های نفتی و خالص صادرات رابطه عکس دارد

- و با نرخ بهره بانکی، تولید ناخالص داخلی، اختلاف تورم داخل و خارج و نیز کسری بودجه دولت رابطه مثبت دارد. همچنین تحریم‌ها اثر تعیین‌کننده و اصلی در تغییرات نرخ ارز کشور داشته است.
۹. حسونند، علی اکبر؛ حسونند، داریوش؛ و نادمی، یونس (۱۳۹۷)، در بازه زمانی ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۲ با استفاده از روش سری زمانی ساختاری به بررسی تأثیر تحریم‌ها بر صادرات غیرنفتی ایران پرداخته‌اند. ایشان در ابتدا هفت نوع تحریم را شناسایی کرده و وزن نسبی هریک را از طریق مقایسه زوجی و پرسشنامه استخراج کرده‌اند و در نهایت نتیجه گرفته‌اند که عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی عبارتند از تحریم، رابطه مبادله، تولید ناخالص داخلی، درجه باز بودن، و نرخ ارز واقعی؛ که دو مورد اول رابطه منفی و بقیه موارد رابطه مستقیم با صادرات غیرنفتی داشته‌اند.
۱۰. حسین پور، عبدالکریم؛ محمودی، نرگس؛ و رضایی، محمد (۱۳۹۶)، با استفاده از تحلیل فراگیر داده‌ها (DEA) و شاخص مالم کوئیست به بررسی بهره‌وری کل عوامل تولید در شرایط تحریم‌های اقتصادی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند تحریم‌ها با درجات متفاوت بر بهره‌وری و کارایی بخشهای مختلف اثرگذارند. در دوره مورد مطالعه، بخش حمل و نقل بهترین عملکرد و بخش صنعت بدترین عملکرد را از لحاظ بهره‌وری و کارایی داشته‌اند. همچنین تغییرات بهره‌وری در هر صنعت بیشتر تحت تأثیر تغییرات تکنولوژی است.
۱۱. دمیری، فاطمه و همکاران (۱۳۹۶) با بررسی تأثیر تکانه نفتی بر تراز تجاری و متغیرهای کلان اقتصاد ایران را با استفاده از یک مدل تعدل عمومی پویای تصادفی به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر مستقیم تکانه نفتی بر تراز تجاری مثبت اما تأثیر غیرمستقیم آن منفی است. در نهایت تأثیر مستقیم بر تأثیر غیرمستقیم غلبه می‌نماید و تکانه نفتی مثبت سبب بهبود نسبت تراز تجاری کل به تولید ناخالص داخلی میشود. همچنین تکانه نفتی مثبت موجب کاهش نسبت تراز تجاری غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی می‌گردد. از طرفی تکانه نفتی موجب افزایش تولید، سرمایه‌گذاری و تورم می‌شود.
۱۲. صادقی، عبدالرسول؛ و طبیبی، سید کمیل (۱۳۹۶)، در دوره ۱۳۵۹ تا ۱۳۹۳ با در نظر گرفتن تحریم با عنوان یک متغیر مجازی و در قالب مدل ARDL اثرات تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل تأثیرگذار بر نرخ ارز در ایران را برآورد کرده‌اند. نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد تحریم‌های قبل از سال ۱۳۹۱ اثر مستقیم و البته ضعیفی بر نرخ ارز داشته و تحریم‌های سال ۱۳۹۱ از طریق وارد کردن تکانه‌های منفی به دریافتی‌های ارزی نفت و بودجه دولت تأثیر مستقیم و قوی‌تری بر نرخ ارز داشته است. همچنین درآمدهای صادرات نفتی و نظام تک‌نرخ ارز اثر مثبت و معناداری را بر نرخ ارز نشان داده و متغیرهای شاخص بهای کالاهای مصرفی (CPI) و تولید ناخالص داخلی نیز تأثیر مستقیم و معناداری بر نرخ ارز داشته‌اند.
۱۳. صادقی، عبدالرسول؛ و طبیبی، سید کمیل (۱۳۹۶)، در دوره ۱۳۵۹ تا ۱۳۹۳ با در نظر گرفتن تحریم با عنوان یک متغیر مجازی و در قالب مدل ARDL اثرات تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل تأثیرگذار بر نرخ تورم در ایران را برآورد کرده‌اند. نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد تحریم‌ها از طریق تغییرات در نرخ ارز و کسری بودجه دولت تأثیر مستقیم و معناداری بر نرخ تورم داشته است. متغیرهای نرخ ارز، نرخ

- سود سپرده‌های بانکی و نقدینگی نیز تاثیر مستقیم و معناداری بر نرخ تورم ایجاد کرده است حال آنکه درآمدهای مالیاتی و درآمدهای نفت تاثیر منفی و معناداری بر نرخ تورم در این دوره داشته‌اند.
۱۴. نادمی، یونس؛ جلیلی کامجو، سید پرویز؛ و خوچانی، رامین (۱۳۹۶) با استفاده از ARMAX، GARCH و مارکوف سوئیچینگ تاثیر تحریم‌ها بر بازار ارز و مکانیسم انتقال آن به متغیرهای اقتصاد کلان ایران را و در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴ مدلسازی کرده‌اند. نتایج حاصل از برآورد مدل‌های تحقیق نشان داده است که تحریم‌ها سه اثر مستقیم بر بازار ارز دارند که عبارتند از افزایش نرخ ارز، افزایش شکاف بین نرخ ارز رسمی و بازار آزاد، و افزایش نوسانات نرخ ارز. همچنین نتایج برآورد مدل مارکوف سوئیچینگ نشان داده است که تحریم‌ها به طور غیر مستقیم از طریق بازار ارز بر نرخ تورم و بیکاری تاثیر افزایشی داشته‌اند؛ به عبارت دیگر افزایش شکاف بین نرخ ارز رسمی و بازار آزاد، افزایش نوسانات نرخ ارز و افزایش نرخ ارز واقعی تاثیر مثبت و معنی‌دار به هر دو نرخ بیکاری و تورم داشته‌اند.
۱۵. رضازاده، علی (۱۳۹۵) در مطالعه تاثیر شوک‌های نفتی بر نرخ ارز در ایران با استفاده از رهیافت غیرخطی مارکوف- سوئیچینگ به این نتیجه رسیده است که شوک عرضه جهانی نفت که بخشی از آن ناشی از تحریم است بر نرخ ارز در ایران در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ میلادی اثر معنادار ندارد.
۱۶. توفیق، فیروز؛ و متین، شهاب (۱۳۹۵)، با استفاده از جدول داده ستانده سال ۱۳۹۰ آثار تحریم‌های نفتی بر رشد بخش‌های اقتصادی ایران را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد در اثر تحریم خرید نفت از ایران، به ترتیب بخش‌های نفت، صنعت، خدمات، آب، برق و گاز، کشاورزی، حمل و نقل و ارتباطات، ساختمان و معدن بیشترین آسیب را از تحریم‌های نفتی متحمل گردیده‌اند.
۱۷. گرشاسبی، علیرضا؛ و یوسفی دیندارلو، مجتبی (۱۳۹۵)، ابتدا با به کارگیری روش تحلیل عاملی اکتشافی یک شاخص جدید برای تحریم ساخته‌اند. سپس به ارزیابی اثرات تحریم‌ها بر متغیرهای مهم کلان اقتصادی با استفاده از تکنیک حداقل مربعات سه مرحله‌ای پیرامون یک الگوی کلان اقتصادی کوچک در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۹ پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این تحقیق آثار مستقیم تحریم‌ها تنها در خصوص رشد اقتصادی و رابطه مبادله معنادار است. همچنین به نظر می‌رسد که رابطه مستقیمی میان شدت تحریم‌ها و آثار آن بر متغیرهای اقتصادی وجود دارد.
۱۸. مرزبان، حسین؛ و استاذزاد، علی حسین (۱۳۹۴)، ابتدا تحریم‌ها را به دو دسته «تحریم‌های نفتی» و «تحریم‌های کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای» تقسیم کرده‌اند. سپس با استفاده از الگوی رشد تعمیم یافته با وجود تحریم و نرخ ارز تصادفی، تابع ارزش تصادفی همیلتون بلمن ژاکوبین را ساخته و بر اساس بهینه‌سازی تکاملی الگوریتم ژنتیک در سه سناریوی مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که در سناریوی اول که فقط تحریم‌های دسته دوم اعمال می‌شود، تحریم‌ها بیشتر بر تولید اثر خواهد کرد در حالی که در سناریوی دوم که فقط تحریم‌های نفتی اعمال می‌شود اثر آن‌ها بر رفاه اجتماعی محسوس‌تر است. در سناریوی سوم که ترکیبی از تحریم‌های فروش نفت و کالاهای مصرفی واسطه‌ای و سرمایه‌ای اعمال شده تاثیر تحریم‌ها نسبت به دو سناریو قبلی بسیار وسیع‌تر خواهد بود.

۱۹. عزتی، مرتضی؛ و سلمانی، یونس (۱۳۹۱)، با استفاده از مدل رشد درون‌زا و روش 2SLS در بازه زمانی ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۱ آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها بر رشد اقتصادی ایران را با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تحریم‌ها به صورت مستقیم اثر چندانی بر رشد اقتصادی ایران نداشته است. همچنین بیشتر تحریم‌ها اثر غیرمستقیم نیز بر اقتصاد نداشته‌اند. این آثار به صورت غیرمستقیم از طریق محدود کردن واردات کل، واردات کالاهای سرمایه‌ای، واردات کالاهای واسطه‌ای و اولیه و صادرات منجر به کاهش رشد اقتصادی کشور شده است.
۲۰. فدایی، مهدی؛ و درخشان، مرتضی (۱۳۹۳) با استفاده از روش ARDL و با در نظر گرفتن یک متغیر موهومی برای تحریم به بررسی و تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲ پرداخته‌اند. نتایج تخمین کوتاه‌مدت نشان می‌دهد اعمال تحریم‌های ضعیف تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته ولی تحریم‌های متوسط و قوی در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است. نتایج رابطه بلندمدت نشان می‌دهد که اعمال تحریم‌های اقتصادی ضعیف و قوی در بلندمدت تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته ولی تحریم‌های متوسط در بلندمدت تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته است.
۲۱. مهدوی عادل، محمدحسین؛ قزلباش، اعظم؛ و دانش‌نیا، محمد (۱۳۹۱)، به بررسی اثر تغییرات قیمت نفت بر متغیرهای عمده کلان اقتصاد ایران در بازه زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۶ در قالب مدل VAR پرداخته‌اند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد نوسانات قیمت نفت اثر مثبت بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران دارد. همچنین قیمت نفت نقش اصلی را در توضیح واریانس خطای پیش‌بینی نرخ تورم و عرضه پول ایفا می‌کند.
۲۲. سولتونو^۱ (۲۰۲۰)، با استفاده از مدل EGARCH در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به بررسی اثرات تحریم‌های بین‌المللی بر بازارهای مالی کشور روسیه پرداخته است. بر اساس نتایج این تحقیق تحریم‌ها تأثیر مثبت و معناداری در کوتاه‌مدت بر بازه نرخ ارز دارد. همچنین تحریم‌های اقتصادی در بلندمدت تأثیر منفی و معناداری بر بازه و واریانس نرخ ارز و تأثیر مثبت بلندمدت بر بازه شاخص قیمت سهام دارد.
۲۳. کنستانتین و همکاران^۲ (۲۰۱۹) با استفاده از مدل SVAR در بازه زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۸ به بررسی اثرات تحریم بر اقتصاد روسیه و اروپا پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که تولید ناخالص داخلی روسیه و منطقه یورو در نتیجه تحریم‌ها کاهش یافته است. همچنین اثرات تحریم‌ها بر نرخ موثر واقعی ارز ناچیز است.
۲۴. علی‌خالد^۳ (۲۰۱۸) با استفاده از مدل SVAR آثار شوک‌های کلان اقتصادی را بر صنعت گردشگری مالزی در بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار داده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد شوک‌های قیمت نفت، رشد اقتصادی، نرخ ارز و صادرات تأثیر معکوس همزمان بر درآمد‌های گردشگری دارند به جز شاخص قیمت مصرف‌کننده که تأثیر مثبت دارد.

1 Mirzosaid Sultonov

2 Konstantin A. Kholodilina, b and Aleksei Netšunajev

3 Ali Khalid

۲۵. احمدی، سید روح الله (۲۰۱۶) با استفاده از مدل Panel Data و در بازه زمانی ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۳ به بررسی اثرات تحریم بر تجارت درون صنعتی بین ایران و کشورهای سازمان همکاری شانگهای (SCO) پرداخته است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد اولاً شاخص‌های موانع تجاری و تفاوت در موجودی عوامل در تعیین شاخص‌های IIT^۱ بسیار مهم‌اند. دوم، شاخص تحریم تأثیر قابل توجهی در مقادیر IIT ندارد.
۲۶. شیرازی، همایون؛ آذربایجانی، کریم؛ و صامتی، مرتضی (۲۰۱۶)، با استفاده از مدل جاذبه مستخرج از مدل اندرسون و ون وینکوپ و نیز با استفاده از روش PPML برای تخمین ضرایب بدون تورش در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ اثرات تحریم بر صادرات ایران را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد تحریم‌های اعمال شده علیه ایران تأثیر قابل توجه و منفی بر میزان صادرات نفت ایران به تمام شرکای تجاری آن داشته است و ارزش صادرات ایران به طور متوسط سالانه ۳۳ درصد کاهش یافته است.
۲۷. فرزنگان، محمدرضا؛ محمدی، محمد؛ و صادقی، حسین (۲۰۱۵) در مطالعه خود از ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) و یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) برای شبیه‌سازی سناریوهای منتخب که در آن صادرات نفت از ایران به بقیه جهان ممنوع است، استفاده کرده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، خانوارهایی که درآمد بالاتری دارند تحت تحریم‌های نفتی ضرر بیشتری دارند. واردات، صادرات، مصرف خصوصی و تولید ناخالص داخلی در واکنش به تحریم‌های نفتی کاهش می‌یابد. جالب توجه اینجاست که خالص مالیات غیر مستقیم در زمان کاهش درآمد نفت افزایش می‌یابد. همچنین نرخ واقعی ارز در بحران تحریم نفت افزایش می‌یابد. و درآمد نیروی کار در حالی افزایش می‌یابد که درآمد سرمایه در پاسخ به تحریم‌های نفتی در ایران کاهش می‌یابد.
- در پژوهش‌های بالا که اثرات تحریم مورد بررسی قرار گرفته است چهار مؤلفه اصلی وجود دارد: متغیر(های) هدف، شاخص‌های تحریم، مدل استفاده شده در تحقیق و بازه زمانی استفاده شده در تحقیق. از طرف دیگر این چهار مؤلفه برای پژوهش حاضر نیز عبارتند از: متغیر(های) هدف: «تولید ناخالص داخلی»، «شاخص قیمت مصرف‌کننده»، «درآمدهای مالیاتی»، «سرمایه‌گذاری»، و «مصرف». شاخص‌های تحریم: «درآمد صادرات نفت خام»، «واردات مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای»، «نرخ ارز»، و «خالص ورود سرمایه». مدل استفاده شده: SVAR. بازه زمانی: ۱۳۷۸-۱۳۹۷. حال پس از ذکر این مقدمه، نقاط اشتراک و افتراق مقالات را با پژوهش حاضر برمی‌شماریم:
۱. در خصوص متغیر هدف: از ۲۷ مقاله بررسی شده، تنها ۳ مقاله (مقالات شماره ۱۷ و ۲۱ و ۲۷) به بررسی آثار تحریم بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران پرداخته‌اند. اما این سه مقاله از جهات دیگر با پژوهش حاضر تفاوت دارند:
- ❖ مقاله شماره ۱۷: این مقاله از ۳ جهت با پژوهش حاضر تفاوت اساسی دارد:

- بازه زمانی بررسی شده در این مقاله عبارت است از: ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۹. این در حالی است که تحریم‌های سال‌های ۸۹ تا ۹۹ که مربوط به دولت‌های یازدهم و دوازدهم (آقای حسن روحانی) بوده است در این تحقیق لحاظ نشده است.
- مدل استفاده شده: در این مقاله از روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای استفاده شده است در حالیکه مدل استفاده شده در پژوهش حاضر SVAR می‌باشد.
- شاخص تحریم: در این مقاله با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از ۱۱ زیرشاخص، یک شاخص جدید برای تحریم ساخته شده است و به عبارت دیگر انواع تحریم‌ها را تجمیع کرده است. در حالیکه در پژوهش حاضر، از پنج شاخص اصلی تحریم استفاده شده است که می‌توان به صورت جداگانه اثرات تحریم‌های مختلف را بر متغیرهای اقتصاد کلان مورد بررسی قرار داد.
- ❖ مقاله شماره ۲۱: این مقاله سه تفاوت اساسی با پژوهش حاضر دارد:
 - مدل استفاده شده: VAR
 - شاخص تحریم: تغییرات قیمت نفت
 - بازه زمانی: ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۶
- ❖ مقاله شماره ۲۷: این مقاله نیز حداقل از ۲ جهت با پژوهش حاضر تفاوت اساسی دارد:
 - مدل استفاده شده: در این مقاله از مدل CGE استفاده شده است.
 - شاخص تحریم: در این مقاله صرفاً اثرات تحریم نفتی مورد بررسی قرار گرفته است و سایر تحریم‌ها را لحاظ نکرده است.
- ۲. در خصوص شاخص تحریم: اکثر مقالات از متغیر مجازی استفاده کرده‌اند؛ ۲ مقاله (مقالات شماره ۳ و ۱۷) با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی یک شاخص جدید برای تحریم ساخته‌اند. ۲ مقاله (مقالات شماره ۱ و ۵) نیز از ۴ شاخص اصلی (مشابه پژوهش حاضر) برای متغیر تحریم استفاده کرده‌اند. فارغ از اینکه در پژوهش حاضر یک شاخص دیگر (شاخص مربوط به خالص ورودی سرمایه) نیز برای متغیر تحریم استفاده شده است، این دو مقاله از جهات دیگر نیز با پژوهش حاضر تفاوت دارند:
- ❖ مقاله شماره ۱: در این مقاله متغیر هدف، ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصاد است: ارزش افزوده بخش صنعت، ارزش افزوده بخش کشاورزی، و ارزش افزوده بخش ساختمان. در حالیکه متغیر هدف در پژوهش حاضر، ۶ متغیر اصلی اقتصاد کلان است.
- ❖ مقاله شماره ۵: متغیر هدف در این مقاله، شاخص زیست‌محیطی کشور ایران است.
- ۳. در خصوص مدل استفاده‌شده: از بین ۲۷ مقاله فوق، تنها ۹ مقاله از مدل SVAR استفاده کرده‌اند (مقالات شماره ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۵، ۲۳ و ۲۴). وجه تمایز اصلی پژوهش حاضر با این مقالات یا در متغیر هدف است یا در بازه زمانی استفاده شده؛ بطوریکه متغیر هدف در این مقالات به ترتیب عبارت است از: ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصاد، بازار مسکن، شکاف تولید، شاخص زیست‌محیطی، توان‌پذیری قیمت مسکن شهری در ایران، شاخص قیمت تولیدکننده، نرخ ارز، متغیرهای بخش واقعی اقتصاد و صنعت گردشگری مالزی. در حالیکه همانطور که قبلاً گفته شد متغیر هدف در پژوهش حاضر، ۶ متغیر اصلی اقتصاد کلان می‌باشد. در

خصوص مقاله ۲۳ لازم به ذکر است که این مقاله برای کشور روسیه در بازه زمانی ۱۹۹۷-۲۰۱۸ انجام شده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. نوع تحقیق

نوع تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس بعد زمان، گذشته‌نگر می‌باشد به این صورت که بر مبنای داده‌های آماری و با استفاده از نظریات موجود در اقتصاد متعارف (رابطه بین متغیرها) و مدل‌های موجود در اقتصادسنجی راه‌های تأثیر تحریم بر اقتصاد ایران را شناسایی و میزان تأثیر هر یک را تعیین می‌نماید.

۳-۲. روش تحقیق

از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها، کمی است. به این صورت که ابتدا شاخص‌های مربوط به متغیرهای اثرگذار (شوکه‌های تحریمی) و سپس شاخص‌های مربوط به متغیرهای اثرپذیر (متغیرهای اقتصاد کلان) تعیین می‌شود. سپس داده‌های سری زمانی متغیرهای مذکور استخراج شده و با روش‌های اقتصادسنجی (SVAR) رابطه بین متغیرها شناسایی و تحلیل می‌شود.

۳-۳. روش و ابزار جمع‌آوری داده‌ها

روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری از مقالات و کتب مختلف انجام می‌شود.

۳-۴. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت بررسی آثار تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد کلان کشور از چهار شاخص «شوکه درآمد صادرات نفت خام» (ExOil)، «شوکه واردات مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای» (Im)، «شوکه نرخ ارز» (ExRate)، و «شوکه خالص ورود سرمایه» (CI) استفاده می‌شود. همچنین آثار تحریم‌های اقتصادی به صورت همزمان بر متغیرهای اقتصاد کلان کشور از جمله: «تولید ناخالص داخلی» (GDP)، «شاخص قیمت مصرف‌کننده» (CPI)، «درآمدهای مالیاتی» (TAX)، «سرمایه‌گذاری» (I)، و «مصرف» (C) مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این منظور از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) استفاده می‌شود. با استفاده از مدل رگرسیون برداری ساختاری می‌توان تأثیر ابعاد مختلف شوکه‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی را بر متغیرهای کلان اقتصادی مورد ارزیابی قرار داد. برای این کار لازم است توابع واکنش آنی محاسبه گردد. با استفاده از این معیار می‌توان مدت زمان تأثیر شوکه و حداکثر تأثیر آن را پس از وقوع مشخص نمود. مدل کلی مطالعه حاضر به صورت زیر است:

$$A_0 Y_t = C_0 + \sum_{i=1}^p A_i Y_{t-i} + \varepsilon_t \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن Y_t یک بردار 9×1 از متغیرهای درون‌زای سیستم به صورت زیر است:

$$Y_t = [ExOil \ ExRate \ Im \ CI \ GDP \ CPI \ TAX \ I \ C] \quad \text{رابطه (۲)}$$

و A_0 ماتریس 9×9 ضرایب همزمان، C_0 بردار 9×1 جملات ثابت، A_i ماتریس 9×9 ضرایب خود رگرسیون و ε_t بردار 9×1 اختلالات ساختاری است که فرض می‌شود کوواریانس صفر دارد.

جهت دستیابی به فرم تعدیل شده ساختاری، طرفین رابطه فوق در A^{-1}_0 ضرب می‌شود؛ بنابراین خواهیم داشت:

$$Y_t = a_0 + \sum_{i=1}^p B_i Y_{t-i} + e_t \quad \text{رابطه (۳)}$$

که در آن:

$$e_t = A_0^{-1} \varepsilon_t, A_0^{-1} \varepsilon_t, A_0^{-1} A_i = B_i, A_0^{-1} C_0 = a_0 \quad \text{رابطه (۴)}$$

در نتیجه معادله بردار شوک‌ها (اختلالات ساختاری) به صورت زیر خواهد بود:

$$\varepsilon_t = A_0 e_t \quad \text{رابطه (۵)}$$

بر این اساس معادلات همزمان ساختاری و ارتباط میان متغیرها به صورت زیر خواهد بود:

| | | | | | | | | | | | |
|-----------------------|---|------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------------|--------|
| $\varepsilon(ExOil)$ | | 1 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | $e(ExOil)$ | |
| $\varepsilon(ExRate)$ | | C(1) | 1 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | $e(ExRate)$ | |
| $\varepsilon(Im)$ | | C(2) | C(9) | 1 | 0 | 0 | 0 | 0 | 0 | $e(Im)$ | |
| $\varepsilon(CI)$ | | C(3) | C(10) | C(16) | 1 | 0 | 0 | 0 | 0 | $e(CI)$ | |
| $\varepsilon(GDP)$ | = | C(4) | C(11) | C(17) | C(22) | 1 | 0 | 0 | 0 | * $e(GDP)$ | |
| $\varepsilon(I)$ | | C(5) | C(12) | C(18) | C(23) | C(27) | 1 | 0 | 0 | $e(I)$ | |
| $\varepsilon(TAX)$ | | C(6) | C(13) | C(19) | C(24) | C(28) | C(31) | 1 | 0 | $e(TAX)$ | |
| $\varepsilon(CPI)$ | | C(7) | C(14) | C(20) | C(25) | C(29) | C(32) | C(34) | 1 | 0 | |
| $\varepsilon(C)$ | | C(8) | C(15) | C(21) | C(26) | C(30) | C(33) | C(35) | C(36) | 1 | $e(C)$ |

بطوریکه بردار ε_{it} شامل اختلالات ساختاری است. که مؤلفه‌های آن به ترتیب عبارتند از: شوک صادرات نفتی (درآمد نفتی)، شوک واردات، شوک نرخ ارز، شوک ورود و خروج سرمایه، شوک تولید ناخالص داخلی، شوک شاخص قیمت مصرف‌کننده، شوک درآمدهای مالیاتی، شوک سرمایه‌گذاری، و شوک مصرف. همچنین:

محدودیت سطر اول ماتریس از این واقعیت نشأت می‌گیرد که به دلیل کوچک بودن اقتصاد ایران در مقابل بازار جهانی نفت، درآمد صادرات نفت خام عمدتاً تحت تاثیر شوک‌های مربوط به خود متغیر است. محدودیت سطر دوم نشان می‌دهد که نرخ ارز در کوتاه مدت عمدتاً تحت تاثیر شوک‌های مربوط به درآمد صادرات نفت خام، و خود متغیر قرار دارد.

محدودیت سطر سوم نشان می‌دهد که میزان واردات مواد اولیه کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در کوتاه‌مدت عمدتاً تحت تاثیر شوک‌های مربوط به خود متغیر، نرخ ارز، و درآمدهای حاصل از صادرات نفتی است. محدودیت سطر چهارم نشان می‌دهد که میزان خالص ورود سرمایه به کشور، عمدتاً تحت تاثیر شوک‌های مربوط به خود متغیر، نرخ ارز، صادرات نفتی و واردات است.

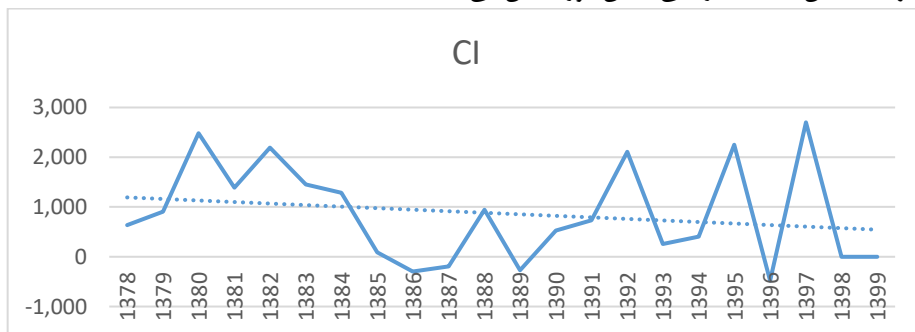
محدودیت سطر پنجم نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی تحت تأثیر شوک‌های مربوط به درآمدهای نفتی، نرخ ارز، واردات، میزان خالص ورود سرمایه به کشور و خود متغیر است. محدودیت سطر ششم نشان می‌دهد که میزان سرمایه‌گذاری عمدتاً تحت تأثیر شوک‌های مربوط به درآمدهای نفتی، نرخ ارز، واردات، میزان خالص ورود سرمایه به کشور، تولید ناخالص داخلی و خود متغیر است. محدودیت سطر هفتم نشان می‌دهد که درآمدهای مالیاتی تحت تأثیر شوک‌های مربوط به درآمدهای نفتی، نرخ ارز، واردات، میزان خالص ورود سرمایه به کشور، تولید ناخالص داخلی، میزان سرمایه‌گذاری و خود متغیر است.

محدودیت سطر هشتم نشان می‌دهد که شاخص قیمت مصرف‌کننده عمدتاً تحت تأثیر شوک‌های مربوط به درآمدهای نفتی، نرخ ارز، واردات، میزان خالص ورود سرمایه به کشور، تولید ناخالص داخلی، میزان سرمایه‌گذاری، درآمدهای مالیاتی و خود متغیر است. محدودیت سطر نهم نشان می‌دهد که متغیر مصرف عمدتاً تحت تأثیر شوک‌های مربوط به درآمدهای نفتی، نرخ ارز، واردات، میزان خالص ورود سرمایه به کشور، تولید ناخالص داخلی، میزان سرمایه‌گذاری، مالیاتی، شاخص قیمت مصرف‌کننده و خود متغیر است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

۴-۱. توصیف متغیرها

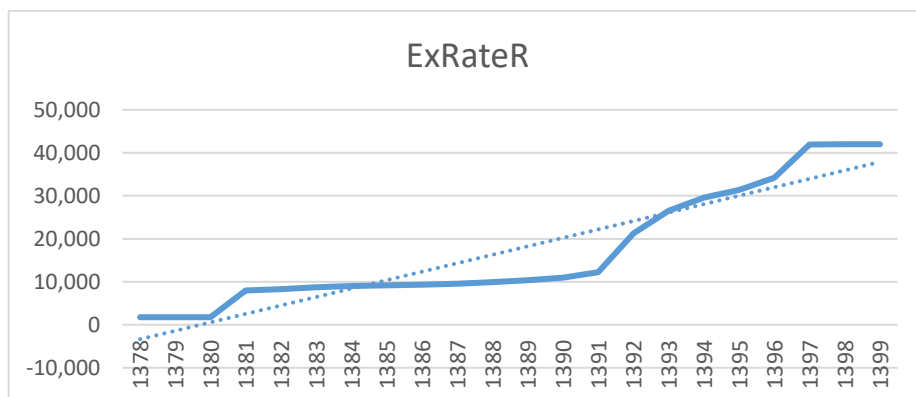
به منظور شناخت بهتر وضعیت متغیرهای تحقیق، در این بخش سری زمانی‌های مربوطه بررسی می‌گردد. سه نمودار اول، روند پنج متغیر شاخص تحریم اقتصادی را طی دوره ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۹ و سایر نمودارها نیز روند متغیرهای کلان اقتصادی را طی همین دوره نشان می‌دهد.



نمودار شماره (۱) روند ورود و خروج سرمایه (میلیون دلار)

منبع: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

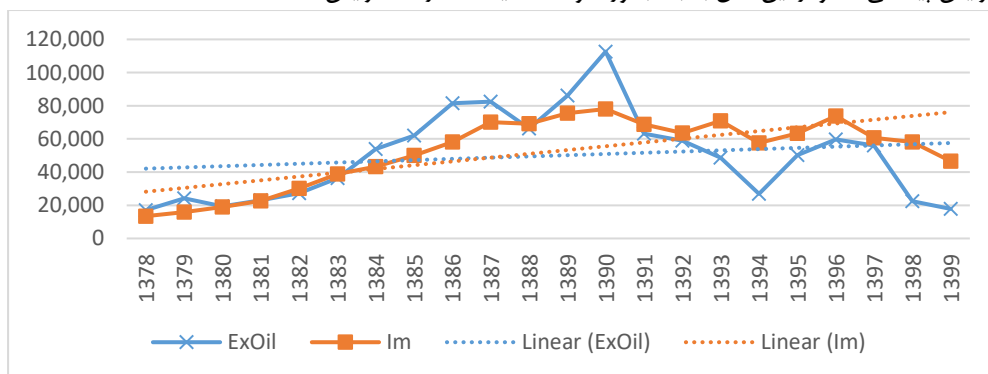
بر اساس نمودار شماره (۱)، ورود و خروج سرمایه در طی دوره مورد مطالعه یک روند پرنوسان را داشته است بطوریکه مقدار این شاخص بطور متوسط برابر ۹۵۶ میلیون دلار بوده است.



نمودار شماره (۲) روند نرخ ارز رسمی (دلار)

منبع: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ی.

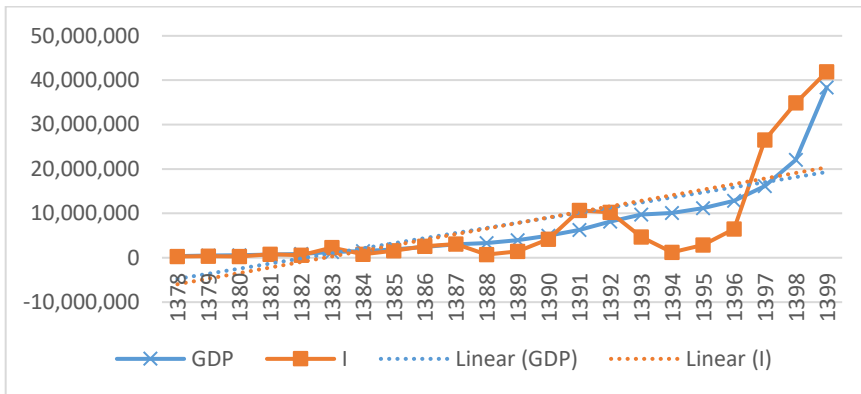
نمودار شماره (۲) روند نرخ ارز رسمی دلار را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود، این متغیر در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ روند باثباتی داشته است اما در سال ۱۳۸۱ با افزایش ۳۵۰ درصدی از ۱،۷۵۵ ریال به ۷،۹۵۸ ریال افزایش پیدا می‌کند. سپس تا سال ۱۳۹۱ روند با ثباتی را طی کرده است بطوریکه سالانه بطور میانگین ۴/۵ درصد رشد داشته است. اما مجدداً در سال ۱۳۹۲ با افزایش ۷۴ درصدی از ۱۲،۲۶۰ ریال به ۲۱،۲۵۳ ریال افزایش پیدا می‌کند و از این سال به بعد بطور متوسط سالانه ۱۳ درصد افزایش داشته است.



نمودار شماره (۳) روند صادرات نفتی و واردات مواد اولیه (میلیون دلار)

منبع: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ی.

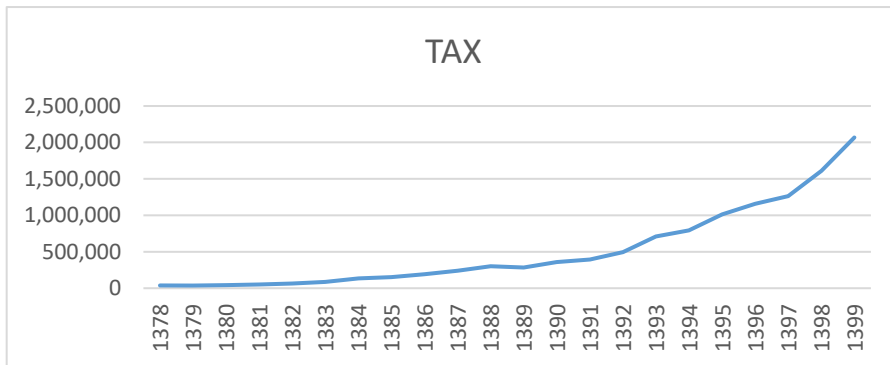
نمودار شماره (۳)، دو متغیر صادرات نفتی و واردات را بر حسب میلیون دلار نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، روند صادرات نفتی و واردات تا حدودی مشابه هم بوده است بطوریکه در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۰ تقریباً روند صعودی داشته‌اند اما در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ روند به شدت نزولی داشته‌اند و بعد از آن باز به روند افزایشی خود ادامه داده‌اند.



نمودار شماره (۴) روند تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)

منبع: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

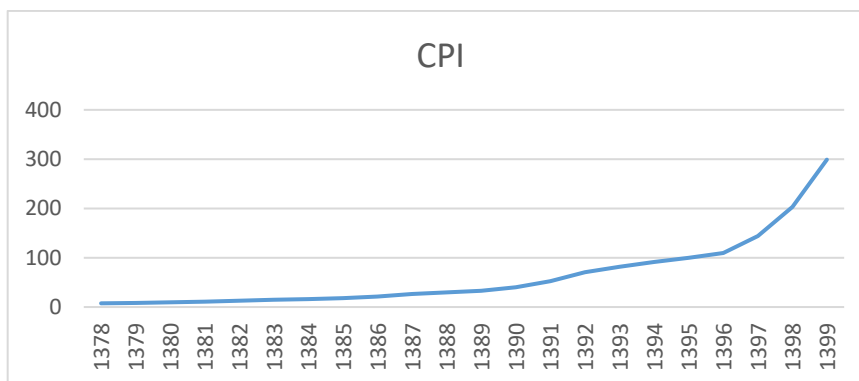
نمودار شماره (۴) روند دو متغیر تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری را بر حسب میلیارد ریال نشان می‌دهد. تولید ناخالص داخلی بطور متوسط سالانه ۲۳ درصد افزایش داشته است. متغیر سرمایه‌گذاری نیز با اینکه در سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۸، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به شدت کاهش پیدا کرده است ولی در سایر دوره‌ها تقریباً رو به رشد بوده است.



نمودار شماره (۵) روند درآمدهای مالیاتی (میلیارد ریال)

منبع: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

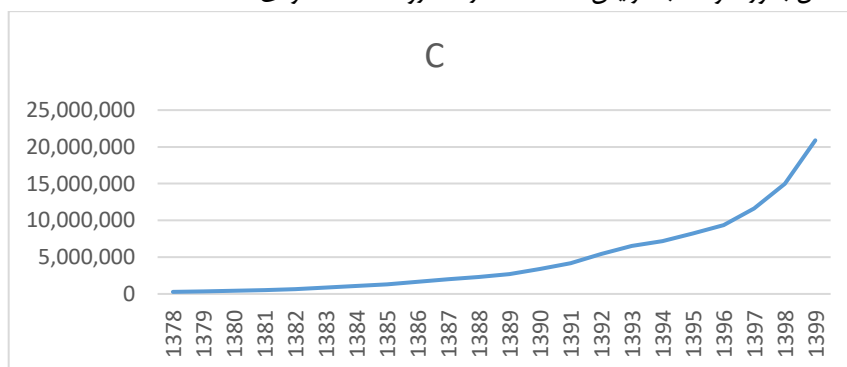
بر اساس نمودار شماره (۵)، درآمدهای مالیاتی غیر از سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۹ که به ترتیب ۹ و ۵ درصد کاهش داشته است اما در سال‌های دیگر روند کاملاً صعودی داشته است و بطور متوسط سالانه ۲۱ درصد افزایش یافته است.



نمودار شماره (۶) روند شاخص قیمت مصرف‌کننده سال پایه: ۱۳۹۵ (بدون واحد)

منبع: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

نمودار شماره (۶) شاخص قیمت مصرف‌کننده را نشان می‌دهد که بر اساس آن، شاخص قیمت مصرف‌کننده در طول ۱۹ سال بطور متوسط با افزایش سالانه ۱۷ درصد، روند کاملاً صعودی داشته است.



نمودار شماره (۷) روند مصرف سال پایه: ۱۳۹۰ به قیمت‌های جاری (میلیارد ریال)

منبع: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

و اما نمودار آخر، روند مصرف را بر اساس سال پایه ۱۳۹۰ به قیمت‌های جاری بر حسب میلیارد ریال نشان می‌دهد. این متغیر نیز با رشد متوسط ۲۲ درصد روند کاملاً صعودی داشته است.

۴-۲. بررسی مانایی متغیرها

اولین گام قبل از تخمین الگو، آزمون مانایی متغیرهاست. متغیرهای مانا دارای یک مقدار تعادلی با یک روند تعادلی هستند که در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کنند. اگر متغیرهای الگو مانا باشند آنگاه وضعیت تعادلی وجود دارد، در غیر این صورت تمامی نتایجی که از تحلیل رگرسیون به دست می‌آید نامعتبر خواهد بود. رگرسیون‌هایی که دارای سری‌های زمانی ناماننا باشند ممکن است هیچ‌گونه معنای خاصی نداشته باشند؛ از این

رو رگرسیون کاذب نامیده می‌شوند. جدول زیر نتایج بررسی ایستایی متغیرهای تحقیق را با استفاده از دو آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۱ و فلیپس پرون^۲ نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱) نتایج آزمون مانایی

| آماره PP | | | | آماره ADF | | | | نام متغیر | نام متغیر |
|----------|-----------------|---------|---------|-----------|-----------------|----------|---------|-----------|--------------------------|
| نتیجه | تفاضل مرتبه اول | نتیجه | سطح | نتیجه | تفاضل مرتبه اول | نتیجه | سطح | | |
| مانا | -۴/۴۰۸۱ | نامانا | -۱/۸۹۹۳ | مانا | -۴/۳۶۶۸ | نامانا | -۱/۹۰۹۳ | ExOil | صادرات نفتی (درآمد نفتی) |
| مانا | -۳/۸۴۲۷ | نامانا | -۱/۹۴۵ | - | - | مانا ۱۰٪ | -۲/۹۲۷۲ | Im | واردات |
| مانا | -۶/۴۵۷۴ | نامانا | ۱/۸۳۱ | مانا | -۴/۹۵۳۱ | نامانا | ۲/۰۱۱۹ | ExRate | نرخ ارز |
| - | - | مانا | -۴/۰۹۲ | - | - | مانا | ۳/۹۹۳۷ | CI | ورود و خروج سرمایه |
| - | - | مانا | ۵/۰۱۶۷ | - | - | مانا | ۶/۱۰۷۳ | GDP | تولید ناخالص داخلی |
| - | - | مانا | ۶/۰۸۷ | - | - | مانا | ۷/۲۶۸۱ | CPI | شاخص قیمت مصرف‌کننده |
| - | - | مانا | ۴/۰۸۵۸ | - | - | مانا ۵٪ | ۳/۰۷۰۵ | TAX | درآمدهای مالیاتی |
| - | - | مانا ۵٪ | ۲/۸۴۱۷ | - | - | مانا | ۶/۰۱۳۳ | I | سرمایه‌گذاری |
| - | - | مانا | ۷/۹۶۷۲ | - | - | مانا | ۹/۳۳۱۶ | C | مصرف |

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بر اساس آماره ADF، هشت متغیر در سطح، و سه متغیر نیز در تفاضل مرتبه اول مانا هستند. از هشت متغیر مذکور، متغیر واردات در سطح ۱۰ درصد، متغیر درآمد مالیاتی در سطح ۵ درصد و سایر متغیرها در سطح ۱ درصد مانا هستند. اما بر اساس آماره PP، شش متغیر در سطح، و پنج متغیر در تفاضل مرتبه اول مانا هستند. از شش متغیر مذکور، متغیر سرمایه‌گذاری، در سطح ۵ درصد و سایر متغیرها در سطح ۱ درصد مانا هستند.

۳-۴. تعیین وقفه بهینه

از آنجایی که با افزایش وقفه، درجه آزادی سیستم کاهش می‌یابد لذا در تصریح مدل خودرگرسیون برداری ساختاری می‌بایست پس از بررسی ایستایی، طول وقفه بهینه مدل تعیین شود. در اینجا برای تعیین طول وقفه

1 Augmented Dickey–Fuller (ADF)

2 Phillips–Perron (PP)

بهینه از معیارهای شوارتز-بیزین^۱ (SC)، آکائیک^۲ (AIC)، خطای نهایی پیش‌بینی^۳ (FPE)، حنان کوئین^۴ (HQ)، و نسبت راستنمایی^۵ (LR) استفاده شده است. نتایج جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که وقفه بهینه الگو، وقفه اول می‌باشد.

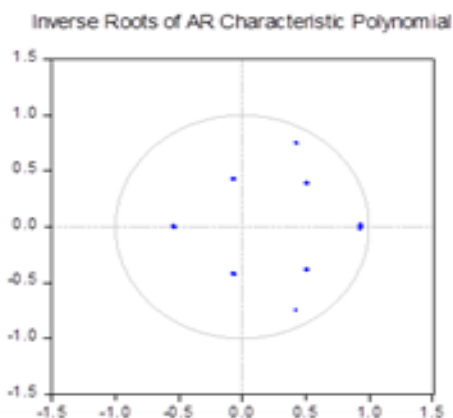
جدول شماره (۲) نتایج تعیین وقفه بهینه مدل

| HQ | SC | AIC | FPE | LogL | Lag |
|------------|-----------|------------|---------|----------|-----|
| -۲/۸۱۹۰۶ | -۲/۴۴۷۴۱ | -۲/۸۹۴۷۷ | ۴/۴۸ | ۳۶/۵۰۰۳۴ | ۰ |
| -۱۸/۶۹۱۴۳* | ۱۴/۹۷۴۸۹* | -۱۹/۴۴۸۵۵* | ۸/۳۲۲۰* | ۳۴۷/۷۶۱۲ | ۱ |

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۴. آزمون ریشه واحد دایره

از آنجا که بر اساس آزمون ADF، برخی متغیرهای تحقیق در سطح نامانا هستند و در قسمت قبل نیز مشخص شد که وقفه یک برای مدل تحقیق وقفه بهینه است لذا در این قسمت مدل تحقیق به صورت تصحیح خطای برداری با یک وقفه برآورد شد. جهت اطمینان از کاذب نبودن رگرسیون اقدام به آزمون ریشه واحد کل مدل رگرسیونی نیز شد. در صورت عدم ثبات الگوی SVAR نتایج به دست آمده قابل اطمینان نیستند. بدین منظور از نمودار AR استفاده می‌کنیم. این نمودار معکوس ریشه‌های مشخصه یک فرآیند AR را نشان می‌دهد. اگر قدر مطلق تمام این ریشه‌ها کوچکتر از واحد باشند و داخل دایره واحد قرار گیرند مدل SVAR تخمین زده شده پایدار است. شکل زیر نشان می‌دهد که مدل SVAR تخمینی شرط پایداری را تأمین می‌کند.



شکل شماره (۲) آزمون ریشه واحد

منبع: یافته‌های پژوهش

1 Schwarz information criterion
 2 Akaike information criterion
 3 Final Prediction Error
 4 Hannan-Quinn information criterion
 5 Likelihood Ratio

۴-۵. برآورد مدل تحقیق

در این بخش ابتدا ضرایب تخمین و سپس توابع عکس‌العمل آنی برآورد می‌شود.
جدول شماره (۳) برآورد ضرایب تخمین

| شرح ضریب | ضریب | مقدار ضریب | انحراف معیار | آماره t | احتمال |
|--|-------|------------|--------------|---------|--------|
| ضریب درآمد نفتی در معادله نرخ ارز | C(1) | ۰/۲۶۶۸ | -۰/۱۲۸۲ | ۲/۰۷۹۰ | ۰/۰۹۵۸ |
| ضریب درآمد نفتی در معادله واردات | C(2) | -۳/۱۸۲۰۲ | ۱۴/۹۷۵۰ | -۰/۰۲۲۱ | ۰/۰۴۹۸ |
| ضریب درآمد نفتی در معادله ورود و خروج سرمایه | C(3) | ۲/۶۹۷۲ | ۱۹/۱۰۸۰ | ۰/۱۵۱۰ | ۰/۰۲۲۶ |
| ضریب درآمد نفتی در معادله تولید ناخالص داخلی | C(4) | ۰/۰۳۷۵ | ۰/۰۰۹ | -۲/۳۶۴۰ | ۰/۵۱۱۶ |
| ضریب درآمد نفتی در معادله سرمایه‌گذاری | C(5) | -۰/۰۹۰۹ | -۰/۰۳۷۵ | -۱/۳۵۴۰ | ۰/۸۱۶۵ |
| ضریب درآمد نفتی در معادله درآمدهای مالیاتی | C(6) | -۰/۰۱۲۲ | -۰/۰۰۷۸ | -۲/۳۴۵۰ | ۰/۷۳۹۶ |
| ضریب درآمد نفتی در معادله شاخص قیمت مصرف‌کننده | C(7) | -۰/۱۰۱۸ | ۰/۰۶۳۸ | -۱/۹۸۷۰ | ۰/۸۳۱۸ |
| ضریب درآمد نفتی در معادله مصرف | C(8) | ۰/۰۷۱۶ | -۰/۰۱۳۰ | -۲/۶۳۵۵ | ۰/۸۸۷۷ |
| ضریب نرخ ارز در معادله واردات | C(9) | -۰/۰۷۱۱ | ۰/۰۱۳۰ | -۲/۳۵۴۶ | ۰/۰۰۰ |
| ضریب نرخ ارز در معادله ورود و خروج سرمایه | C(10) | -۰/۰۰۱۹ | -۰/۰۱۹۷ | -۰/۶۵۴۷ | ۰/۰۹۱۱ |
| ضریب نرخ ارز در معادله تولید ناخالص داخلی | C(11) | -۰/۰۲۳۷ | ۰/۰۰۱۴ | -۲/۶۵۴۶ | ۰/۸۱۴۷ |
| ضریب نرخ ارز در معادله سرمایه‌گذاری | C(12) | ۰/۰۳۲۶ | ۰/۰۰۵۷ | -۱/۶۵۴۰ | ۰/۵۸۵۲ |
| ضریب نرخ ارز در معادله درآمدهای مالیاتی | C(13) | -۰/۰۲۶۰ | -۰/۰۰۰۱ | ۳/۴۷۵۹ | ۰/۴۹۰۲ |
| ضریب نرخ ارز در معادله شاخص قیمت مصرف‌کننده | C(14) | ۰/۰۲۰۶ | ۰/۰۵۳۴ | -۳/۴۳۲۶ | ۰/۶۶۰۸ |
| ضریب نرخ ارز در معادله مصرف | C(15) | -۰/۰۵۱۴ | ۰/۱۱۲۰ | ۴/۷۶۸۸ | ۰/۷۲۰۰ |
| ضریب واردات در معادله ورود و خروج سرمایه | C(16) | -۰/۱۷۳۱ | ۰/۲۵۱۹ | ۸/۸۵۹۹ | ۰/۰۰۰۰ |
| ضریب واردات در معادله تولید ناخالص داخلی | C(17) | -۰/۰۱۸۶ | -۰/۲۹۶۸ | ۲/۱۴۶۳ | ۰/۹۱۲۳ |
| ضریب واردات در معادله سرمایه‌گذاری | C(18) | -۰/۰۱۵۲ | -۰/۱۳۸۱ | -۶/۲۶۷۵ | ۰/۶۵۴۱ |
| ضریب واردات در معادله درآمدهای مالیاتی | C(19) | ۰/۰۰۸۳ | ۰/۰۰۹۵ | -۴/۱۶۴۱ | ۰/۶۵۴۲ |
| ضریب واردات در معادله شاخص قیمت مصرف‌کننده | C(20) | ۰/۰۰۰۸ | ۰/۰۱۶۰ | ۶/۴۰۳۸ | ۰/۷۲۱۸ |
| ضریب واردات در معادله مصرف | C(21) | -۰/۰۲۵۱ | ۰/۰۴۱۰ | ۵/۷۷۳۷ | ۰/۶۵۲۶ |
| ضریب ورود و خروج سرمایه در معادله تولید ناخالص داخلی | C(22) | ۰/۰۰۲۵ | -۰/۰۱۵۲ | -۱/۳۹۸۲ | ۰/۷۲۱۲ |
| ضریب ورود و خروج سرمایه در معادله سرمایه‌گذاری | C(23) | ۰/۰۰۳۱ | -۰/۰۱۲۲ | -۴/۵۱۹۱ | ۰/۷۳۹۰ |
| ضریب ورود و خروج سرمایه در معادله درآمدهای مالیاتی | C(24) | ۰/۰۲۷۵ | ۰/۰۱۱۲ | -۲/۹۶۲۰ | ۰/۶۱۱۰ |
| ضریب ورود و خروج سرمایه در معادله شاخص قیمت مصرف‌کننده | C(25) | ۰/۰۷۱۳ | ۱/۲۵۳۰ | -۲/۸۷۳۶ | ۰/۵۱۷۰ |
| ضریب ورود و خروج سرمایه در معادله مصرف | C(26) | ۰/۰۵۸۴ | ۰/۰۱۲۷ | ۷/۶۳۴۴ | ۰/۵۱۴۶ |
| ضریب تولید ناخالص داخلی در معادله سرمایه‌گذاری | C(27) | -۰/۳۴۷۱ | -۰/۶۵۴۱ | -۷/۵۳۴۰ | ۰/۰۴۰۳ |
| ضریب تولید ناخالص داخلی در معادله درآمدهای مالیاتی | C(28) | ۰/۳۰۲۷ | ۰/۰۰۰۴ | ۰/۷۴۲۹ | ۰/۰۹۹۹ |
| ضریب تولید ناخالص داخلی در معادله شاخص قیمت مصرف‌کننده | C(29) | ۰/۷۵۶۳ | -۰/۱۳۳۲ | -۴/۶۱۴۷ | ۰/۰۱۲۸ |
| ضریب تولید ناخالص داخلی در معادله مصرف | C(30) | -۰/۴۲۶۶ | -۰/۲۵۴۵ | ۰/۲۷۲۹ | ۰/۰۷۳۶ |
| ضریب سرمایه‌گذاری در معادله درآمدهای مالیاتی | C(31) | -۰/۰۰۴۷ | -۰/۳۵۴۰ | ۲/۷۳۲۸ | ۰/۰۴۵۸ |

| | | | | | |
|--------|---------|--------|---------|-------|--|
| ۰/۰۴۳۰ | -۶/۱۸۱۴ | ۰/۶۴۶۵ | -۰/۱۱۲۲ | C(32) | ضریب سرمایه‌گذاری در معادله شاخص قیمت مصرف‌کننده |
| ۰/۰۰۰ | -۷/۱۳۱۴ | ۰/۶۱۳۲ | -۱/۰۲۳۳ | C(33) | ضریب سرمایه‌گذاری در معادله مصرف |
| ۰/۰۰۰ | ۸/۷۲۸۰ | ۰/۳۴۳۵ | ۰/۴۹۳۷ | C(34) | ضریب درآمدهای مالیاتی در معادله شاخص قیمت مصرف‌کننده |
| ۰/۰۰۰ | ۶/۴۰۰۱ | ۰/۳۱۰۰ | ۱/۱۴۹۰ | C(35) | ضریب درآمدهای مالیاتی در معادله مصرف |

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تخمین مدل SVAR گویای این مطلب است که ضرایب اکثر متغیرهای اصلی و تأثیرگذار بر بخش حقیقی اقتصاد، معنی‌دار و مطابق با شرایط اقتصاد ایران می‌باشد. اصلی‌ترین ضرایبی که در نتایج مدل SVAR لازم و قابل تحلیل می‌باشند بر اساس نتایج جدول فوق:

- ضرایب مربوط به درآمد نفتی نشان می‌دهد که یک شوک مثبت به درآمد نفتی (افزایش قیمت نفت و در نتیجه افزایش صادرات نفتی) باعث افزایش ۲ درصدی تولید ناخالص داخلی، کاهش ۹ درصدی سرمایه‌گذاری، کاهش ۱ درصدی درآمدهای مالیاتی، افزایش ۷ درصدی مصرف و کاهش ۱۰ درصدی شاخص قیمت مصرف‌کننده می‌شود.
 - ضرایب مربوط به نرخ ارز نشان می‌دهد که یک شوک مثبت به نرخ ارز (افزایش نرخ ارز یا کاهش ارزش پول ملی) باعث کاهش ۲ درصدی تولید ناخالص داخلی، افزایش ۳ درصدی سرمایه‌گذاری، کاهش ۲ درصدی درآمدهای مالیاتی، کاهش ۵ درصدی مصرف و افزایش ۲۰ درصدی شاخص قیمت مصرف‌کننده می‌شود.
 - ضرایب مربوط به ورود و خروج سرمایه نشان می‌دهد که یک شوک مثبت به ورود و خروج سرمایه (افزایش خالص ورود سرمایه) باعث افزایش ۰/۲ درصدی تولید ناخالص داخلی، افزایش ۰/۳ درصدی سرمایه‌گذاری، افزایش ۲ درصدی درآمدهای مالیاتی، افزایش ۵ درصدی مصرف و افزایش ۷ درصدی شاخص قیمت مصرف‌کننده می‌شود.
 - همچنین ضرایب مربوط به واردات مواد اولیه نشان می‌دهد که یک شوک مثبت به این متغیر باعث کاهش ۲ درصدی تولید ناخالص داخلی، افزایش ۱ درصدی سرمایه‌گذاری، افزایش ۰/۵ درصدی درآمدهای مالیاتی، و کاهش ۳ درصدی مصرف می‌شود. لازم به ذکر است که شاخص قیمت مصرف‌کننده در اولین دوره تغییری نمی‌کند اما در دوره دوم و سوم صعودی شده و تا ۱۰ درصد افزایش پیدا می‌کند.
- لازم به ذکر است متغیرهایی که افزایش آنها از نظر اقتصادی مطلوب است (مثل تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، درآمدهای مالیاتی و مصرف) با علامت مثبت و متغیرهایی که افزایش آنها از نظر اقتصادی نامطلوب است (مثل شاخص قیمت مصرف‌کننده) با علامت منفی مشخص شده‌اند و تجمیع اثرات شوک‌ها بر متغیرهای اقتصاد کلان (ستون آخر جداول شماره ۵ و ۶) نیز بر همین اساس انجام شده است؛ همچنین در خصوص تجمیع اثرپذیری متغیرهای اقتصاد کلان از شوک‌ها (ردیف آخر جدول) نیز همین قاعده رعایت شده است. به عنوان مثال شاخص قیمت مصرف‌کننده ۱۷ درصد بدتر شده است در حالیکه متغیر مصرف مجموعاً ۴ درصد افزایش (بهبود) داشته است.

جدول شماره (۴) میزان تأثیر کوتاه‌مدت شوک‌های حاصل از تحریم اقتصادی بر متغیرهای اقتصاد کلان

| شوک‌های حاصل از تحریم | تولید ناخالص داخلی (+) | سرمایه‌گذاری (+) | درآمدهای مالیاتی (+) | شاخص قیمت مصرف‌کننده (-) | مصرف (+) | جمع |
|--------------------------|---------------------------|------------------|-------------------------|-----------------------------|----------|--------|
| خالص خروج سرمایه | ۰/۲٪ | ۰/۳٪ | ۲٪ | ۷٪ | ۵٪ | ۰/۵٪ |
| صادرات نفتی | ۲٪ | -۹٪ | -۱٪ | -۱۰٪ | ۷٪ | ۹٪ |
| نرخ ارز | -۲٪ | ۳٪ | -۲٪ | ۲۰٪ | -۵٪ | -۳/۲۶٪ |
| واردات مواد اولیه | -۲٪ | ۱٪ | ۰/۵٪ | ۰ | -۳٪ | -۳/۵٪ |
| جمع | -۲٪ | -۵٪ | -۱٪ | ۱۷٪ | ۴٪ | |

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج حاصله، در کوتاه‌مدت، شوک‌های حاصل از نرخ ارز و واردات مواد اولیه به ترتیب بیشترین اثرات منفی را بر متغیرهای اقتصاد کلان داشته‌اند. همچنین متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده، سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی و درآمدهای مالیاتی به ترتیب بیشترین تأثیرپذیری منفی را از تحریم‌های اقتصادی داشته‌اند.

۴-۶. توابع عکس‌العمل آنی

برای اینکه بتوانیم نتایج رابطه تعادلی بلندمدت برای مدل خودرگرسیون برداری ساختاری SVAR را به خوبی تحلیل کنیم نیازمند بررسی توابع عکس‌العمل آنی^۱ هستیم.

یک تابع عکس‌العمل آنی، در حقیقت اثرات یک انحراف معیار شوک وارده به متغیرهای درون‌زا در الگو را بیان می‌کند. برای الگوی مورد استفاده در این تحقیق، عکس‌العمل متغیرهای اقتصاد کلان نسبت به تکانه یا تغییر ناگهانی به اندازه یک انحراف معیار در هر یک از متغیرهای مربوط به شاخص تحریم به صورت شکل زیر نشان داده شده است. روی محور افقی، زمان به صورت سالانه و روی محور عمودی درصد رشد تغییرات متغیر قرار گرفته است.

تحلیل اثرات شوک نرخ ارز بر متغیرهای اقتصاد کلان:

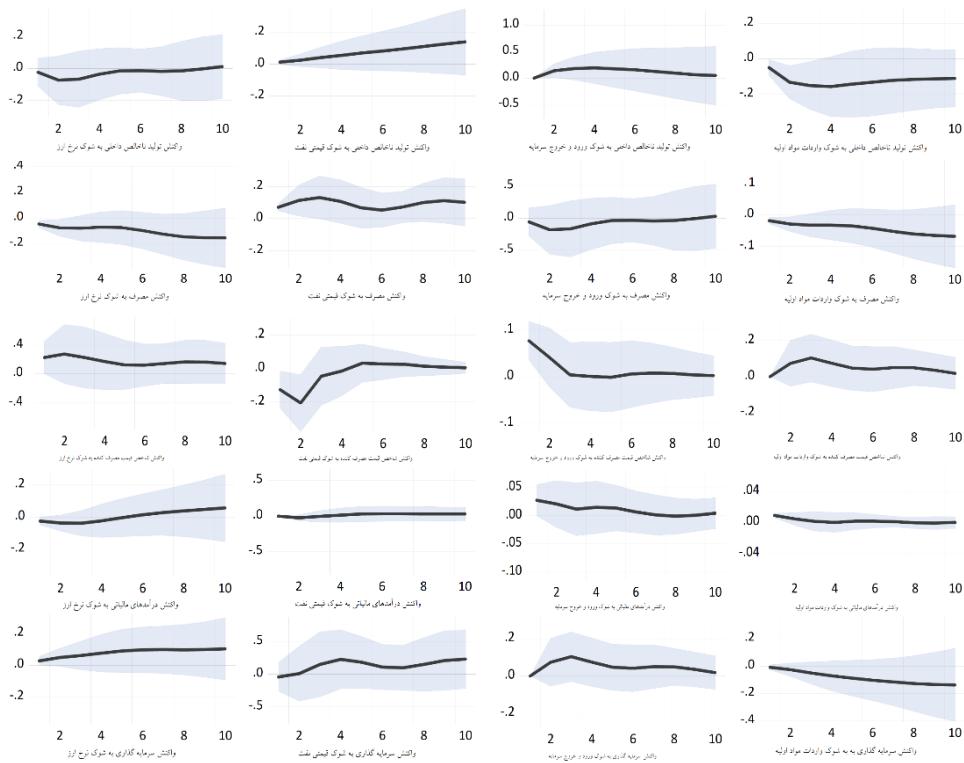
بر اساس تابع عکس‌العمل آنی تولید ناخالص داخلی به شوک نرخ ارز، با اعمال شوک به مدل، تولید ناخالص داخلی نسبت به سطح تعادلی خود کاهش می‌یابد. با توجه به نتایج تابع عکس‌العمل آنی به نظر می‌رسد در ایران، کانال هزینه که اثر انقباضی بر تولید دارد نسبت به کانال طرف تقاضا (صادرات و واردات) قوی‌تر است و لذا تولید در اثر افزایش نرخ ارز و یا کاهش ارزش پول ملی نسبت به حالت تعادلی خود کاهش می‌یابد.

به عبارت دیگر افزایش نرخ ارز از طریق کاهش قیمت خارجی کالاهای صادراتی کشور و افزایش قیمت داخلی کالاهای وارداتی به کشور باعث افزایش صادرات و کاهش واردات خواهد شد که این امر از طریق افزایش تقاضای کل، آثار انبساطی بر تولید خواهد داشت. از سوی دیگر افزایش نرخ ارز باعث افزایش قیمت نهادهای تولیدی وارداتی می‌شود که این امر نیز افزایش هزینه‌های تولیدی را در بر دارد که آثار انقباضی بر تولید خواهد داشت.

این نتیجه با نظر کروگمن و تیلور (۱۹۷۶) و ادواردز (۱۹۸۶) در خصوص کشورهای در حال توسعه مبنی بر قابل توجه بودن اثر کانال هزینه و اثر انقباضی کاهش ارزش پول در کشورهای در حال توسعه همخوانی دارد. وابستگی تولید در این کشورها به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای باعث می‌شود کاهش ارزش پول ملی موجب افزایش هزینه‌های تولید شده و در نهایت تولید را کاهش دهد. از طرف دیگر وابستگی تولید به واردات کالاهای اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، افزایش نرخ ارز بر سطح قیمت‌ها نیز اثر افزایشی خواهد داشت. افزایش نرخ ارز هم باعث افزایش قیمت کالاهای تولید داخل می‌شود و هم قیمت کالاهای نهایی وارداتی را افزایش می‌دهد. واکنش سطح عمومی قیمت‌ها (شاخص قیمت مصرف‌کننده) به شوک مثبت نرخ ارز از روی توابع عکس‌العمل آنی واضح است. بنابراین افزایش نرخ ارز باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها نسبت به روند تعادلی خود می‌شود. به بیان دیگر افزایش نرخ ارز علاوه بر کاهش تولید نسبت به روند تعادلی، باعث افزایش سطح قیمت‌ها نیز خواهد شد.

تابع عکس‌العمل آنی درآمدهای مالیاتی به شوک نرخ ارز نشان می‌دهد که یک شوک مثبت نرخ ارز منجر به کاهش درآمد مالیاتی در کوتاه مدت و افزایش آن در بلندمدت می‌شود. البته باید توجه داشت که به علت کاهش ارزش پول ملی خالص سرمایه‌گذاری خارجی در بلندمدت افزایش یافته و همین امر باعث افزایش تولید و درآمدهای مالیاتی در بلندمدت می‌شود. اثرات افزایش نرخ ارز:

- افزایش صادرات (کوتاه‌مدت) < افزایش تولید (کوتاه‌مدت)
- افزایش قیمت کالاهای وارداتی (کوتاه‌مدت)
- افزایش قیمت مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای (کوتاه‌مدت) < افزایش هزینه تولید (کوتاه‌مدت) < افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (بلندمدت)
- افزایش قیمت کالاهای وارداتی مصرفی < افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (بلندمدت)
- افزایش خالص سرمایه‌گذاری خارجی (بلندمدت)
- افزایش تولید ناخالص داخلی و درآمدهای مالیاتی (بلندمدت)



شکل شماره (۳) توابع عکس‌العمل آنی

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل اثرات شوک صادرات نفتی بر متغیرهای اقتصاد کلان:

بر اساس تابع عکس‌العمل آنی شاخص قیمت مصرف‌کننده به شوک صادرات نفتی، ایجاد یک شوک مثبت در قیمت نفت در کوتاه‌مدت بر شاخص قیمت‌ها اثر منفی می‌گذارد؛ اما در بلندمدت باعث افزایش مداوم شاخص قیمت‌ها در ایران می‌شود، زیرا با افزایش قیمت نفت در ایران، واردات کالاها افزایش می‌یابد اما در بلندمدت با توجه به تأثیر نامطلوب افزایش درآمدهای نفتی و عدم استفاده صحیح از درآمدهای نفتی در ایران جهت ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و عدم ایجاد بستر مناسب کسب و کار و تولید توسط دولت، شرایط تولید و عرضه داخلی نامناسب می‌شود و از سوی دیگر با تبدیل ارزهای حاصل از فروش نفت به ریال و افزایش عرضه پول، تقاضا افزایش می‌یابد که در مجموع منجر به افزایش قیمت‌ها و شاخص قیمت در ایران می‌شود. از طرفی با توجه به ساختار اقتصاد ایران که به درآمدهای نفتی بسیار وابسته است و درآمدهای مالیاتی سهم اندکی در آن دارند لذا واضح است که یک شوک مثبت در قیمت نفت باعث افزایش تولید ناخالص داخلی و

تاثیرپذیری بسیار اندک درآمدهای مالیاتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌شود. همچنین توابع عکس‌العمل آنی مصرف و سرمایه‌گذاری نشان می‌دهند که این دو متغیر نیز در بلندمدت افزایش پیدا کرده‌اند.

تحلیل اثرات شوک ورود و خروج سرمایه بر متغیرهای اقتصاد کلان:

تابع عکس‌العمل آنی مصرف به شوک ورود و خروج سرمایه نشان می‌دهد که واکنش مخارج مصرفی بخش خصوصی به یک واحد تکانه وارد شده از ناحیه حساب سرمایه به گونه‌ای می‌باشد که در ابتدا این تأثیر کاهشی بوده است اما بعد از دوره ششم اثر این شوک کاهش یافته است و این اثرگذاری در بلندمدت از بین رفته است. با وارد شدن شوک حساب سرمایه می‌توان انتظار داشت که میزان استقراض دولت از مؤسسات و کشورهای دیگر یا فروختن دارایی‌ها بجای درآمد صورت گرفته است و این امر می‌تواند تأثیرگذاری منفی بر انگیزه‌های مصرفی داشته باشد زیرا درآمد حقیقی خانوارها افزایش نیافته است. همچنین مشاهده می‌شود که مخارج سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به گونه‌ای است که با وارد شدن یک واحد تکانه از سمت حساب سرمایه در کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی افزایش می‌یابد اما بعد از دوره چهارم اثر مثبت این شوک کاهش یافته و در بلندمدت کاملاً از بین رفته است. در خصوص شاخص قیمت مصرف‌کننده و درآمدهای مالیاتی دولت نیز مشاهده می‌شود که این دو متغیر پس از شوک وارد شده از ناحیه حساب سرمایه در کوتاه‌مدت روند افزایشی داشته‌اند اما در بلندمدت این اثر از بین رفته است.

همچنین تابع عکس‌العمل آنی تولید ناخالص داخلی به شوک حساب سرمایه نشان می‌دهد که هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت واکنش مثبت داشته است. با توجه به تئوری‌های اقتصادی می‌توان انتظار داشت که این شوک منجر به افزایش در اجزاء سمت تقاضا شده و با تحریک بخش عرضه، باعث افزایش تولید می‌شود.

تحلیل اثرات شوک واردات مواد اولیه بر متغیرهای اقتصاد کلان:

بر اساس تابع عکس‌العمل آنی تولید ناخالص داخلی به شوک واردات مواد اولیه، با اعمال شوک به مدل، تولید ناخالص داخلی نسبت به سطح تعادلی خود کاهش می‌یابد. توضیح اینکه وابستگی تولید به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای باعث می‌شود تا شوکی قیمت وارد شده به کالاهای واسطه‌ای موجب افزایش هزینه‌های تولید شده و در نهایت تولید را کاهش دهد. از طرف دیگر وابستگی تولید به واردات کالاهای اولیه، واسطه‌ای و سرمایه‌ای، این شوک قیمتی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده نیز اثر افزایشی خواهد داشت. با کاهش تولید و افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده، سطح سرمایه‌گذاری و مصرف کاهش می‌یابد اما این شوک اثر چندانی بر درآمدهای مالیاتی ندارد (به علت کاهش تولید و افزایش سطح قیمت‌ها).

در جدول زیر، تأثیر بلندمدت شوک‌های حاصل از تحریم بر متغیرهای کلان اقتصادی که برگرفته از توابع عکس‌العمل آنی است نشان داده شده است.

جدول شماره (۵) میزان تأثیر بلندمدت شوک‌های حاصل از تحریم اقتصادی بر متغیرهای اقتصاد کلان

| شوکه‌های حاصل از تحریم | تولید ناخالص داخلی (+) | سرمایه‌گذاری (+) | درآمدهای مالیاتی (+) | شاخص قیمت مصرف‌کننده (-) | مصرف (+) | جمع |
|------------------------|------------------------|------------------|----------------------|--------------------------|----------|-----|
| خالص ورود سرمایه | ۱۰٪ | ۲٪ | ۰٫۷٪ | ۰ | ۰ | ۱۳٪ |
| صادرات نفتی | ۱۹٪ | ۲۰٪ | ۰ | ۰ | ۱۰٪ | ۴۹٪ |

| شوک‌های حاصل از تحریم | تولید ناخالص داخلی (+) | سرمایه‌گذاری (+) | درآمدهای مالیاتی (+) | شاخص قیمت مصرف‌کننده (-) | مصرف (+) | جمع |
|-----------------------|------------------------|------------------|----------------------|--------------------------|----------|------|
| نرخ ارز | ٪۱ | ٪۸ | ٪۵ | ٪۱۵ | ٪۱۷- | ٪۱۸- |
| واردات مواد اولیه | ٪۹- | ٪۱۰- | ۰ | ٪۴ | ٪۷- | ٪۳۰- |
| جمع | ٪۲۱ | ٪۲۰ | ٪۶ | ٪۱۹ | ٪۱۴- | |

منبع: یافته‌های پژوهش

همانطور که ملاحظه می‌شود متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده و مصرف به ترتیب در بلندمدت بیشترین تأثیرپذیری منفی را از شوک‌های تحریم داشته‌اند. از طرف دیگر شوک‌های واردات مواد اولیه و نرخ ارز نیز به ترتیب بیشترین اثرات منفی را روی متغیرهای اقتصاد کلان داشته‌اند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جهت بررسی آثار تحریم‌های اقتصادی بر اقتصاد کلان کشور از چهار شاخص «شوک درآمد صادرات نفت خام»، «شوک واردات مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای»، «شوک نرخ ارز»، و «شوک خالص ورود سرمایه» استفاده شد. همچنین آثار تحریم‌های اقتصادی به صورت همزمان بر متغیرهای اقتصاد کلان کشور شامل «تولید ناخالص داخلی»، «شاخص قیمت مصرف‌کننده»، «درآمدهای مالیاتی»، «سرمایه‌گذاری»، و «مصرف» در قالب مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور مراحل زیر انجام گرفت: توصیف و تحلیل آماری متغیرها؛ بررسی مانایی و تعیین وقفه بهینه؛ استفاده از مدل خودرگرسیون برداری ساختاری (SVAR) جهت تحلیل اثرات حاصل از شوک‌های تحریم بر متغیرهای اقتصاد کلان؛ برآورد مدل و محاسبه ضرایب تخمین؛ برآورد توابع عکس‌العمل آنی (IRF) جهت تجزیه و تحلیل اثرات متقابل پویا از تکانه‌های ایجادشده در الگو.

نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد در کوتاه‌مدت: ۱. شوک‌های حاصل از نرخ ارز و واردات مواد اولیه به ترتیب بیشترین اثرات منفی را بر متغیرهای اقتصاد کلان داشته‌اند. ۲. متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده، سرمایه‌گذاری، تولید ناخالص داخلی و درآمدهای مالیاتی نیز به ترتیب بیشترین تأثیرپذیری منفی را از تحریم‌های اقتصادی داشته‌اند. و در بلندمدت: ۱. شوک‌های حاصل از واردات مواد اولیه و نرخ ارز به ترتیب بیشترین اثرات منفی را روی متغیرهای اقتصاد کلان داشته‌اند. ۲. متغیرهای شاخص قیمت مصرف‌کننده و مصرف نیز به ترتیب بیشترین تأثیرپذیری منفی را از شوک‌های حاصل از تحریم داشته‌اند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده که نشان می‌دهد ضعف اقتصاد ایران هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت شوک‌های حاصل از نرخ ارز بوده است بطوریکه تکیه شدید به دریافتی‌های ارزی حاصل از فروش نفت به شدت اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده است به همین منظور سیاستگذاران کلان باید با برنامه‌ریزی بلندمدت و اتخاذ سیاست‌های مناسب به تنوع‌سازی محصولات صادراتی پرداخته و با توسعه آن از وابستگی به ذخایر ارزی به دریافتی‌های ارزی حاصل از فروش نفت بکاهند تا از این طریق در صورت وارد آمدن تکانه به بازار نفت،

اقتصاد کشور به میزان کمتری تحت تأثیر قرار بگیرد و بتواند با استفاده از منابع ارزی دیگری که از سایر محصولات صادراتی تأمین می‌شود سیاست‌های خود را پیش برده و با مشکل مواجه نشود.

بر این اساس، جهت کاهش وابستگی اقتصاد ایران به دلار و درآمدهای حاصل از فروش نفت، موارد زیر پیشنهاد می‌شود: تقویت هر نوع اتحادیه‌ی منطقه‌ای و انعقاد تفاهم‌نامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه با کشورهای همسایه و مشترک‌المنافع؛ حمایت‌های قانونی و مالی از شرکت‌های دانش‌بنیان که این امر می‌تواند به کاهش وابستگی به درآمدهای ارزی منجر شود؛ لزوم جداسازی درآمد نفت از حساب بودجه و التزام به هزینه کردن آن فقط در جهت سرمایه‌گذاری مولد؛ پرهیز از واردات بی‌رویه (مخصوصاً کالاهای نهایی و لوکس که مشابه داخلی نیز دارند) و بازگشت به سیاست تولید داخل؛ ارتقای بنیان‌های تولید و کمک به تغییر استراتژی تولید از سنتی به تولید تجاری و دانش پایه؛ ایجاد درآمدهای پایدار مثل مالیات و...؛ افزایش صادرات غیرنفتی مثل: فرش، خاویار، پسته و...؛ جایگزین کردن صنایع سودآور اقتصادی مثل گردشگری به جای صادرات نفت؛ استفاده از ارز ملی در معاملات چندجانبه؛ و استفاده از فناوری‌های نوین مالی مثل رمزارزها.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- احمدی، سیدوحید؛ عباسی، ابراهیم و محسنی، رضا (۱۳۹۹). اثر شوک درآمد‌های نفتی بر توان‌پذیری قیمت مسکن شهری در ایران. *سیاست‌گذاری اقتصادی*، دوره ۱۲، شماره ۲۳، صص ۱۳۳-۱۶۶.
- برخوردار، سجاد و جلیلی بوالحسنی، حسین (۱۳۹۷). عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز در ایران با تأکید بر نقش تحریم‌های اقتصادی، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۳۵-۵۹.
- پورمهر، مهدی؛ سپهردوست، حمید؛ نظیری، محمدکاظم و مهرگان، نادر (۱۳۹۷). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و کیفیت مدیریت بر سودآوری بانک‌های خصوصی؛ رهیافت الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری، *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۲۰۱-۲۵۴.
- پیش‌بهار، اسماعیل؛ دشتی، قادر و خلیلی‌ملکشاه، سمانه (۱۳۹۵). بررسی آثار متغیرهای کلان اقتصادی بر قیمت محصولات کشاورزی ایران: رویکرد الگوی خودتوضیح برداری ساختاری (SVAR) و گراف‌های غیرچرخشی سودار، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره ۲۴، شماره ۹۵، صص ۲۵-۴۷.
- پیله‌فروش، میثم (۱۳۹۱). رد پای نفت در بودجه، *فصلنامه تازه‌های اقتصاد*، دوره ۷۲، شماره ۱۳۶، صص ۴۸-۵۰.
- توفیق، فیروز و متین، شهاب (۱۳۹۵). بررسی آثار تحریم‌های نفتی بر رشد بخش‌های اقتصادی ایران با استفاده از الگوی متغیر مختلط داده-ستانده. *فصلنامه اقتصاد دفاع*، دوره ۲، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۳.
- حسونند، داریوش و جلیلی کامجو، سیدپرویز (۱۳۹۸). ارزیابی تأثیر شوک‌های ساختاری بر بی‌ثباتی تولید در اقتصاد ایران، *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۵۷-۸۵.
- حسونند، علی اکبر؛ حسونند، داریوش و نادمی، یونس (۱۳۹۷). تأثیر تحریم‌ها بر صادرات غیرنفتی ایران. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۴، شماره ۶، صص ۶۶۶-۶۸۷.
- حسین پور، عبدالکریم؛ محمودی، نرگس و رضایی، محمد (۱۳۹۶). بررسی بهره‌وری کل عوامل تولید در شرایط تحریم‌های اقتصادی. *فصلنامه اقتصاد دفاع*، دوره ۴، شماره ۲، صص ۵۱-۶۹.
- حسینی، سیدشمس‌الدین (۱۳۹۲). اقتصاد ایران همراه با تحریم با تأکید بر عملکرد سال ۱۳۹۱. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*، دوره ۲، شماره ۱، صص ۵-۲۰.
- حیدری، حسن و رشیدی، مهسا (۱۳۹۸). برآورد تأثیر تغییرات نرخ ارز بر شاخص قیمت تولیدکننده در بخش‌های عمده اقتصاد ایران، *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۱۶۷-۲۰۰.
- دمیری، فاطمه؛ اسلاملوئیان، کریم؛ هادیان، ابراهیم و اکبریان، رضا (۱۳۹۶). تأثیر تکانه نفتی بر تراز تجاری و متغیرهای کلان اقتصاد ایران با استفاده از یک مدل تعدل عمومی پویای تصادفی، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۳۵-۶۰.

- رجایی، حسینعلی؛ جلالی‌اسفندآبادی، سیدعبدالمجید و زاینده‌رودی، محسن (۱۳۹۹): بررسی تاثیر تکانه‌های موقت و دائم نرخ ارز بر شکاف تولید در اقتصاد ایران با استفاده از الگوی خود رگرسیو برداری ساختاری (روش بلانچارد - کوا)، *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۷، شماره ۱۳، ص ۲۵۷-۲۷۹.
- رحمانی، تیمور و سیاه‌پوش، تقی (۱۳۹۸). رابطه بین ضریب فزاینده مخارج دولت و متغیرهای کلان اقتصادی ایران با استفاده از روش SVAR، *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۸، شماره ۳۱، ص ۲۰۱-۲۲۱.
- رضازاده، علی (۱۳۹۵). بررسی تاثیر شوک‌های نفتی بر نرخ ارز در ایران: رهیافت غیرخطی مارکوف-سوئیچینگ، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۲۴، شماره ۷۹، ص ۱۲۳-۱۴۴.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۷). مبانی نظری تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالش‌های نفت ایران، *مجله بررسی مسائل اقتصاد انرژی*، دوره ۱، شماره ۲، ص ۴-۲۳.
- صادقی، عبدالرسول و طیبی، سید کامیل (۱۳۹۶). اثرات تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل تأثیرگذار بر نرخ ارز در ایران، *فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات اقتصادی*، دوره ۳، شماره ۵۲، ص ۶۴۱-۶۶۱.
- طغیان، مهدی؛ حیدری، محمدرضا و باستانی‌فر، ایمان (۱۳۹۲). *مبانی نظری و تاریخچه تحریم در ایران و جهان*، انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- عباسی، مریم؛ موسوی، سیدنعمت‌اله و امینی‌فرد، عباس (۱۳۹۹). بررسی اثرات همزمان شوک‌های تحریم‌های اقتصادی بر بخش‌های مولد اقتصاد ایران. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۹، شماره ۳۴، ص ۲۵۱-۲۷۵.
- عبداللهی‌آرانی، مصعب؛ قاسمی، محمدرضا و صفاکیش، محمد (۱۳۹۶). بررسی تاثیر تکانه‌های سیاست‌های پولی و مالی بر بخش صنعت ایران: دوره ۱۳۹۵-۱۳۸۳ (رهیافت SVAR)، *برنامه‌ریزی و بودجه*، دوره ۲۲، شماره ۱۳۸، ص ۱۰۹-۱۴۰.
- عزتی، مرتضی؛ حیدری، حسن و مریدی، پروین (۱۳۹۹). بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و اشتغال بخش صنعت ایران. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۱، شماره ۸، ص ۳۹-۶۵.
- عزتی، مرتضی و سلمانی، یونس (۱۳۹۳). بررسی آثار مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش خارجی اقتصاد. *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۱۴۹-۱۷۵.
- عظیمی، سارا؛ نیسی، عبدالساده و محمدی، تیمور (۱۳۹۸). بررسی نقش شوک‌های ساختاری بر نوسانات قیمت نفت خام. *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، دوره ۶، شماره ۲۰، ص ۲۴۱-۲۶۴.
- فتحی‌زاده، حسین؛ نونزاد، مسعود؛ حقیقت، علی و امینی‌فرد، عباس (۱۳۹۹). رابطه بین رشد اقتصادی، شدت انرژی و توسعه مالی در بخش‌های اقتصاد ایران، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۱۰، شماره ۴۰، ص ۵۵-۷۶.

- فدایی، مهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۳). تحلیل اثرات کوتاه مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۱۸، ص ۱۱۳-۱۳۲.
- فهیمی‌فرد، سیدمحمد (۱۳۹۹). بررسی آثار ناشی از تحریم‌های اقتصادی بر شاخص‌های زیست محیطی ایران (رهیافت مدل خودرگرسیون برداری ساختاری SVAR)، مدل‌سازی اقتصادسنجی، دوره ۵، شماره ۱۸، ص ۹۳-۱۱۹.
- قلیچ، وهاب و شاکری، عباس (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر چرخه‌های تجاری اقتصاد ایران؛ یک مدل خودرگرسیون برداری ساختاری. پژوهش‌های پولی - بانکی، دوره ۸، شماره ۲۵، ص ۴۵۵-۴۸۰.
- کمالی‌دهکردی، پروانه (۱۳۹۹). تحلیل اثر شوک ارزی، تحریم‌های اقتصادی و قیمت نفت بر بازار مسکن (با بکارگیری الگوی خود رگرسیونی برداری ساختاری SVAR)، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۲۷-۵۶.
- گرشاسبی، علیرضا و یوسفی دیندارلو، مجتبی (۱۳۹۵). بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۱۲۹-۱۸۲.
- مرزبان، حسین و استادزاد، علی حسین (۱۳۹۴). تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم‌یافته تصادفی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۲۰، شماره ۶۳، ص ۳۷-۶۹.
- مطلبی، معصومه؛ عزیزاده، محمد و نظری‌فارسانی، محسن (۱۳۹۸). بررسی رابطه متقابل بین کارآفرینی در بخش صنعت، رشد اقتصادی و اشتغال با استفاده از روش‌های SUR و SVAR، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۲۱۵-۲۴۰.
- مهدوی عادل، محمدحسین؛ قزلباش، اعظم و دانش نیا، محمد (۱۳۹۱). اثر تغییرات قیمت نفت بر متغیرهای عمده کلان اقتصاد ایران. فصلنامه اقتصاد محیط زیست و انرژی، دوره ۱، شماره ۳، ص ۱۳۱-۱۷۰.
- نادمی، یونس؛ جلیلی کامجو، سید پرویز و خوچانی، رامین (۱۳۹۶). مدل‌سازی اقتصادسنجی تاثیر تحریم‌ها بر بازار ارز و مکانیسم انتقال آن به متغیرهای اقتصاد کلان ایران، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی، دوره ۲، شماره ۲، ص ۶۱-۸۷.
- هالستی، کی جی (۱۹۳۵). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- یآوری، کاظم و محسنی، رضا (۱۳۸۹). آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۶۱، صص ۱۰-۵۳.

منابع لاتین

- Afesorbor., S. K. & Renuka., M. (2016). The impact of economic sanctions on income inequality of target states. *World Development*. 83 (2), 1-11
- Ahmadi, Seyed-Rohollah. (2016). The Impact of Sanction on Bilateral Intra-Industry Trade between Iran and SCO Countries. In *Iranian Economic Review (IER), Faculty of Economics, University of Tehran* 20 (3), 277–293.
- Ali., Ghulam. Zaman., Khalid. & Islam., Talat. (2018). Macroeconomic Shocks and Malaysian Tourism Industry: Evidence from a Structural VAR Model. In *Iranian Economic Reveiw* 53 (22), 1113–1137.
- Caruso., R. (2003). The Impact of International Economic Sanctions on Trade: an Emprical Analysys, *Peace Economics, Pease Sience and Public Policy*, 9(2), 112-131.
- Eyler., R. (2007). *Economic Sanctions International Policy and Political Economy at Work*, Palgrave Macmillan.
- Farzanegan., MohammadReza. Mohammadikhabbazan., Mohammad. & Sadeghi., Hossein. (2015). *Effect of Oil Sanctions on the Macroeconomic and Household Welfare in Iran: New Evidence from a CGE Model*. In *MAGKS Papers on Economics 201507*, Philipps-Universität Marburg.
- Gurvich., Evsey. & Prilepskiy., Ilay (2015): The impact of financial sanctions on the Russian economy. In *Russian Journal of Economics* (1), pp. 359–385.
- Hufbauer, G., C., Schott, J., Kimberly Ann Elliot, & Oegg, B. (2007). *Economic Sanctions Reconcidered: History and Current Policy*, 3rd ed, Institute for International Economics, Washington DC.
- Kholodilin, Konstantin A.; Netšunajev, Aleksei (2019): Crimea and punishment: the impact of sanctions on Russian economy and economies of the euro area. *Baltic Journal of Economics* 19 (1), 39–51.
- Maboudian., Eisa. & SeyyedShokri., Khashayar. (2015). Reinvestigation of Oil Price-Stock Market Nexus in Iran: A SVAR Approach. In *Iranian Economic Reveiw* 39 (19),. 81–90.
- Shirazi., Homayoun. Azarbaiejani., Karim. & Sameti., Morteza. (2016). The Effect of Economic Sanctions on Iran's Export. In *Iranian Economic Review* 20 (1), 111–124. DOI: 10.22059/ier.2016.58273.
- Steil., B. & Litan., R. E. (2006). *Financial Statecraft*, New Haven, CT: Yale University Press.
- Sultonov., Mirzosaid .(2020). The Impact of International Sanctions on Russian Financial Markets. In *Economies*, 8 (4), p. 107-121.

بررسی اثر انتشار رمز پول بانک مرکزی بر اقتصاد کلان ایران

حمیدرضا افشار^۱

امیرحسین آقایی میبیدی^۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹

چکیده

طی سالیان اخیر انواع مدرنی از پول‌های الکترونیکی در سرتاسر جهان ظهور و بروز پیدا کرده است. پول‌های جدید کارکردهای متنوعی را در خود دارند که توسعه‌ی این کارکردها، جنبه‌های مختلف کاربردی حاکمیت پول ملی را (بویژه در عرصه مبادلات و سیاستگذاری پولی) تهدید می‌کند. به همین دلیل بانک‌های مرکزی درصدد توسعه‌ی رمزپول‌های برآمدند که هم کارکردهای پول دیجیتال را به همراه داشته باشد و هم حاکمیت پول ملی حفظ شود. بر این اساس، در کشورهای مختلف رمزپول‌های بانک مرکزی (پول دیجیتال بانک مرکزی) به صورت آزمایشی در حال پیاده‌سازی یا مطالعه هستند. در این مطالعه نیز اثر انتشار رمزپول بانک مرکزی بر اقتصاد کلان در ایران با اتکاء به تحلیل داده‌های ناشی از مصاحبه‌ها و پرسش‌نامه‌ها بررسی شده است.

نتایج نشان داد رمزپول بانک مرکزی می‌تواند در بهبود وضعیت متغیرهای اسمی-پولی اقتصاد موثر واقع شود. بهبود کارایی ابزارهای سیاست‌های پولی، بهبود بسترهای سیاستگذاری پولی شامل بازار بین بانکی، بهبود بسترهای انتقال مکانیسم‌های پولی شامل سیستم پرداخت و بهبود اصابت به هدف تامین مالی (بهبود سرمایه‌گذاری) از جمله آثار مثبت انتشار رمزپول بانک مرکزی هستند.

واژگان کلیدی: رمزپول بانک مرکزی، اقتصاد کلان، هزینه مبادله، رشد اقتصادی، پول دیجیتال.

^۱ دانشجوی دکترای مدیریت راهبردی فضای سایبر، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

(h.afshar@sndu.ac.ir)

^۲ کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران. نویسنده مسئول.

(amiraghace653@gmail.com)

۱. مقدمه

امروزه، بانک‌های مرکزی دو نوع پول منتشر می‌کنند. پول در شکل امروزی آن، دو مصداق بارز دارد: ۱. اسکناس و مسکوک فیزیکی و ۲. سپرده‌های الکترونیکی بانک‌های تجاری. پول نقد فیزیکی به طور گسترده در دسترس است و قابلیت‌هایی نظیر پرداخت هم‌تابه‌همتا، ناشناس بودن و... دارد. در مقابل، سپرده‌های الکترونیکی معمولاً تنها برای مؤسسات مالی واجد شرایط، قابل دسترسی است. پول دیجیتال بانک مرکزی نوع جدیدی از پول بانک مرکزی است (بیندسیل، ۲۰۱۹).

بانک مرکزی که منتشرکننده پول دیجیتال بانک مرکزی است، نهاد ناظر آن پول نیز خواهد بود. هر واحد پول دیجیتال بانک مرکزی، معادل دیجیتالی برای یک اسکناس نقد است. رمزپول بانک مرکزی می‌تواند به یک کل پولی جدید در ادبیات اقتصادی تبدیل شود، و در کنار اسکناس و مسکوک فیزیکی (قابل دسترسی برای عموم) و ذخایر بانک مرکزی (قابل دسترسی برای مؤسسات مالی) پول بانک مرکزی (عموم و مؤسسات مالی) باشد.

اما سؤال مهم این است که با وجود اینکه در اقتصادهای امروزی که مردم عمدتاً از حساب‌های بانکی استفاده می‌کنند، آیا این پول را نمی‌توان «دیجیتال» نامید؟ با اینکه سپرده‌هایی بانک‌های تجاری به شکل دیجیتال هستند و می‌توانند با استفاده از کارت‌های اعتباری و برنامه‌های پرداخت تلفن همراه به صورت الکترونیکی جابجا شوند اما نمی‌توان آن‌ها را پول دیجیتال نامید. این شکل از پول، تحت مسئولیت بانک‌های خصوصی است و به یک حساب بانکی متصل می‌باشد و در هر تراکنش آن حداقل یک واسطه بانکی در آن نقش دارد؛ حال آنکه رمزپول بانک مرکزی زیر نظر دولت و حاکمیت پولی می‌باشد (مانند پول نقد)، به این معنی که بانک مرکزی باید از آن پشتیبانی کند و مزایای پول نقد نظیر پرداخت هم‌تابه‌همتا و بدون واسطه و یا ناشناس بودن و حریم خصوصی را هم دربر گیرد. پول دیجیتال بانک مرکزی نه تنها زیرساخت‌های پرداخت مطمئن و کارآمد را فراهم می‌آورد، بلکه نوآوری دیجیتالی را نیز تقویت می‌کند (بوردولین، ۲۰۱۷).

بیشتر مطالعات و همچنین تبادلات در زمینه‌ی پول‌های دیجیتالی در بخش خرد انجام گرفته است. رمزپول‌های تسلط بانک‌ها را در بازارها کاهش می‌دهد، این امر باعث شده تا بانک‌ها به مخالفت با این پول‌ها پرداخته و شرکت‌هایی که با این پول‌ها کار می‌کنند را کنار بگذارند. با توجه به این امر شرکت‌ها به سمت استفاده از فناوری بلاکچین رفتند، بلاکچین با رمزپول متفاوت است، رمزپول از فناوری بلاکچین استفاده می‌کند. بلاکچین دارای اعضای هست که هر کدام وظایفی دارند که وفای و عملیات جمعی آن‌ها فناوری بلاکچین را ایجاد می‌کند. بلاکچین به صورت غیر متمرکز توزیع شده است (ایمانی پور و سلطانی نژاد، ۱۳۹۶). در سالیان اخیر نوآوری در خدمات پرداخت شتاب بیشتری پیدا کرده است. نوآوری‌های پرداخت هم توسط بانک‌ها، که توسط بانک مرکزی پشتیبانی می‌شوند، و هم در قالب رمزپول‌ها که توسط نهاد خاصی پشتیبانی نمی‌شوند (بنیاک، ۲۰۱۹)، با سرعت زیادی در حال رشد است. رمزپول‌ها از مزیت بهره بردن از فناوری

1 Central Bank Digital Currency

2 Bordo & Levin

3 Beniak

بلاکچین برخوردارند که یک برتری نسبی را برای آن‌ها در حوزه فناوری نسبت به سپرده‌های بانکی ایجاد می‌کند و در عین حال پاشنه آشیل آن‌ها نوسانات بیش از حد آن‌هاست. این امر منجر به توسعه رمزپول‌های باثبات^۱ شد که به یک ارز جهان روا یا چندین ارز و یا به یک دارایی ارزشمند، میخکوب شده بودند (بانک تصویب بین‌المللی^۲، ۲۰۱۹). اما رمزپول‌های باثبات به عنوان تهدیدی برای حاکمیت پولی و ثبات مالی تلقی می‌شوند، چرا که رواج آن‌ها به عنوان ابزار پرداخت ممکن است فرآیند «دلاریزه شدن دیجیتال» و از بین رفتن واسطه‌گری مالی بانک‌ها را تسریع کند. علاوه بر این و مهم‌تر این که با افزایش محبوبیت رمزپول‌های باثبات ممکن است عملکرد سیستم پرداخت فعلی دچار مشکل شود (بنیاک، ۲۰۱۹).

برای جلوگیری از ایجاد بحران در حاکمیت پولی و اختلال در سیستم‌های پرداخت، بانک‌های مرکزی در صد انت‌شار پول دیجیتال خود شان برآمده‌اند. پژوهشی که به تازگی انجام شده حاکی از آن است که ۸۰ درصد بانک‌های مرکزی در حال تحقیق و بررسی روی رمزپول بانک مرکزی هستند و نیمی از آن‌ها نیز از مرحله تحقیق به مراحل اجرای آزمایشی و عملیاتی رسیده‌اند. مقامات صندوق بین‌المللی پول^۳ در بیانیه‌ای عمومی این گونه جمع‌بندی می‌کنند که: «رمزپول بانک مرکزی می‌تواند نقطه عطف بعدی در مراحل تکامل پول باشد» (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۰). رمزپول‌ها در ابتدا که وارد بازارهای مالی شده‌اند با نوسانات شدیدی همراه بودند. این نوسانات باعث شده افراد از این ابزار سرمایه‌ای استفاده نکنند. به مرور زمان این نوسانات کمتر و کمتر شده اما هنوز به صورت محسوس وجود دارد. بسیاری از اقتصاددانان دلیل اصلی این اتفاق را کافی نبودن نقدینگی در این بازار و عدم وجود سرمایه‌گذاری بلند مدت بر روی ارزهای دیجیتالی می‌دانند. با توجه به این امر با بیشتر شدن این نوسانات نرخ تبدیل پول‌های رایج به رمزپول‌ها کمتر شده است. ویژگی‌های رمزپول‌ها با یک دارایی مطمئن هماهنگ نخواهد شد، و همین امر باعث می‌شود تا نسبت به آینده این ارز هیچگونه نظر قطعی وجود نداشته باشد و همین امر عدم ثبات اقتصادی را به همراه خواهد داشت (بلک و برتا^۴، ۲۰۱۹).

با توجه به اینکه رمزپول‌ها مرزهای جغرافیایی را کنار گذاشته است، این اتفاق می‌تواند تضعیف جایگاه بانک مرکزی در سیاستگذاری پولی و حاکمیت ریال را بدنبال داشته باشد. همچنین مساله خروج سرمایه، پولشویی و استخراج رمزپول‌ها در داخل کشور با اتکا به قیمت پایین حامل‌های انرژی، باعث تهدید شبکه انرژی کشور شده است. ضمن آنکه، تجهیزات مربوط به استخراج رمزپول‌ها نیازمند واردات است و واردات نیز نیازمند تامین ارز می‌باشد. حال آنکه کشور از منظر دسترسی به منابع ارزی خود به خاطر تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده آمریکا در تنگنا است. ضمن آنکه، رواج رمزپول‌های خصوصی و خارجی در داخل کشور جریان اقتصاد کلان را در امر سرمایه‌گذاری، مصرف، تولید و تجارت به نحوی هدایت کند که اقتصاد ملی تضعیف شود. با توجه به چنین مواردی، بسیاری از محققان برای جلوگیری از این اتفاقات پیشنهاد کرده‌اند که رمزپول‌های

¹ Stablecoins

² BIS

³ IMF

⁴ Belke & Beretta

بانک مرکزی ایجاد شود (وارد و روچمونت^۱، ۲۰۱۹). مساله اساسی در ارتباط با رمزپول بانک مرکزی در کشورها از جمله ایران، اثرات انتشار آن بر اقتصاد کلان است؟ آیا انتشار رمزپول بانک مرکزی به صورت عمده با کوتاه کردن مسیر تاثیرگذاری سیاست پولی بر متغیرهای بخش واقعی اقتصاد، کارایی سیاست‌های پولی را بهبود خواهد داد؟ آیا کاهش هزینه مبادله که کارکرد اصلی پول‌های رایج است، با انتشار رمزپول بانک مرکزی به صورت عمده بیشتر خواهد داد؟ آیا دسترسی نهادهای اقتصادی به منابع مالی با انتشار رمزپول بانک مرکزی‌ها تسهیل خواهد شد و در نتیجه‌ی آن سرمایه‌گذاری در اقتصاد افزایش خواهد یافت؟ آیا با انتشار رمزپول بانک مرکزی، دسترسی خانوارها به منابع مالی بیشتر خواهد شد و آنها به همین دلیل مصرف خود را افزایش خواهند داد؟ آیا تجارت و مبادلات بین‌المللی صادرکنندگان و واردکنندگان با انتشار رمزپول بانک مرکزی، تسهیل خواهد شد؟ اینها همگی مسائلی هستند که در این مطالعه پاسخ داده خواهد شد. در ارتباط با رمزپول بانک مرکزی برخی از اقتصاددانان قائل به استفاده از این ظرفیت جدید هستند اما برخی دیگر از اثرات احتمالی و ناشناخته‌ی این نوع پول بر اقتصاد کلان ابراز نگرانی می‌کنند. این مطالعه با پاسخ به سوالات مرتبط با فضای اقتصاد کلان به تبیین دقیق مساله و روشن شدن وجوه مختلف آن کمک شایانی خواهد کرد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

برای فهم بهتر از این مفهوم و شناخت تفاوت‌های آن با دیگر انواع پول، مدلی در ادبیات بانکی تحت عنوان مدل «گل پول^۲» در حال توسعه است. رویکرد گل پول، سعی در تقسیم‌بندی شفاف حوزه پولی و ارزی با چهار شاخص دارد:

الف) همتابه‌ممتا بودن^۳: این مفهوم اشاره به این موضوع دارد که مالک دارایی، به صورت فردبه‌فرد و بدون حضور واسط می‌تواند از دارایی خود در پرداخت و سرمایه‌گذاری استفاده کند. بدین صورت که کاربران به طور مستقیم بدون اینکه شخص ثالثی را واسطه قرار دهند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

ب) دسترسی گسترده^۴: این مفهوم به میزان و دامنه دسترسی اشاره دارد و در دسترس عموم بودن و یا به صورت محدود در دسترس جامعه‌ای مشخص بودن پول را بررسی می‌کند. به‌عنوان مثال، پول نقد از دسترسی گسترده‌ای برخوردار است؛ در مقابل ذخایر بانک مرکزی که فقط در اختیار بانک‌ها و مؤسسات تجاری می‌باشد.

ج) دیجیتالی بودن: سپرده‌های بانکی برخلاف پول‌های سنتی متعارف مانند طلا و نقره، ماهیت فیزیکی ندارند و تنها در بستر و محیط مجازی و دیجیتالی معنا پیدا می‌کنند. این معیار به شکل پول اشاره دارد؛ به عبارت

¹ Ward & Rochemont

² The money flower

³ Peer-to-Peer

⁴ Widely Accessible

بهتر، اینکه شکل پول در قالب الکترونیکی باشد و یا اینکه به صورت فیزیکی منتشر شود. در خصوص رمپول‌ها واضح است که این پول به شکل دیجیتالی می‌باشد.

(د) منتشر شده توسط بانک مرکزی: به طور معمول در نظام‌های اقتصادی، بانک مرکزی به عنوان عامل منتشرکننده پول شناخته می‌شود. با ظهور رمپول‌ها این مسئله از انحصار بانک‌های مرکزی خارج شده است. چگونگی انتشار پول یکی از معیارهای بانک تسویه بین‌المللی است. به عنوان مثال، می‌توان به یوان دیجیتال که توسط بانک مرکزی چین ایجاد شده است، اشاره کرد. از سوی دیگر، رمپولی مانند بیت‌کوین به عنوان اولین رمپول متن باز و هم‌تابه‌همتا توسط اشخاص یا گروهی از برنامه‌نویسان ناشناس مستقل با عنوان ساتوشی ناکاموتو در سال ۲۰۰۹ میلادی ایجاد و منتشر شد و هیچ نهاد رسمی در انتشار آن نقش نداشت. بنابراین در این معیار، ماهیت انتشاردهنده پول مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پول‌های دیجیتال بانک مرکزی، واکنشی در برابر محبوبیت روزافزون رمپول‌ها هستند که در محدوده نظارت نهاد‌های ناظر قرار نمی‌گیرند. در نتیجه پول‌های دیجیتال بانک مرکزی تلاش دارند در زمینه سهولت و امنیت، از رمپول‌ها پیشی بگیرند و از مزایای آن‌ها، از جمله کاهش هزینه‌های تراکنش‌های داخلی و بین‌المللی، شفافیت و... بهره‌مند شوند (بیج و گارات، ۲۰۱۷).

در پی توسعه بیت‌کوین، رمپول‌های خصوصی مختلفی توسعه یافتند. این رمپول‌ها حاکمیت پولی کشورها را به شکل جدی تهدید می‌کنند. بر این اساس، بانک‌های مرکزی درصدد طراحی و پیاده‌سازی رمپول بانک مرکزی برآمده‌اند. آنچه رمپول بانک مرکزی را از ارزش‌های سنتی متمایز می‌کند این است که طرفداران آن امیدوارند که پول دیجیتال بانک مرکزی بتواند با بهره‌گیری از فن‌آوری جدید پرداخت، مخصوصاً تکنولوژی بلاکچین، در جهت افزایش کارایی پرداخت و کاهش هزینه‌ها و کارمزدها گام بردارد. رمپول‌های بانک مرکزی هنوز در مراحل اولیه توسعه خود هستند. اکثر کشورها هنوز در حال بررسی این ایده هستند مانند شکل دلار دیجیتال ایالات متحده آمریکا. در حال حاضر چند کشور بلند پرواز، از جمله چین با یوان دیجیتال و کره جنوبی، نسخه دمو خود را به پایان رسانده‌اند و در حال اجرای آزمایشی این فناوری هستند. اما رمپول بانک مرکزی هنوز در مقیاس وسیعی به کار گرفته نشده است (شن و هو، ۲۰۲۱).

تقریباً هر کشوری که در حال تحقیق و توسعه رمپول بانک مرکزی خود است و روش و رویکرد خاص خود را دارد. بسیاری از این رمپول‌های مبتنی بر بانک مرکزی بر اساس همان اصول کلی و فناوری بلاکچین که شالوده و زیربنای رمپول بیت‌کوین را تشکیل می‌دهند، ساخته شده‌اند. فناوری بلاکچین به بسیاری از نهاد‌های مختلف امکان می‌دهد که یک نسخه از سابقه تراکنش‌ها و معاملات را در اختیار داشته باشند تا تاریخچه معاملات به جای کنترل شدن توسط یک واحد متمرکز، توزیع گردد. به هر حال چندین کشور در حال آزمایش رمپول بانک مرکزی مبتنی بر بلاکچین هستند. ونزوئلا از این نظر پیشگام بود و رمپول خود با نام پتروآرا در سال ۲۰۱۸ راه‌اندازی کرد. با این حال، پترو با مشکلات زیادی روبرو است و تعداد بسیار کمی از مردم ونزوئلا واقعا از آن استفاده می‌کنند. علاوه بر ونزوئلا، دولت چین احتمالاً در ایجاد رمپول بانک

مرکزی از همه جلوتر است. این کشور هم‌اکنون در حال آزمایش یوان دیجیتال در چندین شهر است. امریکا نیز وارد این حوزه شده و بانک فدرال رزرو بو ستون در حال همکاری با موسسه معتبر فناوری ما ساچو ست برای آزمایش رمزپول دلار نیز هست (آیسان، سدريو و توپوز^۱، ۲۰۲۰). در یک نظر سنجی که در ژانویه سال ۲۰۲۰ منتشر شد، بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، هماهنگ کننده بانک مرکزی بین‌المللی، از ۶۶ بانک مرکزی سوال کرد که آیا آنها روی رمزپول بانک مرکزی کار می‌کنند یا خیر. ۸۰ درصد از بانک‌های مرکزی گفتند که در حال بررسی این ایده هستند، در حالی که ۱۰ درصد به راه اندازی پول دیجیتال بانک مرکزی برای عموم مردم نزدیک هستند (هافمن و دیگران^۲، ۲۰۲۰: ۶).

رمزپول بانک مرکزی «شکلی دیجیتالی از پول بانک مرکزی است که با ذخایر یا پول نقد رایج متفاوت است» (کمپته زیرساخت‌های بازار و پرداخت، ۲۰۱۸). این نوع از پول در واقع یک ابزار پرداخت دیجیتال است که بر حسب واحد شمارش پول ملی بیان می‌شود و نوعی بدهی مستقیم بانک مرکزی است. در حال حاضر بانک‌های مرکزی دو نوع پول را منتشر می‌کنند و زیرساخت لازم برای پشتیبانی از نوع سومی از پول را فراهم کرده‌اند. پول فیزیکی و سپرده‌های الکترونیکی بانک مرکزی، که با عنوان ذخایر نیز شناخته می‌شوند، توسط بانک مرکزی منتشر می‌شوند و نوع سوم پول که همان پول خصوصی، یا سپرده‌های الکترونیکی بانک‌های تجاری است، توسط بانک مرکزی پشتیبانی می‌شود (شیرای^۳، ۲۰۱۹).

رمزپول بانک مرکزی انواع مختلفی دارد. اما در یک تقسیم بندی کلی به دو شکل می‌تواند وجود داشته باشد. اولین شکل آن از طریق حساب‌های بانک مرکزی است که مالکیتش وابسته به احراز هویت است یا از طریق توکن‌های دیجیتال شبه نقد که تملک آن منوط به «نگه داری» توکن است. همچنین می‌تواند به دو صورت عمده^۴ یا جزئی^۵ توسط عموم مردم مورد استفاده قرار گیرد (گریم و دیگران^۶، ۲۰۱۷). در بسیاری از طرح‌های مرتبط رمزپول بانک مرکزی، بانک مرکزی توکن‌های دیجیتالی را صادر می‌کند که روی یک دفتر کل توزیع شده قرار دارد و ذخایر بانک مرکزی که به صورت پول داخلی در یک حساب جداگانه نگهداری می‌شوند را نمایندگی (و با خرید) می‌کند. کار شناسان موجود در سیستم از رمزپول بانک مرکزی برای انجام انتقالات بین‌بانکی که روی دفتر کل توزیع شده تایید و تسویه می‌شوند، استفاده می‌کنند (بونچاود^۷ و دیگران، ۲۰۲۰). ممکن است که طراحی‌های متفاوت رمزپول بانک مرکزی تفاوت‌هایی را در سازوکارهای اجرایی و چگونگی تعامل بخش‌های خصوصی و عمومی با یکدیگر برای انجام پرداخت‌ها ایجاد کند، اما تسویه مستقیم از طریق پول بانک مرکزی ویژگی مشترک تمامی طراحی‌های متفاوت پول دیجیتال بانک مرکزی است (بورودو و لوین^۸، ۲۰۱۷). تفاوت اصلی و متمایز کننده سیستم فعلی پرداخت با سیستم پرداخت رمزپول بانک مرکزی را

1 Aysan, Sadriu & Topuz

2 Hoffman & et.al

3 Shirai

4 wholesale

5 retail

6 Grym et.al

7 Bouchaud et.al

8 Bordo & Levin

نیز می‌توان در همین دانست که رمزیپول بانک مرکزی نوعی بدهی بانک مرکزی است که ویژگی‌های منحصر به فرد پول بانک مرکزی را به افراد ارائه می‌دهد.

رواج گسترده پولی که بر حسب پول رایج حکومت نیست، می‌تواند اثرات سیاست پولی را محدود سازد و یا توانایی حاکمیت برای برقراری ثبات مالی را تحت تأثیر قرار دهد. ریسک رواج رمزیپول‌های باثبات^۱، «رمزیپول‌ها^۲» و رمزیپول بانک‌های مرکزی این است که کاربران داخلی به طور گسترده و در حجم زیاد از این پول‌ها استفاده کنند و به تبع آن استفاده از پول حاکمیتی داخلی رو به کاهش بگذارد. در حالت بدبینانه ممکن است شاهد یک «دلاریزه شدن دیجیتال» باشیم که طی آن پول ملی با ارزش دیگری جایگزین می‌شود و بانک مرکزی به تدریج کنترل متغیرهای پولی را از دست می‌دهد (برانریمیر جیمز و لاندائو^۳، ۲۰۱۹). بانک مرکزی می‌تواند با معرفی فعالانه رمزیپول بانک مرکزی مربوط به خودش این ریسک را تا حدی کاهش دهد (گزارش بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، ۲۰۲۰). در صورتی که رمزیپول بانک مرکزی منتشر شده توسط بانک مرکزی بجای توکن محور^۴، حساب محور^۵ باشد، تمامی تراکنش‌های انجام شده از طریق رمزیپول بانک مرکزی توسط بانک مرکزی قابل رصد است که ابزار نظارتی کارآمدی را در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهد. در سیستم حساب محور، حساب‌های افراد نزد بانک مرکزی نگهداری می‌شود و به تبع هر مبادله‌ای توسط افراد موجب تغییری در ترازنامه بانک مرکزی خواهد شد (پاتریشیا، ۲۰۱۹). اما در سیستم توکن محور، رمزیپول بانک مرکزی به شکل یک توکن دیجیتال طراحی می‌شود که رابطه ترازنامه‌ای با بانک مرکزی ندارد (گزارش صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۰). در حالت طراحی رمزیپول بانک مرکزی مبتنی بر حساب (بانکی)، اشخاص و بنگاه‌ها می‌توانند وجوه خود را در حساب رمزیپول بانک مرکزی نزد بانک مرکزی یا نهادهای سپرده‌گذار تحت نظارت (بانک مرکزی)، قرار دهند. براساس این رویکرد، بانک مرکزی هر تراکنش پرداخت را به وسیله بدهکار کردن حساب رمزیپول بانک مرکزی خود و ایجاد اعتبار برای افراد در حساب سپرده رمزیپول بانک مرکزی برای آن شخص ایجاد می‌کند (بورردو و لوین، ۲۰۱۷). مزیت سیستم مبتنی بر حساب آن است که پرداخت‌های رمزیپول بانک مرکزی می‌تواند بلافاصله (به صورت فوری) و بدون هزینه انجام می‌پذیرد. یقیناً در حین ایجاد (اولیه) هر حساب رمزیپول بانک مرکزی، هویت دارنده حساب نیاز به احراز از طریق فرآیندی مانند آنچه هنگام افتتاح حساب در بانک‌های تجاری صورت می‌گیرد، دارد. بر همین اساس تراکنش‌های پرداخت به سرعت و با حفظ امنیت لازم انجام می‌گیرد و بانک مرکزی می‌تواند هرگونه فعالیت غیرمعمول را نظارت و اقدامات ضد تقلب^۶ را برای افزایش امنیت سیستم انجام دهد (دایسون و هادسون^۷، ۲۰۱۷).

۱ Stablecoins: رمزیپول‌هایی هستند که به یک رمزارز دیگر، پول اعتباری یا کالاهای قابل مبادله (مثل فلزات گرانبها یا فلزات صنعتی)

می‌خکوب شده‌اند.

2 Cryptocurrencies

3 Brunnermeier, James, & Landau

4 Token based

5 Account based

6 Anti-fraud

7 Dyson, & Hodgson

کمیته زیرساخت‌های بازار و پرداخت^۱ (۲۰۱۸) یکی از ویژگی‌های پنجگانه کلیدی یک رمزیول بانک مرکزی را «بهره دار بودن» تلقی می‌کند. از لحاظ نظری یک رمزیول بانک مرکزی دارای بهره می‌تواند تغییرات نرخ‌های سیاستی بانک مرکزی را بی‌درنگ به دارندگان رمزیول بانک مرکزی منتقل کند (که احتمالاً برای بانک‌ها نیز نرخ‌ها را سریع‌تر منتقل کند). اما فارغ از مباحث نظری چالش‌ها و ریسک‌هایی نیز وجود دارد. یک رمزیول بانک مرکزی برای آن که نرخ‌های سیاستی را به طور کارا منتقل کند، باید دارای نرخ‌های بهره رقابتی باشد و نیز مقادیر بالایی از آن توسط عموم نگه داری شود. تحقق این ویژگی‌ها برای رمزیول بانک مرکزی از آنجا که آن را شبیه به سپرده‌های بانکی می‌کند، می‌تواند ریسک‌های ثبات مالی را به واسطه از بین بردن واسطه گری بانک‌ها و نیز نوسان بیشتر جریان وجوه تشدید نماید. یک کارکرد دیگر رمزیول بانک مرکزی از منظر سیاستگذاری پولی می‌تواند استفاده از آن برای تحریک تقاضای کل از طریق پرداخت‌های انتقالی مستقیم به عموم مردم (موسوم به توزیع هلیکوپتری^۲) باشد. علاوه بر این می‌توان از طریق رمزیول بانک مرکزی نوعی «سیاستگذاری پولی قابل برنامه ریزی» (مثلاً پرداخت‌های مشروط به هزینه روی کالاها یا معین یا پرداخت‌های انتقالی دارای «تاریخ انقضا») انجام داد. اما یک چالش اساسی برای انجام این پرداخت‌ها شنا سایی دریافت کنندگان وجوه و حساب‌های آن‌هاست. در مجموع گزارش مرجع بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی (۲۰۲۰) این گونه جمع‌بندی می‌کند که تسهیل در سیاست پولی انگیزه اصلی انتشار رمزیول بانک مرکزی نخواهد بود.

اثرات رمزیول بانک مرکزی بر اقتصاد کلان بستگی به نحوه عملکرد بانک مرکزی دارد. بانک مرکزی با انتشار رمزیول بانک مرکزی وجوهی را به دست می‌آورد (با فرض عدم کاهش دیگر بدهی‌های ترازنامه). از نظر حسابداری این وجوه در جایی سرمایه‌گذاری می‌شود (با این فرض که بانک مرکزی به صورت رایگان ارزیابی هلیکوپتری انجام ندهد). بانک مرکزی با انتقال این وجوه به بخش بانکی این امکان را دارد که ترازنامه‌های بانک را عایق بندی^۳ کند، حتی اگر خانوارها و بنگاه‌ها سپرده‌های بانکی را به رمزیول بانک مرکزی تبدیل کنند. در واقع بانک مرکزی با این کار می‌تواند نه تنها از بانک‌ها بلکه از کل اقتصاد محافظت کند. بنابراین در صورتی که بانک مرکزی به این گونه عمل کند، رمزیول بانک مرکزی اثر چندانی بر اقتصاد کلان نخواهد گذاشت. بر اساس مطالعه ای که باردیر و کاموف (۲۰۱۶) انجام داده اند، انتشار رمزیول بانک مرکزی می‌تواند تولید ناخالص داخلی را به اندازه ۳ درصد افزایش دهد که عمده این افزایش حاصل کاهش نرخ بهره ناشی از انتشار پول دیجیتال بانک مرکزی خواهد بود. داوود الحسینی (۲۰۲۱) اثرات رفاهی انتشار رمزیول بانک مرکزی را در دو کشور کانادا و ایالات متحده بررسی کرده است، طبق برآورد او با انتشار پول دیجیتال بانک مرکزی و جایگزین کردن آن به جای پول نقد، مصرف در کانادا معادل ۰/۱۵ درصد و در آمریکا ۰/۳۴ درصد در مقایسه با حالت فعلی که پول نقد به عنوان پول بانک مرکزی در جریان است، افزایش خواهد یافت. انتشار رمزیول بانک مرکزی می‌تواند هزینه‌های مبادلاتی پول را کاهش دهد. ۹۵ درصد پول

1 The Committee on Payments and Market Infrastructures

2 Helicopter Drops

3 Sterilize

مدرن فعلی را سپرده‌های بانکی تشکیل می‌دهد که استفاده از آن نسبت به رمزی پول بانک مرکزی هزینه‌های بسیار بالاتری را دارد. رمزی پول بانک مرکزی این هزینه‌های مبادلاتی پول را به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد (باردیر و کاموف، ۲۰۱۹). تشکیل سرمایه از عناصر اصلی رشد اقتصادی است. متغیر نرخ بهره یکی از مهمترین ابزارهای کارآمد در امر سیاستگذاری در تشکیل سرمایه و اقتصاد کلان می‌باشد (احسانی و خطیبی، ۱۳۹۱). از آنجا که انتشار رمزی پول بانک مرکزی می‌تواند نرخ بهره‌ی اسمی و حقیقی بانکی را متاثر کند عملاً از این طریق امکان دارد بتواند روند سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تغییر دهد.

انتشار رمزی پول بانک مرکزی می‌تواند سپرده‌های بانکی و نیز سیستم مالی متمرکز را نیز متاثر کند. در این مورد نگرانی‌هایی چون کاهش سرمایه‌گذاری ناشی از تنگنای اعتباری بانک‌ها در نتیجه تبدیل سپرده‌های بانکی به رمزی پول بانک مرکزی، کاهش سودآوری بانک‌ها و ریسک هجوم بانکی وجود دارد (برانمیر و نیپلت، ۲۰۱۹). بسته به نوع طراحی و اختیار کردن یک رمزی پول بانک مرکزی، ممکن است ساختار بازار مالی به صورت گسترده‌ای متاثر شود. یک ریسک محتمل از بین رفتن کارکرد واسطه‌گری بانک‌ها یا هجوم‌های بی‌ثبات‌کننده به پول بانک مرکزی است که ثبات مالی را در معرض خطر قرار می‌دهد. در صورتی که بانک‌ها سپرده‌هایشان را به خاطر تمایل عموم مردم به تبدیل سپرده‌ها به رمزی پول بانک مرکزی از دست بدهند و در نتیجه آن در طول زمان بیشتر و بیشتر به تجهیز منابع کلان، از طریق بازار بین بانکی و بانک مرکزی، وابسته شوند، محتملاً عرضه اعتبارات در اقتصاد کاهش خواهد یافت و اثرات مخربی بر روی اقتصاد خواهد گذاشت (بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، ۲۰۲۰). در واقع همچنان که بانک‌های مرکزی بیشتری در صدد معرفی و انتشار پول‌های دیجیتال بر می‌آیند، نگرانی در مورد «از بین رفتن واسطه‌گری بانک‌ها» نیز افزایش می‌یابد. با این که انتشار رمزی پول بانک مرکزی می‌تواند سودآوری بانک‌ها را کاهش دهد، اما بانک‌های مرکزی با انتشار این نوع پول در صدد خارج کردن بانک‌ها از عرصه سیستم مالی نیستند و حتی در صورت پرداخت بهره بر روی آن‌ها نیز بانک‌ها را از عرصه خارج نمی‌کنند. پرداخت یا عدم پرداخت بهره بر روی رمزی پول بانک مرکزی‌ها تصمیمی مهم است که می‌تواند اثر به‌سزایی در حجم نهایی رمزی پول بانک مرکزی‌های منتشر شده داشته باشد. در واقع انتخاب بین بهره دادن به رمزی پول بانک مرکزی و اثر منفی بالقوه آن بر ثبات مالی یکی از چالش‌های پیش روی بانک مرکزی است. اعطای نرخ بهره به بانک مرکزی کمک می‌کند تا کنترل بهتری بر تقاضای رمزی پول بانک مرکزی داشته باشد و سازوکار انتقال تصمیمات سیاستی در مورد نرخ بهره را توسط بانک مرکزی تسهیل می‌کند. اما در عین حال با شبیه شدن پول دیجیتال بانک مرکزی به «سپرده» در نتیجه وضع نرخ بهره بر رمزی پول بانک مرکزی ریسک از بین رفتن واسطه‌گری سپرده‌پذیران فعلی و هجوم بانکی بالا می‌رود (بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، ۲۰۲۰). معرفی رمزی پول بانک‌های مرکزی احتمالاً منجر به این می‌شود که خانوارها و بنگاه‌ها بخشی از سپرده‌های بانکی خود را به پول دیجیتال تبدیل کنند. اما این لزوماً به معنای کاهش منابع بانکی نیست. اگر یک سپرده‌گذار وجوه خود را

از بانک به بانک مرکزی منتقل کند، به صورت خودکار بانک مرکزی تأمین مالی مجددی^۱ را برای بانک‌های تجاری انجام می‌دهد. در واقع وام دهی بانک مرکزی به بانک تجاری «پشتوانه» پول دیجیتال جدید بانک مرکزی خواهد بود. در صورتی که بانک مرکزی تصمیم به سرمایه‌گذاری مستقیم منابع حاصل از انتشار رمپول بانک مرکزی نگیرد (که منطق اقتصادی نیز اقتضا می‌کند که بانک‌های خصوصی توانایی اعتبارسنجی و نظارت بهتر بر پروژه‌ها را نسبت به بانک مرکزی دارند)، منابع تجهیز شده به ترازنامه بانک‌های تجاری منتقل می‌شوند و وضعیت عمومی بانک‌ها بدون تغییر باقی می‌ماند و فرآیند مذکور اثر سوئی بر وضعیت بانک‌ها باقی نمی‌گذارد (برانر میر و نیپلت، ۲۰۱۹).

۲-۲. پیشینه پژوهش

باردیر و کومهوف^۲ (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان اقتصاد کلان انتشار پول دیجیتال بانک مرکزی به بررسی ارز دیجیتال از منظر اقتصاد کلان پرداخته است. در این تحقیق با مندرج کردن اطلاعات قبل از بحران آمریکا با مدلسازی تعادل عمومی پویا انجام گرفته است. یافته‌های این مدل سازی نشان می‌دهد با انتشار ۳۰ درصد از تولید ناخالص ملی به صورت رمپول بجای اوراق قرضه، به طور دائم ۳ درصد به تولید ناخالص داخلی اضافه شده است که دلیل آن کاهش نرخ بهره، تخلف مالیاتی و هزینه مبادله پول است. مقدار قیمت و قانون ضد سیکل پول دیجیتال بانک مرکزی، به عنوان یکی از ابزارهای ثانویه سیاست‌های پولی، ممکن است توانایی بانک مرکزی در ایجاد ثبات چرخه کسب و کار را بهبود بخشد.

پارناوان و ریانتین^۳ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان تاثیر پول دیجیتال بانک مرکزی بر طراحی سیاست‌های پولی در این تحقیق با مطالعه بررسی‌هایی که در کشورهای مختلف انجام شده مجموعه‌ای از برخی معیارها پیدا شد. بسیاری از بانک‌های مرکزی عملیات پژوهشی را قبل از انتشار پول دیجیتال انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد پول دیجیتال بانک مرکزی یک ابزار پولی است، این ابزار شمول مالی را بهبود می‌دهد و همچنین باعث پیشرفت بالقوه در تاثیر گذاری سیاست‌های پولی خواهد شد.

باردیر و کاموف (۲۰۱۹) در مطالعه خود بیان کردند که انتشار رمپول بانک مرکزی هزینه‌های مبادلاتی پول را کاهش می‌دهد. ۹۵ درصد پول مدرن فعلی را سپرده‌های بانکی تشکیل می‌دهد که استفاده از آن نسبت به رمپول بانک مرکزی هزینه‌های بسیار بالاتری را دارد. رمپول بانک مرکزی این هزینه‌های مبادلاتی پول را به شکل قابل توجهی کاهش می‌دهد.

مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۹) اخیراً مطالعه‌ای را با موضوع فناوری بلاکچین در بانک‌های مرکزی جهان منتشر کرده است و در این مطالعه به بیان کاربردهای این فناوری پرداخته است. یکی از کاربردهای مهم بلاکچین در بانک‌های مرکزی تحت عنوان پول دیجیتال بانک مرکزی (رمپول بانک مرکزی) است که در مطالعه مجمع جهانی اقتصاد به بررسی و آزمایش این مفهوم پرداخته شده است. پروژه‌ای که بیش از ۴۰

1 Refinance

2 Kumhof & Barrdear

3 Purnawan & Riyanti

بانک مرکزی دنیا به آن مشغول هستند. ۱۰ کاربرد مهم بلاکچین و انتشار رمزیول بانک مرکزی بر مبنای این تکنولوژی برای بانک مرکزی شامل موارد پیش رو می‌باشند: جهت تراکنش‌های خرد، جهت تبادلات کلان مالی، تسویه اوراق بهادار بین بانکی، افزایش پایداری و تاب آوری سیستم‌های پرداخت در برابر حملات سایبری، مدیریت صدور و چرخه حیات اوراق قرضه، شناخت مشتری^۱ و مبارزه با پولشویی^۲، تبادل اطلاعات و اشتراک گذاری داده، تامین مالی تجارت، مدیریت زنجیره تامین پول نقد، تامین شناسه اعتبار^۳. در این گزارش همچنین بیان شده که توسعه رمزیول‌های بانک مرکزی در اقتصادهای نوظهور از کارایی بیشتری برخوردار است. با توجه به اینکه سیستم‌های پرداخت در این کشورها از کارایی لازم برخوردار نیستند، این نوع رمزیول‌ها کمک بیشتری را به این اقتصادها می‌کند.

بانک تسویه بین‌المللی (۲۰۲۰) در گزارش خود بیان می‌کند، همچنان که بانک‌های مرکزی بیشتری در صدد معرفی و انتشار پول‌های دیجیتال بر می‌آیند، نگرانی در مورد «از بین رفتن واسطه‌گری بانک‌ها» نیز افزایش می‌یابد. با این که انتشار رمزیول بانک‌های مرکزی می‌تواند سودآوری بانک‌ها را کاهش دهد، اما بانک‌های مرکزی با انتشار این نوع پول در صدد خارج کردن بانک‌ها از عرصه سیستم مالی نیستند و حتی در صورت پرداخت بهره بر روی آن‌ها نیز بانک‌ها را از عرصه خارج نمی‌کنند. پرداخت یا عدم پرداخت بهره بر روی رمزیول بانک‌های مرکزی تصمیمی مهم است که می‌تواند اثر به سزایی در حجم نهایی رمزیول بانک مرکزی های منتشر شده داشته باشد. در واقع انتخاب بین بهره دادن به رمزیول بانک مرکزی و اثر منفی بالقوه آن بر ثبات مالی یکی از چالش‌های پیش روی بانک مرکزی است. اعطای نرخ بهره به بانک مرکزی کمک می‌کند تا کنترل بهتری بر تقاضای رمزیول بانک مرکزی داشته باشد و سازوکار انتقال تصمیمات سیاستی در مورد نرخ بهره را توسط بانک مرکزی تسهیل می‌کند. اما در عین حال با شبیه شدن پول دیجیتال بانک مرکزی به «سپرده» در نتیجه وضع نرخ بهره بر رمزیول بانک مرکزی ریسک از بین رفتن واسطه‌گری سپرده پذیران فعلی و هجوم بانکی بالا می‌رود (بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی، ۲۰۲۰).

نیپلت^۴ (۲۰۲۰) استدلال کرده است در صورتی که بانک مرکزی تصمیم به سرمایه‌گذاری مستقیم منابع حاصل از انتشار رمزیول بانک مرکزی نگیرد (که منطق اقتصادی نیز اقتضا می‌کند که بانک‌های خصوصی توانایی اعتبار سنجی و نظارت بهتر بر پروژه‌ها را نسبت به بانک مرکزی دارند)، منابع تجهیز شده به ترازنامه بانک‌های تجاری منتقل می‌شوند و وضعیت عمومی بانک‌ها بدون تغییر باقی می‌ماند و فرآیند مذکور اثر سوئی بر وضعیت بانک‌ها باقی نمی‌گذارد.

داوود الح سینی^۵ (۲۰۲۱) اثرات رفاهی انتشار رمزیول بانک مرکزی را در دو کشور کانادا و ایالات متحده با استفاده از رویکرد تعادل عمومی پویا بررسی کرده است، طبق برآورد او با انتشار پول دیجیتال بانک مرکزی و

1 KYC

2 AML

3 Credit Identifier

4 Niepelt

5 Davoodalhosseini

جایگزین کردن آن به جای پول نقد، مصرف در کانادا معادل ۰/۱۵ درصد و در آمریکا ۰/۳۴ درصد در مقایسه با حالت فعلی که پول نقد به عنوان پول بانک مرکزی در جریان است، افزایش خواهد یافت. شهیدی و همکاران (۱۴۰۰) به تحلیل ترازنامه ای تاثیرات جانشمینی پول دیجیتال بانک مرکزی به جای سپرده‌های بانکی بر ترازنامه کنشگران اقتصادی پرداخته اند. در این مطالعه با روش تحلیلی-توصیفی و با مطالعه اسناد کتابخانه ای از طریق تحلیل ترازنامه ای رمزپول بانک مرکزی بر اساس ترازنامه کنشگران اقتصادی، نشان داده می‌شود که افزایش رمزپول بانک مرکزی در سبد مردم در اقتصاد و جانشین شدن آن به جای سپرده‌های بانکی، قدرت خلق پول بانک‌ها را کاهش می‌دهد. نتایج مقاله حاکی از آن است که در صورتی که رمزپول بانک مرکزی به صورت کامل جانشین سپرده‌های بانکی شود، قدرت خلق پول بانک‌ها به سمت صفر میل می‌کند. رمزپول بانک مرکزی امکان ایجاد نظام پولی مبتنی بر ذخیره کامل را فراهم می‌کند که معضلات خلق پول بانکی از جمله احتمال بالای ورشکستگی نقدی (به دلیل یکسان نبودن ری سگ دو طرف ترازنامه بانک‌ها) و ورشکستگی ترازنامه ای (به دلیل قدرت بانک‌ها برای امهال تسهیلات غیرجاری) را منتفی خواهد کرد.

یزدی نژاد و دهقان (۱۴۰۰)، به تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها و اندازه گیری پارامترهای مرتبط با یک بلاکچین مبتنی بر نرم افزار منبع باز اوسو^۱ با تمرکز بر امکان پیاده سازی آن با هدف ارایه و پشتیبانی از یک رمزپول بانک مرکزی به صورت مقیاس پذیر و تراکنش‌های بدون کارمزد می‌پردازد، سپس یک مدل نظری برای اجرای رمزپول بانک مرکزی توسط اوسو با مشخص کردن نقش بانک‌های تجاری، به طوری که اثرات منفی احتمالی صدور و عرضه رمزپول بانک مرکزی بر آن‌ها به حداقل برسد، ارایه می‌کند.

شادکار (۱۴۰۰)، به بررسی طراحی نظام بانکی به صورت پلتفرم مالی به لحاظ سیستمی مهم مبتنی بر پول دیجیتال منتشر شده توسط بانک مرکزی (رمزپول بانک مرکزی) به منظور بهبود ثبات مالی از طریق تخفیف مسئله‌ی «خیلی بزرگ برای ورشکستگی»^۲ پرداخته است. در این طراحی، بستر بانکی فعلی و نقش استراتژیک بانک‌ها و مؤسسات مالی با یک پلتفرم مالی جایگزین می‌شود. برای طراحی چنین پلتفرمی با استفاده از نظریه‌بازی تعامل معمول میان بانک مرکزی و بانک‌ها و مؤسسات مالی بررسی شده است و با استفاده از رویکرد طراحی سازوکار، بستر به گونه‌ای تغییر یافت تا مسئله‌ی خیلی بزرگ برای ورشکستگی و رفتار ری سگی بانک‌ها بهتر کنترل شود. در بستر پیشنهادی، از فناوری‌های اطلاعاتی مرتبط با نظام بانکی، مانند پول‌های دیجیتال و به طور خاص رمزپول بانک مرکزی به منظور تضمین کارایی و امنیت نظام بانکی استفاده شده است. نهایتاً ملاحظات نظام بانکی مبتنی بر رمزپول بانک مرکزی، با هدف کنترل و قاعده‌گذاری نظام مالی به منظور رفع مشکل خیلی بزرگ برای ورشکستگی، حفظ کارکرد نظام فعلی و تقویت ثبات مالی، بررسی شده است.

1 EOSIO

2 TBTF

۳. روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش روش ترکیبی است. روش پژوهش ترکیبی یکی از روش‌های پژوهش است که در سال‌های اخیر در حوزه علوم اجتماعی و رفتاری به وجود آمده و بر همگرایی پارادایمی و تلفیق پارادایم‌های مسلط در علوم اجتماعی اشاره دارد. در روش پژوهش ترکیبی از چندین روش استفاده می‌شود و دو دیدگاه کمی گرای و کیفی گرای را دنبال می‌کند.

در مرحله کیفی پژوهش حاضر، جامعه آماری از دو گروه تشکیل شده است. گروه اول شامل متخصصین و خبرگانی می‌باشد که از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها بوده‌اند و گروه دوم نیز، شامل کارشناسان خبره و مدیرانی است که حداقل ۵ سال سابقه حضور در بازار پول و بانک را داشته‌اند. نمونه‌گیری در این مرحله از پژوهش به صورت هدفمند می‌باشد. تکنیک به کار رفته در نمونه‌برداری در این مرحله از پژوهش حاضر از نوع گلوله برفی می‌باشد. نمونه‌گیری گلوله برفی، روشی است که بر اساس آن، واحدهای نمونه ضمن ارائه اطلاعات در مورد خود، درباره واحدهای دیگر جامعه نیز اطلاعاتی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند (استراوس و کوربین^۱، ۲۰۰۸: ۹). روش کار به این صورت بود که ابتدا یک گروه اولیه جهت مصاحبه انتخاب شده و در ادامه بر اساس معرفی گروه نخست با سایر گروه‌های بعدی مصاحبه انجام شده است. مصاحبه‌ها جایی ادامه داشته که اندیشه جدیدی حاصل نشده است یعنی در واقع کفایت نظری یا اشباع نظری رخ داده است. لازم به ذکر است که از مصاحبه ۱۴ به بعد، مقوله جدیدی (کد جدیدی) در مصاحبه‌ها مشاهده نشد اما با این وجود مصاحبه تا نفر ۲۰ ادامه یافته است تا از اشباع کامل نظری اطمینان حاصل شود، به این ترتیب، در مجموع ۲۰ مصاحبه انجام شد که اطلاعات مربوط به مشخصات مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره (۱) نشان داده شده است.

جدول شماره (۱) مشخصات افراد مصاحبه شونده

| ردیف | تحصیلات | رشته تحصیلی | سمت | سابقه کار (سال) |
|------|---------------|------------------|---------------|-----------------|
| ۱ | دکتری | مدیریت مالی | هیئت علمی | ۱۳ |
| ۲ | دکتری | اقتصاد پولی-مالی | هیئت علمی | ۵ |
| ۳ | دکتری | اقتصاد | معاون | ۱۱ |
| ۴ | دکتری | اقتصاد | مدیر | ۱۲ |
| ۵ | دکتری | اقتصاد | مدیر | ۱۰ |
| ۶ | دکتری | حسابداری | کارشناس ارشد | ۱۲ |
| ۷ | کارشناسی ارشد | مدیریت مالی | کارشناس | ۱۰ |
| ۸ | کارشناسی ارشد | مدیریت بازرگانی | معاون | ۱۲ |
| ۹ | کارشناسی ارشد | اقتصاد | کارشناس مسئول | ۱۲ |
| ۱۰ | دکتری | اقتصاد | هیئت علمی | ۹ |
| ۱۱ | دکتری | مدیریت مالی | مشاور | ۲۱ |

| ردیف | تحصیلات | رشته تحصیلی | سمت | سابقه کار (سال) |
|------|---------------|-------------|-----------|-----------------|
| ۱۲ | دکتری | اقتصاد | هیئت علمی | ۱۰ |
| ۱۳ | دکتری | اقتصاد | هیئت علمی | ۶ |
| ۱۴ | دکتری | اقتصاد | مدیر | ۱۰ |
| ۱۵ | دکتری | مدیریت مالی | مدیر | ۷ |
| ۱۶ | کارشناسی ارشد | حسابداری | معاون | ۶ |
| ۱۷ | دکتری | حسابداری | هیئت علمی | ۱۳ |
| ۱۸ | دکتری | اقتصاد | هیئت علمی | ۱۲ |
| ۱۹ | کارشناسی ارشد | اقتصاد | معاون | ۱۳ |
| ۲۰ | دکتری | مدیریت مالی | هیئت علمی | ۱۵ |

منبع: یافته‌های پژوهش

در قسمت کیفی با استفاده از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها اقدام به مشخص کردن عناصر کلیدی (مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها) شد. از این رو، ابتدا به صورت کیفی، موضوع انتشار رمزپول بانک مرکزی به صورت عمده و کانال ارتباطی آن با متغیرهای اقتصاد کلان، مورد مطالعه قرار گرفته و سپس از داده‌های کیفی مقوله‌هایی استخراج گردیده و در نهایت بر اساس نتایج حاصله ابزاری برای مرحله کمی تدوین می‌گردد. این ابزار در این مطالعه، پرسشنامه‌ای است که به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌های روش تحقیق کمی برای سنجش تاثیر انتشار رمزپول بانک مرکزی بر اقتصاد کلان به صورت عمده استفاده می‌شود. در این پژوهش گردآوری اطلاعات در بخش کیفی به روش مصاحبه با رویکرد هدایت کلیات^۱ و به صورت نیمه ساختاریافته^۲ انجام شده است؛ تمام مشارکت کنندگان از قبل در جریان هدف و سؤالات مصاحبه قرار گرفته و پس از پیگیری تلفنی و اعلام موافقت افراد و تعیین مکان و زمان، مصاحبه برگزار شد. قبل از شروع مصاحبه، پژوهشگر به بررسی و مطالعه در مورد ادبیات انتشار رمزپول بانک مرکزی در جمهوری اسلامی ایران و جهان و همچنین مطالعه‌ای در ارتباط با نظریه‌های مرتبط با کانال‌های تاثیرگذاری سیاست‌های پولی پرداخت. نتیجه این بررسی‌ها، منجر به تهیه فهرست ابتدایی از سؤالاتی گردید که پس از تأیید متخصصان حوزه به صورت پرسشنامه باز تنظیم شدند تا از صاحب نظران پرسیده شود.

در پژوهش کیفی نیز همانند روش کمی صحت و اعتبار داده‌های گردآوری شده و یافته‌های پژوهش، بخشی بسیار با اهمیت از فرایند پژوهش است. در پژوهش حاضر از روش بازبینی توسط مشارکت کنندگان^۳ و مرور توسط خبرگان غیر شرکت کننده^۴ استفاده شد. در واقع برای حصول اطمینان از روایی مرحله کیفی پژوهش، یعنی دقیق بودن یافته‌های بدست آمده از روش بررسی توسط مصاحبه شونده‌گان استفاده شد. به عبارت دیگر،

1 The General Interview Guide Approach

2 Semi Structured Interview

3 Member Checking

4 External Audit

پژوهشگر از برخی از مصاحبه شوندگان خواست تا فرایند تحلیل یا مقوله‌های بدست آمده را بازبینی کرده و نظر خود را در ارتباط با آنها ابراز کنند.

مهمترین رکن در فرایند تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، کدگذاری است. کدگذاری شامل خواندن دقیق و خط به خط داده‌ها و تبدیل آنها به کوچکترین جزء ممکن است (ادیب حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۸). کدها در واقع حاصل تجزیه و تحلیل میکروسکوپی داده‌ها هستند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۹۱). کدگذاری در روش گراند تئوری در سه مرحله کدگذاری باز^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری انتخابی^۳ انجام می‌شود. در این پژوهش بدلیل اینکه که فرضیات در ابتدای مطالعه تدوین شده است استفاده از رویه کدگذاری باز و محوری کیفیت می‌کند و کدگذاری انتخابی ضرورت ندارد. در پژوهش حاضر نیز داده‌های بدست آمده از متن مصاحبه‌ها، پس از پیاده سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا^۴ به صورت سطر به سطر مورد بررسی و مفهوم پردازی و مقوله بندی و سپس بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات مشخص شدند. سپس با توجه به کدهای انجام شده گزاره‌هایی که در ادامه آمده است حاصل بررسی و تحلیل است.

جدول شماره (۲) کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها

| کدهای نهایی | محوریت |
|---|-----------------------|
| تسریع مکانیسم‌های انتقال پولی | کارایی سیاست‌های پولی |
| اتصال نرخ بهره سیاستی مستقیم به نرخ بهره عاملان اقتصادی | |
| امکان پرداخت‌های مستقیم و هدفمند | |
| تسهیل هدایت اعتباری | |
| تقویت تامین مالی زنجیره ای | |
| بهبود نظارت بانک مرکزی بر سایر بانک‌ها | |
| تخصیص مستقیم تسهیلات توسط بانک مرکزی به بخش تولید در رکود | |
| تقویت حفظ ارزش پول ملی | |
| کاهش هزینه‌های بانک مرکزی در قبال ورشکستگی بانک‌ها | |
| کاهش هزینه تامین مالی و سرمایه گذاری | تأثیر بر سرمایه گذاری |
| با حفظ ارزش پول ملی در تقویت پس انداز موثر است | |
| توسعه هدایت اعتباری و نقدینگی به سرمایه گذاری مولد | |
| تامین نیاز سرمایه در گردش بنگاه با تقویت و توسعه تامین مالی زنجیره ای | |
| بهبود چشم انداز سرمایه گذاری با کاهش بی ثباتی قیمت‌ها و تولید | |
| بهبود حفظ ارزش پول ملی و کاهش خروج سرمایه از کشور | تأثیر هزینه مبادله |
| کاهش قیمت تمام شده پول برای شبکه بانکی | |

- 1 Open Coding
- 2 Axial Coding
- 3 Selective Coding
- 4 Content Analysis

| محوریت | کدهای نهایی |
|---|--|
| | کاهش هزینه تامین مالی مبادلات اقتصادی |
| | مورد استفاده عنوان ابزار وثیقه و اعتبار |
| | افزایش سهم بخش رسمی اقتصاد . |
| | کاهش تراکنش‌ها و معاملات غیر قانونی |
| | کاهش هزینه مبادله با تسهیل توسعه اقتصاد پلتفرمی |
| | کاهش قیمت تمام شده پول برای شبکه بین بانکی |
| تأثیر بر تسهیل تجارت و مبادلات بین‌المللی | در دسترس و قابل تبدیل برای مردم در هر موقعیت زمانی و مکانی |
| | کاربرد رم‌پول بانک مرکزی مورد استفاده قرار گرفتن در تمامی منطقه‌های جغرافیایی |
| | توسعه پیمان‌های پولی دو و چند جانبه |
| | قابلیت تحریم پذیری کمتر |
| | تسهیل تسویه‌های بین‌المللی |
| | تقویت قابلیت همکاری پلتفرم‌های مختلف داخلی و بین‌المللی |
| تأثیر بر تولید ناخالص داخلی | افزایش تقاضای کل اقتصاد با بهبود رفتار مصرفی |
| | بهبود تولید ناخالص داخلی بواسطه بهبود افزایش سرمایه گذاری |
| | تامین مالی زنجیره ای تولید بواسطه بهبود هدایت اعتبار |
| | تقویت صادرات با تسهیل تبادلات تجاری و بین‌المللی |
| | بهبود تولید بواسطه بهبود کارایی سیاست پولی |
| | بهبود رشد اقتصادی با کاهش هزینه مبادله |
| تأثیر بر سیستم پرداخت | رم‌پول بانک مرکزی نوعی بدهی بانک مرکزی که ویژگی‌های منحصر به فرد پول بانک مرکزی را به افراد ارائه می‌دهد |
| | توسعه قابلیت انجام تراکنش‌های بدون واسطه با رمز ارز بانک مرکزی |
| | ارتقا نظام مالی با بهبود اعتباری |
| | کاهش هزینه‌های نظام پرداخت در مقایسه با سیستم متعارف |
| | توسعه نظام پرداخت با کارکردهای اقتصاد دیجیتال و توکن‌باز |
| | افزایش امنیت سیستم نظارت و اقدامات ضد تقلب هر گونه فعالیت |
| تأثیر بر بازار بین بانکی | حفظ امنیت با تراکنش‌های پرداخت سریع |
| | تسهیل توسعه داده و معاملات بازار بین بانکی |
| | استفاده به عنوان ابزار سپرده گذاری و تسهیلات گیری در بازار بین بانکی |
| | استفاده همانند اوراق در تسهیلات و سپرده پذیری قاعده مند |
| | جایگزین اوراق ودیعه بانک مرکزی |
| | کاهش نرخ بازار بین بانکی |
| تقویت نقش بانک مرکزی در بازار بین بانکی | |

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله دوم پژوهش و پس از انجام پژوهش کیفی و ساخت پرسشنامه، از روش کمی به منظور آزمون تأثیر انتشار رم‌پول بانک مرکزی بر متغیرهای اقتصاد کلان استفاده شد. در مطالعاتی که روش جمع‌آوری

داده‌های آنها مبتنی بر رویکرد پیمایشی و ابزار مورد استفاده، پرسشنامه است، لازم است از پایایی و روایی پرسشنامه‌ها اطمینان حاصل شود. روایی در ارتباط با پرسشنامه‌های استاندارد توسط طراحان و متخصصان صورت گرفته است اما روایی پرسش‌نامه‌های محقق ساخته ضرورت دارد از جنبه‌های مختلف توسط متخصصان و صاحب‌نظران مورد ارزیابی و اصلاح قرار گیرد. با توجه به اینکه پرسشنامه‌های این مطالعه محقق ساخته نیست، لذا روایی آنها مورد وثوق است. اما علاوه بر روایی، پایایی پاسخ‌ها یا به عبارت بهتر همسانی درونی پاسخ‌ها فارغ از اینکه پرسش‌نامه‌ها استاندارد یا محقق ساخته باشد، لازم است بررسی شود. در اینجا برای این امر از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج آلفای کرونباخ برای پرسشنامه طراحی شده برابر با ۰/۷۶۵ می‌باشد که بزرگتر از ۰/۷ است، لذا همسانی درونی در ارتباط کل پرسش‌نامه‌های این مطالعه برقرار است و داده‌ها، از اعتبار و قابلیت اتکای کافی برخوردار هستند.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

برای آزمون فرضیات از رویکرد آزمون t استیودنت استفاده شده است. برای رد فرضیه آماری صفر (پذیرش فرضیه تحقیق) ضرورت دارد ۲ شرط برقرار باشد، اختلاف میانگین مشاهدات از متوسط طیف لیکرت (عدد ۳) بزرگتر باشد و سطح احتمال معناداری نیز زیر ۵ درصد یا حداقل زیر ۱۰ درصد قرار گیرد.

فرضیه اول: انتشار رمزپول بانک مرکزی بر کارایی سیاست‌های پولی تاثیر معنادار دارد.

کارایی سیاست پولی به مفهوم میزان دستیابی سیاست‌های پولی به اهداف تعیین شده آن است که در دو مقوله کنترل تورم و مدیریت بی‌ثباتی رشد اقتصادی هدفگذاری صورت می‌گیرد. بر این اساس در این مطالعه سوالات بر اساس مبانی نظری، مطالعات تجربی و نظرات خبرگان در دو حوزه توانایی رمزپول بانک مرکزی در کنترل تورم و مدیریت بی‌ثباتی رشد اقتصادی طراحی شده است.

نتایج آماری حاصل از آزمون تی استودنت پاسخ‌های ارائه شده؛ نشان می‌دهد که به صورت کلی فرضیه اول این تحقیق مبنی بر اینکه «انتشار رمزپول بانک مرکزی بر کارایی سیاست‌های پولی تاثیر معنادار دارد» پذیرفته می‌شود. بر اساس آزمون ریز گزاره‌های مربوط به این فرضیه، این تاثیرگذاری معنادار از طریق تسهیل امکان پرداخت‌های مستقیم و هدفمند (انتقالی و غیرانتقالی)، تسهیل هدایت اعتباری، تقویت تامین مالی زنجیره ای، بهبود نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی و تخصیص مستقیم تسهیلات توسط بانک مرکزی به بخش تولیدی در شرایط رکود حاصل می‌شود. اما بر اساس نظر پاسخ‌دهندگان رمزپول بانک مرکزی تاثیر معناداری در مکانیسم انتقالی، اتصال مستقیم نرخ بهره سیاستی به عاملان اقتصادی، بهبود هدایت نقدینگی (مانعت از سرمایه گذاری مردم در بخش‌های غیرمولد)، تقویت حفظ ارزش پول ملی و کاهش هزینه احتمالی ورشکستگی بانک‌ها ندارد.

جدول شماره (۳) آزمون فرضیه تاثیر رمزیول بانک مرکزی بر کارایی سیاست پولی

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|-----------------------|--------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|----------|----------------------------|
| | | | | | | | حد بالا | حد پایین | |
| ۱ | کارایی سیاست‌های پولی | kara_t | ۲/۰۶۶ | ۹۱ | ۰/۰۴۲ | ۰/۰۸۰ | ۰/۰۰۳ | ۰/۱۵۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۴) آزمون فرضیه زیرگزاره‌های مربوط به تاثیر رمزیول بانک مرکزی بر کارایی سیاست پولی

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|--|-------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|----------|-----------------------------|
| | | | | | | | حد بالا | حد پایین | |
| ۱ | رمزیول بانک مرکزی مکانیسم انتقال پولی را تسریع می‌کند. | kara1 | ۱/۵۳۷ | ۹۱ | ۰/۱۲۸ | ۰/۲۰۷ | ۰/۰۶۰ | ۰/۴۷۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۲ | با رمزیول بانک مرکزی نرخ بهره سیاستی مستقیم به نرخ بهره عاملان اقتصادی متصل می‌شود. | kara2 | ۳/۰۸۵ | ۹۱ | ۰/۰۰۳ | ۰/۳۰۴ | ۰/۵۰۰ | ۰/۱۰۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۴ | رمزیول بانک مرکزی امکان پرداخت‌های مستقیم و هدفمند (انتقالی و غیرانتقالی) را تسهیل می‌کند. | kara3 | ۲/۹۶۴ | ۹۱ | ۰/۰۰۴ | ۰/۴۰۲ | ۰/۱۳۳ | ۰/۶۷۲ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۵ | رمزیول بانک مرکزی هدایت اعتباری را تسهیل می‌کند. | kara4 | ۲/۶۴۵ | ۹۱ | ۰/۰۱۰ | ۰/۳۷۰ | ۰/۰۹۲ | ۰/۶۴۷ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۶ | رمزیول بانک مرکزی تامین مالی زنجیره ای را تقویت می‌کند. | kara5 | ۴/۰۲۸ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۰۰ | ۰/۲۵۳ | ۰/۷۴۷ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۷ | رمزیول بانک مرکزی نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی را بهبود می‌دهد. | kara6 | ۰/۴۵۳ | ۹۱ | ۰/۶۵۲ | ۰/۰۵۴ | ۰/۱۸۴ | ۰/۲۹۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۸ | رمزیول بانک مرکزی هدایت نقدینگی (ممانعت از سرمایه گذاری عاملان اقتصادی بزرگ در بخش‌های غیرمولد) را بهبود می‌دهد. | kara7 | ۰/۲۳۲ | ۹۱ | ۰/۸۱۷ | ۰/۰۳۳ | ۰/۲۴۶ | ۰/۳۱۱ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|--|--------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|---------|-----------------------------|
| | | | | | | | حد پایین | حد بالا | |
| ۹ | رمزپول بانک مرکزی تخصیص مستقیم تسهیلات توسط بانک مرکزی به بخش تولیدی در شرایط رکود را مقدور می‌سازد. | kara8 | ۵/۰۴۴ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۰۹ | ۰/۳۶۹ | ۰/۸۴۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۱۰ | رمزپول بانک مرکزی کارکرد حفظ ارزش پول ملی را تقویت می‌کند. | kara9 | -۵/۵۱۴ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | -۰/۶۲۰ | -۰/۸۴۳ | -۰/۳۹۶ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۱۱ | رمزپول بانک مرکزی هزینه احتمالی ورشکستگی بانک‌ها را برای بانک مرکزی کاهش می‌دهد. | kara10 | -۳/۸۷۵ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | -۰/۴۴۶ | -۰/۶۷۴ | -۰/۲۱۷ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه دوم: انتشار رمزپول بانک مرکزی بر هزینه مبادله تاثیر معناداری دارد.

بالا بودن هزینه مبادله یکی از علل اصلی تورم ساختاری و همچنین پایین بودن رشد اقتصادی محسوب می‌شود. بر این اساس در کارکردهای ابزارهای جدید سیاست‌گذاری و عملیات پولی و بانکی کاهش هزینه مبادله مورد تاکید است. نتایج آماری حاصل از آزمون تی استودنت پاسخ‌های ارائه شده؛ نشان می‌دهد که به صورت کلی فرضیه دوم این تحقیق مبنی بر اینکه «انتشار رمزپول بانک مرکزی بر هزینه مبادله تاثیر معناداری دارد.» پذیرفته نمی‌شود. بر اساس آزمون ریز گزاره‌های مربوط به این فرضیه، انتشار رمزپول بانک مرکزی به صورت معنادار قادر به کاهش قیمت تمام شده پول برای شبکه بانکی، کاهش هزینه تامین مالی مبادلات اقتصاد، افزایش سهم بخش رسمی اقتصاد و کاهش تراکنش‌ها و معاملات غیر قانونی و همچنین پولسویی نیست. البته انتشار رمزپول بانک مرکزی به طور معناداری می‌تواند به عنوان ابزار وثیقه و اعتبار مورد استفاده قرار گیرد و همچنین توسعه اقتصاد پلتفرمی هزینه مبادله را کاهش دهد اما نتایج آزمون آماری مربوط به فرضیه اصلی مربوط به هزینه مبادله نشان می‌دهد که دو تاثیر معنادار اخیر که بیان شد به تنهایی قادر به کاهش معنادار هزینه‌ی مبادله نیست.

جدول شماره (۵) آزمون فرضیه تاثیر رمزپول بانک مرکزی بر هزینه مبادله

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|-----------------------|-------------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|---------|-----------------------------|
| | | | | | | | حد پایین | حد بالا | |
| ۱ | تاثیر بر هزینه مبادله | mobadeleh_t | -۰/۶۶۴ | ۹۱ | ۰/۵۰۸ | -۰/۰۳۴ | -۰/۱۳۷ | ۰/۰۶۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۶) آزمون فرضیه زیرگزاره‌های مربوط به تاثیر رمپول بانک مرکزی بر هزینه مبادله

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|---|------------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|---------|-----------------------------|
| | | | | | | | حد پایین | حد بالا | |
| ۱ | رمپول بانک مرکزی قیمت تمام شده پول را برای شبکه بانکی کاهش می‌دهد. | mobadeleh1 | ۰/۱۷۹ | ۹۱ | ۰/۸۵۹ | ۰/۰۲۲ | -۰/۲۲۰ | -۰/۲۶۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۲ | رمپول بانک مرکزی هزینه تامین مالی مبادلات اقتصادی را کاهش می‌دهد. | mobadeleh2 | -۲/۹۴۵ | ۹۱ | -۰/۰۰۴ | -۰/۳۸۰ | -۰/۶۳۷ | -۰/۱۲۴ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۳ | رمپول بانک مرکزی می‌تواند به عنوان ابزار وثیقه و اعتبار مورد استفاده قرار گیرد. | mobadeleh3 | ۱/۹۱۳ | ۹۱ | ۰/۰۵۹ | ۰/۲۶۱ | -۰/۱۰ | ۰/۵۳۲ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۴ | رمپول بانک مرکزی سهم بخش رس‌می‌اقتصاد را افزایش خواهد داد. | mobadeleh4 | -۱/۳۴۲ | ۹۱ | ۰/۱۸۳ | -۰/۱۰۹ | -۰/۲۷۰ | ۰/۰۵۲ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۵ | رمپول بانک مرکزی تراکنش‌ها و معاملات غیر قانونی و همچنین پولشویی را کاهش خواهد داد. | mobadeleh5 | -۴/۸۳۱ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | -۰/۵۶۵ | -۰/۷۹۸ | -۰/۳۳۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۶ | رمپول بانک مرکزی با تسهیل توسعه اقتصاد پلتفرمی هزینه مبادله را کاهش می‌دهد. | mobadeleh6 | -۴/۸۷۴ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۶۵ | ۰/۳۳۵ | ۰/۷۹۶ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه سوم: انتشار رمپول بانک مرکزی بر تولید ناخالص داخلی تاثیر معنادار دارد.

افزایش رشد اقتصادی و سطح تولید ناخالص داخلی هر چند از اهداف اصلی سیاستگذار پولی نیست اما همواره در کنار کنترل تورم، مدیریت بی‌ثباتی رشد اقتصادی مورد توجه سیاستگذار پولی است. نتایج آماری حاصل از آزمون تی استودنت پاسخ‌های ارائه شده؛ نشان می‌دهد که به صورت کلی فرضیه سوم این تحقیق مبنی بر اینکه «انتشار رمپول بانک مرکزی بر تولید ناخالص داخلی تاثیر معناداری دارد.» پذیرفته نمی‌شود. به عبارت بهتر، شواهد آماری کافی بر تایید این فرضیه حاصل نشد. بر اساس آزمون ریز گزاره‌های مربوط به این فرضیه، رمپول بانک مرکزی نقش و تاثیر معناداری بر تولید ناخالص داخلی از طریق بهبود رفتار مصرفی (افزایش تقاضای کل اقتصاد)، بهبود افزایش سرمایه گذاری، بهبود معنادار هدایت اعتبار و تامین مالی زنجیره ای تولید، تسهیل تجارت و مبادلات بین‌المللی صادرات و بهبود کارایی سیاست پولی و کاهش هزینه مبادله ندارد.

جدول شماره (۷) آزمون فرضیه تاثیر رمزیول بانک مرکزی بر تولید ناخالص داخلی

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|-----------------------------|-------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|----------|-----------------------------|
| | | | | | | | حد بالا | حد پایین | |
| ۱ | تاثیر بر تولید ناخالص داخلی | gdp_t | -۶/۱۳۷ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | -۰/۲۴۸ | -۰/۳۲۹ | -۰/۱۶۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول (۸) آزمون فرضیه زیرگزاره‌های مربوط به تاثیر رمزیول بانک مرکزی بر تولید ناخالص داخلی

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|--|------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|----------|-----------------------------|
| | | | | | | | حد بالا | حد پایین | |
| ۱ | رمزیول بانک مرکزی با بهبود رفتار مصرفی باعث افزایش تقاضای کل اقتصاد می‌شود. | gdp1 | ۰/۳۸۲ | ۹۱ | ۰/۷۰۳ | ۰/۰۳۳ | -۰/۱۳۷ | ۰/۲۰۲ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی شود |
| ۲ | رمزیول بانک مرکزی با بهبود افزایش سرمایه گذاری باعث بهبود تولید ناخالص داخلی خواهد شد. | gdp2 | -۲/۴۱۸ | ۹۱ | ۰/۰۱۸ | -۰/۲۰۷ | -۰/۳۷۶ | -۰/۰۳۷ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی شود |
| ۳ | رمزیول بانک مرکزی با بهبود هدایت اعتبار و تامین مالی زنجیره ای تولید را حمایت خواهد کرد. | gdp3 | -۰/۶۲۸ | ۹۱ | ۰/۵۳۲ | -۰/۰۵۴ | -۰/۲۲۶ | ۰/۱۱۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی شود |
| ۴ | رمزیول بانک مرکزی با تسهیل تجارت و مبادلات بین‌المللی صادرات را تقویت می‌کند. | gdp4 | ۰/۵۰۶ | ۹۱ | ۰/۶۱۴ | -۰/۰۴۳ | -۰/۲۱۴ | ۰/۱۲۷ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی شود |
| ۵ | رمزیول بانک مرکزی با بهبود کارایی سیاست پولی تولید را بهبود خواهد بخشید. | gdp5 | -۴/۹۳۸ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | -۰/۵۸۷ | -۰/۸۲۳ | -۰/۳۵۱ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی شود |
| ۶ | رمزیول بانک مرکزی با کاهش هزینه مبادله منجر به بهبود رشد اقتصادی خواهد شد. | gdp6 | -۵/۲۷۸ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | -۰/۶۳۰ | -۰/۸۶۸ | -۰/۳۹۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه چهارم: انتشار رم‌پول بانک مرکزی بر سرمایه‌گذاری تاثیر معنادار دارد.

سرمایه‌گذاری خالص در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به قیمت ثابت طی سالیان اخیر منفی شده است و بر این اساس کشور نیازمند ابزارهایی است که قادر باشند سرمایه‌گذاری را تسهیل کنند. نتایج آماری حاصل از آزمون تی استودنت پاسخ‌های ارائه شده؛ نشان می‌دهد که به صورت کلی فرضیه چهارم این تحقیق مبنی بر اینکه «انتشار رم‌پول بانک مرکزی بر سرمایه‌گذاری تاثیر معناداری دارد.» پذیرفته می‌شود. بر اساس آزمون ریز گزاره‌های مربوط به این فرضیه، رم‌پول بانک مرکزی سرمایه‌گذاری در کشور را با توسعه هدایت اعتباری و نقدینگی به سرمایه‌گذاری مولد و تامین سرمایه در گردش با استفاده از تقویت و توسعه تامین مالی زنجیره ای می‌تواند تاثیر معناداری در سرمایه‌گذاری داشته باشد. همچنین بر اساس نتایج آزمون فرضیات، رم‌پول بانک مرکزی به طور معنادار قادر به تقویت پس انداز ملی از طریق حفظ پولش ملی، کاهش هزینه تامین مالی و سرمایه‌گذاری، بهبود چشم انداز سرمایه‌گذاری با کاهش بی ثباتی قیمت‌ها و تولید و همچنین ممانعت از خروج سرمایه با بهبود حفظ ارزش پول ملی نیست.

جدول شماره (۹) آزمون فرضیه تاثیر رم‌پول بانک مرکزی بر سرمایه‌گذاری

| نتیجه | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | تفاضل میانگین | معناداری | درجه آزادی | آماره t | نماد | گزاره | ردیف |
|----------------------------|-----------------------|----------|---------------|----------|------------|---------|------------|-----------------------|------|
| | حد بالا | حد پایین | | | | | | | |
| فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود | ۰/۳۴۷ | ۰/۰۳۳ | ۰/۱۳۹ | ۰/۰۱۲ | ۹۱ | ۲/۵۷۸ | sarmayeh_t | تاثیر بر سرمایه‌گذاری | ۱ |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۱۰) آزمون فرضیه زیرگزاره‌های مربوط به تاثیر رم‌پول بانک مرکزی بر سرمایه‌گذاری

| نتیجه | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | تفاضل میانگین | معناداری | درجه آزادی | آماره t | نماد | گزاره | ردیف |
|-----------------------------|-----------------------|----------|---------------|----------|------------|---------|-----------|--|------|
| | حد بالا | حد پایین | | | | | | | |
| فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود | ۰/۱۶۹ | -۰/۴۳۰ | -۰/۱۳۰ | ۰/۳۸۹ | ۹۱ | -۰/۸۶۵ | sarmayeh1 | رم‌پول بانک مرکزی هزینه تامین مالی و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. | ۱ |
| فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود | ۰/۳۶۲ | -۰/۱۶۶ | ۰/۰۹۸ | ۰/۴۶۴ | ۹۱ | ۰/۷۳۵ | sarmayeh2 | رم‌پول بانک مرکزی با تقویت کارکرد حفظ ارزش پول ملی در تقویت پس انداز ملی موثر است. | ۲ |

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|--|-----------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|---------|-----------------------------|
| | | | | | | | حد پایین | حد بالا | |
| ۳ | رمزپول بانک مرکزی با توسعه هدایت اعتباری و نقدینگی به سرمایه گذاری مولد منجر می‌شود. | sarmayah3 | ۲/۲۴۵ | ۹۱ | ۰/۰۲۷ | ۰/۲۸۳ | ۰/۰۳۳ | ۰/۵۳۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۴ | رمزپول بانک مرکزی با تقویت و توسعه تامین مالی زنجیره ای نیاز سرمایه در گردش بنگاه‌ها را تامین خواهد کرد. | sarmayah4 | ۶/۸۹۷ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۱/۰۰۰ | ۰/۷۱۲ | ۱/۲۸۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۵ | رمزپول بانک مرکزی با کاهش بی ثباتی قیمت‌ها و تولید چشم انداز سرمایه گذاری را بهبود می‌دهد. | sarmayah5 | ۰۰/۴۰۰ | ۹۱ | ۰/۶۹۰ | ۰۰/۰۵۴ | ۰۰/۳۲۴ | ۰/۲۱۶ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۶ | رمزپول بانک مرکزی با کارکرد بهبود حفظ ارزش پول ملی از خروج سرمایه کشور خواهد کاست. | sarmayah6 | ۲/۷۸۲ | ۹۱ | ۰۰/۰۰۷ | ۰۰/۳۵۹ | ۰۰/۶۱۵ | ۰۰/۱۰۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه پنجم: انتشار رمزپول بانک مرکزی بر تسهیل تجارت و مبادلات بین‌المللی تاثیر معنادار دارد.

توسعه تجارت خارجی و مبادلات بین‌المللی کشور متاثر از تحریم‌های ظالمانه آمریکا و اروپا، در دهه ۱۳۹۰ با کاهش مواجه بوده است هر چند با ابتکارات متنوع اثرات تحریم مدیریت و به عبارت بهتر دور زده شدند. نتایج آماری حاصل از آزمون تی استودنت پاسخ‌های ارائه شده؛ نشان می‌دهد که به صورت کلی فرضیه پنجم این تحقیق مبنی بر اینکه «انتشار رمزپول بانک مرکزی بر تجارت خارجی و مبادلات بین‌المللی تاثیر معناداری دارد.» پذیرفته نمی‌شود. هر چند که رمزپول بانک مرکزی پیمان‌های پولی و همکاری پلتفرم‌های بین‌المللی را به صورت معناداری بهبود می‌دهد. بر اساس آزمون ریز گزاره‌های مربوط به این فرضیه، رمزپول بانک مرکزی قادر نیست امور تجار، تحریم پذیری کمتر و تسهیل تسویه‌های بین‌المللی قادر به بهبود و تسهیل تجارت خارجی و مبادلات بین‌المللی را به صورت معنادار بهبود دهد.

جدول شماره (۱۱) آزمون فرضیه تاثیر رمزیول بانک مرکزی بر تسهیل تجارت و مبادلات بین‌المللی

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|---|-----------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|----------|-----------------------------|
| | | | | | | | حد بالا | حد پایین | |
| 1 | تاثیر بر تسهیل تجارت و مبادلات بین‌المللی | tejarat_t | -۰/۶۶۴ | ۹۱ | ۰/۵۰۸ | -۰/۰۳۴ | -۰/۱۳۷ | ۰/۰۶۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۱۲) آزمون فرضیه زیرگزاره‌های مربوط به تاثیر رمزیول بانک مرکزی بر تسهیل تجارت و مبادلات

بین‌المللی

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|--|----------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|----------|-----------------------------|
| | | | | | | | حد بالا | حد پایین | |
| ۱ | رمزیول بانک مرکزی در هر موقعیت زمانی و مکانی برای تجار در دسترس و قابل تبدیل است. | tejarat1 | ۰/۱۷۹ | ۹۱ | ۰/۸۵۹ | ۰/۰۲۲ | -۰/۲۲۰ | ۰/۲۶۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۲ | کاربرد رمزیول بانک مرکزی به یک منطقه جغرافیایی خاص محدود نیست و می‌تواند به صورت بین‌المللی مورد استفاده قرار بگیرد. | tejarat2 | -۲/۹۴۵ | ۹۱ | ۰/۰۰۴ | -۳۸۰ | -۰/۶۳۷ | -۰/۱۲۴ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۳ | رمزیول بانک مرکزی توسعه پیمان‌های پولی دو یا چند جانبه را تسهیل می‌کند. | tejarat3 | ۱/۹۱۳ | ۹۱ | ۰/۰۵۹ | ۰/۲۶۱ | -۰/۰۱۰ | ۰/۵۳۲ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۴ | رمزیول بانک مرکزی قابلیت تحریم پذیری کمتری دارد. | tejarat4 | -۱/۳۴۲ | ۹۱ | ۰/۱۸۳ | -۰/۱۰۹ | -۰/۲۷۰ | ۰/۰۵۲ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۵ | رمزیول بانک مرکزی تسویه‌های بین‌المللی را تسهیل می‌کند. | tejarat5 | -۴/۸۳۱ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | -۰/۶۵۶ | -۰/۷۹۸ | -۰/۳۳۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۶ | رمزیول بانک مرکزی قابلیت همکاری پلتفرم‌های مختلف داخلی و بین‌المللی را تقویت می‌کند. | tejarat6 | ۴/۸۷۴ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | -۰/۶۵۶ | -۰/۳۳۵ | ۰/۷۹۶ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه ششم: انتشار رمزیول بانک مرکزی بر سیستم پرداخت تاثیر معنادار دارد.

سیستم پرداخت زیر ساخت اصلی نظام پولی و بانکی کشور محسوب می‌شود. سیستم پرداخت نوین و کارآمد می‌تواند در بهبود عملکرد نظام پولی و بانکی کشور نقش اساسی ایفا کند. نتایج آماری حاصل از آزمون تی

استودنت پاسخ‌های ارائه شده؛ نشان می‌دهد که به صورت کلی فرضیه ششم این تحقیق مبنی بر اینکه «انتشار رمزپول بانک مرکزی بر سیستم پرداخت تاثیر معناداری دارد.» پذیرفته می‌شود. بر اساس آزمون ریز گزاره‌های مربوط به این فرضیه، رمزپول بانک مرکزی با توسعه قابلیت انجام تراکنش‌های بدون واسطه، بهبود هدایت اعتبار و تامین مالی زنجیره ای تولید، کاهش هزینه‌های نظام پرداخت را در مقایسه با سیستم متعارف، توسعه کارکردهای اقتصاد دیجیتالی و توکنایزی در نظام پرداخت، توسعه و ارتقا نظارت، امنیت و انجام تراکنش‌های پرداخت به سرعت و با حفظ امنیت لازم سیستم پرداخت را بهبود خواهد داد.

جدول شماره (۱۳) آزمون فرضیه تاثیر رمزپول بانک مرکزی بر سیستم پرداخت

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|-----------------------|----------|---------|------------|----------|-----------------------|---------|----------------------------|
| | | | | | | حد پایین | حد بالا | |
| ۱ | تاثیر بر سیستم پرداخت | system_t | ۸/۷۰۰ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۱۱ | ۰/۳۱۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۱۴) آزمون فرضیه زیر گزاره‌های مربوط به تاثیر رمزپول بانک مرکزی بر سیستم پرداخت

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|---|---------|---------|------------|----------|-----------------------|---------|-----------------------------|
| | | | | | | حد پایین | حد بالا | |
| ۱ | رمزپول بانک مرکزی نوعی بدهی بانک مرکزی است که ویژگی‌های منحصر به فرد پول بانک مرکزی را به اشخاص حقوقی مورد تایید ارائه می‌دهد | system1 | -۵/۰۵۶ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | -۰/۵۶۵ | -۰/۷۸۷ | فرضیه تحقیق پذیرفته نمی‌شود |
| ۲ | قابلیت انجام تراکنش‌های بدون واسطه با رمز ارز بانک مرکزی توسعه پیدا می‌کند. | system2 | ۴/۶۵۵ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۵۴ | ۰/۳۱۸ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۳ | رمزپول بانک مرکزی با بهبود هدایت اعتبار و تامین مالی زنجیره ای نظام مالی را ارتقا خواهد داد. | system3 | ۵/۷۱۸ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۶۳ | ۰/۴۳۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۴ | رمزپول بانک مرکزی هزینه‌های نظام پرداخت را در مقایسه با سیستم متعارف کاهش می‌دهد. | system4 | ۳/۵۰۷ | ۹۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۰۲ | ۰/۱۷۴ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۵ | رمزپول بانک مرکزی کارکردهای اقتصاد دیجیتالی و توکنایزی را در نظام پرداخت توسعه می‌دهد. | system5 | ۵/۴۱۳ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۲۰ | ۰/۳۹۲ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |
| ۶ | با رمزپول بانک مرکزی بانک مرکزی میتواند هرگونه فعالیت | system6 | ۳/۵۳۶ | ۹۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۳۵ | ۰/۱۹۱ | فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود |

| نتیجه | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | تفاضل میانگین | معناداری | درجه آزادی | آماره t | نماد | گزاره | ردیف |
|----------------------------|-----------------------|----------|---------------|----------|------------|---------|---------|---|------|
| | حد بالا | حد پایین | | | | | | | |
| | | | | | | | | غیرمعمول را نظارت و اقدامات ضد تقلب را برای افزایش امنیت سیستم انجام دهد | |
| فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود | ۱/۰۰۴ | ۰/۵۴۰ | ۰/۷۷۲ | ۰/۰۰۰ | ۹۱ | ۶/۶۰۸ | system7 | با رمزیول بانک مرکزی تراکنشهای پرداخت به سرعت و با حفظ امنیت لازم انجام میگردد. | ۷ |

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه هفتم: انتشار رمزیول بانک مرکزی بر بازار بین بانکی تاثیر معنادار دارد.

بازار بین بانکی مهم‌ترین بستر شکل‌گیری سیاست‌های پولی است که در قالب کانال نرخ بهره و عملیات بازار باز فعالیت می‌کند. نتایج آماري حاصل از آزمون تی استودنت پاسخ‌های ارائه شده؛ نشان می‌دهد که به صورت کلی فرضیه‌ی ششم این تحقیق مبنی بر اینکه «انتشار رمزیول بانک مرکزی بر بازار بین بانکی تاثیر معناداری دارد.» پذیرفته می‌شود. بر اساس آزمون ریز گزاره‌های مربوط به این فرضیه، رمزیول بانک مرکزی با تسهیل تو سعه داده و معاملات، قابلیت بکارگیری به عنوان ابزار سپرده گذاری و تسهیلات گیری، استفاده همانند اوراق در تسهیلات و سپرده پذیری قاعده مند، استفاده به عنوان جایگزین اوراق ودیعه بانک مرکزی، کاهش نرخ بازار بین بانکی (هزینه تامین مالی بین بانکی) و تقویت نقش بانک مرکزی در بازار بین بانکی قادر است به صورت معنادار بازار بین بانکی را توسعه و عملکرد آن را بهبود بخشد.

جدول شماره (۱۵) آزمون فرضیه تاثیر رمزیول بانک مرکزی بر بازار بین بانکی

| نتیجه | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | تفاضل میانگین | معناداری | درجه آزادی | آماره t | نماد | گزاره | ردیف |
|----------------------------|-----------------------|----------|---------------|----------|------------|---------|---------|--------------------------|------|
| | حد بالا | حد پایین | | | | | | | |
| فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود | ۰/۵۴۱۰ | ۰/۴۳۰۹ | ۰/۴۸۶۰ | ۰/۰۰۰ | ۳۵۵/۰۰۰ | ۱۷/۳۴۹۴ | banki_t | تاثیر بر بازار بین بانکی | ۱ |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۱۶) آزمون فرضیه زیرگزاره‌های مربوط به تاثیر رمزیول بانک مرکزی بر بازار بین بانکی

| نتیجه | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | تفاضل میانگین | معناداری | درجه آزادی | آماره t | نماد | گزاره | ردیف |
|----------------------------|-----------------------|----------|---------------|----------|------------|---------|--------|--|------|
| | حد بالا | حد پایین | | | | | | | |
| فرضیه تحقیق پذیرفته می‌شود | 0.528 | 0.353 | 0.440 | 0.000 | 91 | ۹/۹۷۴ | banki1 | رمزیول بانک مرکزی بازار بین بانکی را می‌تواند توسعه داده و معاملات را تسهیل کند. | ۱ |

| ردیف | گزاره | نماد | آماره t | درجه آزادی | معناداری | تفاضل میانگین | فاصله اطمینان ۹۵ درصد | | نتیجه |
|------|--|--------|---------|------------|----------|---------------|-----------------------|---------|----------------------------|
| | | | | | | | حد پایین | حد بالا | |
| ۲ | رمزپول بانک مرکزی می تواند به عنوان ابزار سپرده گذاری و تسهیلات گیری در بازار بین بانکی عمل کند. | banki2 | ۳/۲۶۱ | ۹۱ | ۰/۰۰۲ | ۰/۴۱۳ | ۰/۱۶۱ | ۰/۶۶۵ | فرضیه تحقیق پذیرفته می شود |
| ۳ | رمزپول بانک مرکزی می تواند همانند اوراق در تسهیلات و سپرده پذیری قاعده مند مورد استفاده قرار گیرد. | banki3 | ۳/۴۷۹ | ۹۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۳۹۱ | ۰/۱۶۸ | ۰/۶۱۵ | فرضیه تحقیق پذیرفته می شود |
| ۴ | رمزپول بانک مرکزی می تواند به عنوان جایگزین اوراق ودیعه بانک مرکزی عمل کند. | banki4 | ۴/۶۹۸ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۱۱ | ۰/۳۹۵ | ۰/۷۳۷ | فرضیه تحقیق پذیرفته می شود |
| ۵ | رمزپول بانک مرکزی نرخ بازار بین بانکی (هزینه تامین مالی بین بانکی) را کاهش خواهد داد. | banki5 | ۵/۴۲۱ | ۹۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۴۱ | ۰/۴۰۶ | ۰/۸۷۶ | فرضیه تحقیق پذیرفته می شود |
| ۶ | رمزپول بانک مرکزی نقش بانک مرکزی در بازار بین بانکی را تقویت می کند. | banki6 | ۳/۴۱۷ | ۹۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۴۱۳ | ۰/۱۷۳ | ۰/۶۵۳ | فرضیه تحقیق پذیرفته می شود |

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

رمزپول بانک مرکزی «شکلی دیجیتالی از پول بانک مرکزی است که با ذخایر یا پول نقد رایج متفاوت است». این نوع از پول در واقع یک ابزار پرداخت دیجیتالی است که بر حسب واحد شمارش پول ملی بیان می شود و نوعی بدهی مستقیم بانک مرکزی است. رمزپول بانک مرکزی می تواند به صورت حساب محور بودن یا توکن محور بودن، استفاده از مقدار اسمی ثابت، یا تعدیل ارزش رمزپول بانک مرکزی و یا قرار دادن نرخ بهره بر روی آن منتشر شود. از مزایای انتشار رمزپول بانک مرکزی عبارتند از: کاهش ریسک از دست رفتن حاکمیت پولی، تداوم دسترسی مردم به پول بانک مرکزی، انعطاف پذیری برای مشتری، افزایش قدرت و انگیزه بانک مرکزی برای برخورد با بانک‌های ورشکسته و متخلف و همچنین امکان کاهش و تنظیم قدرت خلق پول بانک‌ها است. علاوه بر این موارد رمزپول بانک مرکزی می تواند کل سیستم پرداخت و بازار

بین بانکی را متاثر کند. ماحصل این تغییرات در بستر، ابزارها و کانال‌های تاثیرگذاری سیاست پولی انتظار بر این است که متغیرهای حقیقی بخش کلان اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی و سرمایه گذاری نیز تغییر کنند. در این ارتباط هر چند ادبیات متقن و دقیقی وجود ندارد و مطالعات عمدتاً از جنس کیفی هستند اما در مطالعات تجربی فارغ از نوع روش شناسی کمی و کیفی آنها شواهدی از تاثیر معنادار رمزپول بانک مرکزی‌ها بر متغیرهای بخش پولی و حقیقی اقتصاد مشاهده می‌شود.

بر اساس نتایج این مطالعه، انتشار رمزپول بانک مرکزی با تسهیل امکان پرداخت‌های مستقیم و هدفمند (انتقالی و غیرانتقالی)، تسهیل هدایت اعتباری، تقویت تامین مالی زنجیره ای، بهبود نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی و تخصیص مستقیم تسهیلات توسط بانک مرکزی به بخش تولیدی در شرایط رکود باعث افزایش معنادار کارایی سیاست پولی خواهد شد. در ارتباط با تاثیر مثبت انتشار رمزپول بانک مرکزی بر سرمایه گذاری کانال‌های تاثیر گذاری توسعه هدایت اعتباری و نقدینگی به سرمایه گذاری مولد و تامین سرمایه در گردش با استفاده از تقویت و توسعه تامین مالی زنجیره‌ای است. در ارتباط با توسعه سیستم پرداخت نیز کانال‌های تاثیر گذاری توسعه قابلیت انجام تراکنش‌های بدون واسطه، بهبود هدایت اعتبار و تامین مالی زنجیره ای تولید، کاهش هزینه‌های نظام پرداخت را در مقایسه با سیستم متعارف، توسعه کارکردهای اقتصاد دیجیتال و توکنایزی در نظام پرداخت، توسعه و ارتقا نظارت، امنیت و انجام تراکنش‌های پرداخت با سرعت و حفظ امنیت لازم می‌باشد. همچنین انتشار رمزپول بانک مرکزی، بازار بین بانکی را از طریق کانال‌های تسهیل توسعه داده و معاملات، قابلیت بکارگیری به عنوان ابزار سپرده گذاری و تسهیلات گیری، استفاده همانند اوراق در تسهیلات و سپرده پذیری قاعده مند، استفاده به عنوان جایگزین اوراق ودیعه بانک مرکزی، کاهش نرخ بازار بین بانکی (هزینه تامین مالی بین بانکی) و تقویت نقش بانک مرکزی در بازار بین بانکی متاثر می‌کند.

بر اساس نتایج فوق، می‌توان ادعا کرد که رمزپول بانک مرکزی می‌تواند در بهبود وضعیت متغیرهای اسمی- پولی اقتصاد بهبود حاصل کند. بهبود کارایی ابزارهای سیاست‌های پولی، بهبود بسترهای سیاست‌گذاری پولی شامل بازار بین بانکی، بهبود بسترهای انتقال مکانیسم‌های پولی شامل سیستم پرداخت، بهبود اصابت به هدف تامین مالی (بهبود سرمایه‌گذاری) از جمله آثار مثبت انتشار رمزپول بانک مرکزی است که نتایج این مطالعه نیز از نظر شواهد آماری این امر را تایید کرد. عملکرد نظام پولی و بانکی در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دچار چالش‌های جدی است و این چالش‌ها در عرصه‌ی مختلف آن عیان است. از جمله این چالش‌ها محدود بودن ابزارهای سیاست‌گذاری پولی، عدم توسعه بازار بین بانکی، کارایی پایین سیاست‌های پولی و عدم اصابت به هدف تامین مالی بانکی و در نتیجه منفی شدن سرمایه گذاری بخش خصوصی می‌باشد. بر اساس نتایج این مطالعه، انتشار رمزپول بانک مرکزی می‌تواند در تعدیل و تخفیف این چالش‌ها در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی را ایفا کند.

بر اساس نتایج این مطالعه پیشنهاد می‌شود، بانک مرکزی به انتشار رمزپول بانک مرکزی به صورت عمده اقدام کند. این امر به بهبود وضعیت بازار بین بانکی، توسعه سیستم پرداخت، کنترل تورم و کاهش بی‌ثباتی رشد اقتصادی (بهبود کارایی سیاست پولی) و تامین مالی و سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور کمک شایانی

خواهد کرد. رمپول بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می تواند در بازار بین بانکی و همچنین تبادلات میان بنگاه‌های بزرگ اقتصادی بکارگرفته شود. این اقدام کمک می کند تا با توجه به امنیت و شفافیت این ابزار نظارت‌های بانک مرکزی بر کل اقتصاد افزایش پیدا کند و سیاست‌های کلان به بخش‌های مختلف اقتصادی تسری و نفوذ پیدا کند. انتشار رمپول‌های بانک مرکزی به صورت عمده علاوه بر درگیر کردن بانک‌ها با این پرو سه بنگاه‌های بزرگ اقتصادی را نیز درگیر می کند و به این واسطه فضای اقتصاد کلان را بیشتر متاثر می کند.

بانک مرکزی می تواند رمز ارز خود را به پشتوانه ذخایر خود منتشر کند. این انتشار یکی می تواند به پشتوانه طلا باشد که در اختیار بانک‌ها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی قرار گیرد و دیگری اینکه می تواند این رمپول‌ها را به اعتبار خود منتشر کرده و جز بدهی‌های بانک قرار دهد و نرخ ثابتی را برای آن در نظر گیرد. با توجه به اینکه در انتشار رمپول‌های بانک مرکزی به صورت عمده یک طرف بانک مرکزی است. هر چه واسطه‌ها در این مسیر کمتر شود و بدون واسطه بودن استفاده از رمپول به تسریع در سیستم‌های پرداخت کمک خواهد کرد. رمپول منتشره توسط بانک مرکزی می تواند در اختیار بنگاه‌ها قرار گیرد. این بنگاه‌ها دیگر نیازی نیست که برای تسهیلات حمایتی خود به بانک مراجعه کرده و روال اداری آن را طی کنند. بلکه می توانند مستقیم از بانک مرکزی دریافت کنند این امر مکانیسم انتقال پولی را تسریع می کند. رمپول بانک مرکزی با توجه به شفافیت بالایی که دارد و اینکه فقط افراد خاصی می توانند از آن استفاده کنند کمک می کند تا هدایت اعتباری بهتر اتفاق افتد و اینکه بنگاه‌ها این رمپول‌ها را می توانند در همان بخشی که مشخص شده هزینه کنند.

یکی از کاربردهایی که می تواند رمپول‌های بانک مرکزی داشته باشد این است که در اختیار زنجیره‌های مختلف تولیدی قرار گیرد. به عنوان مثال از این رمپول‌ها برای حمایت از صنایع خاص می توان استفاده کرد. یا در اختیار بانک‌ها قرار دادن این رمپول‌ها کمک می کند تا مبادلات با سرعت بیشتری انجام شود و از طرفی به کاهش هزینه‌های تولید کمک شایانی داشته باشد. رمپول‌های بانک مرکزی به صورت عمده می تواند کارکردهای متعددی را برای بنگاه‌ها و بانک‌ها داشته باشد که یکی از کارکردها در زمینه سرمایه گذاری و سرمایه پذیری است. شفافیت و در کنار آن هزینه پایین رمپول‌های بانک مرکزی منجر به پایین آمدن هزینه‌های سرمایه گذاری خواهد شد. یکی از کاربردهای اصلی رمپول بانک مرکزی مقابله با پولشویی است. این اتفاق زماين خواهد افتاد که شفافیت لازم و همچنین امنیت مورد نظر در این نوع از ابزار وجود داشته باشد. رکن دیگری که می تواند رمپول بانک مرکزی را نسبت به سایر سیستم‌های پرداختی متمایز سازد، سرعت و امنیت در کنار یکدیگر است. این امر منجر می شود که بنگاه‌ها و بانک‌ها از این نوع پرداخت استفاده کنند. همچنین بانک مرکزی می تواند رمپول خود را به عنوان یک ابزار وثیقه قرار دهد. به صورتی که بانک‌ها با در اختیار داشتن این وثیقه می توانند آن را نزد بانک مرکزی گذاشته و با توجه به مبلغ آن و اعتبار آن سپرده دریافت کنند.

منابع و ماخذ

منابع فارسی

- احسانی، محمدعلی، و خطیبی، یاسر (۱۳۹۱). اثر سقف نرخ بهره بر سرمایه گذاری خصوصی در اقتصاد ایران به روش معادلات همزمان، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۲، شماره ۸، ص ۶۹-۸۲.
- اصغرپور، داود (۱۳۸۵). کتابشناسی روش تحقیق و روششناسی علوم انسانی. تهران: انتشارات دانشگاه و حوزه.
- ایمانی پور، محمد مهدی و سلطانی نژاد، حامد (۱۳۹۶). بررسی فقهی پول مجازی، دو فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۲، ص ۱۶۷-۱۹۲.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای کندوکاو در مسایل نظام آموزشی و حل آنها. روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۷۶، ص ۱۰۱-۱۲۰.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران-معاونت فناوری‌های نوین (۱۳۹۷). الزامات و ضوابط فعالیت در حوزه رمز ارزها در کشور.
- بست، جان (۱۳۸۲). روش‌های در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه: حسین پاشا شریفی و نرگس طالقانی، جوانه رشد.
- جورابچی، کیوان (۱۳۹۸). روش، نظریه و نسبت میان آن دو؛ واکاوی مفهوم روش و نظریه از دو منظر کمی و کیفی، روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۲۵، شماره ۹۸، ص ۱-۲۸.
- حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی (۱۳۹۴). ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تأکید بر نرخ ذخیره قانونی، (پایان نامه دکتری). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۱). روش تحقیق در مدیریت (با رویکرد پیمایشی)، تهران: انتشارات فوژان.
- دالور، علی (۱۳۹۶). مبانی نظری و عملی در پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
- دانایی فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد/اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۶۹ تا ۹۸.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل (۱۳۹۲). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، چاپ هشتم، تهران: انتشارات صفار.
- سکاران، اوما، (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در مدیریت، ترجمه: محمد صائبی و محمود شیرازی، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- صانعی، اشرف السادات و نیکبخت نصرآبادی، علیرضا (۱۳۸۳). روش‌شناسی تحقیقات کیفی در علوم پزشکی، تهران: انتشارات برای فردا.
- قائدی، محمدرضا و گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا، از کمی گرایی تا کیفی گرایی، فصلنامه علمی روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، دوره ۷، شماره ۲۳، ص ۵۷-۸۲.

- شادکار، محمد سعید، (۱۴۰۰)، بهبود ثبات مالی از طریق طراحی نظام بانکی مبتنی بر پول دیجیتال بانک مرکزی، *فصلنامه اقتصاد دفاع*، دوره ۶، شماره ۲۰، ص ۱۴۷-۱۷۰.
- شهیدی، علی، فرزین، محمدرضا، و عرفانیان، حسین (۱۴۰۰). تحلیل ترازنامه ای تاثیرات جانشینی پول دیجیتال بانک مرکزی به جای سپرده‌های بانکی بر ترازنامه کنشگران اقتصادی. *راهبرد اقتصادی*، دوره ۱۰، شماره ۳۹، ص ۶۲۵-۶۵۶.
- یزدی نژاد، امیر، و دهقان، عبدالمجید (۱۴۰۰). یک چارچوب مبتنی بر بلاکچین EOSIO برای ارز دیجیتال بانک مرکزی (CBDC). *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)*، دوره ۱۴، شماره ۵۰، ص ۱۸۷-۲۰۰.
- کرلینجر، فردریک نیکلز، (۱۳۷۶)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه: حسین پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران: انتشارات آوای نور.
- گزارش مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۱۹). *بانک‌های مرکزی و فناوری دفتر کل توزیع شده*، ترجمه شده توسط راه پرداخت.
- محمد پور، احمد (۱۳۸۹). *فراروش بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- مومنی، منوچهر و فعال قیومی، علی (۱۳۸۶). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS*، تهران: انتشارات کتاب نو.
- مهدیزاده اشرفی، علی و حسینی، سیدمهدی (۱۳۹۶). *روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: انتشارات سیاه‌رود.
- نیومن، الرنس (۱۳۹۵). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه ابوالحسن فقیهی و غسل آغاز، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات ترمه.
- یعقوبی، نورمحمد؛ آذر، عادل و همراهی، مهرداد (۱۳۹۶). *روش تحقیق در مدیریت با رویکردی به نگارش پایان نامه تحصیلی*. چاپ چهارم، مشهد: انتشارات مرنديز.

منابع لاتین

- Welk, D., & Anderson, J. (2004). Quantitative vs. qualitative concepts in proposal writing.
- Allen, S., Čapkun, S., Eyal, I., Fanti, G., Ford, B. A., Grimmelmann, J., ... & Prasad, E. (2020). *Design Choices for Central Bank Digital Currency: Policy and Technical Considerations* (No. w27634). National Bureau of Economic Research.
- Barrdear, John, Kumhof, Michael (2019). *The Macroeconomics of Central Bank Issued Digital Currencies*, Bank for International Settlements

- Belke, A., & Beretta, E. (2020). "From cash to central bank digital currencies and cryptocurrencies: A balancing act between modernity and monetary stability. *Journal of Economic Studies*, 66(2),25-44.
- Beniak, Patricja (2019), *Central Bank Digital Currency and Monetary Policy: A Literature Review*, Munich Personal Repec Archive
- BIS (2018). *Central bank digital currencies*, Bank for international settlements.
- BIS (2020). *Central bank digital currencies: foundational principles and core features*, Report No.1, Bank for International Settlements.
- Boel, Paola (2016). Thinking about the Future of Money and Potential Implications for Central Banks. *Economic Review*, 71(1), 147-158.
- Bordo, M. D., & Levin, A. T. (2017). *Central bank digital currency and the future of monetary policy* (No. w23711). National Bureau of Economic Research.
- Bordo., Michael. & Pierre., Siklos. (2017). *Central Banks: Evolution and Innovation in Historical Perspectives*, Manuscript, Rutgers University.
- Brunnermeier, M, H James and J-P Landau (2019). The digitalization of money, NBER Working Papers, no 26300
- Buterin., Vitalik. (2016). *A Proof of Stake Design Philosophy*. Available at: <https://medium.com/@VitalikButerin/a-proof-of-stake-design-philosophy-506585978d51>.
- Carstens., Agustin (2021), *Central bank digital Currencies: putting a big idea into practice*, Bank for International Settlements
- Danezis., George and Sarah Meiklejohn (2016). *Centrally Banked Cryptocurrencies*. Available at: <http://dx.doi.org/10.14722/ndss.2016.23187>.
- Dyson, Ben and Graham Hodgson (2017). *Digital Cash: Why Central Banks Should Start Issuing Electronic Money*. Available at: http://positivemoney.org/wp-content/uploads/2016/01/Digital_Cash_WebPrintReady_20160113.pdf.
- Fatas, Antonio (2020). *The Economics of Fintech and Digital Currencies*, Centre for Economic Policy Research (CEPR)
- Fatas, Antonio (2020). *The Economics of Fintech and Digital Currencies*, Centre for Economic Policy Research (CEPR)
- Friedman, M. (1992). *A Program for Monetary Stability*, New York: Fordham University Press.
- Fung, Ben and Hanna Halaburda (2016). "Central Bank Digital Currencies: A Framework for Assessing Why and How." Available at: <http://www.bankofcanada.ca>
- Jackson, Andrew and Dyson, Ben (2012); *Modernising Money: Why Our Monetary System is Broken and how it can be Fixed*, Positive Money.

- Ketterer, Juan Antonio and Gabriela Andrade (2016). "Digital Central Bank Money and the Unbundling of the Bank Function." Inter-American Development Bank Discussion Paper 449.
- McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (2014), "Money in the modern economy: an introduction". Bank of England Quarterly Bulletin, Q1.
- McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (2014), "Money in the modern economy: an introduction". Bank of England Quarterly Bulletin, Q1.
- McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (2014), Money in the modern economy: an introduction. Bank of England Quarterly Bulletin, Q1.
- Niepelt, D (2020), "Digital money and central bank digital currency: An executive summary for policymakers", VoxEU.org, 3 February.
- Niepelt, D (2020), "Digital money and central bank digital currency: An executive summary for policymakers", VoxEU.org, 3 February.
- Powell, Jerome (2017). "Innovation, Technology, and the Payments System." Available at: <https://www.federalreserve.gov/newsevents/speech/powell20170303a.htm>.
- Purnawan, M. E., & Riyanti, R. (2019). "Significant Effect of the Central Bank Digital Currency on the Design of Monetary Policy". Jurnal Ekonomi Indonesia, 8(1), 125-151.
- Raskin, Max and David Raskin (2016a). "Digital Currencies, Decentralized Ledgers, and the Future of Central Banking" NBER Working Paper 22238.
- Rogoff, Kenneth (2016). *The Curse of Cash*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Rothbard N. Murray (2008). *The Mystery of Banking*, Ludwig von Mises Institute, Auburn, Alabama.
- Chan, C. W., & Chang, C. C. (2006, October). A new scheme for the electronic coin. In 2006 IEEE International Conference on e-Business Engineering (ICEBE'06) (pp. 339-343). IEEE.
- Nguyen, Q. K. (2016, November). Blockchain-a financial technology for future sustainable development. In 2016 3rd International conference on green technology and sustainable development (GTSD) (pp. 51-54). IEEE.
- Bindseil, U. (2019). Central bank digital currency: Financial system implications and control. International Journal of Political Economy, 48(4), 303-335.
- Beniak, P. (2019). Central bank digital currency and monetary policy: a literature review.
- Bank for International Settlements (2019). Investigating the impact of global stablecoins, G7-International Monetary Fund- BIS Committee on Payments and Market Infrastructures, October.

- Klein, M., Gross, J., & Sandner, P. (2020). The digital euro and the role of DLT for central bank digital currencies. Frankfurt School Blockchain Center Working Paper.
- Holloway, I., & Wheeler, S. (1996). Qualitative research for nurses (pp. p115-129). Oxford: Blackwell Science.
- Bordo, M. D., & Levin, A. T. (2017). Central bank digital currency and the future of monetary policy (No. w23711). National Bureau of Economic Research.
- Cunha, P. R., Melo, P., & Sebastião, H. (2021). From bitcoin to central bank digital currencies: Making sense of the digital money revolution. *Future Internet*, 13(7), 165.
- Shen, W., & Hou, L. (2021). China's central bank digital currency and its impacts on monetary policy and payment competition: Game changer or regulatory toolkit?. *Computer Law & Security Review*, 41, 105577.
- Aysan, A. F., Sadriu, B., & Topuz, H. (2020). Blockchain futures in cryptocurrencies, trade and finance: a preliminary assessment. *Buletin Ekonomi Moneter Dan Perbankan*, 23(4), 525-542.
- Hoffman, S., Garnaut, J., Izenman, K., Johnson, M. D., Pascoe, A., Ryan, F., & Thomas, E. (2020). The flipside of China's central bank digital currency. Canberra: Australian Strategic Policy Institute.
- Shirai, S. (2019). Money and central bank digital currency.
- Grym, A., Heikkinen, P., Kauko, K., & Takala, K. (2017). Central bank digital currency.
- Dashkevich, N., Counsell, S., & Destefanis, G. (2020). Blockchain application for central banks: A systematic mapping study. *IEEE Access*, 8, 139918-139952.
- Bordo, M. D., & Levin, A. T. (2017). Central bank digital currency and the future of monetary policy (No. w23711). National Bureau of Economic Research.
- Chuen, D. L. K., & Teo, E. (2021). The new money: the utility of cryptocurrencies and the need for a new monetary policy. In *Disintermediation Economics: The Impact of Blockchain on Markets and Policies* (pp. 111-172). Cham: Springer International Publishing.
- Brunnermeier, M. K., James, H., & Landau, J. P. (2019). *The digitalization of money* (No. w26300). National Bureau of Economic Research.
- Raskin, M. (2016). The law and legality of smart contracts. *Geo. L. Tech. Rev.*, 1, 305.
- Dyson, B., & Hodgson, G. (2016). *Digital Cash: Why Central Banks Should Issue Digital Currency*. London: Positive Money.
- Rogoff, K., & Scazzero, J. (2021). Covid Cash. *Cato J.*, 41, 571.

- Bordo, M. D. (2017). The second era of globalization is not yet over: An historical perspective (No. w23786). National Bureau of Economic Research.
- McLeay, M., Radia, A., & Thomas, R. (2014). Money creation in the modern economy. Bank of England quarterly bulletin, Q1.
- Brunnermeier, M. K., & Niepelt, D. (2019). On the equivalence of private and public money. Journal of Monetary Economics, 106, 27-41.

Empirical Test of Non-Linear Relationship between Military Spending and Unemployment

Abolghasem Golkhandan^{1*}

Abstract

Empirical literature on the relationship between military spending and unemployment presents heterogeneous and different findings. A group of studies show that military spending can help reduce unemployment, while another group has concluded that military spending exacerbates unemployment. A group also shows that there is no relationship between military spending and unemployment. According to this, Lee (2021) using a theoretical model including supply-side effect, demand-side effect and security effect caused by military spending in the form of a random endogenous model shows that the relationship between military burden and unemployment (employment) is non-linear and U-shaped (U reverse). In this regard, the main goal of this article is the empirical test of this hypothesis in 171 countries of the world during the years 2001-2020. For this purpose, the effect of military burden on the unemployment rate has been modeled by using the theoretical literature and applying the threshold panel method. The results show that the effect of military burden on unemployment is non-linear and in the form of a U-shaped relationship. The threshold level value of military spending is also estimated at 1.61% of GDP. In other words, before the threshold level, the military burden had a negative and significant effect on the unemployment rate; But after crossing this threshold level, the military burden has a positive and significant effect on the unemployment rate, which confirms the hypothesis of Lee (2021).

Keywords: Military Burden, Unemployment, Non-Linear Relationship, Threshold Level.

¹ Ph.D. of Public Sector Economics, Faculty of Economic & Administrative Sciences, Lorestan University, Khoram Abad, Iran. Corresponding Author. (golkhandana@gmail.com)

Examining the Effect of Political Factors and their Interaction with Economic Factors and policies of the government on the Defense Budget of I.R. Iran

Mahdi Riazi¹
Asghar Saleh Esfehiani²
Hamidreza Tabesh^{3*}

Abstract

The aim of the present paper is to examine the role of political factors and their interaction with economic factors on the defense budget Islamic Republic of Iran via the policies adopted by the government. This paper can be classified as mixed exploratory research and is carried out in two qualitative and quantitative stages. The statistical population of this research is comprised of managers and experts active in economic and defense fields. Accordingly, the research sample was chosen through a selective non-random sampling method, identifying 17 experts. Subsequently, we used the Available Cluster Sampling method to identify a statistical sample of 385 people and managed to collect answers to 320 questionnaires.

The results indicate that political factors have a significant (at the error level of less than 1 percent) effect on the defense budget of the Republic of Iran, through shaping the policies adopted by the government. Furthermore, the intensity of the influence of political factors on the defense budget through the policies adopted by the government is estimated at 0.333. On the hand, we find that the effect of economic factors on the defense budget through the policies adopted by the government is significant at the error level of less than 1% and estimate their intensity of its impact at 0.538. Finally, we find that the resultant effect of the interaction between political factors and economic factors on the defense budget to be not significant at the error level of less than 1%, hence the resultant effect of the interaction between these two factors on the defense budget could not be confirmed.

Keywords: Political factors, Defense budget, Economic factors, Government policies.

¹ Ph.D. in Production and Operations Management, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. (kolahdoz93@gmail.com)

² Associate Professor, Department of Strategic Management, Faculty of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. (saleh.a110@gmail.com)

³ M.A. in Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Corresponding Author. (hamidrezatabesh123@gmail.com)

Strategic Model of Economic Passive Defense in Pursuit of Resistance Economy

Davood Nasrabadi¹
Seyyed Mahdi Mousavian^{2*}

Abstract

With the occurrence of the Islamic Revolution and the existence of a conflict in the type of worldview and its ideology with the worldview and ideology propagated in the West, the Iranian economy is in a state called economic war. Then, there is a need to present strategies called economic passive defense. In this study, Emphasizing sanctions as a tool of economic warfare, resistance economics has been considered as an upstream document and standard for developing economic passive defense criteria in accordance with the conditions of Iran's economy. In this study, after interviewing elites and experts in the field of resistance economics and economic passive defense, Components and criteria of economic passive defense model identified as strengths, weaknesses, opportunities and threats in the areas of deterrence, vulnerability reduction and continuity of activities in the form of SWOT table. Finally, the ANP method is used to analyze and rank the strategies in the form of SWOT-ANP method. According to the results, 15 strengths, 26 weaknesses, 9 opportunity points and 10 threat points were identified. The results showed that among the main criteria, the weakness with a weight of 0.316 is first, the strength is second (0.298), the criterion of opportunity is third (0.237) and the criterion of threat is fourth (0.149). Also among the 4 strategies identified, WO strategy with a weight of 0.4 ranked first, WT strategy ranked second (0.23), SO strategy ranked third (0.209) and ST strategy with a weight of 0.157 ranked fourth.

Keywords: Economic passive defense, Resistance economy, Strategy, SWOT-ANP model.

¹ Ph.D. in Economic Sciences, Faculty of Economics, Imam Sadiq University, Tehran. Iran. (86economist@gmail.com)

² Ph.D. in Economic Sciences, Faculty of Economics & Management, University of Tabriz, East Azarbaijan. Iran. Corresponding Author. (me.mousavian@gmail.com)

The Emergence of India as the Major Indo-Pacific Power and its Implications for the American Hegemony

Mohammad Karampouri^{1*}
Fakhroddin Mohammadi²

Abstract

Recently, many analysts have charted the rise of great power competition over the global distribution of power amidst the current flux and emerging dynamics which are reshaping the global order (and themselves are largely driven by governments and security actors). Currently, India is a major power in the Indo-Pacific region by the virtue of its GDP and military power. By utilizing library-method of data collection and a descriptive-analytical research method, this article seeks to examine the implications of India's emergence as a great power for the American dominance over world order. The paper proposes the hypothesis that the emergence of new powers weakens unipolarity, thus, leading to a bipolar or multipolar world order. The paper further argues that over the short-term horizon India will further entrench its status as a regional hegemon in the Indo-Pacific region, whilst over the long-term horizon it will emerge as a great power in the international order. The results obtained indicate that India is gradually taking over the power share of the larger countries, namely China and the US, and reshaping the regional power balance in its favor. India's growing power may prima facie seem to pose a challenge to the US-led world order, which is currently in need of new comprehensive arrangements that reshape the balance of power internationally. However, it should be noted that India's strategic outlook which is based on cooperation and partnership with the US for containing the rise of China, which in turn implies that its regional leadership initiative could ultimately strengthen American hegemony in the Indo-Pacific.

Key words: India, America, China, Indo-Pacific, world order.

¹ Ph.D. student in Political Science, Faculty of Law & Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Razavi Khorasan, Iran. Corresponding Author.
(mohammad.karampouri@mail.um.ac.ir)

² M.A in International Relations, Faculty of Law & Political Science, Khwarazmi University, Tehran, Iran. (mohammadif725@gmail.com)

Examining the effects of Oil, Financial and Commercial Sanctions on Macroeconomic Variables using Structural Vector Autoregressive Model

Davood Manzoor¹
Mojtaba Seyyed Hosseinzadeh Yazdi^{2*}

Abstract

This study examines the effects of economic sanctions on the macroeconomic indicators of the Iranian economy by considering 'oil income shocks', 'primary materials import shocks', 'exchange rate shocks' and 'net capital inflow shocks'. Furthermore the examines the effects of economic sanctions on macroeconomic variables such as 'Gross Domestic Product', 'Consumer Price Index', 'Tax Revenues', 'Investment', and 'Consumption' by using a Structural Vector Autoregression (SVAR) model. Subsequently, after conducting statistical analysis and stationary test of the variables and determining the optimal interval, Impulse Response Functions (IRF) were extracted. The results of the study indicate that over the short term: (a) the shocks resulting from the exchange rate fluctuations and the import of raw materials respectively have had the most negative effects on macro-economic variables, whilst (b) Consumer price index, investment, gross domestic product, and tax revenues have been most negatively impacted by economic sanctions, respectively. On the other hand, over the long term: (a) the shocks resulting from the import of raw materials and the exchange rate have had the most negative effects on macroeconomic variables, whilst (b) the Consumer Price Index and consumption have been most negatively influenced by shocks resulting from the sanctions, respectively.

Keywords: Economic sanctions, Macroeconomics Variables, structural vector autoregressive (SVAR) model.

¹ Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (manzoordavood@gmail.com)

² Ph.D. in Economics, Department of Economics, Faculty of Economics Management and Administrative Sciences, Semnan University, Semnan, Iran. Corresponding Author. (14mojtaba@gmail.com)

Investigating the effects Currency Issuance by the Central Bank on the Macro Economy of Iran

Hamidreza Afshar¹
Amir Hossein Aghaee Meybodi^{2*}

Abstract

In recent years, the advent and development of new forms of e-currencies has threatened national currencies issued by central banks (which perform various functions on terms of exchanges and monetary policy). In view of the foregoing, Central Banks are trying to develop cryptocurrencies that perform both the functions of decentralized digital currencies whilst preserving the sovereignty of the national currencies. Various Cases of this effort are currently being trialed or studied on an experimental basis in many countries. This study investigates the effects wrought by the issuance of digital currencies by the Central Bank on the macro economy of Iran. For this purpose, the methodology of this paper relies on the analysis of data from interviews and questionnaires.

The results obtained indicate that the issuance of digital currencies by central banks can be effective in improving the nominal-monetary variables of the economy. Furthermore, among the other positive effects of the issuance of digital currencies include; enhancing the efficiency of monetary policy tools; increasing the efficacy of monetary policy platforms such as the interbank lending markets; improving monetary transfer mechanisms such as the payment system, improving the efficiency of financing and investment.

keywords: Central Bank Digital Currency, Macroeconomics, Transaction Cost, Economic Growth, Digital Money.

¹ Ph.D. Student in Strategic Management of cyber space, Faculty of Strategic Management, Supreme National Defense University, Tehran, Iran. (h.afshar@sndu.ac.ir)

² M.A in Business Management, Faculty of Economic and Administrative Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Razavi Khorasan, Iran. Corresponding Author.
(Amiraghuae653@gmail.com)

Table of Contents

Articles

- Empirical Test of Non-Linear Relationship between Military Spending and Unemployment I
Abolghasem Golkhandan
- Examining the Effect of Political Factors and their Interaction with Economic Factors and policies of the government on the Defense Budget of I.R. Iran II
Mahdi Riazi, Asghar Saleh Esfehiani & Hamidreza Tabesh
- Strategic Model of Economic Passive Defense in Pursuit of Resistance Economy..... III
Davood Nasrabadi & Seyyed Mahdi Mousavian
- The Emergence of India as the Major Indo-Pacific Power and its Implications for the American Hegemony IV
Mohammad Karampouri & Fakhroddin Mohammadi
- Examining the effects of Oil, Financial and Commercial Sanctions on Macroeconomic Variables using Structural Vector Autoregressive Model V
Davood Manzoor & Mojtaba Seyyed Hosseinzadeh Yazdi
- Investigating the effects Currency Issuance by the Central Bank on the Macro Economy of IranVI
Amir Hossein Aghaee Meybodi & Hamidreza Afshar

Quarterly Iranian Journal of
Defense Economics & Sustainable Development
Volume 8, Issue (28), Summer 2023

Proprietor: Defense Economics Scientific Association of Iran
Managing Director: Seyed Shamseddin Hosseini (Ph.D)
Chief Editor: Mohammad Reza Farzin (Ph.D)
Internal Director: Yavar Dashtbani (Ph.D)
Executive Director: Hossein Ahmadi

Editorial Board

Seyed Mohammad Reza Seyed Nourani (Ph.D)

Professor, University of Allameh Tabataba'i

Mahdi Ghazanfari (Ph.D)

Professor, Iran University of Science and Technology

Ali Emami Meybodi (Ph.D)

Professor, University of Allameh Tabataba'i

Mohammad Hossein Karim (Ph.D)

Professor, University of Kharazmi

Seyed Shamseddin Hosseini (Ph.D)

Associate Professor, University of Allameh Tabataba'i

Mohammad Reza Farzin (Ph.D)

Associate Professor, University of Allameh Tabataba'i

Fathollah Tari (Ph.D)

Associate Professor, University of Allameh Tabataba'i

دانش پژوهان گرامی، سلام:

نشریه ای که هم‌اینک با نام «فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار» در پیش روی دارید حاصل تلاش جمعی از استادان و پژوهشگران انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران و گروه منابع و اقتصاد دفاع دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی است. چنانچه تمایل به همکاری با ما دارید، فرم زیر را تکمیل و به دفتر نشریه ارسال فرمایید.

| | | | | | |
|---|---------------|----------------|-------|---------------------------------|------------|
| نام: | نام خانوادگی: | میزان تحصیلات: | رشته: | گرایش: | محل تحصیل: |
| آیا سابقه همکاری با نشریه دیگری را دارید: | | نام نشریه: | | موضوعات و زمینه‌های مورد علاقه: | |

فرم اشتراک نشریه انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران

پژوهشگران و علاقه‌مندان گرامی می‌توانند در صورت تمایل، فرم اشتراک نشریه را تکمیل و به نشانی زیر ارسال فرمایند.

| | | | |
|--------------------------------|------------------|---------------------------------------|-----------------|
| شخصی <input type="checkbox"/> | نام: | نام خانوادگی: | تاریخ اشتراک: |
| موسسه <input type="checkbox"/> | تعداد مورد نیاز: | وضعیت اشتراک: | کد اشتراک قبلی: |
| جدید <input type="checkbox"/> | نشانی کامل: | تجدید اشتراک <input type="checkbox"/> | کد اشتراک قبلی: |
| شغل: | همراه: | دورنما: | رایانامه: |
| تلفن: | کد پستی: | کد پستی: | |

نشانی: تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی، بین خیابان شهید بهشتی و خیابان شهید مطهری، نبش کوچه شهید، پلاک ۱۸۲، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران.

تلفن: ۸۸۷۲۸۹۴۷، دورنگار: ۸۸۷۲۸۹۵۱، پست الکترونیک: def_economics@mtrd.ir، صندوق پستی: ۶۳۱۵-۱۵۷۸۵

در صورت تغییر نشانی و یا عدم دریافت نشریه، مراتب را کتباً به دفتر نشریه اعلام فرمایید

